

سپاوون

شماره اول حمل ۱۳۶۸ مطابق اپریل ۱۹۸۹ مطابق
رمضان المبارک ۱۴۰۹ - سال دوم شمار مسلسل ۱۱



مورکیشیہ

صدای

جاودانہ

سدها

۲۰ لیلا، لیلا نوروز است

۲۲ خدا یاد دنیا دوروز است

۲۶ ۱۳۶۸ سال ولی دژر مار کال بولی؟

لکی فایف



۵۵۵

دعوت کھانا
و شخصہ مخصوص شہر شیرخوار شہر لاکھنؤ
لیکے فایف ہمیشہ پر خاطرہ خواہد ہے

آدرس: شہر لاکھنؤ مقابل مسجد جامع شیرخوار تیلیفون: ۲۰۲۱۰



یمار امین ویدیو کست

بعترین فلمعای ویدیو گلچین (پښتو، دړي ،
هندي وایراني) آماده فروش دارد . فلمبرد اړی از
محافل خوش شما یدیرفته میشود .
ادرس: منزل اول فروشگاه بزرگ افغان
۲۱۷۷۶-۲۰۷۰۴

عکاسخانه هروی

عکاسخانه هروی عکاسی محافل خوشو سرور شمارا
به بدترین وجه برگه از مینماید
(همچنان تیبویو یوسی)

اکدیس: چهار راه سردار
تق برفخانه
جمهوریت

خوراکه فروشی انوش

خوراکه فروشی انوش تازه به فعالیت آغاز نموده انواع خوراکه باب
را به قیمت های مناسب عرضه میدارد .
مشتری دایی خوراکه فروشی انوش باشید . همچنان مجلات
و جراید مورد علاقه تانرا ازین خوراکه فروشی
دستیاب کرده میتوانید .

اکدیس: چوک قلع فتح شه

سباوروس

اعلان تان شما را با شرایط بهتر بنیسه
میرساند

خوراکه فروشی سبزویش

خوراکه مورد
نیاز شمارا به
فروش میرساند .
همچنان بلوزهای
بهاره هندي ولباس -
چین از قبیل براهن ، دامن
جمبر های زنانه ، طفلانه و دخترانه
ساخت وطن را با قیمت های نازل بدسترس مرا -
جمعین محترن ترارمیدهد .
شما میتوانید مجلات و نشریه های مورد علاقه تانرا نیز بدست آرید .

اکدیس: سرک ۶ قلع فتح شه تق برفخانه برادران هوس

قرطاسیه فروشی سید احمد شاه

جدید
ترین لوازم
تحریر کلمپ
معارف .
اقسام کتاب
و کتابچه ، انواع قلم های
خود کار خود رنگ و ده ها قلم
اجناس دیگر مورد ضرورت تانرا به قیمت های مناسب
ورضایت بخش دستیاب نمایید . ادرس منزل اول فروشگاه بزرگ -
افغان . نمبر تلفون ۲۱۷۷۶

قرطاسیه فروشی اخبارک

کتاب ، قرطاسیه ، مجلات و کارتهای
تربیتی ارزان و خوب
اکدیس: منزل اول فروشگاه بزرگ فغان

قرطاسیه فروشی دوست

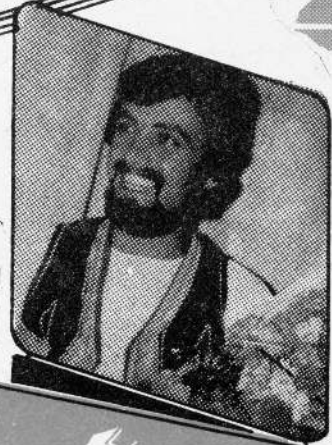
انواع قرطاسیه ، جراید و مجلات دخواهتان را عرضه
میدارد . به ادرس توجه نمایید .

ماکتب مکر و باغ کهنه

ضروری: در شماره یازدهم سال ۶۷ مجله سباوروس در شرح عکسهای مرسوط
به استعدادها ثروت ملی ما ، نام محترن قاری فاخره قاری و قاری تصحیح شوند .

شماره اول حمل ۱۳۶۸ سال دوم
شماره مسلسل نهم

سپاروون



نعیم پوپل

یلا

نوروز است (۲۵) صفحه

(۳۵) صفحه

فاجعه



صدای کشته شده
جاودانه شده ها
صفحه (۲۰)

درسهای موسیقی
صفحه (۸۴)

آیاتاسی دخیل
کورزیر
پاستی
سیرین
(۸۷) مخ

از مود تا سینما
صفحه (۵۴)

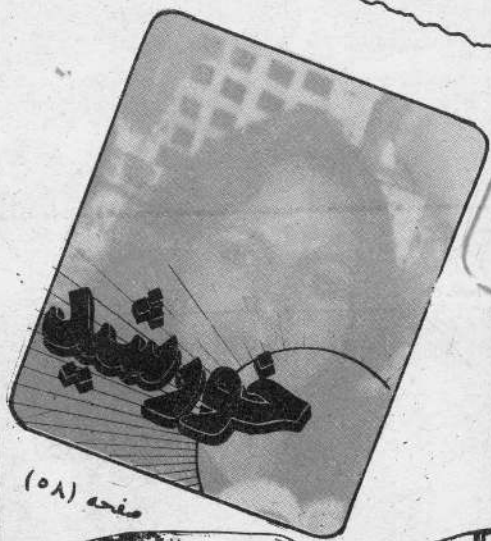
صفحه (۲۲)

چون و چرا

علی فاضلی
پروما جراحی را در این کتاب
دنیای عشق خود را
سرگشته است



چون و چرا
در صد سالگی
صفحه (۲۲)



صفحه (۵۸)

از گپها که ما خبر شدیم
صفحه (۴۴)

۱۳۷۱ سال نوی در سال کال بون

مخ (۲۷)

زن ۱۳ سالگی که مرد

صفحه (۴۰)

مدیرمسئول: دکتور ظا هرطنین
تلفون: ۶۱۹۵۲
معاون: محمد اصف معروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سوجبور: ۶۱۸۷۸
ارتباطی: ۳۹ - ۴۸ - ۵۴



نشریه اتحادیه ژورنالستان
جمهوری افغانستان

زیر نظر هیأت تحریر:
بارق شفیعی
محمد حبیبی
عبدالله شادان
لطیف ناظمی
رهنورد زریاب
شفیق وحدان

ارتزگرافیک: محمد حبیبی و
وحمید سمیرا
مطابقی: کبیر امیر
عمیر نامی

اداره مجله در تصحیح و تدقیق مطالب دست ازاد دارد. مضا مین
وارد در صورت نشر یا عدم نشر مسترد نمیگردد. نظریات ارایه شده صرف
نظر نویسندگان میباشد.

مصیبت‌هاست

مباحثه: حسینا حافظ

امروز در نیای ماینس و تکالوژی، متاسفانه مواردی وجود دارد که نمی‌شود آن را با این همه مسایل و تکالوژی بیشتر-فته تدایو کرد. هیچ اندازه هم برای وابستگی انسانهای عصر ما به مواد مخدر معین شده نمی‌تواند. شبکه‌های وسیع برای کشتن انسانها توسط مواد مخدره فعالیت میکند. مافیا امروز در هر کجایی شاخ و پنجه زده است. تاجران مرگ با وسایل گوناگون داروی مرگ را عرضه میدارند. این تاجران هیت‌های مختلف دارند، در هر کشوری سرولگه‌شان پیدا است، به قیمت جان هزاران جوان آنان زنده کسی آبرومندان و شاهانه می‌نمایند چرا اعتماد از بین نمیرود؟ چرا نیروی جوان و فعال کشورهای جهان سوم عمدتاً و انسانهای کشورهای پیشرفته به حلقه‌های معتادین کشانیده میشود؟ برای اینکار بازی‌های تجارتهی وسیع است. ادامه دارد، و اما اعتماد و وضع اعتماد در کشورها چگونه است؟ مجله ما از کار این برابرم نمیتواند به ساده‌گی بگذرد. چنانچه در شماره‌های قبلی خویش نیز در مورد نوشته‌هایی داشتم و اینک در این شماره با هم با دکتر عبدالسلام آثم رئیس بخش صحت روانها حبه‌تری تیب داده و توجه خواننده‌گان را به آن جلب میدارم و تقاضا دارم آنرا تا اخیر بخوانید.

س: اعتماد دوا می‌چی مفهوم دارد؟



ج : وابستگی دوايي که به عوض کلمه اعتياد دوايي يا معتاد شدن از طرف سازمان صحت جهان پذيرفته شده است عبارت از مجموعه عوارض جسمي و زکامی و سلوکي مي باشد اين عارضه در اثروابستگی به مواد الکولي يا مخدر وجود مي آيد که حالات مختلف مي داشته باشد البته وابستگی دوايي يا سوء استعمال دوايي فرق دارد .

س : اعتياد يا وابستگی به مواد مخدره در کشور ما چيزي تازه نيست ولي در اين اواخر تعداد زيادي از جوانان به مواد مخدر معتاد گردیده اند به علت چیست ؟

ج : علل و اسباب مختلف مي تواند وجود داشته باشد . ناپائيدگي شخصيت مي ثباتي عواطف و احساسات شخصي موجود است خانواده هاي پراکنده هاي نم انگيزه فشار اجتماعي هم نشيني با دوستان معتاد وغيره . همچنان کنجکاري براي دريافتن اسرار رمز مواد نشه آورنده ها هم بخاطر فراموشي نم و نگرانی به صورت موقت و بايد علل عده را در تبليغات فرهنگي قاچاقچيان مواد مخدره دريافت که جوانان و نوجوانان کم تجربه به دامان مي افتند . علل هاي ديگر روانسي نيز وجود دارد مثلاً افاده خود کامگي و نوع بندي و باري نسبت به خانواده و محيط .

س : در شرايط کشور ما اعتياد نوع از خود بيگانگي است يا لذت بردن ؟

ج : به موضوع دلچسپي تما مي گرفتيد در کشورهای مختلف حالت اعتياد نه تنها در شرايط جنگ بلکه در همه حالات وجود مي داشته باشد چنانکه امروزه در کشورهاي مختلف جهان اين امر به مشاهده ميرسد که بنا بر تجربی جوانان بتزليل افکار

بي اراده مي ويوارد ديگر که قبلاً ذکر نموديم حالات اعتياد بروز ميکند . برخی از معتادان فکر کرده اند که گويابنا بردن بيه مواد مخدره و مشروبات الکولي آن ها را به عالم ديگر برده و در چنان حالت ميتوانند نفس راحت بکشند حالانکه در نتيجه اين حالت زنده مي آنها به تباهي مواجه شده و واقعيت هاي زنده مي همانطور بچامی ماند .

در مورد لذت بردن که شما از آن ياد کرديد در اوایل خوشی هاي گذرا و کاذب به وجود مي آيد بعداً حالت نشه نمناک وغير قابل تحمل مي باشد و از سوي ديگر انسان معتاد در يك ناگيري قرار مي داشته باشد به مصداق همان شعر :
نشه صهبانمي آرزو به تشويش خمار
در گذر امروز عذاب که فردا آتش است

س : ارتباط معتاد بين بخصوص جوانان با امراض رواني چگونه است ؟

ج : نزد معتادان تشويشات رواني بملاحظه ميرسد گاهي دي شوار است که فهميده شود که ايا اعتياد باعث تشويش رواني شده است يا تشويش رواني باعث اعتياد .

به هر صورت تاثيرات اين دوايي لاي هم متقابل است در نتيجه پناه بردن به مواد مخدره انسان بي اراده شده مسووليت هاي اجتماعي و اخلاقي را کمتر درک مي کند . استدلال و منطق نزد معتاد از بين رفته احساساتي عجول و کوتاه نظرمي شود کم حوصلگي و شک بردن بيچنان نسبت به همسر و دوستان در او تقويت يافته چنين تلقينات قضاوتش را متاثير مي سازد به تدریج نفرت و دوستان و خانواده اش را نسبت

به خود بيشتري سازد و گاهي هم از شخص معتاد فقط بايد انتظار انسان زنده را داشت که مشابه به يك مجسمه است .

س : بيشتري معتاد بين درجا معه ما کيها اند و از کدام مواد استفاده بعمل مي آورند ؟

ج : در حالاتيک فعاليت قاچاقچيان و تجاران مواد مخدر مساعد تر باشد خطر اعتياد وسيعتر مي شود مخصوصاً در کشورهایمانند کشور ما دشواري هاي زنده گي مصيبت هاي جنگ و بيسوايي و عوامل ازينگونه اين مصيبت را افزايش ميدهد در کشور ما در برخی مناطق از ترياک بحيت داروي آرام کننده سرفه و تسکين درد اعضا و دوايي خواب آور استفاده مي شود از ترياک کوچر و گاهي براي درمان و معالجه قلنج ها کار مي گيرند در برخی از ولايات ما در طبابت هاي محلي و غنچهوي حتى براي اطفال نيز اين مواد را توصيه ميکنند . حالانکه توصيه اين مواد صد فيصد از کودکی اعتياد را به بار مي آورد . در بخش هاي ديگر کشور ما که کشت و توليد ترياک و چرسو تنباکو رايج است از لحاظ اشتغال افراد با اين مواد وابستگی هاي دوايي را بوجود مي آورد . بد بختانه در سال هاي اخير هيروئين در بين جوانان جامعه بازاریافته است . متاسفانه زماني دختران و پسران جوان مصاب به آن به مشاهده ميرسد که البته کار وسيعي و مبارزه عليه آن ادامه دارد .

نمونه هاي از مواد ديگر مثل ماندرس ، مخم و بننگ آب و بعضی ادويه ديگر هم وجود دارد چنانچه مي گويند : در يکي از مناطق ولايت بدخشان پيغمرد ي بود که مدت درازي ترياک دود مي کرد

و به آن وابستگی داشت زمانیکه او چشم از جهان مي پوشد در فضاي کلبه موصوف ديگر دود ترياک نمی بيچيد و چندي بعد يکتعداد موش هاي مرده در بين اتاق محقر پير مرد متوفی ديده مي شود . دليل آن اين است که حتى موش هاي موجود در سوراخ هاي خانه نيز به ترياک وابستگی پيد کرده بودند که با قطع دود ترياک و تبا نيواردن بيترک آن مرده و زمين اتاق آن پير مرد افتاده اند .

تاجاييکه از خود ما بين وابسته به هيروئين معلومات حاصل شده هيروئين نيز در کشور ما برخلاف کشورهای ديگر از طريق دود کردن به مصرف ميرسد .

س : تعداد معتاد بين به مواد مخدره در شهر کابل آيا معلوم است ؟

ج : آماري وجود ندارد يک احصائيه تشييت يکصد هزار مصاب وابسته به ترياک در بدخشان است که مربوط بيک دهه قبل است . رياست صحت رواني وزارت صحت عامه در نظر دارد تا به همکاري مالي اداره سازمان صحت جهان و مساعدت هاي ارگان هاي ذيربطه احصائيه مصابين به مواد مخدره و مشروبات الکولي در شهر کابل وسيس در ولايات را بدست آورد . باتاسف بايد گفت که تعداد اين اشخاص افزايش يافته است و ايجاب توجه جدي را مي نمايد .

س : برنامه تدبيريه چگونه است ؟

بقيه در صفحه (۷۴)

دواي مرگ و تاجران مرگ



بیه میگویند



مهر و محبت

چهار ماهه



چهار ماهه

مهر و محبت

چهار ماهه

چهار ماهه

چهار ماهه

دو سه واده

هیله منده م هغه کسان چی به تحینو عقل نار وغیواخته
دی ژر تر زره شفا و موسی او د عقلی او هو بنیابر سترگی بی روی شی
خبره داسی ده چی تحنی بی احساسه اوس مسوولیته نارینه
د خیل ژوند بدی او د نیستی و روی چی لومړنی بنخی ورسره
به ورین تندي کاللی چوره یاده باسی حتی د خیل بیه نسو
اوشعرت خخه تیر یزی او د دوهم واره بند و بست کوی که شه هم
چی د موضوع نوی نه ده ولی به ۶۲ کال کی بی د سارن ناروغی
بته تحانته نیولی او د یروکسانوته بی سرایت و کړ امید واره یس
مسز کال داد کورنیو درنگید و ناروغی له منعه ولاړه شی .

لطیما پرداد بیتون پوهنځی فار التحصیل



پاکی و صفایی

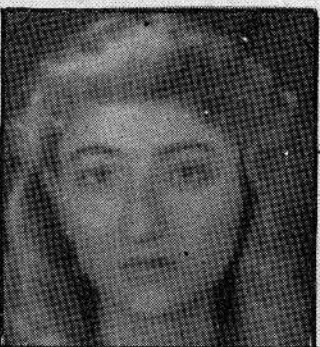
عزیز آقا سراز
دل بستگی خاصی به پاکی و صفایی د اوم آرزومندم صاحب خان
مکروریان شم ، آنجا به متری شوی پاکی و صفایی راتا مین کرد .
- اگر با دخترین هم سفر زنده کی شوی که ا و چند ان توجه
به پاکی نداشته باشد در آن صورت چه خواهید کرد ؟
- خدای ناخواسته باشد که این چنین شوی ، ورته کار زار می شود
با آنم اگر چنین دخترین سرد چار نسدم انوقت اورا به روحیه
خود تربیه میکنم .



نظام و د سپلین در سرویس ها

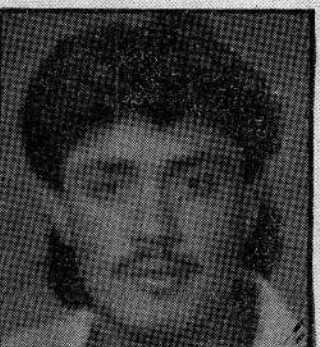
عضوکلان خانوادہ ام میاشم .. آرزو د ان خواهران و برادرانم
به آرزوهای دلشان نایل آیند .
همچنان آرزومندم که بعضی از همشهریان مانظم و د سپلین
اجتماعی را در سرویس های ملی بس جدای رعایت نمایند ، و نگرانان
محتس هم درین زمینه از خود سی تفاوتی نشان ندهند ، بعضی
از مردان به بالا شدن از د روزه اوس سرویس هلاتمندی بسیار
نشان میدهند وقتی برایشان گفته شود که یک کمی دور شوید و یا
به اخل سرویس پیش بروید میگویند : ((برو بی جان تو چقه
خود می سازی ، ما از خود خوار و مادر داریم . . .))

مصرفیاتیکان در نشان فار از صواب ۱۲



میخواهد هنرمند سینما شود

محمد فرید محصل سال د م پوهنځی هنرهای زیبا :
در رشته تیاتر و سینما مصروف تحصیل استم ، با ستمک عشق
میورنم و دوستش میدانم ، به معین ام هر نقشه که برایم سپرد مشود
میتوانم آنرا به خوبی اجرا نمایم ، ولی باتا سف چند باریکه به
اداره فلم های هنری و مستند مراجعه کردم خود را پشت در بسته
یافتم و جواب رد شنیدم ، آرزومندم که امسال آرزو هام برآورده
شود و بتوانم در فلم ها کار نمایم .



پایند حاضری خانه

پایند حاضری خانه



روهینا محسن پوهنځی ژورنالینم :
تعمیر د اتم اسنال باشخړمورد نظم ازدواج تمام آرزو د اتم
که د زمینه فامیل مخالفت ننماید .
آرزو مند بعد از عروسی شوهرم مراخیلی دوست بد اړدوسه
وقت معین خانه بیاید ، یعنی آن تسمیکه باید حاضر د دفتر
میباشد ، باید ، باید حاضر نزد من نیز باشد .

وفادار و پولدار



روزیا وفا کارمند وزارت امور عودت کننده . کان :
آرزو د اتم باخوانی د ارامی تحصیلات عالی ، وفادار و پولدار
ازدواج تمام ، پولدار به خاطر اینکه میخوایم ماه غسل رادرخان
از کشور سوری تمام .
- اگر باخوانی د ارامی چنین صفات آشنا نشدید در آن صورت ؟
- در آن صورت باهی کس را دواج نخواهم کرد .

در آرزوی ثروت و شهرت



محبوبه کارمند نشرات سنا :
د ارزنده کیام سه آرزوی بزرگ د اتم که به حقیقت بیوستن آن
خیلی مشکل و باهم دوزار امکان است ، نخست آرزو د اتم خیلی ها
تروتمند باشم ، آندر که حسابش را کم ، دوم اینکه یک ورزشکار
ورزیده به سویه جهانی باشم و در مسابقات ورزشی جهانی همیس
موفقیت ازان من باشد و سن اینکه میخوایم به ایالات متحده
امریکا سفر تمام .

بنیاست او اخلاق



خیال محمد سرراز :
زما بیواچینی هیله داده چی سرکال د ترخیر د اخیستلو
وروسته د ژورنالینم به پوهنځی کی شامل شم . اوم د ژوند ملگري
چی بنیاست او اخلاق ولری پیدا کمن .
- د د ی خصوصیاتو لرونکو انجلی سره که بیسواده ورا شناسی
عنه انتخابوی ؟
- لومړی کوشس کم چی د ژوند ملگري می باید باسواده وي
اوکه نه وه نویایی د مبارزه با بیسواده . کورس کی شاملم او خپله هم
شبه اوون ورسره سبی وایم ترخو با سواده شی .



چهارمین جشنواره شعر جوان

مباحثه از کلامه حبیب

وقتی شعری را زمزمه میکند چنانست که گویی دریایی از نسور در رگهای جانانت جاری میشود . صدایش آنچنان برجذب و نوازشگر و لطیف است که وقتی میشنوی تنهایی در وجودت میشکند، زیرا که در صدایش وسعت رویش و پایش است .

سیما شادان از زمره دیکلماتورانی است که میتوان گفت در بخش زنها چون او زیاد نداریم و اگر هم است انگشت شمار . وقتی عقب میکروفون قرار میگیرد ، وقتی شعری را از بیدل زمزمه میکند آنچنان با احساس میخواند ، آنچنان شعر را جان میبخشد که گویی این خود شاعر است که در نزد یکی ات نفس میکشد . بادنمایی از پرسشها بدیدنش میرم تا توشه بی برای مجله تهیه دان ، مانند همیشه آنچنان که است با لطف همیشه کسی اش که خمیر وجود اوست با خوبی و مهربانی یک زن رو بروم می نشیند . هر چند که در برخورد هایش صمیمی است اما در گفتار خود نهایت جدی و دقیق است .

من بعد از سکوت کوتاهی از وی میروم :

- وقتی اولین بار عقب میکروفون قرار گرفتید و ا همه نداشتید ؟
- البته که و ا همه داشتیم ، حتی صدای قلم را میشنیدیم بخصوص که آنروز عبدالله ((شادان)) همراه با من اخبار را میخواند .
- و آیا غلطی نکردید ؟

- نه همه اخبار را بدون غلط خواندم .

- شما علاوه بر آنکه نطان خوب و ورزیده استید اشعار را نیز دیکلمه می کنید، آیا اتفاقی افتاده که اشعار را غلط بخوانید ؟
- چرانه حتماً غلط خوانده ام زیرا گاهی همان لحظه یعنی در آخرین لحظات شروع پروگرام شعر را بمن سپرده انده بخصوص وقتی شعر از مولانا و بیدل بوده طبعاً که بدون غلطی نبوده است .
- شما وقتی اولین باری که شعر را دیکلمه میکردید خواستید مانند چه کسی دیکلمه کنید چون فریده انوری یا کسی دیگر و یا خودتان ؟

- چون زنده گی من با عبدالله شادان است من از او آموختم ولی تا اکنون از کسی تقلید نکرده ام . بودن عبدالله شادان نطق ورزیده که دوبار جایزه اول دیکلمه شعر را گرفته است ، فکر میکنم برای کافی است .

- شما اکثراً هنگ ها را نیز کارگردانی می کنید همینطور است ؟



پونتم در نیمه های شب به چه فکرمی کند

ترجمه علی اشرف

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشتمای بیچند پس احساس به شما دست میدهد ؟

ج- در چنین حالات خود را نا راحت احساس میکنم و از این آشنایی ها خوشم نمی آید. اگر یک دوستم ، مادر و یا کسی را که دوست دارم مرا به اغوش میکشند البته که قشیه کاملاً جداست از چنین چیزها. و در راحتی خیلی به دورتم میدارم و اگر ضرورت بیفتد بگویم. پشت مورد آزار (پس میزنم) در چنین حالت خیلی با قاطعیت و در جلو چشم همه عکس العمل نشان میدهم. خیلی میزنم و یا خنجر را میدرم. با آنهم در زنده گی حقی لسته پس هم خودم را تنها و بدون دوست احساس نکرده ام.

س- لطفاً در مورد بوسه نشستن تان وارک و راست بگوید ؟

ج- من هرگز مردی را در ملاقات نخست نمی بوسم. اگر راست بگویم به چنین ملاقاتهایی دم نرفته ام. فراموش نباید کرد که مادر خند بوسه بهم نه در آمریکا ، در ایران ، دختران را به بیرون رفتن دعوت میکنند. زودتر از این زمان دعوت صورت نخواهد گرفت. بران هفتیسه سهنا آستم و دعوت هفتیسه جوانی بیشتر با داران. روانه کسی مراد دعوت کند. تمام باید بجز دیده در این باشد. بنابراین موه دانه زن میزنم اما راست به بوسه نمیزنم

س- در نیمه های شب وقتی همه خوابند شما درباره چه فکر میکنید ؟

ج- فکر ، فکر ، درباره چه فکر میکنم ؟ این مربوط میشود به اینکه چگونه روزی را گذرانم.

س- در روز بدی را گذرانده باشم ، از زرد میباشم و در بستم ((لوتک)) میزنم و اما امروز خوبی برایم بوده باشد و حال میباشم به بالشت میزنم و باید لبخند خواب میروم ، این مهم نیست که من چه ساعتی بخانه بر میگردم چهار صبح یا شش صبح ، من خواب سنگین ندارم هرگاه تلفون در یکی از اتاق های دور هم زنگ بزند آنرا می شنوم و فوراً بر میخیزم. اما شب زنده دارن حار زیاد هم داشته ام و آن وقت بوده که یا ناراحتی روسی یا اختناق نشوری با مادر و خواهر داشته ام و عاشقی میخواسته خواب شود. س- وقتی به اغوش کشیده شدند اید عکس العمر تان چه بوده است ؟

وای ! وار خندان ! این دیگره است؟ بعضی حال این مربوط می شود به کسی که مراد اغوش میگیرد.

س- اگر بیگانه پس با شما تماس میگیرد و یا کسی دست شمارا میگیرد و یا دستانتان را در ورگوشتمای بیچند پس احساس به شما دست میدهد ؟



میخواهم زنی باشم عاشق با خدا دوستی یک با یک مرد میتوانم بعد گسترده تری از سکس داشته باشم



چونان نسل نوبی حد پیرو و اراد است و درین مسورد چسارت کرده با والدین شان حرف میزنند ، اما در مورد من صدق نمیکند چه من تراورده دهسه (۸۰) نیستم ، از تنو تا اندازه یی مسافنه کار استم و عذرت میخواهم البته در آینده پیراز کسی اوقات نرم در زمینه صحبت خواهم کرد ، به عقیده من جوانی جو دارد درین مورد ابراز ندرند که از لسا نورو به پختگی بنیه در صفحه (۶۰)

بوسیدن یک امر طبیعی است و وسیله انتقال احساس دوستی و محبت تلق میشود. س- خوب اجازه میدید کسی جلو بروم و ؟

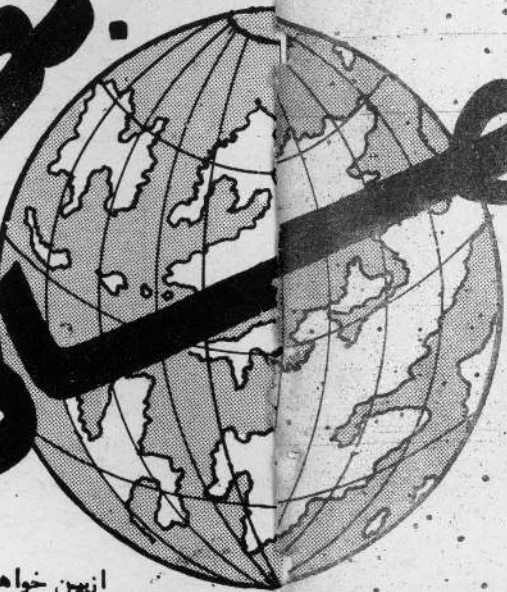
ترجمه: انجنیر حلیم

تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و سردی و متلاطم درجه حرارت خواهد بود

تأثیر عمده جنگ

ذروی سقوط ناگهانی و سردی

و متلاطم درجه حرارت خواهد بود



بگذارد نوح کیم حادثه غیر قابل تصور وقوع پوست...
 سیمای جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد بود؟
 از پاسخ این سوال میتوان نهایت مشابهت را قاطع
 در برابر وجودیت (۵۰۰۰۰) سرگوله ذروی فعلی جهان کار گرفت.
 در کفرانس های دانشمندان ذروی در سیکو و واشنگتن شهرهای
 دیگر نماینده گان جامعه علمی جهان به آخرین مسائلات و تحقیقات
 شان پیروان اینک جهان بعد از جنگ ذروی چگونه خواهد
 بود توجه جدی مبدول داشته اند. تنهاسه سال قبل دانشمندان
 ذروی این مفکوره که اگرچه وضع جهان بعد از جنگ ذروی خیلی ناچهار
 انگیز و ناگوار خواهد بود، ولی موجودات زنده به ناچار مانند کیم
 کیم نخواهند شد، کار کردند. این دانشمندان اکنون بعد از دست
 یافتن به حقایق تازه و اینکه برای همچو ((جوشینی)) استدلال ضعیف
 وجود دارد، تغییر عقیده داده اند.

پس اینجاست سیمای بعد از فاجعه ذروی از نگاه دانشمندان
 زمانیکه سناریوهای گوناگون جنگ ذروی در معرض آزمایشات دقیق
 و تجارب مودل های کمپیوتر قرار گرفت، چه قدرت محض انفجار
 (۱۰۰) میگاتن یا (۵۰۰۰) میگاتن (کمتر از نصف زیاد خانه میجر
 ذروی جهان) باشد، همه به این نتیجه رسیدند که
 موجب انفجارات ذروی نسبت به تاثيرات مستقیم آن (امواج تکان
 دهنده، جریان حرارت یافتند باد حرارتی و شعله) به مراتب وحشت
 ناکتر و کشنده تر است.

مودل های اقلیمی که لحاظ دانشمندان شوروی و امریکایی یعنی
 تیم ساگان در پوهنتون کورنل، مشخصین و دانشمندان مرکزی ایالات
 متحده برای تحقیقات اتموسفری که مستقیماً در راس آن قرار دارد
 ولادیمیر الکساندروف و گیورگی ستنچیکوف از مرکز ریاضی اکادمی علوم
 شوروی، گیورگی گولیتسین و الکساندر گمنزوری از انستیتوت نیک اتموسفر
 مستقلانه طرح شده است تصویر مشابهی را از سیمای جهان بعد از
 جنگ ذروی ارائه میکند. تأثیر عمده جنگ ذروی سقوط ناگهانی و
 سریع و متلاطم درجه حرارت خواهد بود، ظرف چند روز محدود جهان
 از سردی یقیناً به انداز سردی قطب شمال دچار سرماخوردگی

خواهد شد و حداقل برای یکسال ادامه خواهد یافت.
 آفت ایکولوژیکی سرتاسری!

هفته ای بعد از انفجار ((زمنستان)) همراه با تاریکی تقریباً
 مطلق فرا خورد. صدها هزار تن خاکستر و دود آتش های شعله ور شد
 در سرتاسر قاره ها پرده غیر قابل نفوذی را بر روی آسمان خواهد کشید
 شکل نورمال اتموسفر با هوای گرم در بالا و هوای سرد در پایین حالت
 معکوس را بخود خواهد گرفت.
 طبق نظریه ولادیمیر الکساندروف، درجه حرارت اتموسفر در
 ارتفاعات بین (۱۰۰۰۰) و (۱۵۰۰۰) متر تا حد درجه سانتیگراد
 خواهد رسید در حالیکه در سطح زمین درجه حرارت در حدود پنج
 درجه پایین تر از نورمال کاهش خواهد یافت. با این کار واکنش زنجیری
 از حرکت بازمی آید و منتهی به آفت ویدیخی ایکولوژیکی سرتاسری
 میگردد.

ناپودی عجات بصورت کل

مودل سرد بعدی هایدرو اتمسفری اتحاد شوروی از اقلیم جهان
 تأثیرات جانبی وحشت انگیز زمستان ذروی را ارائه میکند. طوری که
 تفاوت نهایت زیاد درجه حرارت بین قاره ها و اقیانوس (هوای خیلی
 آهسته تر بر روی اقیانوس) منتهی به تند بادها و توفانهای شدید
 در نواحی ساحلی خواهد گردید که این به نوبه خود چنان بر فباری
 های شدیدی را بدنهال خواهد داشت که حیات را بصورت کل نابود
 خواهد ساخت. علاوه بر آن تغییرات اتموسفری سبب کاهش هایدرو لژیکی
 را کاملاً از بین خواهد برد و خشکسالی و نواذاری را بر قاره های وسیع
 بندگان و بدون خورشید حکمفرما خواهد ساخت.

بعبارت دیگر، هراتیه که از صمیم آتش جان سلامت برده،
 سردی یا خشکسالی آنرا از بین خواهد برد. یخبندان ناگهانی وسیع
 که الکساندروف ستنچیکوف آنرا پیش بینی کرده، برای جنگلات در ارتفاعات
 متوسط تها کن و کشنده خواهد بود. جنگلات مناطق حاره و نیمه حاره
 بی که تقریباً نیمی از کله خشک زمین را در بر میگردد، یعنی طوری

از بین خواهد رفت زیرا این جنگلات حتی در برابر تغییرات جزئی درجه
 حرارت یمانور نمیتوانند مقاومت کنند.

صریخندگان دیگر!

الکساندروف معتقد است که تقریباً یکسال را در بر خواهد گرفت تا
 جهان باردگر تلاشگر روز روشن باشد. این چه چیزی را اشکار میسازد
 یا توضیح میدهد؟ جنگلات وسیع به صحرای صحرای تبدیل خواهد شد
 الیهی (یا قدرت انعکاس نور) سطح زمین دوچند یاسه چند خواهد
 گردید که در نتیجه آن نور خیلی کمتری از خورشید جذب خواهد شد و
 بدین ترتیب تمام سیستم اقلیمی جهان دستخوش تغییر خواهد گردید.
 این نشان دهنده امکان پدید آمدن صریخندگان دیگر است.
 ملازمت الکساندروف و ستنچیکوف محاسبه کرده اند که در حدود (۸) ماه
 بعد از درگیری ذروی، هوای گرم بر روی ساحات تپت و بعضی نقاط دیگر
 موجب خواهد شد تا برفها و یخبندانهای ساحات مذکور آب گردیده و
 در نتیجه آبهای خیلی زیادی بر روی قاره ها سرانبر خواهد شد. بار
 دگر سبب مظمی توأم با درجه حرارت قطبی همه جا را فرا خواهد
 گرفت.

تمام این ((سناریو)) ها تصور میکنند که فاجعه ذروی در صورت وقوع
 در نیم کره شمالی رخ خواهد داد، چون کله های هوای سرد و نیم
 کره در اثر مانع اقلیمی غیر مرئی خط استوا از هم جدا شده اند. انسان
 میتواند تصور کند که بازماندگان این فاجعه نهایت در نیم کره جنوبی
 پناه گزین شوند.

زمستان ذروی بر تمام مناطق تا نور خواهد انگند!

بدبختانه به چنین امدها و آرزوها بخود دلپسند اند. طبق
 نظر الکساندروف این مانع را تفاوت های درجه حرارت بین دو نیم کره
 از بین خواهد برد.

این فرضیه که هیچ منطقه بی بر روی کره زمین از این فاجعه در
 امان نخواهد ماند بهر جهت تحقیق مستقل دیگری تأیید شده است.
 کارل ساگان دانشمند امریکایی و گولیتسین و گمنزوری دانشمندان

شوروی در مطالعات و تحقیقات شان پیروان تغییرات ممکنه در اتموسفر
 بعد از جنگ ذروی به چیزهای تازه و مشخصی دست یافته اند. آنان
 توانهای خاکی را که بر سطح کره میخ بر وقوع می پیوندد بعنوان مثال
 می آورند.

طبق نظریه گولیتسین، خاکتوده هایی که از کره میخ در آسمان
 تابستان بلند میشود، تمام کره میخ را در ظرف چند هفته در بر
 میگیرد و درجه حرارت کره میخ را بصورت کلی تغییر میدهد. سطح کره
 سرد میشود در حالیکه اتموسفر بسوی بالا گرم است و به شکل متناقض
 جهان پدید میآید. همچو چیز مشابهی بر روی سطح کره زمین نیز اتفاق
 خواهد افتاد. بر طبق تخمین های نهایت مستطانه بی که بعمل آمده
 آلوده کی اتموسفر ناشی از جنگ ذروی در تمام کره زمین از شدت شمعاع
 خورشید که به سطح زمین میرسد ظرف چند هفته در حدود (۱۵۰) -
 مرتابه خواهد کاست.

مودل های اقلیمی ایالات متحده و اتحاد شوروی نشان میدهد که
 بعد از انفجار ((صرف)) ۱۰۰ میگاتن ((معادل ۸۰۰۰ هیروشیما))
 کره زمین برای زندگی انسان یا هر ارگانیسم زنده دیگر جایی مناسبی
 نخواهد بود.

یک شب طولانی و خاموش

بر طبق نظریه ایرلیج، دانشمند بیولوژی در پوهنتون ستانفورد
 کالیفرنیا، هر بخش از جهان زنده که از فاجعه ذروی در امان مانده
 باشد در هر صورت محکوم به فنا خواهد بود. علت ساده آن اینست
 که فوتوسنتز، این پایه و اساس زنده گی نجات در تاریکی غیر ممکن
 خواهد بود و بدون زندگی نجات تمام حیوانات بازمانده از فاجعه از بین
 خواهد رفت.

حتی اگر تصور کنیم که شرایط نجات شکل ارتجایی بخود بگیرد،
 در آن صورت جهان با خطر دیگری یعنی شمعاع قوی ماورای بنفش مواجه
 خواهد شد.

تشکیل مقادیر نهایت زیاد نایتروجن اکساید در ساحه اطراف قشر
 اوزون اتموسفر طبق نظریه اسرائیل عضو اکادمی علوم اتحاد شوروی
 بقیه در صفحه (۲۷)

اگر نوعیت و احوال کونی زنده می یابد و در آنجا عمل بینین اوست بر اراده ۳۱ آنه و غیر کونی او بیاسیر بیعی می تواند آید او را شکل ن مد و حتی جریان حسان جاری او را نیز تغییر دهد ۱۰

از حکایات باستانی هند
مترجم: ع. فرهموس
پارسی و متن داری

شب شور و سرور بود چون شام
بایستی که بر این آرزای شده
بود شادمان گردیده بود بنا
و ملکه بخاطر دست یافتن به این
الذفات و بخشش شامی از شعایر
و مراسم را بر پا آورد و ریاضت های
بسیاری کشیده بودند از سر
آنها از زمان ازدواج شان در
دوازده سال قبل تا این زمان
کودکی بدنی نیاورده بودند
ملکه از سوی همه نزد یکان و
عزیزان تهنیت گفته شده بود
کودک خوشدل و زیاده رکاب او
لمیده بود و هنگام نیمه شب از
همه تقاضا شد تا بخیرد اخلسی
کاخ را ترک گویند تا ملکه
که خدمه ها در بیرون از اتاق
نگهبانی اثر میکردند خواب
را حسی داشته باشد و چراغها
خاموش شدند
ملکه ساعتی خوابید اما ناگهان
بیدار شد و بدظن رسید که نوری
در نزدیکی سرش ظاهر شده است
چشمهاش را گشود تا به منبع نور
نگاه کند آنچه را دید او را به
شگفتی واداشت آنجا یک موجود

نورانی ایستاده بود و دست
را ستر به سوی سرکودک نوزاد
کشیده شده بود چون ملکه به
آن نگریست موجود نورانی
دستش را عقب کشید و لبخند زد
ملکه بر حایر نشست و گفت
من نمیدانم تو کیستی اما یقیناً
تو پند موجود آسمانی هستی
چون نورانی خاموشی گردید این
کار ملکه را شگفت زد ساخت
ملکه گفت
- برا شما گفتمی زنده
و مود با نه افزود
- آیا شما یک موجود آسمانی
نیستید
رب النوع سرنوشت گفت
- بلی استم اما من رب النوع
سرنوشت ایتم و یگانه و شیخه من
اینست تا آنکه را در زنده کسی
برای یک نوزاد فراهم شده
است در پیشانی او بنگسیار
من نمیتوانم چیزی را بیشتر از آنچه
(کارما) برای یک کودک مقرر
داشته است از روزم من درختان
تولد هرکودکی را تعیینم اما
مردم مرا نمیتوانند ببینند اینکه

توانستی مرا ببینی بیانگر عفت
خاص و بدانی بی است که تو
یداری با وجود آنکه خود از آن
آگاهی نداری
ملکه در برابر رب النوع خم شد
و پرسید
- آیا آنکه را در پیشانی کودک
من نباشته است برای من آشکار
نخواهید کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- من نمیتوانم آشکار کنم حتی
اگر اینکار بکنم برای توست
ندارد از سوی دیگر اینکار
بدون هیچگونه تژیومی باعث
شگرتی تو خواهد شد
- شما همین الان نیم از آنکه
را از زود انتم بدانم برایم
گفتید چنین به نظر میرسد که
هیچ چیز خوبی در سرنوشت
بسم وجود ندارد شما باید تمام
حقیقت را برایم بگویید در غیر این
شمارا نخواهم گذاشت که بروید
اگر با جبر بروید من خود را
خواهم کشم
ملکه این جمله ها را با صدای
نرم ولی مضم اشعار کرد
مباحثه بین ملکه و رب النوع
ساعتی ادامه یافت بالاخره
رب النوع مجبور شد تا برای ملکه
آشکار سازد که بر او در زنده کسی
خواهد کرد و دراز کاخ در
جنگلی خواهد زیست
ملکه دریا را بر رویید نگریست
اما بخورد جزای داد تا از
رب النوع خوشبختی تقاضا کند
که اندکی بارید بختی بپوش
را کاهش دهد
رب النوع گفت
- خوب من تضمین میکنم که او
هر روز توانایی شکار یک آهو را

داشته باشد و این امر بزرگی از
سرنوشت او خواهد بود بیشتر
ازین تازی کرد نمیتوانم
و سر این سخن ها رب النوع
ملکه را ترسید
روزها سپری شدند ملکه در
و وسواس خود را در دل نگهداشت
یک سال بعد شاه بیمار شد و
در گذشت وزیر سیمه کار او
تا شاهی را به بهانه اینکه
شهرزاده خرد سال است نصب
کرد و در پیشان سعی کرد تا ملکه
و شهرزاده را بکشد اما ملکه با
شهرزاده کویت به موقع فرار
کرد و در جنگلی پناه گرفت
پیش گویی رب النوع مرگ بسمه
و اقیعیت پیوست هر نام ملکه
جال های را در گوشه و کنار جنگل
می گسترانید و صبح بعد آهویی
را در یکی از جال های یافت
ملکه آهو را به یکی از جنگل نشینان
میداد و او آنرا در شهر می فروخت
و بهایش را به ملکه می سپرد
به این ترتیب سالها سپری
شد بزودی شهرزاده نوجوان
به یاری مادر شتابید در عین
حال شهرزاده به شاکردی یک
تارک دنیا رفت بنوشین و خواندن
و فلسفه را اموخت
روزی شهرزاده در اندیشه بی
با خود میگفت
- بسیار شگفتی آور است که
هیچکاه بیشترازیک آهو در روز
شکار نمیکم در حالیکه هر روز در
پنج محل جال میگذارم و بسیار
عجیب تر اینکه هیچ روزی را بدون
یک آهو شکار شده سپری نمیکم
مادرش که این سخنها را
شنیده بود گفت
- این بخاطر است که شکار یک

آهو در یک روز جزئی از سرنوشت
توست
به این ترتیب ملکه بخشی از
راز را آشکار ساخت شهرزاده
اصرار ورزید تا بداند که مقصود
مادرش چیست و ملکه مجبور شد
تا همه چیز را به یک به او بگوید
شهرزاده نشست و در سکوت
تزیینی فرورفت پس از سکوت
طولانی گفت
- مادر! من سرنوشت خود را
تعمیر خواهم داد
- بسم چگونه اینکار را میتوانی
بکنی کی میتوانی سرنوشت خود
را تغییر دهی
شهرزاده نوجوان گفت
- اگر من مسؤول سرنوشت کونی
خویشم به خاطر اعمال خود در
زنده می قبلی استم بترسم
میتوانم اینکار را بکنم
شهرزاده ساعات طولانی بسمه
اندیشه فرورفت و بعد با چهره
مغمم برخاست
روزی یک آهو عور پنج جال
فقط یک جال را در گوشه بی از
جنگل گسترانید و در نور یک
پیشینی کرده بود یک آهو را
در جال یافت
روز بعد به عور اینکه جال را
روی زمین بگستراند آنرا در
شاخه بی از درختی آویخت
با وجود آن صبح روز بعد آهویی
در جال گیر مانده بود
و بعد جال را در بلند ترین
درخت آویخت و همین سان گرد
گرد درخت آتشی بزرگی افروخت
نیمه شب از خواب بیدار شد
و موجود نورانی بی را در کنارش
یافت
شهرزاده پرسید

- آیا عارب النور سرنوشت
استیسه
رب النوع خشمگین گفت
- بلی من استم منظور تو از
آویختن نبال در درخت بلند و
افروختن آتس پیرامون آن چیست
ایا تو میدانی با وجودیکه من یک
رب النوع استم در دنیا عینی
من خلاف قوانین طبیعی نمیتوانم
کار بکنم نمیدانی که بسردن
آهوه بالای درخت تازی است
دنیار
شهرزاده گفت
اما شکار یک آهو در هر روز جزئی
از سرنوشت من است اینکه
چگونه آنرا در جال من گیر
میاندازی کارتوست
رب النوع گفت
- آیا باید بخاطر خوشبختی
که برای تو تضمین کرده ام مزا
حم من شوی
شهرزاده آهسته گفت
- اگر کار ترا در نوار منی ساختم
تو در برابر من ظاهر نمیشدی
- اما تو چرا میخواهی که من در
برابر تو ظاهر شوم
- تا آنکه آنچه را در پیشانی من
نوشته بی و مرا محکم به زنده کسی
در تبعید میکند از جبین من
بزای رب النوع سرنوشت
سکوت کرد شهرزاده چشمانش
را بست و با حرارت و اشتیاق ملهم
از یک سرنوشت تو گردید لحظات
طولانی سپری شد شهرزاده
احساس کرد که دست رب النوع
از پیشانی او میگذرد بعد
چشمانش را باز کرد
رب النوع سرنوشت گفت
- با اراده و آرزوی خود تو قادر
بوده ای تا سرنوشت را عوض کنی
و افزود
- احسان و بخشش من با تو
خواهد بود
و آنگاه ناپدید شد
روز بعد خوب شکی خوبی
قیام در کاخ سلطنتی را به شهرزاده
و مادرش آورد قاصد تخت و
تاج که مستبد و مستغرضه بود
از سلطنت خلع گردیده بود ملکه
و شهرزاده بزودی به سوی کاخ
رفتند همه کس ملکه را شناخت
چشم و سرور بزرگی بخاطر اعاده
تاج به وارث حقیقی آن برپا شد
و شهرزاده به حیث شاه تاج پسر
سرنهاد



مراسم یک تدفین

امپراتور

از آنجاییکه پیرامین ۶۲ سال مراسم تدفین امپراتور توری صورت می پذیرد، حکومت جاپان با مصلحت دبلوماسی رویرو بود؛ چگونه مثال، چطور میتوانست یقین حاصل نماید که جورج بوش مجبور نشود که تارسیدن نوبت الفبایی کشورش، جهت ادای احترام در برابر تابوت امپراتور، قریب سه ساعت انتظار نکند. اعضای کمیته موظف در وزارت امور خارجه جاپان تا ساعت ۲ یا ۳ شب روی حل همجو مسائل مصروف کاری بودند. قرار معلوم وزارت خارجه کشوری از وزارت خارجه جاپان تقاضا به عمل آورد، بود تا وقت مواصلت رئیس دولت متبوعش، به منظور رفع احتمال آماج گیری از طرف قاتلان سری نهداشته شود. حکومت دیگری خواسته بود که در مورد شاه کشورش ((که نهایت مغرور است)) توجیه بخصوصی میندول گردد. جورج بوش در نخستین مسافرت خارجی خود بحیث رئیس قوه اجراییه کشور، با سران دولتی زیادی از جمله روسای جمهور فرانسوا میتران، از فرانسه، کورازون اکیانو از فیلیپین، حسنی مبارک از مصر، خواهد پیوست. روهامرفته از جمله پیناز ۱۴۰ هیات ملی شرکت کننده در مراسم در ۵۲ سران دول قرار داشتند.

درین مراسم جاپان بایست پلوما

سی امنیت سنن هبی بهم می میخت

قرار اظهار یک ما مورسابقه در جاپان مراسم تدفین امپراتور، از نگاه دبلوماسی، به مقایسه با بازهای اولمپیا ۱۹۶۴ و کنفرانس عالی اقتصادی ۱۹۸۶ در توکیو، شخصیت های برجسته (VIP) زیادی را در برهم آورد. بود. هزاران ژورنالیست مطبوعاتی و تلویزیونی در شهر سرازیر گردیدند. اگرچه مواظبت و تغذی این همه مهمانان کار ساد موهلی نبود، در هلهوی آن حکومت صدراعظم جاپان بایست آنانرا از حملات تروریستی معشون نگه میداشت و مراتب معمول تشریفات بین المللی را با مراسم سنن شنتوننن می ساخت. در حالیکه همه اینها خود را به بهترین وجهی در ذهنیت عام داخلی تبارز میدادند.

در واقعیت امر، توجه از متونی به مهماندار، یعنی خود جاپان، معطوف گردیده بود. هیرو-هیتوئه تاریخ ۷ جنوری درگذشت، مگر جسد وی مهورلاک ند، در بین چند تابوت چوبی سلسله، با یک شمشر تشریفات برسران - به منظور اجرای یک سلسله مراسم پیش از مراسم اصلی در کاخ امپراتوری نگهداشته شد. با وصف پیشینی ها، که مرگ امپراتور احساسات ملی و انتحارهای سنتسی هب گریبان دست راستی را برخواهد انگیزخت.

مردم جاپان بر سازمانتداری رسمی در روزه به زندگی عادی بی نشان برداختند، حتی چین غزا در آری بعضیها احساس مینمودند که با درگذشت امپراتور، آخرین نشانه بیوندشان با جگه جهانی دم، با رسمولیت ازد و شرفشان برداشته شده است. مراسم تدفین میرفت که مصیبت های هنرمیت و انشال پیرامین را به دست تاریخ بیسار. ازان نگاه، بعضی ها آنرا به جهت تجلیل تبار جاپان بمثابه: نخستین بر قدرت غیر نظامی جهان تلقی میکردند، به همین علت حتی کشورهایی که در جنگ جهانی دم از ججا وز جاپان آسیب دیده بودند، مانند چین و کوریا، ی جنوبی، به اعزاز ما، موران عالیرتبه شان برداخته بودند، که در آنجا هنوز احساسات غمگین

جاپانی ناشی از بد رفتاری یا اسرای جنگی باخ خود باقی است، به اعزاز شهزاده فلیپ بسنده کرد. اتحاد شوروی، با وصف وجود اختلاف نظر هساروی تلتک جزایر شمال جاپان، انا تولی کولیا توف، معاون رئیس جمهور را گسیل داشت.

مینی برگشته های خانی، که در جوار پارک تعیین شده، برای برگزاری مراسم تدفین به سنسر میبرد، مقامات امنیتی جاپان، به منظور جلوگیری از ورود تروریست های افراطی، اعضای ارتش سرخ مخالف سیستم امپراتوری، و مواد انفجاری سه توکیو، ۲۲۰۰۰ پولیس شد تروریستی را بسج نمود. بود تا به تلاشی مسوترها و اموال تجارتی زمینی و هوایی در نقاط مختلف مرکز و همیه شهر ببرد از بند. موضوع پارسی که در تنظیم مراسم در نظر گرفته شده بود آشتی دادن در نقش متضاد امپراتور بود: نقش سنتی پیشوایی مذ هب شنتوننن نقش ریبر دولت فیریند هبی، باین معنی که تاجه حدی در مراسم مذ هب و تاجه حدی تشریفات دولتی مراعات میگردد چه ماده ۲۰ قانون اساسی جاپان مشعر است که هیچ سازمان مذ هبی نه از امتیازات دولتی ونه از صلاحیت سیاسی بهره مند شده میتواند. دست راستی های شنتوننننا دانستند که مراسم باید کاملاً مذ هبی باشند و استدلال شان روی این واقعیت استوار بود که مراسم تدفین سران تمام کشور و جارا چوب سنن مذ هب شخصی ویا فامیلی شان صورت میگردد. برای رسیدن به یک تفاهم از عناصر مذ هبی مراسم تاحد زیادی کاهش بعمل آمد و لوکه بحدی نبود که موجبات تقاعد حزب کمونسنت جاپان را، که قصد تحریم شرکت در مراسم را داشت، فراهم سازد.



بعضی از مهمانان خارجی، مخصوصاً وقتی که هوا سرد باشد، حسرت تحریم کننده گان مراسم را میخوردند، بارک شنجو کوکون، که باشکوه های گیلان خود شمرت دارد، به نسبت آماده سازی برای مراسم تدفین، بروی مردم مسدود بود و رانجا یک سالون مراسم، که دارای پت دروازه چوبی سه ارتفاع ده فت بود، ساخته شده بود. در مراسم مذ هبی سه ساله امپراتور نقش مهماندارو - رهبران مذ هبی شنتوننن برقرار کننده رسمی مراسم را ایفانمودند. در پایان مراسم مذ هبی بیانییه های از طرف صدراعظم و دیگر ما، موران جاپانی - ایزاد گردید و بند عوین در برابر تابوت ادای احترام نمودند و سپس تابوت به گورستان واقع در تبه های نرین توکیونقل داده شد.

از آنجاییکه هوای فیروری توکیوسرد بود حکومت جاپان تاحد ممکن در وقت مراسم کاهش بعمل آورد تا مهمانان خارجی را هوای سرد آن پت ننمایند. البته صرف سمعی و معارف زیاد وقتی رضایت بخش تلقی میشود که خوشی خاطر مهمان را فراهم ساخته بتواند. د پلوما سنن زیگانه غالب اوقات سننسی حکومت و ریبر مشکلات جاپان را در خارج کشور بهتر جلوه داده است و حکومت موجوده جاپان نیز به چنین امری احساس نیازمندی من نمود. به این نسبت صدراعظم جاپان تاحاییکه ممکن بود شخصاً از مهمانان رسیده گئی نمود، اما نظریه کی وقت و تعداد زیاد مهمانان عالی مقام او، ده دقیقه وقت را برای هر عیانت تخصص داده بود، امپراتور جدید و خاتمش از روسای جمهور و شاهان شخصاً رسید گئی نمودند و یاز پیران ملاقات گروین بعمل آوردند.

زخم معده یک مریضی

نوشته دکتر کورون الله روحیان
مکروبیست
کشف میکروب کامیابلو بکتیر بیل -
(Compylobacter pylori)
در سال ۱۹۸۲ تغییر فاحش را در طرز شکم و اسباب گستریت های مزمن و فرخات خماساز هضمی بوجود آورد. تقریباً ۱۰ فیصد مرخصان قرحه اثنا عشری ۷۰ فیصد فرخات معده، میکروب بیلوری را در معده شان حمل نموده و محو هین ارگانیم از وجود بافت صحت و ترمم گستریت ها و فرخات میگردد.

سابق تفکر در مورد اسباب فرخات یاز خم معده اکثراً، به اساس تغییر توازن بین ترشح اسید معده و مقاومت میکروبی جدار معده فکسر میشد که تدای هم به همین اساس بیان میشد ولی در این اواخر فلنا بالای فکتور های که باعث تنزیل مقاومت جدار معده میگردد، تدفین نموده یک علت معده همین میکروب بیلوری را در یافتند که میکروب یک قدرت خاصی در تغییر محیط معده و محافظه موضعی معده و میکروبی آن را داشته و میکروب در جدار معده توصل نموده و باعث نابودی قشر محافظی میکروبی معده میگردد. اکثراً ۲۰ فیصد انسانها در یک وقت، صاحب این میکروب میشوند. و افرادی که این میکروب را دارند ۲۰ مرآتیه اماتف تراز مریمان نورمال خطر تشکیل فرخات را دارند، هر انسان ممکن در طول زندگی ۱-۲ بار به این میکروب صاحب گردند و نسبت به رشد بودن مقاومت فردی یا استعمال آنتی بیوتیک که ممکن به هدف دیگری خورده شود، این میکروب از صابین آن نابود میگردد.

در سابق گستریت ها و فرخات را مرتبط به قلوی اثنا عشر - تشوش روحی، سکر و مسواد مخزش مثل الکول، مرچ، غذای تند، اسپرین و یا خانوادہ آن میساختند. ولی این مسواد فقط میتواند یک سرخی و تخریش و معما تخریب جدار معده را تولید کند ولی نمیتواند باعث التهاب مزمن گردند ولی در صورتیکه قرحه موجود باشد باعث تشدد آن میگردد.

میکروب بیلوری یک میکروب گرم منفی شکل S مانند که یگانه میکروب است که میتواند در جدار معده، کولونی های تشکیل داده و خود را از اسید معده توسط یک قشر بملو از با کار بونیست و میوکشن محافظه کند. و اکثر این میکروب در رواجی که باعث ترشح میکوشن میگردد، تراکم نموده و در ضمن برای محافظه اسید میکروب، یک قدرت خاص فعالیت میتا بولیکی و تولید یوزیا هارکتالیزها را داشته که باعث تولید آمونیم باي کار بونیست از یوزیا میشود که مشابهت با میکروب های نوع سیا سیرولایا هاداشته و از همین سبب ممکن این میکروب در ابتدا از حیوانات به انسان انتقال کرده باشد.

برای اولین بار در ۱۹۳۸ Doenges
بقیه در صفحه (۹۰)

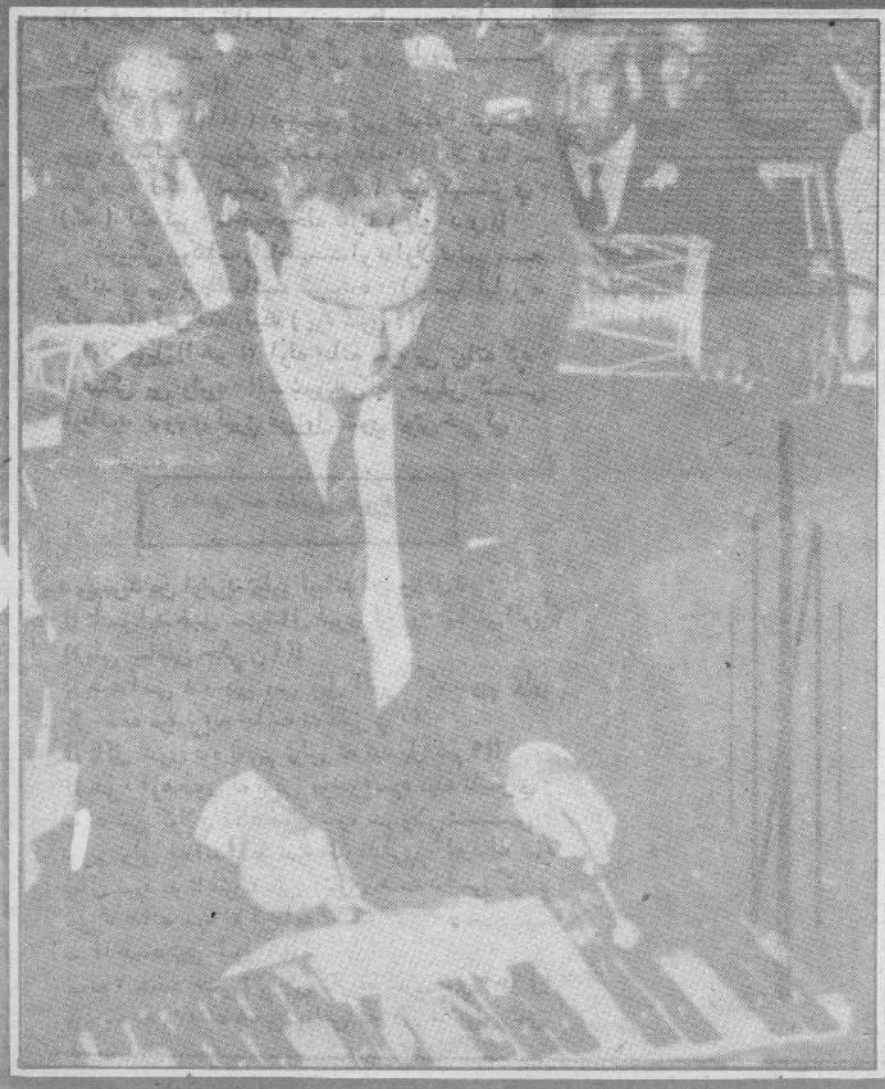


صدای

جاودانه سده ها



ترجمه: علی ائیسر



به‌مینگونه موکیش درین قام کردن ریکارد از لحاظ کمی آهنگهایش نبود. برای او یک آهنگ ارزشناکی این را وقتی داشت که احساساتش را در آن انعکاس دهد. به‌عین دلیل هم است که وقتی هزار آهنگ به‌جامانده او را در آن‌ها مردم بد آوری می‌گیرند پاسخ مساعد گرفته می‌شود. بسیاری آهنگهایش ملو از روح هنرموسیقی است. گدایان و شراب - نمند آن آهنگهایش بطور همگون حفظ می‌شوند.

موکیش چاند متور، همانند دیگر موسیقی (وسانت دیسای) با رویای بازگشتن و آرد نیای سینما شد ولی نتوانست در بیشتر از چهار فیلم ظاهر شود. شکست او در بازگشتن به هنر او از خوانی این نیز تا "تیر منق" بجا گذاشت. حتی نخستین آهنگ غیر فلیش این را که به اساس یکی از آهنگهای ((بنکج ملک)) سرود چنگی به دلها نزد همانطور که نخستین سه آهنگ فلیش این سرود توجه قرار نگرفت. او تا گریه در یک مکان بدون برداشتن یک کلمه مدتها باقی ماند تا اینکه در ۱۹۴۵ ((کشف)) شد.

عقیده عمومی بر این است که ((انیل بیسواس)) یکی از موسیقی‌دانان مشهور فلیش، برای اینکه از او یک آواز خوان بسازد موکیش را با سیلی زد. اما خود بیسواس این انسانه را زد کرده میگوید: ((شاید برای هر خواننده تازه کار در عصر موکیش عشق بوزیدن به آواز سیگل مود بود. من خوبی خرابی داشتم وقتی موکیش از ناتوانی این در سرودن آهنگ حزن بیاورده تهدیدش کردم که در جلو آرکستر -

لک و کوش خواهم کرد.))
بقیه در صفحه (۷۸)

موکیش

گفته میشود وقتی شاهان می‌میرند خسوف رخ می‌دهد و طبیعت به عمیان بر میخیزد. ولی وقتی شاهان دنیای موسیقی - سیگل، موکیش ورنی - مع مردند چنین چیزهایی واقع نشدند و در عوض نوت‌های ناموزون از سفوتی زندگی بگوش رسید. وقتی موکیش ((الوداع)) گفت اکثریت مردم ضایعه عظیمی را احساس کرده‌اند زیرا موکیش صمیمیت خود را به مردم عادی با آمیختن آرزوها و رویاهای آنها در لایبای آهنگهایش تبارز داده بود.

به اساس کار ((هنر رهنوش)) که به‌عهد گرفته است تا تمام آهنگهای موکیش را در یک کتاب جمع و انتشار دهد، موکیش در طول ۳۰ سال کار هنری اش مجموعاً هزار آهنگ دارد. یعنی بطور اوسط در هر سال ۲۸ آهنگ سروده است. از نگاه کمیت البته که تعداد قابل ملاحظه نیست، اما کمیت صرف تعداد و ارقام را بیان میکند نه قلم تسخیر شده هنری را.

بطور مثال سیگل در تمام حیات هنری اش صرف دو صد و پنجاه آهنگ سروده ولی اینکه او چه سرود با ارزشتر است تا اینکه به چه تعداد در سرود! سیگل این امتیاز را داشت که آهنگها کمپوزیتورهای را خواند که انعام درین سودجوی نبودند ولی موکیش در آثارهای عنکبوتی سینمای تجارتن گیسر - مانده بود که بعضاً با وجود عدم تطابق برخی از کمپوزها با صدایش بطور لایبای می‌بایست آنها را می‌سرود، با وجود آنهم غالباً انسان - آوازین آهنگهای بدیعترین عارایی ساخت. طلعت محمود یادداشتن شده آهنگ شاید در انتخاب کمپوزها سختگیرانه برخورد کرده است.



یک هزار آهنگ در ۳۰ سال کار هنری

ته بی ارتقا کړي تر یوې اندازې ضعیف شوي دي

نه پوهیږم هغه تل انضباط درلود
- الرزګونښ وکړي له ټولې سره جوړ شي هسه
سربازان به روزلي دي او سورشال موهم لیري
کړي (پوه شوي؟)
- هو، ښاغلی جګړن
- او بام کوي چی سربازان د سگرت څکولوبه وخت
کې احتیاط وکړي کله چی غشی ویشتونکی دغه
د شپې خلیلونکی چینجی وینی چی له یوې خوانه
بلی خوانه یې گوتی یې خاریت کوي
په تیره اونۍ کی پناه کسه سربازان په سروندو
باندي په گولی ولگیدل ، ښه پاملرنه وکړي
پوه شوي؟
- هو ، ښاغلی جګړن
دوم برید من الرزګله چی د ټولې په لوړ روان

لیکونکی : ولکانګ پورشرت
ژباړونکی : ماسون

هره اونۍ یوه سه شنبه
یو کال پنځوس سه شنبه
او جگړه ، پیري سه شنبه لري

ددې سه شنبه په ورځ

په ښوونځی کی بی الفاد لویو تورو مشق کاوه
د ښوونکي په سترگو ، پېلی نښې لرونکي عینکي
وي . عینکوي جوگا ته درلود اولنژونه یې هغو
مړه پېل ووچی سترگی یې په سختی لیدل کیدی
دوه څلویښت نجونی د توري تختی و پراندي
ناستی وي اونه غټو تورو لیکل :
(فریتس د خلیب بیا له لري ، د برتاي د خندا غمز
تیرا سه ورسید ، په جگړه کی ټول پلرونه
سربازان دي .)
اولا (۱۱۱۵) د خپلی ژبی خوکه ، ترسزي
پوري ورسوله ، ښوونکی هغه ووهله . (اولا تا -
جگړه په (گ) لیکلی ، په (گه) لیکل کیسزي .
(گه) لکه گور ، ما خو پخپله درته وپلې دي))
ښوونکی یو کتاب راواخیست او د اولا د نوم په
وړاندي یې د چلیبانته کیښوده . (د سبا لیا ر
دغه جمله لس ځله ولیکه (پوه شوي؟)
اولا وویل ((هو)) اوله ځانه سره یې زیاته کړه :
(عینکی یې وگوره .)) د ښوونځی په حویلی کسی
کارغاوند پوځي لیري غوړول شوي ټوټی خورلی .

ددې سه شنبه په ورځ

دوم برید من اولرز ټولې قوماندان وټاکل شو .
(تاسو باید خپل سورشال لیري کړي ، ښاغلی الرزګله
(پلی ښاغلی جګړن؟)
(هداس ده چی ویس ویل الرزګله په دوم ټولې
کی دغه موضوع په چاښه نه لگزي .))
(ټاکل شوي ده دوم ټولې ته تبدیل شم .))
(هو ، او هغوي له دغی موضوع سره ښه نلسري .
ته نه شی کولای له هغوي سره سم ولاړ شوی .
دوم ټولې له انضباط سره عادت کړي . له دغه سره
شال سره په تاسووته منی ، تونن هسه داسی کوم
شی له ځانه سره نه گرځاوه .
(هسه یې شوي؟)
- نه ، هغه خبر را کړ چی ناروغه شوي دي ، حال
یې ښه نه ، له هغی ورځی نه چی د تونن رښی

بیښلی سوزین وویل : ((هو ، هغه کولای شی .))

ددې سه شنبه په ورځ

تونن هسه یې په تسکړه کی له حشراتو سره د
مجادلی کوټی ته وپوړی . د ننوتو د روزي پر سر په
یوه ټابلو داسی لیکل شوي و : ((که جنرال یسی
که سربازي ، دلته باید خپل وښته وڅیړی))
د هسه وښته یې وڅیړیل . د نرس اوز د پاونر ی
گوتی د غنی لاسواښوته ورته وي .
د بند ونوشاوغوا ی لږ سره ښکاریدله .
هسه ته یې په کم شی باندي چی د درملتون
پوي یې درلود مالش ورکړ . نرس په خپل غنی پوله
لاسونو د هسه ښوونپوه او وروسته یې په پوي پېلی
کتابچی کی داسی ولیکل : ((تودوخه ارا ، ښی

د دې سه شنبه په ورځ

د سورشال یې له ځانه لیري کړ ، سگرت یسی
ولگاوه اوبه لوړ غزی وویل : ((د ټولې قوماندان
دوم برید من الرزګله))
په همدغه وخت کی د بزغز پورته شو .

ددې سه شنبه په ورځ

ښاغلی هانزن بیښلی سوزین ته وویل : ((کو -
چی سوزین د دوم محل لیاړه باید ښاغلی هسه
ته کم شی ولیزو ، لږ سگرت ، پوخته خوراک ، د -
لوستلو لیاړه خو کتا پونه ، یوه جوړه د سگرتی اودا -
سی نورشیان ، هلکان زکام نیولی ، زه هم دغه زکام
ښه پیژم ، پیره مننه .))
(ښاغلی هانزن د هولد رلین کتاب څنگه دي؟)
- ((حماقت دي کړچی سوزین ، حماقت ، نه ، ښه
په وي لږ څه ساده وي ، لکه ولهلم پوښاویسا
همدارنگه نور .))
اته خو پوهیږی چی هسه له ساده شیانوسره پیره
مینه درلوده ، په مینه یې خندلی ، تاسو خو په دي
پوهیږی زما خدا په دغه هسه خومره کولای شوی
رخاندي .))

ددې سه شنبه په ورځ

میرمن هسه د گاوندې د کورنګه رواهه ، کله چی
د روازه خلاصه شوه ، هسه لیک یې چی په لاسکی و
ونوراوه ، میرمن یې تونن شوي و .
په هغه بجای کی د سر ودرجه صفرلاندي څلولو -
ښتوه اودغه لیک نه ورځی په لاره کی و .
د پاکت بروخ لیکل شوي و : ((میرمن تونن هسه ته
دي ورسیږي .))
میرمن هسه لیک جگ نیولی و خو گاوندې یې هغه
نه لیده .

څلویښتو درجی ساره ، او ترشوندولاندي یې زمزه
کړه : ((بیچاره سربازان .))

ددې سه شنبه په ورځ

د سمولنسک د ساري ناروغیو د سارای روفتون
رښی د روفتون له سرطیبب څخه بوښته وکړه .
(هره ورځ خوکه)
(پناهغه شپږ کسه)
اوربیس وویل : ((نفرت پارونکی ده))
سرطیبب یې په خواب کی وویل : ((هو ، نفرت
پارونکی ده))
او هڅ یوه د پل سترگوته ونه کتل .

ددې سه شنبه په ورځ

د ((جاد ویر فلوټ)) قطعه یې غزولسه ، میرمن
هسه خپلی شونډي سري کړي وي .

ددې سه شنبه په ورځ

نرس الیزابت خپل مور او پلار ته داسی ولیکل :
(د خندا ایله مرستی پرته استقامت نه شی کیدای .))
خو کله چی اسپستان ورنژدی شو ، له خایه پورته
شوه ، اسپستان لکه چی د نر ی دیوي وچی نیسه
برخه یې پرشا پاروي د سالون له منعه په کړ وپسه
ملاتیر شو .

الیزابت له هغه بوښته وکړه : ((هغه ته باید
کم شی ورکړم .))
پاکت خواب ورکړ ((نه)) دغه کلمه یې هومره
ورو ویله چی تابه ویل له خپله ځانه شرمیږي .
اوروسته یې تونن هسه د باندي ولیز داوه ، د پا -
ندي زیات غالمغال اوږدل کیده ، چا وویل : ولسی
مړي په ارامی سره پر ځمکه نه زدی ، هر محل هغوي
له پاسه خوشی کوي او غالمغال جوړ یږي .))
اسپستان له یو بسترنه بل ته یې هره ورځ اوهره
شپه .

اوپر دي ورځی اود شپې په اوز د وکی ، لکه د هغه
چا غوندې چی د روند باری بر اوږد وي ، کس و پ
د سالون له منعه تیرید .
د باندي ، دوه کسه چی تشه تسکړه یې وړلسه
سره خپي را ولویدل ، یوه یې وویل : ((څلورم
نمبر ریزش کړی .))

ددې سه شنبه په ورځ

د شپې ، اولا په خپله کتابچه کی په غټو تورو -
داسی لیکل :
(په جگړه کی پلرونه سربازان دي .
په جگړه کی ټول پلرونه سربازان دي .))
اولا دغه جمله په غټو تورو لس ځله ولیکله ، او جگړه
یې په (گه) لکه گور .

صاحبا ز پوپل

لیلا، لیلا تو روز است خدا یاد دنیا کو روز است



نعیم پوپل چگونه مجبور شد وطن را ترک گوید



زنده گان را در یوتلوزین از طرف شما ازین غذا محروم اند علت چیست؟

— شما واقعتاً را گفتید من صرف در عروسی ها و محافل خوشی دوستان میروم و من.

— در راد یوتلوزین چرا؟

— این چرا را باید از خود اینها بپرسید، از بد بريت موسیقی راد یوتلوزین که زنده باشند در روزه های مایوسی را بروی من کشود اند. همین حالام در حد و د (۵) پارچه برای بهار تعبیه د پده ام. انراد ر طلوع سوزنیک ثبت میکم بعد از از زبایی اگر خدا بخواهد که بد پرفته شود انرا لبسنگ خواهم کرد.

— خوب نفهمید من کلام را از موسیقی آغازیدم ولی شما ما یوس گله و شکوه به خورد من داد پس یعنی چه؟ بیایید از سالهای دور صحبت کنیم از سال ۹۶ که همکاری تانرا باراد یواغاز کردید از همسان اهنگ نخست او از تان برای اکثریت پت بد پرنده بود و است. پس بیایید در قدم اول از سرینش های هنری تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— شما حتماً استعدادی برای آواز خواندن داشتید ولی ایانزد کسی زانوی شاکردی هم زدید یا مشکل تعدادی از آواز خوانان ما، گل خود رو بودید.

— من اساساً آواز خوانی را نزد برادرم نعیم پوپل امختم.

— میشود چند اهنگ او را نام ببرید.

— اهنگ: لیلا لیلا نوروز است خدا یاد دنیا کو روز است

همچنان اهنگ: قدح را سرگنیم شب را سرگنیم. از اهنگهاییست که در انوقت ها زیاد سزبانها افتاده بود.

— ای این اهنگ ها از مرحوم احمد ظاهر نیست؟

— اول نعیم پوپل انرا خواند. بعد مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه او را در کست خوانده است.

— اولین اهنگ من: نگاهت رازین برگیر و بگذر.

— در انوقت چند سال داشتید؟

— در حدود ۱۹ سال داشتم.

— برای چه کسی انرا خوانده بودید؟

— از شعران خوشم آمده بود.

— گویند که تان که واقعتاً فقط همین بود.

— انرا برای کسی که فعلاً شریک زنده گی من است خوانده بودم.

— یاد راول هاهم از طرف راد یوس مشکلات داشتید.

— بلی: اولین اهنگ راد راد یوس با بسیار مشکلات ثبت کردم.

— در مجموع چند پارچه اهنگ در تان بشنویم، بعد من ایتم به طرف تلخی هایش.

— با آواز مقبولی که در این ۷ پارچه خیلی کر نیست؟

— چه باید کرد کسی به راد یوس تلوزین راه نمیدهد.

— علت انرا میدانید؟

— بلی میدانم. انانیکه از زبایی اهنگ ها را به عهده دارند نمیتوان خواست شانرا بر آورده به سامان اقتصاد من خیلی خراب است.

— فقط همین علت است؟

— یک گپ دیگر هم است من نه گابی بقمه در صفحه (۸۵)

گروه خودش قرار دارد. ازین هنر مند موفق صرف در حدود (۱۵) - پارچه اهنگ در ارشیف راد یوس موجود است.

— از اهنگهای خیلی به نام او که در انوقت ها زیاد سزبانها بود اهنگ لیلا، لیلا نوروز است و اهنگ (قدح را سرگنیم شب را سرگنیم) میباشد که بعداً مرحوم احمد ظاهر دوسه پارچه انرا در کست خوانده است.

... و این همه راولی پوپل برام قصه میکند.

ولی پوپل آواز خوان خوش صدا را که سالهاست بروی پرده تلوزین بین زنده گیام در یکی از عروسی ها بالا میستیز من بینم. او میخورد اند ((نگاهت رازین برگیر و بگذر که دیگر تاب دیدارت زدم ام)) این اهنگ را چنان با احساس میخواند که با کف زدهای مستند استقبال میکردم. مگره او را درین جا غیر مترقبه بیدار کرده ام از او دعوت میکنم تا به دفتر مجله بیاید که به قولش من ایستد و می آید.

شماره مشکل بیدار کردیم چرا انراد یوتلوزین میگزینیم. علاقمندان او از تان چی دارند؟ میگویند موسیقی غذای روح و زبان و احساسات است ولی تا جایی که دیده میشود بیننده گان و شنو-

بمیانند کشور ترک کند او نخست به ایران رفت. در انجا با گوشتوش خواننده پرواز به ایران اهنگهای د و گانه اجرا کرد. حتی زمزمه بین وجود داشت که با گوشتوش رابطه عشقی قائم نموده و با هم از نواج میکنند. بعداً از انجایه فرانسه رفت و فعلاً در کالیفورنیا زنده گی میکند.

نعیم پوپل هنگامیکه کشور ترک مینمود متاهل بود او خانم افغانسی داشت که فعلاً هم با هم از زن و فرزندانش زنده گی مینماید.

ولی در انجا فعالیت گسترده هنری دارد گروه او بنام ((گروه کامپین)) نامیده میشود که در راه بین وقت میخواند ام احساس من کرد صدایش چون رودی در رگ های جان جاری میشود.

وقت او میخواند فضا بسوی گلبرگهای شسته شده میداد.

وقت میخواند تو میگفتی گلها میشکند و شاخه های خشک درختان شکونه میزند.

در بریت که آواز خوش نعیم پوپل آواز خوان جوان و خوشوش صداشنیده نمیشود زیرا که او در کشور پیرو برای مردم د پگسر میخواند.

نعیم (پوپل) در سال ۵۴ جبراً روی یک سلسله مسایل و قضا یا مجبوری ترک کشور کردید. و قضیه ازین قرار است:

د دختری که به یکی از خانواده های بانام انوقت منصوب بود به نعیم پوپل چنان دل باخت که وقت متوجه عشق یک طرفه خویش گردید دست به خود کشی زد ولی نجاتش دادند. خانوادها دختر تصمیم گرفت تا بخاطر نجات دختر شان از انشی که تنها خودش در ان میسوزد نعیم پوپل را مجبور

ولی پوپل درباره برادرش سخن میگوید

زاکا کال وولک د ژرما راکا کال یوپی

کی نقل زره نازره وی یو آزی
 د خیل احساس سره سم پرمخ
 یی د خیل مراد د لاسسته
 راور لود باره توله مخه رانسکر
 زوی د مار به کال زیزید لسی
 هلك قهار شعوت پرست او
 خورا حساس وی اوزیزید لی نجلی
 بنایسته وی به عابانیا نوکی
 د بنایسته ستاین د باره مار
 فوندي بنایسته اصطلاح وسیل
 کییزی .

نیکمرغه به وی که د مار به
 کال زیزید لی د گامینی اوچرگی
 به کال زیزید لوسره واده وکړي
 خود بیژود کال سره به طالعمنند
 نه وی د پراگ او وحشی خوگ
 د کلو سره به بد مرغه وی .

به یو یزیم کی مارک نیسه
 موجود به توگه گیل کیزی د مار
 رانو پاچا (موجالیندا) بوداد
 سیل به وخت کی وژغوري مار
 خو پی ی ترهغه وخته پوری ساتل
 کیدی ترخود فیلسوف نگارچون
 د نظر له مخی انسانان د مار
 د پوهی سطحی ته ورسیدل .
 همدارنگه به بوداییم کی مار
 تهر چرگ د شعوت او خوگ د
 جهل سمبول دی .

د منحنی آسیا منحنی خلک په
 دی عقیده دی چی د مار به
 کال زیزید لی نارینه که د سړی
 اومیزی به کال زیزید لی نجلسی
 سره واده وکړي د هغه
 اولاد ونه به نامتوانان د اره خلک
 وی د مار به کال زیزید لی نجلی
 که د چرگی اوتوپه کال زیزید لی
 هلك سره واده وکړي دوی به
 نجونی زیزوی .

د منگولیا او منچوریا خلک عقیده
 لری : (د مار به کال زیزید لسی
 یو معتدل اوزره سواند مانسان
 دی همدارنگه دی به منطقی
 تیز فهم او برخله خبره ولاړ سړی
 وی خو عیب به یی دشرویاتو
 خنبل وی د زره مغلواو نوری
 اوز دی ناروی به ولری د د
 د باره لازم نه دی چی دخیل
 رییس (وظیفوی) سره جنجال
 وکړي به لومړی سرکی به رنغ
 یو سی اووروسته به له منحنه
 ولاړ شی .)

د تبت د شپيته کلتی کییزی
 بیل د جینی کییزی له بیل سره
 سمون نه لری به تبتکی دا
 دوره د سوي د کال خخه بیل
 کیزی به پداسی حال کی چی به
 جین کی د موزک د کال خخه
 بیل کیزی به د دوی ترمنخ توپیر
 به د روکلوکی دی به دی خاطر
 اوسنی شپيته کلتی دوره به جین
 کی به ۱۹۸۴ کال او په تبت کی به
 ۱۹۸۷ کال کی بیل شوه .
 د ۱۹۸۹ کال د فبروري د
 شپزیم نیتی به شیه نوي کال
 یعنی د زره مار کال بیل شو .
 (چی ۱۲۶۸ هـ ش کال هم به
 همدی نامه یاد یزی) د طبیعی
 عناصرو د دی رنگ سره
 مخه سمون لری کال مونث
 (نرم) بلل کیزی د خختیو
 خلکو په روایت به دی کال کی
 زوری او بد مرضی بیسی سختی
 نیستی تزلزل اوماته نه بیسیزی
 د منحنی اوختیعی آسیا په خلکو
 کی د مار خخه مختلف تعبیرونه
 شته جابانیا ن عقیده لری :
 ((مار د حکمت فراست اوارا دی
 خاوند دی خورا طالع مند دی
 هر خه ته بخان رسولی شی مار
 متکبر او مغروردی خوشتریف اغو
 سته شوی دی مار خورا خسرود
 خواه او موزی دی خود علاقسی
 په صورت کی مرستی ته هم دانگی
 کله هم داسی ساتته کوی چی به
 مشکله خوگ بخان حنی خلاصولو
 شی مار د نوروه نظریو او فیصلو

د هر عنصر د باره یوزنگ یعنی
 سورد اور ژر د مخکی سپین د
 اوسینی تور د اوبواوشین د در
 ختی د باره مشخص شوی دی
 کلونه به مذکر (کلک) او مونث
 (نرم) ټول هم ویش شوی دی .
 د موزک پراگ نهنگه آس
 بیژواو سینی کلونه مذکر (کلک)
 اورد گامینی سوي مار میزی
 چرگه اوخوگ کلونه مونث (نرم)
 بلل شوی دی .
 لویه یا شپيته کلتی دوره به
 خختیوه او منحنی آسیا کی لخورا
 پخواخه د تاریخ په مختلف زمانو
 کی منل شوی ده . د انگیزه به
 جین کی ترمیلاد مخکی به د وده
 پیزی به جابان کی به مغولستان کی
 به خلورمه پیزی به مغولستان کی
 د میلاد په خوارلمه پیزی ۱۰ و
 په تبت کی به ۲۷ ام کال کی منل
 شوی ده .

همدارنگه کال میاشت ور
 یی او ساعتونه هم دخارویوه
 نامه یادیدلی لکه د (صفر متر
 ۲ بجو) د موزک ساعتونه
 (۲-۴ بجو) د گامینی
 (۴-۶ بجو) د پراگ له
 (۶-۸ بجو) د سوي او هندا
 راز تراخه پوری یادیدل
 لویه کیزیه
 پنخه کوچنی د وولس کلنی
 د وری یوه لویه شپيته کلتی دوره
 جوړ وی به دی دوره کی یو
 خاروی پنخه واره به تکرارید
 یزی خوه هر وار کی یوزنگ د
 هر خاروی د باره مشخص شوی
 دی د ارنکونه د پنخه طبیعی
 عنصر یعنی درخته اور مخکسه
 اوسپنه او اوبو خخه اخیسته
 شوی دی د اوشیه لاند نیس
 جدول کی به واضح ټول خر
 گند یزی :

مور	نر	۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
کامینه	بنخه	۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور
پراگ	نر	۳ سور	۱۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین
سور	بنخه	۴ سور	۱۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین
نهنگ	نر	۵ ژر	۱۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور
مار	بنخه	۶ ژر	۱۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور
آس	نر	۷ سپین	۱۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر
میزه	بنخه	۸ سپین	۲۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر
لیژو	نر	۹ تور	۲۱ شین	۲۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین
چرگه	بنخه	۱۰ تور	۲۲ شین	۲۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین
لیپی	نر	۱۱ شین	۱۳ سور	۲۵ ژر	۲۷ سپین	۲۹ تور
خوگ	بنخه	۱۲ شین	۱۴ سور	۲۶ ژر	۲۸ سپین	۳۰ تور

نامه یاد یزی به دی ټول :
 ۱- موزک ۲- گامینه ۳- پرا
 نگ ۴- سوي ۵- نهنگ ۶- مار
 ۷- آس ۸- میزه ۹- بیژو
 ۱۰- چرگه ۱۱- سپی ۱۲- خوگ
 نوي کال به د جنوري د د یار
 لسی خخه د فبروري ترخلو رو
 پشتمی پوری (د جدید رویشتم
 خخه د حوت ترخلو رومی پوری)
 بیل کیدی تل د سپوزم به
 لومړی وړخ نامانعل کیدی .
 منگولیا یی ژبی ویونکی خلک نوي
 کال (سگان سر) یعنی سپینه
 میاشت بولی نوي کال به نیمه
 شپیه نه نامانعی بلکه د نوي کال
 به لومړی وړخ د سهار سپید وته یی
 نامانعی اوبه دی سهار دی یی
 سینی خلک د یویل کورته می
 نوي کال مبارکی وایی اوسفاتو
 ویش د اعادت تراوسه پوری
 به منحنی آسیا کی پاته دی به
 به میلمستیایکی د فونواوشید و
 خخه نیار سوي خوار به دستر
 خوان اینول کیزی سپین
 خوار به سپینه میاشت لور
 حکمت د رلود او خلک په دی
 ارمان وه چی د اخوا به به
 نوي کال د رومو به زیانید وکی
 اغیزه لری او د پوی خور لسو
 به وخت کی یویل ته دخارویو د
 بجایانو د زیزیدولو هیلیس
 خرگند ولی اونه مغولستان
 کی اوس هم د نوي کال لومړی
 وړخ دخارویو دورمی به نامه
 یاد ییزی .

نه نگاری د دی برخای چی
 د اقمری شمسی ویولو به به
 وی چی قمری شمسی
 مشتري زحل کلزیه یی ویولو
 برخه د انگیزه د لمر سپوزمی
 مشتري زحل او مخکی د حرکتو
 خخه ترتیب شوی ده د اداکسه
 هم د وولس کلتی بلل شوی چی
 د لمر به تاوخوا پاندي د مخکی
 د حرکت خخه تصحیح شوی او
 توگه ۱۱۶۸۶ کلتی دوره بولی
 د اوزره د لمر به تاوخوا پاندي د
 مشتري حرکت دی .
 تراوسه پوری د دی کیزی د
 پیدا کید وخوا یی چاته بحرگند نه
 دی البته به آسیا کی دی خو
 به خختیوه یا منحنی برخه کی د
 خرگند نه ده د پوی خوانجو
 می شمیرنه د منحنی آسیا د کوچنی
 کلتور خخه لیری بریسی اوبه قوی
 احتمال د جین د خوزون نجومی
 تاریخ لاسرته راور نه بلل کیزی
 د بلی خواد کلزیه ټول خاروی به
 لږ استتا (بیژواوچرگه) به
 منحنی آسیا کی ژوند کوی اونهنگ
 خوه مرعای کی ژوند کولای شی
 مخه نوحمل به سل کی دیوه روایت
 تا پیدا گاردی خو بیاه به
 اعتماد سره ویلی شوی د دی کلزیه
 جوړونکی صحرایی کوچیان دی چی
 د مترکوجی مدنیت خاوندان
 وړه خرنگه چی مخکی مورویل دوی
 کلزیه دی کوچنی کلزیه د وولس
 کاله ده هر کال د یو خاروی به

د هر نوي کال به راتلو سره
 ټول خلک د نوپیدیدو البته
 نیکمرغه پیدیدو به پیر به تمه وی
 او هر یو د خیل قیاس سره سم
 راتلونکی اټکلونه وړاندی کوی
 د ابخوانی آسیا یی عادت به
 اروپا کی اوس د کلتور او کچر جیز
 گرچیدلی دی خو پوهیزی
 چی راتلونکی کال د کم خاروی به
 نامه یاد یزی اوهغه ټول کالی
 اوما سکونه واغوندي اورد کال
 به لومړی وړخ یا شپیه یو بنایسته
 نویت بنکاره کړی به عانگری
 توگه منحنی د دی پویشتی سره
 پیره علاقه خرگند وی اورد سر
 زره غواری چی د نوي کال نم
 د هغه خصوصیات او تقریبی
 اټکل شوی راتلونکی خان تصلیم
 کسری
 د کلونود اوشی یوه خختیوه
 عنعنه ده چی د پخواخخه د
 کلزیه به ټول د کال د عدد د سر
 خنکه دخاروی نم هم لیکل کیدی
 د اوشی دوی دوری لری لومړی
 یی د وولس کلتی اود وده یی
 شپيته کلتی دوره ده کله یی
 پوهان د کوچنی اولوی دوری به
 نامه هم بولی د وولس کلتی
 د نورولس هاوکلزیه برتلسه
 د ویره معموله کلزیه نه ده به
 یقینی ټول د انگیزه د ویر
 حقیقی نه ده لکه یوه نجومی
 او کلتوری کلزیه چی ده به
 علمی ادبیاتوکی یی کله قسری
 کلزیه هم بولی خود ایقینی

د ننی آسیا و نرغاد محلی خخه
د شیر شاه رشاد ژباړه



مرزهای دانش

آزون دفاع میخواید

ترجمه از فریدون

آزون مدتها در ساحه پاييس سراسر (توسفيو جزيرين) در ارتفاع ۲۰-۳۰ كيلومتر سطح زمين - منتشر است، هرگاه آن از ديگر تركيبات اتمسفيو جدا ساخته شود قشری با ضخامت ۳ ميلي متر را تشكيل خواهد داد، در حالیکه ضخامت مجموعی هوای ترمال به ۸ ميلي متر برسد، آزون - راديو اکيف ماورای بنفش خورشيد را جذب نموده، مانع ضرر به پوستی - بالایی سطح زمين و مانع تغييرات حرارت در اتمسفيو میگردد.

آزون پس از جذب شعشعات ماورای بنفش خورشيد کسب حرارت نموده و سپس آنرا در هوای محیط پخش و انتقال خواهد داد. آزون با جذب شعشعات گرم سطح زمين بر اقليم اثر افکند و درجه حرارت آنرا کمترول میکند. از جمله دشمنان عمده آزون نور - روي و مهبوط بمركات مشترک کاربن و فلور و کلور میباشد. از ۶۰ سال است که در ميجال ها و کولر ها بشکل مانع مورد استفاده قرار میگيرد. اين ماده زهرآگين نبوده، توب فراران کم میباشد. در ارتفاع که انتقال میکند کاربن را آزاد نميکند، يك اتم - کالين ميتواند ۱۰۰۰۰۰ اتم آزون را تخريب کند.

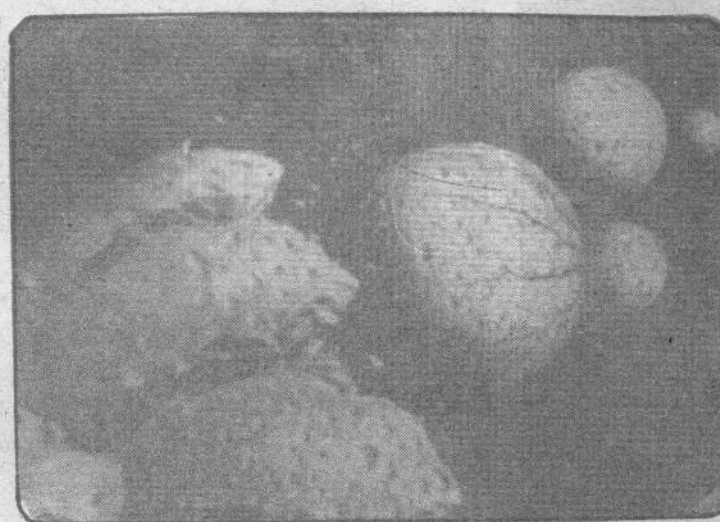
بر علاوه نور و گاز های ميجال که کاسيد آزون و ديگرموادیک تعداد آنها به ۳۰۰ ميلي متر قشر آزون را تخريب ميتوانند.

برای ازدياد معلوميات خوانندگان محترم نظر گنگوی خبر - بيه در صفحه (۷۵)

آياتصادم زمين با کدام ستاره ممکن است؟

فنا این دنيای انتهائی اطراف ما، که بانجم وکواکب مرصع گردیده، نمايشگاهی رامانده دران هزاران هزارکواکب و ستاره پرتوانشانی ميکنند. و زمين که مراتب اين اجسام جولا نگرما مت در نظام شمسی است چندین بار از تصادم حتی سیارات ديگر که در مدار خود و اطراف آنها دور ميمايند، نجات يافته است.

چه مشاهده خواهیم کرد - اکهيکی از ستاره ها به جدار زمين تصادم نماید؟ علما اظهار مي دارند اين کار در فاصله زمانی پنجماه و هفت سال بعد امکان دارد. بنا به دزید و خلقت اين امکان به مسازد.



تحقيقات علمی - رتزون وسطی اين را ميشکست ميکنند که ايا امکان دارد تا دم يك ستاره با ستاره ديگر سبب انفجار گردد؟ ۱۰۰۰ علی الرغم اينکه نظيه - بالا تکمله - جوانب وسيع موزع در همان علمای قرون - وسطی نمیشود ولي عده - تعداد علمای آن صریحا انهم ضمنی - تسمير اين احتمال ميکنند:

علمای نجوم اشاره ميکنند اگر ستاره - ديمرزم با زمين تصادم ميکند درين صورت حرارت به طاقست ۱۰۰۰۰۰ ميگاتن مواد منفجره بوجود می آيد، سيمر عالم که ما آنرا می شناسيم تغيير ميکند. و موش زمين با بحيرانات شديد از منی، امواج غبار و بخار آب، مواجه ميگردد. اين گونه تصادم ولو اگر در آب يا خشکيه به وقوع می پيوستد تاثيرات آن سالها - سال در هوا باقی مي ماند. و ۱۰۰۰ - طبيعت زمين را تغيير مي دهد که منجر به وفيات موجودات و خرابی کالينات ميشد. کواکب چگونه فعاليت می نمايند؟

بقیه در صفحه (۷۴)

در جستجوی نقطه مرگ و طول عمر

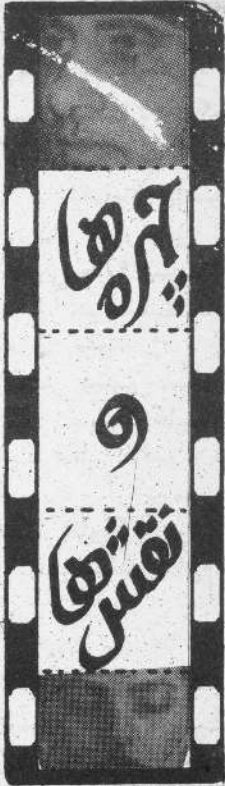
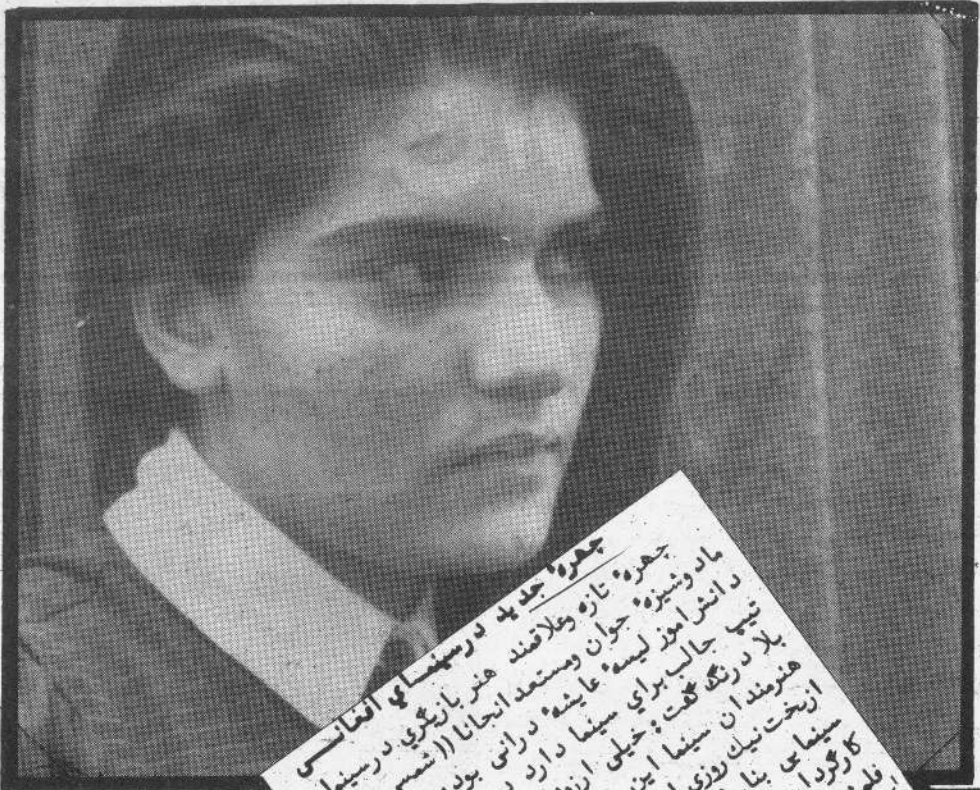
طبایب سوزن، یکی از شاخه های سنتی ولی مهم طبایب خاور دور، در کشورهای کم رشد و فقير از نگاه کاهش سمارت ارزنده تلقی شده می تواند اینگونه طبایب باید در کنار طبایب عصري مورد بهره گیری قرار گیرند. برای نشان دادن ارزش آن مقاله زیرین ترجمه و تقدیم میگردد:

از چه شکایت دارید؟ بدین ترتیب پرسش و اکثر آغاز می یابد. - ارچه؟ از همه چیز. سر درد میکند، خواب ندادن، اشتها ندادن، یابسی از حد معیسن غذا میخورم، تکالیف عصبی دام، بابت عالم اندیشه ها و تعاسیم به خواب میزنم ولی فردا باکس خالی از خواب بیدار ميشم. قهوه میریزم تا خود را تشکيسن دم، از دواهای مسکسن استفاده می کنم، معده ام کس میشود، استفراغ دام و...

با وجود ا امینان به محبت مندی - ام همه این تکالیف را دان. در اخیر بیماری به داکتر میگوید که بازنگی سازش نمی تواند. داکتر هونگ میداند که امریز تفریبه همه کس به همچو تکالیف سرد چاراست. - پس شما را از نقطه زندگی تان، که در نایب - فغیت دارد، تداوی می کنم. داکتر بابت بیچکاری نظریف دارای سوزن موماندنی به ناف مریز نزدیک تر میگردد، جاییکه تقریبا به از دست زدن به آن به تقشایمی آید، درین اثنا داکتر در حالیکه سوزن بیچکاری را داخل ناف میسازد، بسوای انگیزن احساس لذت بخشی در بیمار دستش را بالای نهادن

طب سنتی، بجای سوزن زدن سوختاندن و مساز دادن نقاط فعال بیولوژیکی بدن دران - نقاط عصاره برته های بیسی را بیچکاری میکند. با ساین تیوری عمای طب سوزن، هرگاه عمل سوزن زنی در نقطه معده دیده بدن، که در روي جلد نقطه فعال بیولوید میگو دارد، صورت گیرد می تواند آن صدها مرتبه بالا می رود. این شیوه به صرف کمترین مواد کیمیاوی، احساس کمترین درد و حصول نتایج اعظمی منجر می گردد. به عقیده داکتر هونگ بیوا - مون موی بیوشدس تیوریهما و نظریات زیاد و گوناگون و همچنان برای جوان شدن نسخه های

بقیه در صفحه (۷۵)



چهره تازه و علاقتند هنر بازیگری در سینمای مادوشیزه جوان مستعد انجانا (انسی) -

دانش آموز لیسه عایشه درانی بوده است. او که تنها حالب برای سینما دارد در برابر پرستش بلا درنگ گفت: خیلی ارزوداشتم تا روزی در میان هنرمندان سینما این هنر ظریف و حالب قرار بگیرم ازینخت نیک روزی اطلاع یافتم که کار تهیه فیلم برای بنام (سفر) در دست تهیه است و فلسفه انتخاب این هنر ظریف و حالب قرار بگیرم در سلسله توضیحات در جواب فیلم مورد نظر انداخته ام. همانا بنا بر علاقتند ی بوده که برای اجرا کند ه نقش (هیروئین) در کارگردان با برخورد از فیلم برداش میاید کاندید شدم. البته نقش را به کوه خان کردم و بعد از آن در فونر رومان که در مرحله محبوب ساختم و همچنان در فیلم هنری (عاصی) از انجانی با همی را در نقش ایستاد. امیدوارم در آینده با همی و همکاران سینماگران گامهای هنری در آیند و برداشته باشیم.



لیزا بیوی پرده

دوشیزه ایله آرمسن شش سالگی با مادرش که از جمله هنرپیشه های مستعد سینما و تلویزیون است، بنا بر توشیون بدش راهی هنر تمثیل شد و گام بگام صحنه این راه، راپیمود و کون در سکوی موفقیت قرار دارد. او دوشیزه لیزا است.

لیزا در برابر پرستی افزود: اولین مرتبه ای که در برابر کمره فلمبرداری قرار گرفتم، دلم شور و هیجان خاصی داشت، خوشنود بودم که من روزی مثل مساندن (خورشید) هنرپیشه شوم و این فلم (گناه) نام دارد از ساخته های انجنیر لطیف، باردی به فلم سینمایی (گام های استوار) به کارگردانی توریالی شفق بعداً به فلم سینمایی قرار - بقیعد صفحه (۷۱)



تصویر بردار

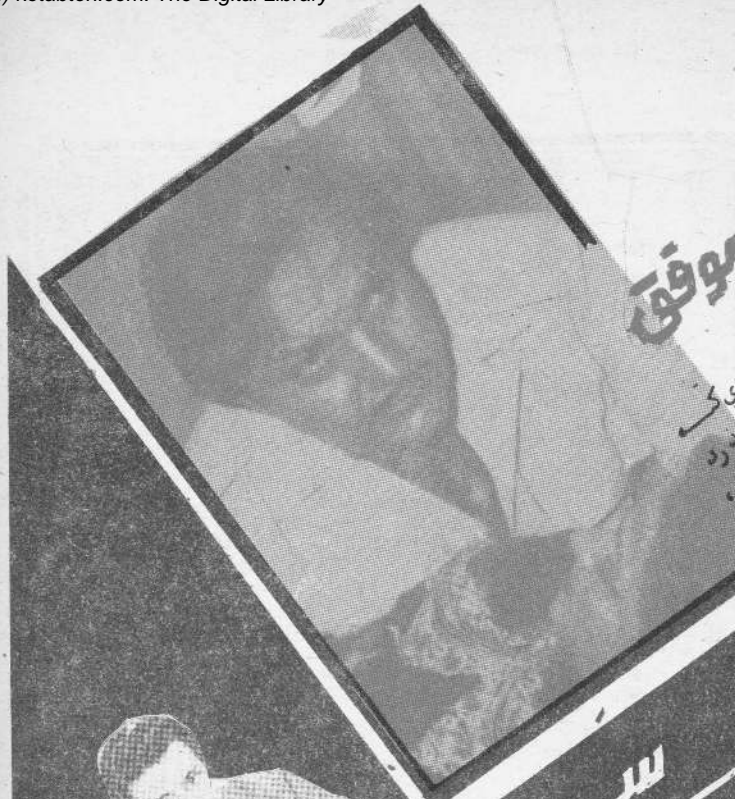
این جوان مرم و بر تلاش زمزی (سخی) یکن از تصویر برداران خوب تلویزیون است. او در زمینه کارش حرفه ای دارد که با هم میخوانیم - قبل از آنکه رشته تصویربرداری را پیشه کنم نهایت علاقتند زیبایی های طبیعت و خوانش اشعار بودم، همه زیبایی ها را در ذهنم تصویر میکردم. بدین

علاقتندی تلاش ورزیدم تا در مورد دسترس پیدا کنم هماناد رسال ۱۳۶۲ بدینسو به هنر فلمبرداری تلویزیون رو آوردم که در مجله پروگرامهای اخباری روز موه را - فلمبرداری نموده بعداً برنامه های اداره هنر و ادبیات کارگرن و جامعه، جوانان، اطفال و پیشه وران را ثبت و تصویر برداری بقیه در صفحه (۶۱)



پیرین چوپیره چهیره موفق

یکی از هنرپیشه‌گان برتر سینمای هند که به تازگی در نقش‌های درخشان در هشتاد و نه فیلم در هند و بیرون آن ظاهر شده است. او در فیلم «میرا» (مردانگی) بازی کرده است. او از جمله دست‌اندرکاران فیلم «میرا» است. او در فیلم «میرا» (مردانگی) بازی کرده است. او از جمله دست‌اندرکاران فیلم «میرا» است.



سیدین خاموش شد

وچنان رفته بود که سینما گری برای همیشه چشم از جهان سینما و سینماگری برینده و افرینشگری جاودانه دست از قلم‌زنی برگیرد. آن که میخواست از سناریوهای نوشته اش فلم و سریالی و نمایشنامه‌ها از ستر سپید کاغذ به پرده سپید سینما صفحه تلویزیون - صحن ستیزه‌راه یابد و جلو آئین گرد - ولی در پیج که دست به سرنوشت مرگ آرزوهایش را به انجام و کرختی کشانید بقیه در صفحه (۹۰)

مرد خشن با سحرین تیکو



در کارهای صحنه سازی فلم‌ها آموزش دید و به امور تهیه فلم اشتغال پیدا کرد. نخستین چانس خود را در فلم (خط بزرگ) ((بیک تول)) به دست آورد، پس از آن نزد بیک ده سال در فلم‌های ارزان قیمت وسترن (کاوبای) نقش‌های را ایفا کرده و بزرگترین چانس طلایی آب در سال ۱۹۳۹ به فلم جالب کاوبای بنام ستیگ کوچ (وضع گادی چهار اسب) می‌باشد. در سال ۱۹۶۹ به گرفتن نقش کاوبای در فلم ((مارشال)) جایزه اسکار را بدست آورد. درخشندگی او در چنین نقش‌هایی برای سالیان متعدي در زمره ستاره‌های ممتاز سینمای آمریکا، او را از دیگر هنرپیشه‌گان متمایز می‌گرداند، به تایید این گفته هفده فلم اوسالهای زیبا دی بهترین ارقام احصایوی تمام شاکران سینما را بخود منحصر ساخت. پس از آنکه جلو توشه به رشته کارگردانی و تولید فلم پرداخت ولی درین زمینه موفقیت چشمگیری بوجود نیارود. بقیه در صفحه (۹۱)

اوزنده گی را دوست دارد - شت و برای حقیقت وانعکاس از واقعیت‌ها در کرکترهای خشن نومیرت و عاطفه و انسان دوستی را با تمام جسارت در قید تمثیل آرایه میداد. این ستاره سینمای آمریکا یک نام شناخته (جان واین) که نام اصلی آن ماریون میخاییل مورسین کبتاریخ ۲۶ می ۱۹۰۲ از پدر مهاجر اسکاتلندی و مادر ایرلندی اش در ونیترسا (ایوا) آمریکا متولد شد، می‌باشد. (جان واین) در ابتدا اعلا - نمند بود تا آنسر نوای هوایی و - چندی در مکتب دریا نوردی - تدریس دید و پس از آن به کارهای متنوع بار زندگی را بدوش کشید. در سال ۱۹۲۸ جان واین به استدیوی فوکس در شهر لانس. انجلس مراجعه کرده و در آن جا

نقش جدید من

امین رحیمی صحبت می کند



نقش جدید من در فلم هنری رنگه ۳۵ میلی متری بنام سفر می‌باشد که سناریست و کارگردان آن محترم سعید ورکری می‌باشد. بقیه در صفحه ۹۳

آره ها



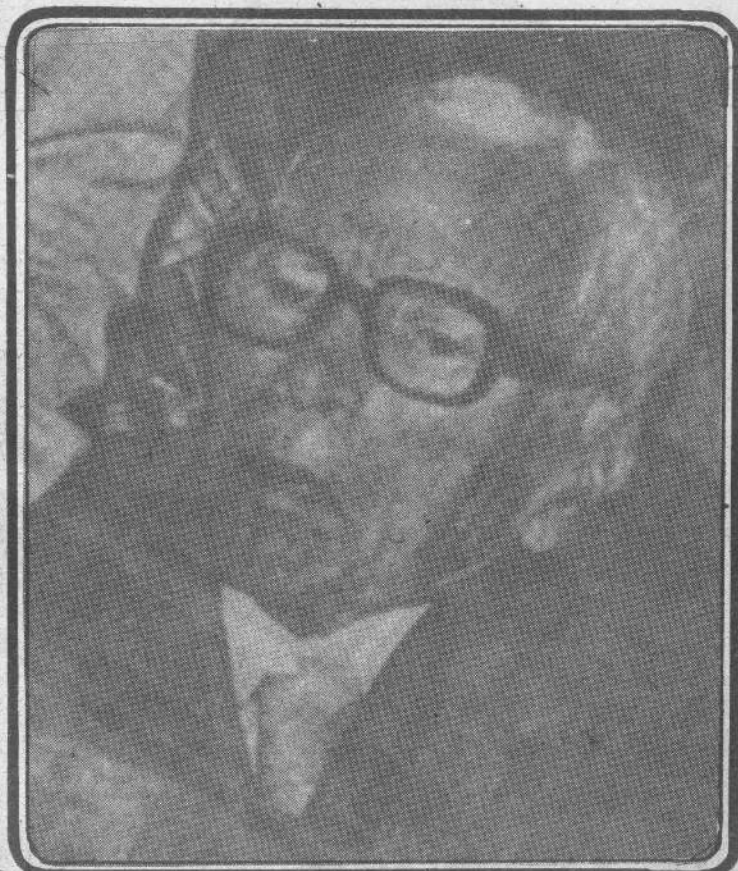
تفصیلا

قافیه و قیافه

کوچک

درسیمای یک مرد

بزرگ.



در صد سالگی

چارلی

استعداد و شهرت افسانه‌ای
چارلی در سراسر جهان
معرفی است

شخصیت خالص که در زمان
حیات خود به شهرت و محبوبیت -
افسانه بین میرسند بسیاری انگشت
شمارانند ، بخوبی کسانی چون
چارلی چاپلین که برای مدت زمان
طولانی محبوبیتی پایان ناپذیر در
میان مردم جهان داشته باشد .
چارلی چاپلین بزرگ که در این
روزها در سراسر جهان با حرمت و -
ارادت نهاد به مقام والا او ، صد
سالگی تولدش را جشن گرفتند -
استعداد این شهرت آسانوی در
ضمیمه همین گردیده بود .
دو سال پیش از ظاهر شدن چارلی
برای نخستین بار روی پرده ، هر
خانواده از ناض آگاه بودند -
موسکها ، اسپا بازی ، کودکان و حتی
مسابقاتی به نام چارلی چاپلین
مسی گردید ، مردم رقص شبیه راه
رفتن چاپلین ابداع کردند ، ناض
ورد زبان اطفال بود ، حتی در فلما
مقاله چاپلین پدیدار گردیدند .
چاپلین سیمای جاودانه شخص
را در دل پرده سینما خلق کرد که
همه مردم جهان ، خورد و بزرگ از
دیدن آن شادمان میگردد و کیف
میبرند ، کیدیهای او حکایتگر
نابسامانی های تجسم کننده تب
های معین روزگاران فلماهای
صامت و فلماهای ناطق ، روزتا روز
کسب اهمیت و اوج مینماید ، بهترین



است که این بزرگ مردسینما
 همیشه ، کارگردان ، کمپوزتور و
 پرودیسور را از زبان خودش شناخت .
 - چه کارهایی که نکردم ؟ روز-
 نامه فروش ، شاگردی حروف -
 چینی ، شیشه سازی ، ساختن
 بازیچه ، اطفال ، نوکر داکتر و غیره .
 مگر در تمام این مدت مصروفیت به کار
 های جانبی هرگز هدف غایی اکتور
 شدن را از یاد نبردم .
 تازه مانیک تغییر حرفه میدادم هر-
 نوز از جلادان بوتها ، شانه کردن
 موها ، پوشیدن پیراهن پانک و از
 رفتن گاه و بیگاه به تئاتر (بلیسک
 هاور) ابانه ورزیدم .
 - درستدیوی کمینی که مستون مک-
 سنت ، سه بیوت صورت کار بودند ،
 من هم طبعی بلهاس فادی در جای-
 ایستادم تا مک سنت مرا خوبتر ببیند
 اودر حالیکه آخر میگاش را میجهند
 و گرم تاشا ی دیکور سالن هتل بود ،
 ناگهان رهش را جانب من نموده گشت ،
 اینجایک چیز جالب ضرور است خود
 را بگونه کمید بینی میکاژکن ، هرچه
 میل داری بیوت ، هرچه نکر کردم
 عقلم قدنداد که چکونه خود را میکاژ
 کنم ، از میکاژ و لباس را بیوتی خوشم
 نی آمد ، در حالیکه جانب العاری
 روان شدم بفکر آمد که پتلون گشادی
 رابه تن و بوتهای کلانی رابه پا کنم
 کلاه شیوی خوروی بسرو کنم و صای -
 چوبین در دست بگیرم ، میخواستم
 که همه چیز باهم در تضاد باشند ،
 پتلون گشاد ، کرتی تنگ ، کلاه خود
 و بوتهای کلان ، تعبدانستم که جوان
 مینمایم یا من بخاطر نبودن مک سنت
 مرا بزرگتر تصور میکرد ، اندیشه کردم که با
 ایزاد بیوت بزرگتر معلوم میشوم ، تبسم
 هنوز بر این روشن نبود ، مگر وقتی که
 لباس ها را پوشیدم و میکاژ کردم ، نا-
 گهان معلوم گردید که چه نوع تپین
 دارم ، ناظا هر شدن بیورود سیتیز
 تپ من در ز هنم جان گرفت و مکمل شد ؛
 همینکه در برابر سنت قرار گرفتم با
 تپیم کاملاً سائیز کرده بودم ، در -
 برابرش به جست و خیز و قدم زدن -
 پرداخته و صایم را حرکت میدادم ،
 در ز هنم حرکات کهدی و شوخی
 های نهادی شکل میگرفت .
 بقیه در صفحه (۱۴)

تعیین کننده صادق

۳۵

حکایت

قالت



مادر سراسیمه میدود تا فرزندانش را نجات دهد

چگونه در برابر چشمان مادری پسرش را به قتل رسانیدند

این حادثه چگونه اتفاق افتاد؟

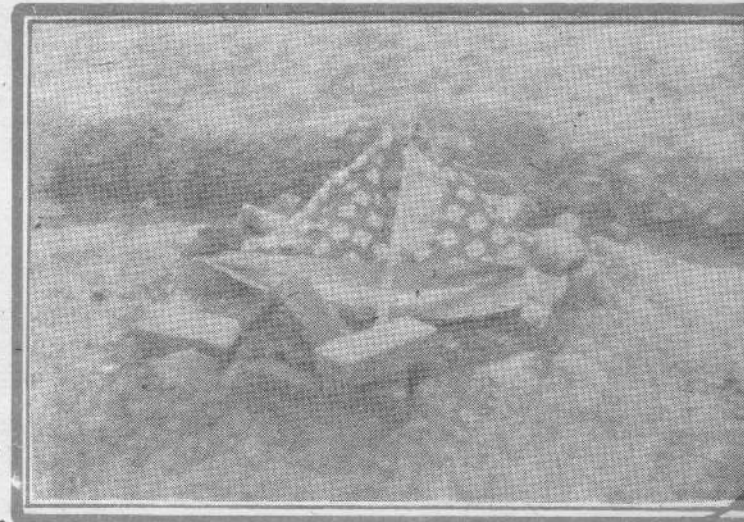
مادر هر لحظه به پسر جوانش می‌اندیشید که نخل جوان قامت او چه بیهر همانه بین چشمانش از بیخ قطع شده و بزمین غلتید. مادر در خوابهایش، در بیداری اش، در اندیشه اش و در خیالش فقط او را می‌دید که بین چشمانش بخود می‌پیچید و هوا را چنگ میزد، دست و پیا میزد و بعد رفته رفته سست میشد و دراز به دراز بجای می‌انسد. آنوقت مادر سراسیمه و نسا آرام فریاد میزد و اندوهی بزرگ بر قلبش می‌نشست.

تقسیم دیواری ۱۱ حصوت سال ۶۶ رانشان میداد، عقربه های ساعت از عدد ۷ گذشته بود. نسا هنوز رنگ شیرین داشت که مردم کارت نو سراسیمه رو - حشترده با نیرهای پیچ گلگله های که از دهانه تنگچه بی که پانگشتان یک جوان عاصی و قهر آلود فشرده شد از خانه هایشان به بیرون ریختند.

یکسال ازین حادثه المناک گذشته بود که زن سنی انگشت به دروازه دفتر کوید واجازه ورود خواست و آنوقت بدون مقدمه گفت: ((قاتل پسر مرا محکم به اعدام کردند، آمده ام تا از شما بخواهم که این قضیه را در مجله تان بنویسید، و آنوقت به تلخی گریست، و بعد از سکوت کوتاهی به صحبت خود ادامه

۳۴

مرگ منتظر قاتل است



یاد بود مرگ جاوید در کوچه منزل شان



دختر دیگری را در نظر داشت که باید با او نامزد میشد و لسی نامیلش رعایت نداشتند. وقتی با دخترین نامزد شده دختر و همه ما زیاد خاطر او را میخواستیم اما از همان نخستین روزهای نامزدی با دختر سر ناسازگاری را گذاشت، و هرگز نظر دختر و خاطر دختر را نمیخواست.

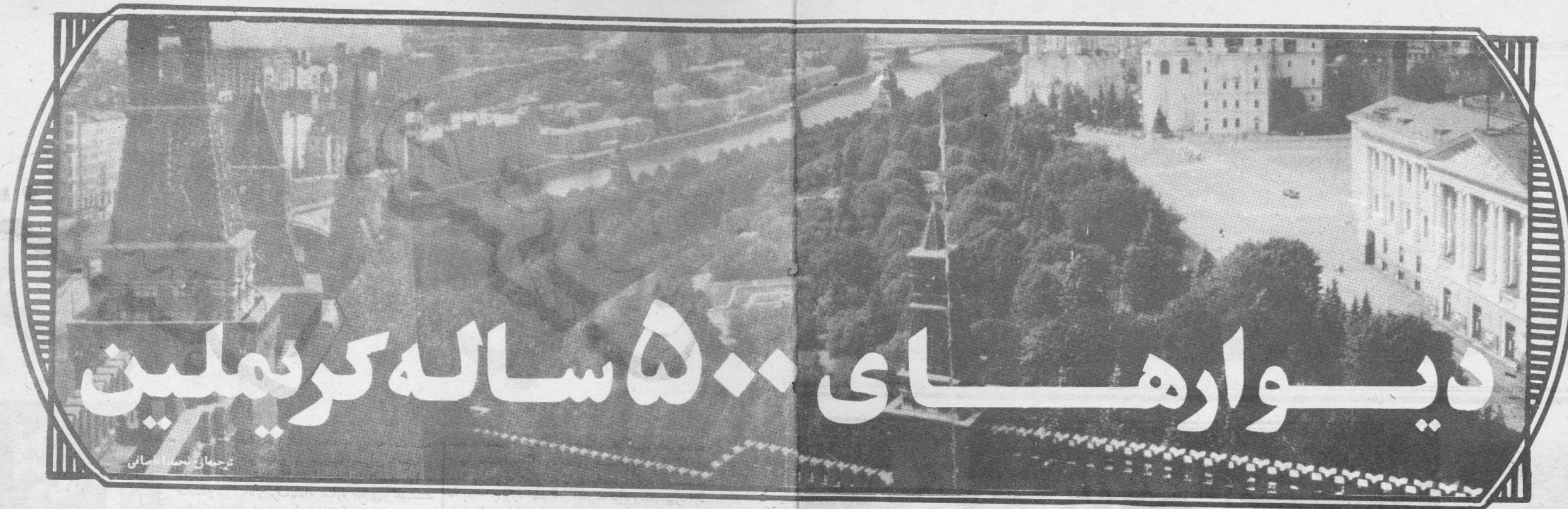
بقیه در صفحه (۸۷)



خواهر جاوید نیز درین حادثه زخم می بردارد

موسخ آگاهی دارند، در آنروز هم بدختر گفت: ((چله مراییس بنده)) دختر در جواب گفت: من دختر افغان استم اگر چله را دادم پس نمیگین. دختر به اندازه آخر توهین و تحقیر شده بود بخصوص وقتی پدر من او پیش چشمانش تعدید شد نتوانست تحمل کند لذا نامزدی خود را با اوفسخ کرد. با وجود آنکه دختر نامزدی خود را با اوفسخ کرده بود بتاریخ ۲۰ اسد وقتی از وظیفه بخانه می آمد باردیگر در نزد یکی خانه او را تعدید کرد و پالایش چاقو کشید که با مداخله مردم و کوچگی ها دختر بخانه آمد. - آیا آندو قبل از نامزدی همدیگر را میشناختند؟ - نه شناخت قبلی بیین آنها وجود نداشت شوهر دختر کلانم با شوهر خواهر نعمت الله دوست بود و این وصلت به مشوره آنها صورت گرفت، نعمت الله

داد: در سال ۶۶ راضیه دختر را که کارمند وزارت مالیه است با نعمت الله نامزد کردم هفتوز سه ماه از نامزدی آنها نگذشته بود که بین آنها مخالفت آغاز گردید، یکبار بتاریخ ۵ نور دختر را در محل و غیبه اش لت و کوب کرد. بود بعد او را از موهایش گرفته به دفتر کارمن آورد و گفت: ((بگیر دخترت را، چله سرا پس بنده)) در جوابش گفت: معامله مادر خانه بوده من و تو در خانه گپ میزنیم. بعد بتاریخ ۱۸ نور سلامت ۲۰ بعد از ظهر خانه ما آمد میخواست دختر را سینما ببرد ولی راضیه که همان لحظه از رختشویی خلاص شده بود نمیخواست سینما برود، وقتی شوهر مداخله کرد، نعمت الله بالای شوهر تنگچه کشید مرمی که از تنگچه او خارج شد به ستون سقف - انه فرو رفت که مو ظفین حوزه ۸ امنیتی هم از



دیوارهای ۵۰ ساله کرملین

تیمار ساسان

کرملین اهمیت و مفهوم این کار در چیست ؟
 دهی از انصاف های باستانی در باره آفراسیاب که تا به نهم آن معلوم نیست با رجوع به امپروسیه پیشگویی نموده بود که درین مثل شهر بزرگی ایجاد میگردد یک قلعه مثل امار خواهد شد (سلطنت سه بعدی).
 و درین شهر اهالی بیشتر از قبایلی مختلف گرد هم جمع میشوند و واقعا دیوارهای کرملین همانا به شکل مثلث متساوی الاضلاع ساخته شده است.
 الساق خط دومی استحکاماتی کرملین با دیوارهای کرملین یک مثلث بزرگ دیگری را تشکیل داد که شامل میدان اساسی پایتخت - میدان سرخ - میباشد.
 کلیسای ترویتس که رود و مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) در میدان سرخ گردید (که امروزه نام کلیسای یگورسکی یا کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است که در اواسط قرن شانزدهم توسط ایوان کروتنوف - بنیادگذار تاجران از پروس - برخانی قزاق ها ساخته شد.)
 قرن (شانزدهم و شانزدهم) عصر وسعت وسیع استحکاماتی سرحدات دولت جوان مسکو و روابط وسیع تجارتی بیرون آمدن اودر صحنه سیاست جهانی - مانند دول بزرگ اروپایی میباشد.
 در زمان ایوان سوم جهت دفاع از حملات اجانب قلعه های یکی بی دیگری مانند قلعه نوگورد ایوان - گورد، کولونو و غیره احداث گردید.
 در آن زمان مکتب شهر سازی روس ها به اوج بیشتر خود رسیده اما با آنهم جهت اعمار دیوارهای پایتخت روسیه معماران ایتالیایی دعوت گردیدند.
 بقیه در صفحه (۸۶)

جهان را آغاز نمودند.
 بیانه عظیم کارها، اعمار برج های اساسی، دیوارها و کلیسای کرملین که در مدت زمان ده سال توسط ایوان سوم انجام یافت، حتی امروز موجب شگفتی جهانیان میباشد، چنین ساختمان بزرگ را در آن زمان حتی اروپای غربی هم نمیدانست، در نظر اروپاییان کرملین سمبول نیرومند دولت مسکو محسوب میگردد.
 اعمار استحکامات کرملین به ترتیب معین صورت گرفت، در محلات نامحفوظ دفاعی در قدم اول برج ها و بعد دیوارهای بین برج ها را اعمار نمودند.
 اولترازیمه برج (تائیسیتکا یا) اعمار گردید.
 تحت برج مذکور چاهی را حفر نمودند، بودند که در نیمه یک راه مخفی به رودخانه مسکو متصل میگشت تا در مواقع محاصره کرملین را از راه آب اکمال کرد، بنا برین برج بدین نام (تائیسیتکه یا) مسمی گردید.
 در اوایل قرن شانزدهم در اطراف کرملین شروع به اعمار دیوارهای جدید نمودند. در سال (۱۵۳۸ م) تحت رهبری معتمد سراتالووی (پتروک) دیوار دومی مسکو اعمار گردید، قسمت اعظم این دیوارها در دهه ۳۰ قرن حاضر تخریب گردید.
 در سال (۱۵۸۵ م) دیوارهای شهر سفید (که در آخر سده هژدهم جای آنرا حلقه خیابان سرسیز عوض کرد) اعمار گردید. این یک امیل مقبول مسکو بود که توسط معمار روسی (نیویرکون) ساخته شد و در سال ۱۵۹۲ در مدت زمان ششماه بزرگترین دیوارهای شهر در جهان، دیوارهای پانزده کیلومتری جویی که در محل آن بین قرون (هژدهم - نوزدهم) باغ حلقوی مسکو ایجاد گردید.
 دیوارهای جدید یکجا با قلعه در قرن پانزدهم تا سیمیل واحدی را تشکیل داد، بدین صورت در زمان چیزی بیشتر از ده سال استحکامات نهایی مرکز روسیه اعمار شده اساسا - دیوارهای -

دیوارهای کرملین، در واقعیت امر، به یک مخطط معمولی گنجه معنوی آثار هنری استادان بزرگ مبدل گردیده است. از همین نگاه است که سالانه مشهوران رشته های گوناگون هنر، شعرا و مسلمانان پیشانی پروانه وار بدوران گردی آیند و از تماشاای آن حظ وافری برند.
دیوارهای کرملین مسکو ۵۰۰ سال عمر دارد
 دیوارهای کاخ کرملین که ۵۰۰ سال عمر دارد معمول دولت روسیه گردیده است. در مثل کرملین روزگاری جنگل انبوه قرار داشت که نام مثل - تپه پروویوتسکی از آنجا گرفته شده است. در سال (۱۱۴۷ م) امپروسیه (پوری دولگه روکی) درین تپه در کنار رودخانه مسکو اساس شهر را گذاشت. اعمار شهر در آن زمان معنای ساختن قلعه را داشت، معلومات کسی در باره دیوارهای باستانی مسکو حفظ گردیده است. نخستین استحکامات چوبی که در سال (۱۱۵۶ میلادی) ساخته شده بود، طبق معلومات در اسرار حملات تاتارها طعمه حریق گردیده و این دیوارها با زحمات بیشتر تجدید ساختمان گردیدند و در زمان امپروسیه (ایوان کالیست) در آغاز قرن (XIV) چهاردهم در مدت پنج ماه به استحکامات دیگر قدری قوی تر از آن تعویض گردیدند. اعمار آنها هم بیشتر از ۵۰ سال طول نکشید. در نیمه دوم قرن چهاردهم (روس دیمتری دویتسکی) تصمیم گرفت تا استحکامات جدید سنگی اعمار نماید.
 در قرن XV پانزدهم تحت رهبری شخص امپروسیه بزرگ روسیه ایوان سوم و معماران ایتالیایی (انتسون فنانین، مارکو روجو، پیوتره انتونیو سولاری، الیگز فنانین، میلانتس) به همکاری استادان مسکو سنگ کاری روس ساختمان یکی از بزرگترین بناهای

امعار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پانثل اولی، که میدان سرخ را احاطه نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزدهم شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده که در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی یا کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند از این و آهن ساخته شده که عملا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر این بناهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

کاخ کرملین، که یکی از بزرگترین بناهای دولتی تا به این شمار مورد توجهات شگفتی تماشاگران را فراهم می آرد، در سده پانزدهم و در دوره زمامداری امپروسیه روسیه، ایوان سوم، بدست معماران روس و بدستباری استادان سنگ کار روس اعمار گردید. به این کاخ عظیم بنظر اروپاییان به نظر معمول عظمت و نیرومندی دولت روس نگاه میکنند.
 انگیزه اعمار کرملین را احداث شهر مسکو تشکیل میدهد که در سال ۱۱۴۷ میلادی توسط امپروسیه پوری دولگه روکی، پالان تپه کنار رود مسکو صورت میپذیرد چه در آن روزگاران اعمار شهر معنی ساختن قلعه را داشت و کرملین قلعه بی بود که جهت همه شهر مسکو بنا کناری شد. از آن زمان به بعد شاهان روس، یکی بی دیگری، به منظور دفاع شهر از بیوش های بیگانگان، به ساختن و تکمیل و تجدید استحکامات شهر پرداختند.
 کاخ کرملین مثلثی از برجها، دیوارها و کلیسای های است که در دوره های شاهان مختلف، مخصوصا دوره ایوان سوم، ساخته شده است. در گام نخست بدور قلعه ابتدایی، مخصوصا در قسمت های غیر مسکن، به اعمار برجها توجه مبدول گردید. این برجها، که تعدادشان به بیست رسید، هر کدام سیمای معتمدی و نام مخفی بخیرود دارد. نخستین برج طوری ساخته شد که تحت آن چاه عمیقی حفر گردیده بود. این چاه انیسک راه مخفی یا رودخانه ارتباط داشت تا کرملین در صورت محاصره از همین سبب به ماینیتکه به معنی گردید.
 بعد ها، در اوایل سده شانزدهم، در فاصله های بین برجها، دیوارهای محافظتی بدور کرملین

امعار گردید. این دیوارهای دو کیلومتری، با در نظر - داشت شکل اراضی منطقه، شکل خط منکسور داشت تا از هر برج تمام نقاط مشاهده شده بتواند. - دیوارهای اولی کرملین، بصورت کل، شکل مثلث متساوی الساقین را داشت. در سال ۱۵۳۸ دیوار های دومی آن، بدور دیوارهای اولی پانثل اولی، که میدان سرخ را احاطه نمود، ساخته شد. قسمت اعظم آن در دهه ۳۰ سده روان تخریب گردید. در سال ۱۸۸۵ دیوارهای شهر سفید اعمار گردیدند که در اواخر قرن ۱۸ با حلقه خیابان سیزدهم شد. در سال ۱۵۹۲ بزرگترین دیوارهای شهر جهان، که ۱۵ کیلومتر طول داشته و از چوب ساخته شده بدست ساختمان سپرده شده که در سده های ۱۹ و ۱۸ بجای آن باغ حلقوی مسکو عرض وجود نمود. کلیسای ترویتسکی که رود، مرکز هندسی تمام استحکامات مسکو و سمبول ((سلطنت سه بعدی)) که امروز بنام کلیسای یگورسکی یا کلیسای واسیلیا بلاتنوسه معروف است، در میدان سرخ جلب توجه میکند.
 بدین صورت، اعمار استحکامات قدر دولتی روسیه طی یک مدت طولانی به مرحله اکمال رسید. برجها و دیوارهای کرملین از سخت های خوب تشکیل شده سرخ ساخته شده که هر کدام در حدود هشت کیلوگرم وزن دارد. معموره چلیپا مانند از این و آهن ساخته شده که عملا دیوارها را محفوظ نگه داشته است.
 اگرچه استحکامات کرملین گاه گاه از حملات آتش سوزی ها، نبرهای تپ، انفجارات و تپ ها صدمه برداشته مگر هیچگاه به حملات مستقیم مواجه نگردیده و بنا بر این بناهای بزرگی ندیده است. در صورت وقوع رخدادهای جنسی تنها پوشش خشتی بارها مورد تجدید ساختمان قرار گرفته است.

بنای بزرگترین دیوارهای کرملین در سده ۱۵ اعمار گردید و در پیوسته در پیوسته

فروشندهای سبزه‌ها در انگلستان

فروشگاه آناه‌ها در هندوستان بزرگترین فروشگاه جهان

سخت اعتماد دارند * متخصصان کارآموده هر هفت
دیارتنت فروشگاه به منظور جستجوی اشیای گران
بها ونادر به هر گوشه و کجای دنیا سفر میکنند ، بسا
علاقتمندان وگردانندگان آثار به داد و ستد میزند ازند
و در حراج ها اشتراك میوزند .

انتونی سبینک ۴۹ ساله ، امر د بیارتنتنت
نقاشی ، همین تماشای سالون فروشات اگسفورد به
اثری بنام منظره انبار صحرایی عهد ویکتوریا ، کسه
به صورت رنگه آبی کار شده است ، برخورد و به آن -
چنان علاقمند شد که به همکاری و وظیفه داد تا در
حراج آن شرکت جوید ، این اثر هنرمندی گمنام از طریق
مزایده به قیمت (۶۰۰۰) پوند به سبینک تعلق
گرفت ، چه سبینک حد سر زده بود که این اثر از -
نا بیغه رویایی قرن نژدهم سامویل بالمر است ، بعد
ها آنرا به ۴۰۰۰۰ پوند به فروش رسانید .

انتونی گاردنر ، مسوول آثار هنری جنوب شرق
آسیا ، ضمن دیدار از توکیو یک اثر برونزی با ارزش
تاریخی را با آنکه خیلی خورده هم شده بود خرید
و ترمیم نمود .

بعد ها معلوم شد که برونز منجوسری ، یکی از مر -
یدان بود ، از موزیم میانامی بنگله دیش آمد
است . او میگوید ، (احتمالاً این برونز در زمان
حکومت هند و پاکستان به سرقت برده شده باشد ، صا
کاملاً آماده ام آنرا بازگردانیم مشروط بر اینکه مقامات
بنگله دیش تعهد بکنند که آنرا در موزیم ایالتس
بدون امنیت نگذارند .)

با انعامه مجدد برونز ، سبینک مبلغ (۵۰۰۰۰)
پوند قیمت بازار را از دست داد و این گذشتی است که
گاردنر آنرا چنین توضیح میدهد : (آنچه را که ما
انجام میدهم عبارتست از حفظ آثار برای نسلهای
آینده است .)

در حمله آثار افغانی مجسمه های از گند ها را
که از نظر مضمون بودایی و از لحاظ شکل یونانی بود
و میراث فتوحات قرن سوم قبل المیلاد سکندر کبیر
بشمار میرود ، نیز در این فروشگاه وجود دارد .
گاردنر میگوید ، که تا این اواخر آثار هندی و مناطقی

سلطان در تدارک هدیه بی به ملکه
انگلستان از جواهر فروشی سبینک و سران واقع در
لندن ، که (۳۰۰) سال قدمت دارد ، استمداد
جست ، شرکت در ظرف یکماه ستاره طلایی و گلومند
جواهرنشانی ساخته و را اختیار شد گداشت .

این شرکت برای بیش از (۷۰) کشور جهان و
همچنان برای ملکه ، شعزاده فلیپ و شعزاده ویلنر
مدال ها و زیورات طرح و ساخته است که همین امر
موجب شهرت جهانی آن گردیده است .

این فروشگاه به عنوان مخزن آثار هنرهای زیبا
سالانه بیش از (۳۰) میلیون پوند ستارنگه داد و ستد
دارد . هرگاه بهترین را میخواستید ، همینجا است
گزانبهاترین آثار در همینجا است .

تلفورد شوت ، امراداری فروشگاه اظهار
داشت ، (این فروشگاه در سطح جهانی جالب
ترین نوع خود است .)

نمایشگاه های سه منزله و گالری های آن از -
مجسمه های شرقی ، منسوجات ، نقره باب ، نقاشی -
ها ، جنی باب ، مسکوکات ، کتب ، مدال و تعداد
زیادی از ایشیا و احنایر برانگیزند و جالب آنگند
است . جالبترین بخش آن قسمت آثار چینایی و جا -
بانی است که یکجا با دیگر بخش های شرقی منبع
ثالث درآمد شرکت را میسازد ، اجناس ترتیبی
از قبیل عاج ، برونز و جنی باب چنان با نظم و شکوه
خاصی در آنجا چیده شده است که کویلا خان
میتوانست آنرا به شرکت خود در خاناد و انتقال
دهد .

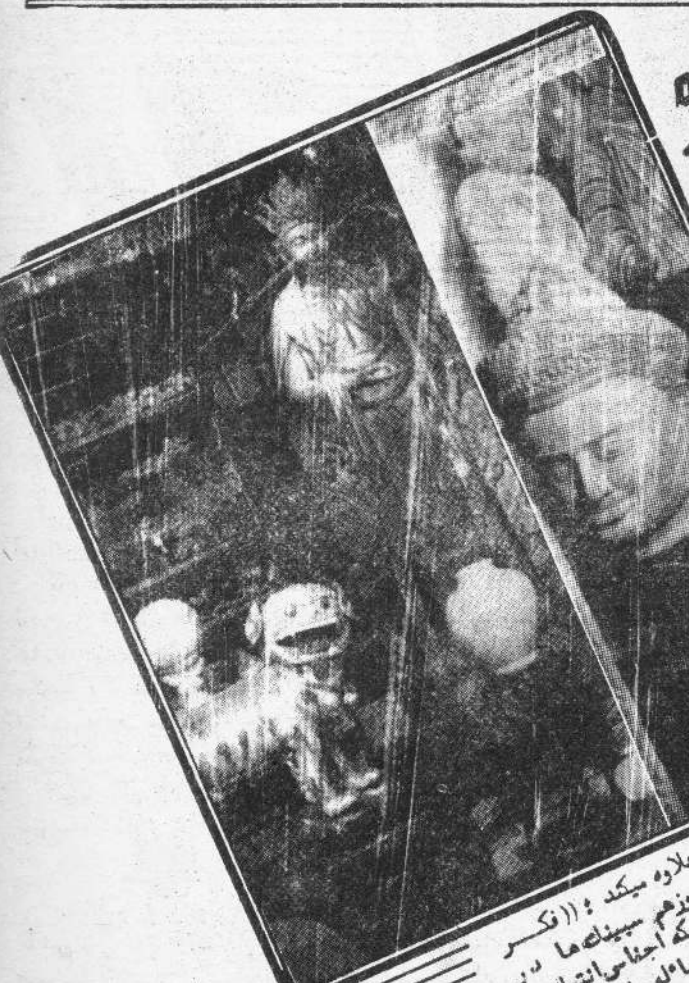
فروشگاه در این اواخر قار شده است که ۴۰۰۰
لباس کلاسیک شبانه را که مربوط به سال ۱۹۵۰ -
است و روی آن شلنگ نقره ای که منقوش با جعره ملکه
سکات میباشد ، در برابر ۵۰۰۰ پوند به دست آورد .

داشتن همجو اجناس در لکتر توجه علاقمندان
ماورای ابحار را بخود جلب نموده است ، یک امریکایی
سخت علاقمند است تا در برابر بدست آوری مجسمه
های سنگی هندی هر چه بیشتر پول مصرف کند .
مشتریان خصوصی و موزیم های فروشگاه سبینک

مغازه های لندن



میکایل سپینک، ۳۱ ساله، کارشناس ماهر هنر های اسلامی گفت: ((حتی در دوره مقدساتی مکتب می دانستم که به شرکت می پیوندم)) هنگامیکه نامبرده از رشته تاریخ و تاریخ هنر در کالج فارغ التحصیل گردید از طرف صوفا پیش در امرتجا...



رئی شرکت پذیرفته شد. او علاوه میکند: ((فکر میکنم خوش استند از اینکه تا هنوز هم سپینک ها در شرکت وجود دارند. برای آنانیکه اجناس انتیکه را جمع آوری میکنند، شاید این مسأله پیکار رشته ارتباطی دیگری باشد که باید داشته باشد.))

جنوب شرق آسیا کمتر بوده و ناچیز شمرده شده است. ولی از آنجاییکه این آخرین تمدن بزرگ بشری است چیزهای زیادی را میتوان از آن گردآوری کرد. قیمت تثبیت شده هر پارچه آن تاکنون در حدود چارمیلیون دالر بوده که با این پول به مشکل میتوان نرسید. از رینویرا خرید، هنوز هم بزرگترین آثار این مناطق را میتوان در بدل (۵۰۰۰۰) بوند بدست آورد.

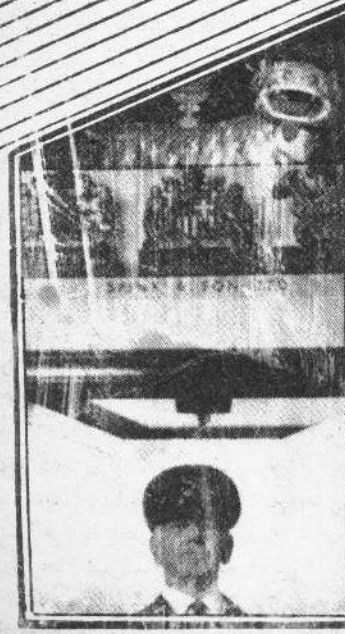
دیپارتمنت نقره می که موند لیرد کلاویز مسولیت انرا به عهده دارد، برای من نیست به تازه می رونق پیدا کرده است، خریداران در جستجوی متاع خوب اند و داد و ستد نقره باب ناد بازار خوبی کسب نموده است. بیاله می مربوط به الهیزابت که ده سال قبل مبلغ ۱۰۰۰۰ بوند ارزش داشت، اکنون بهای آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ بوند رسیده است.

در حال حاضر، کلاویز لندن را به مثابسه مهمترین بازار نقره میشناسند، در این تازه گی ها، مالک یگانه یادگار بیروزی مسابقه اسپ دو انی چیز دو م یعنی قاب باستینگ ستون در سال ۱۶۸۸ از طرفی کلان نقره پی که به سیک جینایی ترین یافته میخواست انرا به فروش برساند، این شخص به فروشگاه سپینک مراجعه کرد و آنها مشتری اروپایی را پیدا کردند که حاضر شد مبلغ (۲۵۰۰۰۰) بوند در برابر آن بپردازد.

باتا، سینر دیپارتمنت مسکوکات در سال ۱۸۲۰ - سپینک نخستین قدمی را برداشت تا حیثیت یکی از بزرگترین معامله گران هنرهای زیبا را در جهان کامی کند. در حال حاضر باتریک فینن مسولیت این

دیپارتمنت را بعهده دارد، نامبرده یاد آور میشود که مسکوکات کلاسیک روسی و یونانی از جمله مسکوکاتی است که در سطح جهانی طرفداران و علاقمندان زیادی دارند ولی معامله گران بر تازنی مسکوکاتی را که در انگلستان ضرب زده شده اند ترجیح میدهند. زمانی انگلستان بیش از (۷۰) صرا - بخانه انگلوساکسون ونورمان را دارا بود و بعضی از علاقمندان تا که میتوانستند سکه جمع آوری کرده اند، برخی دیگر صرف سکه های طلا یا سکه های بزرگ پنج شلنگی را جمع آوری کرده اند، در این تازه گی ها، سپینک، سکه پنج شلنگی گوتیک عهد ویکتوریا را به مبلغ ۱۲۴۰۰۰ بوند بمزاید گذاشت و ریکارد جهانی را قایل کرد.

معامله داران شرکت شامل کسانی همی شوند که مایلند اشیای خود را به فروش برسانند چنانچه زنی در باغچه شهری تازه بیل زده شده سکه کوچکی را دریافت، فینن با تشخیص اینکه این سکه یکی از سکه های اولی انگلوساکسون دوران شاه (اوفسا) در قرن هشتم است آنرا به مبلغ ۳۰۰۰ بوند خرید و انزن خوش شد. بقیه در صفحه (۸۹)



زندگی استعساله کی

از سلسله کشت زار سوخته

تعبه کننده صباح الدین رهش

اوراد یکی از شعبات جنایی خازندوی میباید . شوهرش به جرعت اعتیاد و فروش هیرویین در اینجا توقیف است . نگاه های وحشی و روسپیانه دارد . به خنده های بی معنی و لحن بی ادبانه عادت کرده . بیان عربان دارد و شیطان از گشته هایش نمیشود . به مشکل موفق میشم که قصه اش را از خود نریشم ، میگوید : ((ما قصه میکم به شرطیکه تو او رو چاپ کنی که کل دنیا نم مره بفامن و بفامن که چی دل کلانی دارم و دگه مره ملامت نکن و نگوین که ما به دل خودم زن هر جایی شدیم و ...)) قبول میکم و او باز سان خود قصه میکنه و من با زبان خود می نویسم :

شاید در آن زمان نمیدانستم که چه سرنوشت شومی - آنگاه باشم و بی عفتی انتظام را خواهد داشت ، هنوز سالهای ده هم عمه بود که درد مرگ مادر مانند هر طفل بی مادری رخنه سوزنده می درمن بدید آورد ، فضایی هرات زمین (زادگاهم) برایم تنگ شده بود . همیشه بیاد مادرم میگیرم ، بیاد مادرم که مرا (گل بی بی) خطاب میکرد ، گلی که برپرشد - گلپیکه یارای ایستاده می در برابر نسیم صبح نداشت . در تلاطم یک توفان از سرزمین برکه ها و لجن - زارها در میافتد . مدت کوتاهی از مرگ مادرم میگذرد که پدرم به فکر همسر دیگری میافتد و اما هیچکس حاضر نیست تا با مرد کلان سن که پدر یک دختر هم است ازدواج کند و سرانجام خانواده بی ازقائتر مردمان عیش و هوس حاضر میشود تا دخترشان را به عقد نکاح پدرم در بیارند ، به آن شرط که من باید الی رسیدن به سن بلوغ و قانونی پانزده سالگی آن فامیل گردم و ایام نامزدی را به خدمت در آن خانسه گماشته شوم ، آنها در شهر کابل زنده می میکنند و بعد از آنکه پدرم شرط را میدهد ، من به کابل انتقال داده میشم - حالا دیگر برایم جز یاد های از مادرم به ارمان نرسیده ام ، چیزی وجود نداشت . او مرد و مرا با کوله باری از اندوه و آشک - تنهایی و بی خانه گی در این دنیای بزرگ برای گریستن و کوچک برای شاد خندیدن ، تنها گذاشت . من طفل بودم - شاید هنوز از راست و چپ چیزی نمیدانستم - هم خانه هام همه مردمانی بودند که تازه با آنها آشنا شده بودم ، تازه د شناسمایشان گاهگاهی گوشم را نواز میداد - من تا حال از سکوی بلندی دست و پا زانان برتاب شده بودم - هنوز به زمین نخورده بودم - شاید در نهایت نفسهای تنگ ، در یک شب سیاهتر از هر سیاهی به زمین خوردم و دره - دره چون فریاد هایم با شنیدم . آنشب در دست شپش بود که ننگه های از آغاز مرگم بر صفحه زنده گی ام نقشه شد . من آنشب مردم و تا حال بر طومار آن مرگ رنج زنده گی دور از عفت رامیسم - آنشب نامزدی جوانی می بروم مانند چند یسن

شب دیگر به بستر آمد - به بستر دختر دوازده ساله ای که از کسالت کار بام تا شام میخواست آرام گیرد - من از بوسه هاود ست بازی - هایش جز آزار چیزی دیگری را نمیافتم - شب مرگم به نیمه اشرنرسیده بود که با چینی خود را غرق دیدم ، و من آنشب چرکین مردن را فرا گرفتم - دیگر دختر باکره بی نبودم - من دیگر (گل بی بی) مادر نه - زن دوازده ساله بی بودم .

و شبهای سیاه یکی بی دیگری مانند لحظات آنگاه از توهین و ظلم بر من گذشتند - در سیزدهمین سال عمرم آنقدر خود را ناتوان و ذنبون یافتم که ناگزیر از خانه وهم خانه ها فرار کردم .

فرار - این بزرگترین دروغ - این بی بنای ترین واژه در انبوهی از آدمها و آدم نماها چه کنی میتوانست به من انجام دهد ؟ به خاطر دارم که راهروهای کارسرت کارت - سه کابل را با گریه و فریاد به استقبال یک شام بی مکان میشتافتم - چشمهام به من میدیدند و شاید تنها برای همان لحظه تا صبح به حال میگردند .

در حالیکه سخت میگریستم بیزنی با مهرانی دست به سرم کشیدو چنانکه باید به گریه طفل سیزده ساله بی ارزش داده شود ، دلیل ناراحتی ام را بر رسیدن آنها همینقدر گفتم که در خانه فامیلم برایم حای زنده گی نیست و پدر و مادر ندانم - خانم بیو مرا به خانه خود دعوت کرد و گفت میتوانم دخترش باشم . زن سیزده ساله بییکه سرگردان یک سرنوشت شوم در کوچه های شهر نادیده می بود ، زیاد از این تعارف چه میتوانست بخواهد ؟ چه میتوانست از روزگند ؟ و من بدون هیچ پرسشی پذیرفته در حالیکه دست بیوزن رادریین موهای چرک لیس میگردم و لطف غرض آلودی را احساس میگردم ، راهی منزلش شدم ، در خانه محقر بیوزن یک پسر جوانش نیز با او زنده گی میکرد که از همسرش جدا شده بود و در یکی از اولین شبهای زنده گی در این خانه محکم به پذیرایی وهم آشپزی او گردیدم - ناگزیر به اطاعت بودم بخصوص حالا که از کیف بردن نیز کم بهره داشتم زنده گی در این خانه نیز عمر کوتاهی داشت هنوز کسالت از زنده گی ام در این خانه نگذشته بود که یکروز همیستم گفت : ((کالایته جمع کوکه ترو به جایی میسوم)) و من نمیدانستم که کجا و به چه مقصدی میرم ، صبح وقت سوار سرویس سفیری شده بازم قند ها گردیدم . رفتن از شهری به شهری حالا دیگر برایم مفهم نداشت چه من از خود نبودم - شاید اگر صاحبان نمیخواستند به زنده گی کردن نیز اجازه نمیدانستم .

در قند ها مرمد در یوریکه در انتقال مال تا جرآن از یک شهر به شهر دیگر کار میکردم ، مراد ریدل پول - بولیکه قیمت من بود و تا حال اندازه - انرا نمیدانم از نزد صاحب قبل ام خریدم . (بخاطر آمدن بود که زمانی پدرم مرفی را خریدم بود و از وی آریزان تا خانه آورده بود و من فکر میکردم که با پاسر قیمتش را خواهند دانست هرگز) . من حالا دیگر یک زن نوجوانی بودم که کمتر میتوانستم از سرنوشت

آگاه باشم - در زمانیکه شاید سرنوشت راه نامش نمیدانستم ، زمانیکه خود را غمگین به نجای میدیدم ، نمیدانستم که چسرا باید محکم به زنده گی شو و اینبار تقدیر مرا دوباره به کابل آورد - نمیدانستم که اینبار چگونه مصدر خدمت به ماحم خواهم شد ، وقتی به کابل در خانه بی انتقال داد ، فکر میکردم شاید در اینجا تنها یک مایه داشته باشم ، اما - در رخ که اینبار هر شب و یا چند شب بعد مالکهای موتقی را باید پذیرایی میکردم -

باعتیاد این آدم نماها خود را برایشان سرویس کتم ، در دستهای قهار و وحشی شان بلوتم و دره دره - وجود را ، وجود کوچک را برایشان تعارف نمایم صبح ها از کسالت شیشه - بخوابم

تعبه کننده صباح الدین رهش (۸۶)

سر گذشت یک زنده گی پر باد رفته

ازهرتسی



پسر بچه ارمنی عملیات بسیار نادر را گذراند

وقتی زلزله فاجعه آورده شهر سیتاک ارمنستان را تکان داد، قارن- قاجاریان مانند هزاران طفل ارمنی دیگر در مکتب بود، مادر وی برای نجات پسر نه ساله خود به مکتب شتافت اما ساختمان زلزله خاکی شده یافتند. خوشبختانه قارن با عده معدودی زنده ماندند اما چشم چپ و دست راست خود را از دست داده بود. فقط عمل جراحی بسیار مغلو او را نجات داده می توانست. دکتران شوروی که برای زنده نگهداشتن مریضی های بسیار و خیم زحمت می کردند به پدر و مادر او توجه کردند طالب کمک از دکتران امریکایی شوند.

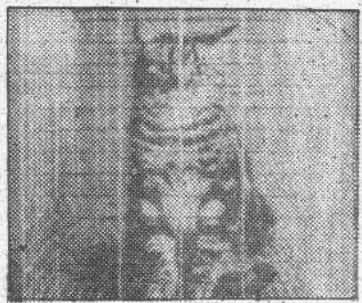
قارن و پدرش در اوایل فبروری به امریکا رفتند و از کمک هایی بهره مند شدند که به منظور مساعدت طبی به آسیب رسندگان زلزله ارمنستان تدارک دیده شده بود، قارن به شفاخانه اطفال در فلاذلفیا در ایالت پنسلوانیا برده شد.

دکتر ل. وستمان دهن شفاخانه پسر از معاینه پسر بچه گشت دو انگشت پای چپ قارن را به دست راست او پیوستند و زنده ایمن عملیات که دو انگشت را از پای او بدر آورده و دست راستی بجه زدند چهارده ساعت را در هرگزوت، دکتر وستمان یک و نیم دست قارن را نیز باورید ساژ او تمهیز کرد.

وقتی عملیات بسر رسید، دکتر متوجه شده خون در بخش تازه پیوند حورده جریان ندارد و چندین ساعت دیگر برای جریان دادن خون صرف شد، این عملیات بسیار مغلو نیز مایکروسکوپ انجام شد و نتیجه آن قناعت بخش است.

قارن یکی از ۳۸ طفل ارمنی است که برای تداوی به ایالات متحده فرستاده شدند و با این احساس مصروف سیاستمداران از دکتران امریکایی به وطن بر میگردند که خوش هایش را به او باز گشاده اند.

ازهرده پشک اروپایی، یکی مصاب مرض ایدس است



دانشمندان آلمان غرب تخمین می کنند یکی ازهرده پشک اروپایی یکی مصاب مرض است که شبیه ایدس میباشد. پشک ها معمولاً این مرض را از حمله به یکدیگر میگیرند. ماهیان هارزینک بروفیسور هالندی میگوید تا چهل درصد پشک ها در اروپا این مرض را با خود انتقال میدهند اما این مرض به انسان سرایت نمیکند. آزمایش روی انسانها هم که با چنین پشک ها در تماس بوده اند ثابت میسازد که آنها دچار این مرض نشده اند.

پولیس دریایی سگرت کشان

مقامات مانه لاد در مساحت عامه سگرت دود کردن را ممنوع کرده اند و ۲۰۰۰ پولیس فلپین در تعقیب آنان گماشته شده اند که مقررات را نادره بگیرند، واکسیر چنین شخصی بدست پولیس یافت از ۲۰۰ پوسوتا ۹ دالر جریمه داده روز زندان، چرا خواهد شد دید. طبق این مقررات هیچ شخص اجازه ندارد در سینماها، همها های شهری، رستوران ها، هتل ها، مکتب و دفاتر رسمی سگرت بکند و اما مخالفین این اقدامات داهیل میاورند به غیر بود مقامات مانه لاد اولتر گرتش موتوهای دهنلسی مبنی بر ممنوع کردن سگرت های از دود غلیظ را به هوا بلند می کنند و آلودگی محیط را باری آورد.

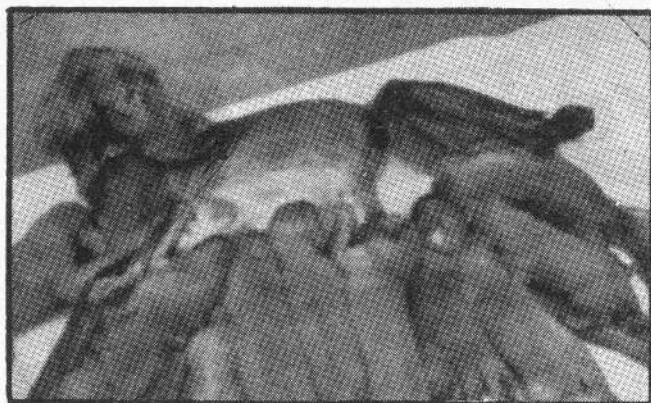
لیزتا یلورا با قانون گلا ویز شده

مایکل ویلینگ جونیر، پسر لیزتا یلورا با اصرار به عدم بازگشت به سرش به انگلستان حکومت ایالات متحده را به حشم آورده است. از دست داد. سناتور جان ورنر، شوهر پیشین لیزتا، میخواست از مقررات مشخص مخدر گردید. بود خود که از قوانین سختگیرانه این حکومت، طبق قانون امریکا بیامون مهاجرت ظاهره رفته ایالات متحده، سبب می شود که است زاین امر منجر به ایحسان وی حق سکونت دائمی خود را در سرودهای در آن کشور گردید. آن کشور از دست دهد.

بخطرات جلوگیری از قمعین کاری پدرش را گشت

در ایالت میسیسیپی آمریکا، متعلی پدرش را به قتل رسانید که میخواست او را نسبت اخسند نمرات خرابش تنبیه کند. مسوول بخش رکی بانکر میگوید: والدین این پسر خطرتنبلی واخذ نمرات پایین او را ملامت کردند و پدرش خواست او را با کمر بند ی لت و کوب کند، اما حاجی دانیل ۱۷ ساله پدر ۴۴ ساله اش را - پیش از توسل به قمعین کاری با ضرب گلوله از یاد آورد. قاتل به انتظار محاکمه در زندان به سر می برد.

خانه‌چی ها



یک سگ ایرلندی به اسم سیتلوریتا در اوایل بهار ۲ نوزاد را بد نیا آورد که رحمت عمه نوزادان خوب میباشند. خوردترین نوزاد که وزن آن از عمه نوزادان کم است به نیتا میباشند که بحالست

عادی نموی نماید و در تداوی و تربیه این نوزادان مالک آن توجه جدی میدون داشته و تحت نظر داکتر جوانان تحت معالجه قرار دارند. سیتلوریتا بعد از دو سال نوزادان را بد نیا آورده

تهیه کننده حسن نیر

آتش سوزی در ستدیوی تلویزیون میسور ۲۰ نفر را هلاک ساخت

حین فلمبرداری یک سریال تلویزیونی در شهر میسور هندسه آتش سوزی ۲۰ نفر را کشت و ۲۵ نفر را زخمی ساخت. آتش سوزی در ستدیوی رخ داد که سنجی خان هنریشهر دایرکتر سریال ۵۲ قسمتی ((شمسیر تپوسلطان)) را تهیه میکرد. علت حریق هنوز معلوم نشده و سنجی خان به نسبت حراحتیکه برداشته در بیمارستان بستری گردید. نگروران گفتند که خطری جدی زنده می اورا تهدید نمیکند. قرار بود این سریال از ایرسل آیند و در تلویزیون هند به نمایش گذاشته شود. در این سریال سنجی نقش تپوسلطان پادشاه انسانوی قرن ۱۸ را به عهد داشت.

از هر یکجا

اکیهیت و سالیانه دو میلیون دالر

میگیرد



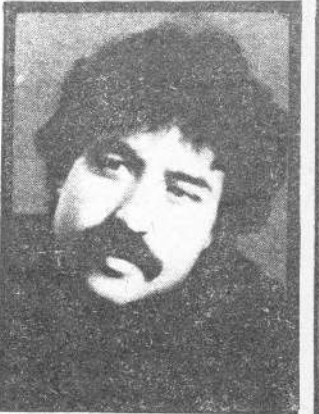
اکیهیتو امیراتورجدید جاپان سالانه ۲۵۷ میلیون (معادل ۲ میلیون دالر آمریکایی) به عنوان معاش دریافت خواهد نمود. این درست همان مقدار پولی است که پدرش هیرو عیتو بدست می آورد. انون بران ۲۵۰ میلیارد (۲۰ میلیون دالر) دیگر هر سال به صیغه مصارف دربار به وی پرداخته میشود.

همه حیوانات از خود حقوق دارند

اختلاف نظر درباره حقوق حیوانات نهاد است و سازمان و اشخاص اصلا ذهن زمینیه چیزی نهادند. تعداد نهادی به این عقیده اند که تجارب فراوان به شمول غیر انسانی روی حیوانات صورت میگردد که همواره در هر کجای پانچ های علمی بهمنصور بهبود زندگی بشر نیست. آنها به ضرورت رفع شرایط خرابی که این حیوانات نهادار میشوند و نیز قطع تجارب روی حیوانات مذکور تاکید دارند و میگویند همه حیوانات به نهاد این اصل ساده که زندگی بدون توجه به اینکه چگونه میگردد، زیبا و دلپذیر است حقوقی دارند. بحث انسان این وظیفه ماست که زبان این بی زبانان و نگهبان این بیگناگان باشیم.

از گپ های که ما خبر شدیم

آیا معشر لاف زده نبود؟



دهد، که این حرف به اصطلاح به رنگ نیرت یک عده دیگران نوازنده گان خورد و بیرون بردند بالایی معشر در تلویزیون که چرا چنین گفته ای، معشر نه و ساره در مباحث خود یاد رفتن جوانان گت: حاج معشر سابقه بد هم و شرطی عم نام منو براینکه اگر در مسابقه برز از من بود پنجم هم ارادتانی می خواهم، اگر با حق می برد از من، کسرت سابقه حاشیة سر را بیاید.

معشر هم حاضر شد و گت منتظر معشر واحد مسابقه نهدند من با برنده مسابقه دست و پنجه نرم می کنم.

وقتی از معشر پرسیدم، حالا سخن از چه فرار است؟ گت: گمشکو بیاد رشت ای گپ نگردد که بوی خون از من می آید و من ندانم آیا معشر به اصطلاح لاف زده بود؟ طرفش جلدی بود؟ و بالاخره معشر سخن کست که به گپ خوب مردم ما قیود داده نشست تا بگوید که عیچکدام آن ستار نواز نیست جزمی! به عزمورت قبول معرب: باد شوه باران نسوه خدا مراد خوشه چین بته، و ما و ما هم که اگر ستار علاقه داریم یک مسابقه جالب دیدنی راتنا خواهم کرد.

صد قسم برای یک بوجی آرد

در سیاه سنگ منایل نقلیه ار دو نزد یک دکان لالا غفور بیرونی در عجیبی بود، مرد بچم پشت سر هم نس می خورد که خدا به قرآن به آسمان، به زمین یک بوجی آرد از ماه آبرو شخصی عم میگت از برای خدا چرا تا حق نس می خورد، هر نس بوجی از آرد من که همین چند لحظه قبل از موتربایس کردم و از هزار نس با خسته آرد، ام میوام تارته نسوه منزلت من، زیرا موتربیکه بوجی آرد بوجی آرد را در موترب ب

انداخته سوپ کارت نورفت مردم از آن نفر دیگر پرسیدند ترا خدا راست میگت که این بوجی از نس گت: بیاید در خودم فریب بد از گدنگی برود و این بوجی آرد خانه می برد و تیکه خرد بونم در مسجد درس می خوانم شنیده بودم که برای نه ات دادن جان نس خوردن رواست و بوجی آرد آن سول من خون رس.

شما هم خبر شوید

تعبیه کننده: احمد غوث زلی



حالا که پرسیدید پس بخوانید!

انیسه محسن بوهنخی و تزنی بوهنخون کابل:

س: برای مدت کوتاهی در نشرات تلویزیون تغییرات خوبی دیده آمد اما بعد از گذشت چند شب، دوباره نشرات مسیر قبلی خود را گرفت، یعنی اینکه اصلاح قابل دیدن نیست، چرا چنین شد؟

ج: میگردید، در جویبیکه آب رفته باز می رود!

س: چرا بعضی از هنرمندان موانع خواندن، چشمان خود را پت می گیرند یا به اصطلاح با چشمان پت می خوانند؟

ج: به خاطر اینکه می خواهند جو سر خود را ببینند.

شادیه کارمند محلی یکی از شناخته ها:

س: آیا ساریان سخت خود را باز یافته، یا در ستر مریضی فرزند دارند؟

ج: ساریان به گفته شما کارمندان جی، شریان مغزی کفانده و تا س از سرف راست بدن فلج بوده در ایام تئاتر در ستر مریضی قرار دارند محمد سرف از لیل چشمان بود فامیلی خیرخانه مینه:

س: چرا بعضی از هنرمندان هنگام بستن در تلویزیون مسی لرزند؟

ج: آنان نمی لرزند، حتما!

جان ترانه علاوه از اینکه هنرمند خوب آواز است، پنج انگشتش شش چراغ است، علت سوختن درین است.

فریده کارمند فروشگاه بزرگ افغان:

س: خبر شدیم که حاجی کامران با هم صاحب فرزندی شد مبارک است، می خراهم بد انیم چند بچه و چند دختر دارند و چند ساه هستند آیا با هم می خواهد فرزند داشته باشد؟

ج: حاجی کامران صاحب یازدهمین فرزند شد که دختر بقیه در صفحه (۸۸)

اسد بدیع از طبابت دست می کشد



نور اسد از طبابت کنار کشید.

س: وقتی این شایعه را جایی شنیدم، گفتم پس اسد بدیع چه کار خواهد کرد، کدام کسار دیگری عم نمائند که سرفاس برود گفتند شاید به نوع خلق - الله تمام مرکز ترانسپورتی شهری را با اختراعات جدیدی تن از تدارک می - این نماید و شاید عم میوان اولیه ترس بر روی معده هریان را تعبیه نماید. باران ترانس ریز روز هفت رساند و یام کدام کسار نیت دیگری را دنبال نماید.

از تدارک چند روز پیش ایران در همایز دای را بدیع

تلویزیون دیدیم که جهت گرد اندگی برنامه سفینه رادیویی آمده بود، غمگانه موسیفات شایعاتی را که در مورد او شنیده بودم برای من فکرم که بعد از شنیدن وقایع بسیار آرام و شمرده گت: زلی جان همیشه این حرفها دروغ است تو باور نکن گت من که باور نمی کنم خدا کند خوانندگان عزیز هم باور نکنند خدا بد و گت دست اختیار - اری و من برای منم ای کردم ازین فرار میگویند شخصی بود که فکر میکرد نامه گندم است، اورا دست تداوی به اسبیکاه می بردند و گفتند که مرغانا برین گندم.

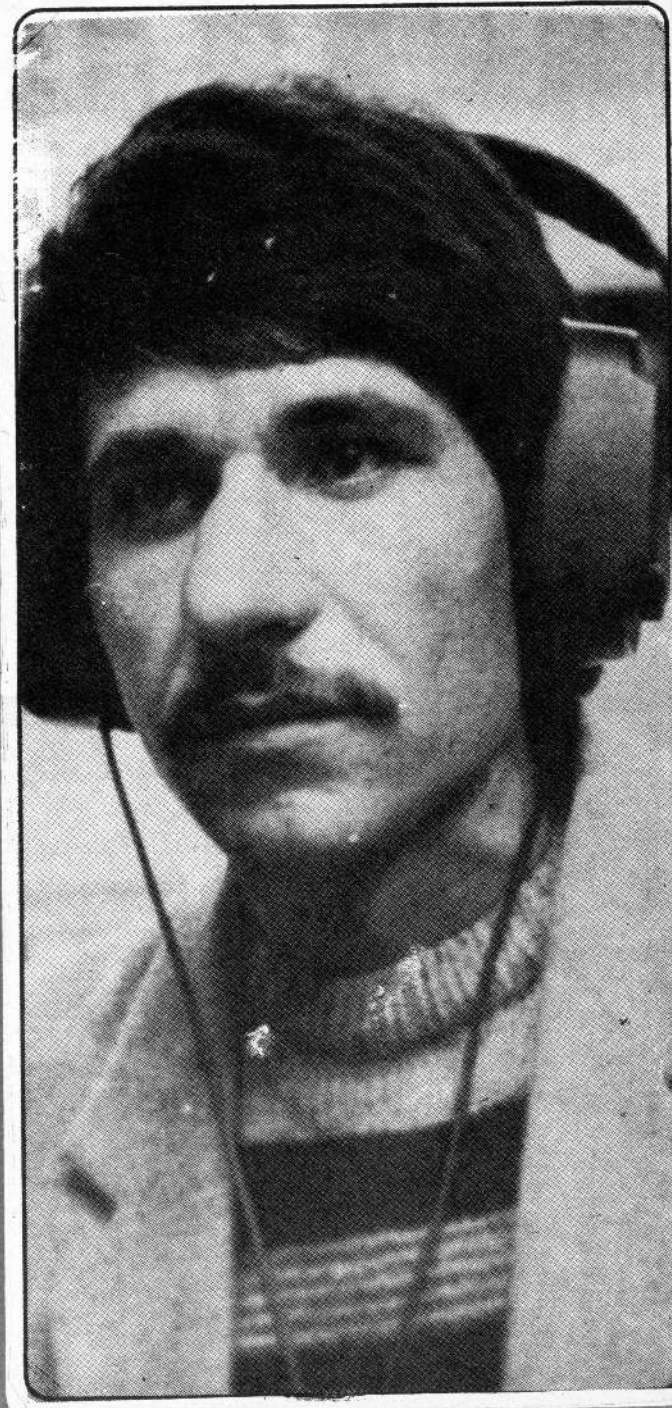
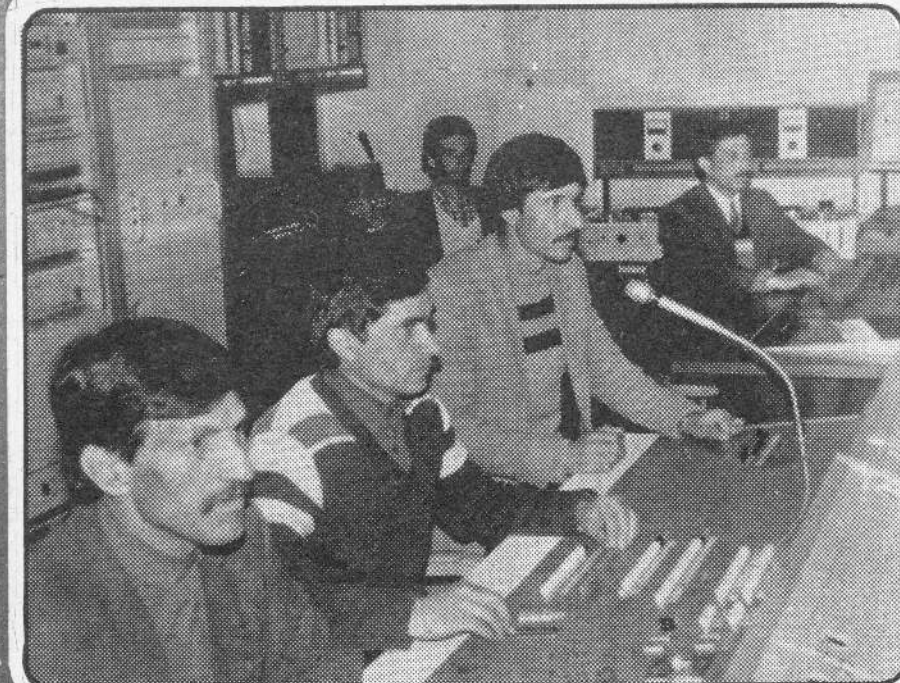
ان مجرب روانی اورا تحت معاینه قرار دادند و زیاد زحمت کشیدند، رزب نکتورمو شرف اورا نزد خود خواست و گت: بران رتواگر نامه گندم نیستی، تویت سرود دستی یک مرد کاملاً عسادی و صحت مند از نگاه طبابت، تو میتوانی عروسکی کنی و با صاحب اولاد و نواسه شوی، تو میتوانی صاحب یک خویی باشی و همه مردم خدمت نمایی. بازیس جمله حرفها مرید یاد دقت خا سخنمان نه کتور استید بد را خبر به وی گت: تشکر دارم اما صاحب من هم قبوس می کنم که من دیگر نامه گندم نیست اما خدا کند که مرغانا برین گندم.

مجله ناولوژی

مسابحه از اسد بدیع

سی از یک دهه

گفتگوی بانجیب ساکب ژورنالیست نویسنده و دایرکتور مستعد که از هفت سال به این سو برنامه ناولوژی مجله را تهیه مینماید



بایک تابلوی نقاشی از تیشه های مطبوعاتی - با الفقه در برنامه گنجانیده میشود تا از این رهگذر نیز در تظیف ذوق بیننده های خود سعی داشته باشیم، چنین برنامه بی طرف توجه و علاقمندی تشریحات از بینندگان تلویزیون هست، چون مجله تلویزیونی در جایگاه یک برنامه اختصاصی هنری - ادبی در سطح نسبتاً بلندی ارائه میگردد، بنا بر این بیننده های برنامه نیز در برگیرنده تحصیل کرده کویاز صرف یازدهم مکتب الی بالاترین - سطح دانشی است که البته هر بیننده بی با در نظر داشت اندازه آگاهی و علاقمندی خویش میتواند به نسبی با پرداختن های برنامه، موافق شود.

س - در سال جدید چگونه مجله بی راه برای تلویزیون پیشین هستید و آیا حالا کدام کنی و کاستی در آن اساس میکند؟

ج - تصمیم داریم این ساله را با بیننده های مهربان برنامه ام در میان بگذاریم، یعنی با راه اندازی یک همه پرسشی از طریق خود برنامه هفت اتو ارسال بقیه در صفحه (۱۱۰)

تان باشید، کدام بخشها را بیشتر می پسندید؟

برنامه مجله تلویزیونی یکی از برنامه های اختصاصی تلویزیون است که در سطح بلند هنری ادبی انتشاری باید طبعاً این برنامه بنا به ضرورتی ایجاد شده است و اهداف مشخصی را دنبال میکند، در گام نخست این برنامه با اشاعه بخش ایجاد مختلف هنرهای مختلف و جهان بینی های فرهنگ کشورهای مختلف می پردازد، مطالب مجله تلویزیونی آنکسوبه معرفی و شطاسی هنری فراهم گلی و هم آن به مثابه یک نیاز حسی عاطفی و روانی انسان - اتکا میکند و از جانی دیگر، به تحلیل و وارنهای خواص و جوانب قابل تأمل آن، دستی یازد، تا بدینوسیله ضرورت وارزشمندی هر هنر را برای خود، با زتاب داده باشد، یکی از زمینه تین اهداف برنامه، پیش کشیدن موضوع ((پرویش هنری)) است آهنگهاییک در برنامه برگزیده میشود به همین هدف است، یعنی خویشتن آهنگ ها، در جایگاه یک اثر هنری - مستقل - مثل یک پارچه شعری

هنری اما با در نظر داشت محدودیت های فراوانی که در برابر خود داریم، در زمینه پرویش، صرفاً مستحق حکم فرموده ما من همکار و همراه است که لازم حدائق از سبب بدین جهت و حاصل ما در قاتله اش سپاسگزارانیم.

و اما در زمینه نوشتاری از سال سوم برنامه بدینگونه مسئولیت برنامه، کلا بدوش من گذاشته شده، علاوه بر نوشتن بخش های درسی، بنا به مردم موجودیت نهی شده، پشتو در اداره، ما نوشتن بخشهای پشتوئی برنامه را نیز به شکل ناگهانی انجام میدهم.

در گذشته نهی شده گان - دیگری چون شهر هدا، زین انیسو، و اکبر کرگر (در بخش سخن هفته) منزه آسوده و اصف معروف نیز با من همکار بودند که اکنون صرف مستقیم سرپرانی همواره برای هر برنامه ام یک مقاله خوب می نویسند.

س - حقیقتی وجود دارد که یک مجله به روشهای مخصوصی به یک هرزه تشریحات خود، تشریحات میکند، آیا مجله شما در کدام خط تشریحاتی رهسپار است؟ بیننده های برنامه، تان بیشتر بی - کسانی هستند و اگر شما بیننده مجله

۱۳۶۰ تاکنون یعنی مدت هفت سال است که با تهیه، نوشته و دایرکت برنامه، مجله تلویزیونی بارادیسو تلویزیون همکاری دارم کار من در - تلویزیون، اساساً در دو جهت - شکل یافته است: کارگردانی برنامه ها و نوشتن گسی متین هنری - ادبی.

در بخش دایرکت، علاوه بر مجله تلویزیونی، برنامه کتاب را نیز برنام ((برگها)) اساس نهادم که نهی شده گان و کارگردانی اثرات نیز به عهده داشته، جدا از آن، دهها برنامه فوق العاده هنری - ادبی و نمایشهای تلویزیونی را تهیه و دایرکت نموده ام، البته در حاشیه، از نوشته، سناریوی فلم داستانی ((سهند)) تئاتر تلویزیونی ((طلوع سانه ها)) بخشهایی از نخستین سهال تلویزیونی انقانی، چند داستان و شعر نیز میتوان یاد کرد.

س - کی هادرتیجه برنامه مجله تلویزیونی شما راهگاری میکنند؟

ج - گرداننده گان برنامه مجله تلویزیونی همانطوریکه اصول تهیه آن ایجاد میکند، با مسئولیت و مشکل میبود، آنکس بی نهایت وسیع مشخص در مردم بخشهای فن و

که راه، موسم ستدر دوید برتو شده، کارگردانی در همه آنها هست، بازاری ندارد، از اصطلاحات هرزه، این سلسله گرفته تا بسیاری دیگر از لایحه های فنکار، کلا خلاصه - میشود به چند تکلیف و اصطلاحی (شاید درست و شاید هم نادرست) که از سوی برخی از کارگرداران - غیر مسلکی، تدوین شده است. اما، کار من وقتی کارگروه کمی از دایرکتوران تلویزیون، مبتنی است بر تجاری که حین کار و اصلاح بدست می آورند، اینجا اصول میزان - مؤقت یک کارگردان بستگی دارد به ابتکار، دید هنری و استعداد شخصی او، که در هر صورت و در همه جا، لازمه اساس کارگردانی برنامه های تلویزیونی است.

س - تحصیل اصلی شما در کدام رشته است و چند سال است که بارادیسو تلویزیون همکاری دارید، کدام برنامه ها را تهیه کرده اید (البته جدا از مجله تلویزیونی) و آیا با کدام ارگان دیگر نیز همکاری دارید؟

ج - من ترائیکی رشته ژورنالیزم را در سال ۱۳۵۸ در دانشگاه ادبیات و علوم بشری به پایان برنم و از سال

در تلویزیون، در ایلام داشته های نیم جان و نا پخته (روشن سازی هنری)، برنامه (مجله تلویزیونی) یگانه برنامه نفس کشی و زنده، هنری ادبی است که صیقل معقول سلامت آرایه مؤثر را دارد بیشتر برای رانفان و رهبران هنر و ادبیات درخور قبول و پذیرش است.

بانجیب ساکب، دایرکتور جوان و آگاه برنامه (مجله تلویزیونی) که خود، انبیا، نهی شده و شامسر است، نوشته ها و کارهای دهنق هنری - ادبی اش، صداق لبید صیقل روشنگرانه اش میباشد، گفت شنودی تهیه دیده ایم که پیشگی شما شود:

س - آیا در رشته دایرکتوری تلویزیون بهره در زمینه برنامه سازی - تحصیل بخصوصی کرده اید؟

ج - کار در تلویزیون طوریست که معایب و روابط خصوصی در رابطه با دایرکت برنامه ها، از قبل تدوین شده است. من به اقتضای تخصص مسلکی ام، کم پیش چیزهایی در دانشگاه و هم از لایله کتابها آموخته ام. اما در تلویزیون ما، همانطوریکه اشاره کردم، بسیاری از مواردی

دوست میدارم و را

قند جویی ، بند جویی ، ای جناب
 هرچه میجویی بجو
 بیکران بحر نیست ، گزهر بیحساب
 هرچه میجویی بجو
 فارس گویی ، دري گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 لفظ شعرو دلبری گویی و را
 هرچه میگویی ، بگو
 بهرین تنها زبان مادر نیست
 همچو شیر مادر است
 بهر آن تشبیه دیگر نیست ، نیست
 چونکه مهر مادر است
 زین سبب چون شوخیهای دلبرم
 دوست میدارم و را
 چون نوازشهای گرم مادرم
 دوست میدارم و را

مومن قناعت

کاسیر

بلبل به فغان چه کار دارد
 نه که خبر از بهار دارد
 قمری به طلوع صبحگاهی
 جشنی به چمن هزار دارد
 چشمش ز شراب ناب امشب
 پتگرکه چنان خمیاز دارد
 مردم زنگاه آشنیش
 گلگونه قبا ، نگار دارد
 اندام ظریف و نقره فامش
 بردل هو من شکار دارد
 آید بیم ز راه شوخی
 حیف است به غیر نظر دارد
 صید کشته بود و بناز و رامش
 خون شهدا ، وقار دارد

مشوش

من مرغ اشم
 شب را بزیر سرخ بر خویش میکشم
 درمن هر اس نیست ز سردی و تیوه گئی
 من از سپیده های دروغین مشوشم
 سیاوش کسرای

این شیشه ، دل ز سنگ روزگار
 نشکست ولی غبار دارد
 پژمان شده اسپر زلفش
 صد همچو منی بتار دارد

بچه دیور

داکوشی ستا بر سپین مخ خوری وری شوی
 که ز ما بر سیاوون تیاری خوری شوی
 ستا دسترگود خیال سیوری چی بری ولوید
 پرورشوی دارمان توری تیاری شوی
 ستاد بزند و گنو تکه نه وه ، خه وه
 ورسره می چی اسری خاوری ایری شوی
 درسی شوی دادی خیلی پیسرا گانی
 نه چی زما دعاوی تالره نیسری شوی
 چی ترکی تلی ستا دادا گان سو
 هغه لاری زما ستا تر منعه پسری شوی
 دما بنام له تیکی تیخ د هلال ووت
 د هسک مورگی د شفق به وینوسری شوی
 چی ورتل به سرولمبو لکه اور پینتسی
 به هغو بلهارو لکی هد پسری شوی
 چی د مینی د محفل بلی لوی وی
 خاورو لاندی خه بنایسته نیلکی خیری شوی
 بیا به و سپری رسی د سرو رید سو
 که به سرو وینو خرویی می میری شوی

پوهاند زیار
۶۷۲۲۲

بچه تو در کجاست

فسرده روح مرا با گل و بهار چکار
 ز نو بهار چه گویم به لاله زار چکار
 بین زکان طبیعت به که سار سبزه
 مرا به دشت و دمن بی تو گلزار چکار
 ببر کشید و چمن جامه ، نگارین خوش
 مرا به گلشن د بیای مرغزار چکار
 صبا نسیم تو آورد طرف لافه من
 جدا از وادی عشقم به جویبار چکار
 د مید صبح بهاران رسید وقت طرب
 مرا به بیک فریبند ، خمیاز چکار
 فغان و ناله ، مرغان خوش ترانه شنو
 مرا بی باغ و به گلگشت نوبهار چکار
 بیا که شوق رخت در دل جوانه زند
 قسم به تار دوزلفت به شام تار چکار
 د رخت و باغ و چمن بین چه جامه زین
 مرا به سپر و سفر سوی گل بهار چکار
 خروش موج بد ریاحه مستی هادارد
 شکسته شیشه ، قلبم مرا قرار چکار

مته، نیت

گرتویند اري دل م را حزن تو یاري هست . نیست
 باغم را غیر مهتر نمگساري هست . نیست
 گر بگویم سینه از دست تو بر خون نیست . هست
 و برپرسی گرتو در خاطر نمباري هست . نیست
 گر کسی گوید که درد دنیا به دوش زنده کسی
 سخت و سنگینتر زه جریار یاري هست . نیست
 بیش تیرت گر بگویی دیده برهم زد . نـزد
 چشم مست را از این دل به شکاري هست . نیست

غزل

ماد خپل سرویش خکلی دی به دی کوخه کی
 به مائل کانی وریدلی دی به دی کوخه کسی
 به ما دینس او وفا زیادنی ولسی کوی
 تامل خندلی مائزلی دی به دی کوخه کی
 ستا به غضب غضب کاته نوي خبره نه ده
 داسی می لیردی پرخه کتلی دی بعدی کوخه کی
 سترگی خمار شوندی مسکی انگلی ولونه ولسونه
 خه خطرناک قاتلان بنگلی دی به دی کوخه کی
 ستاد بهار بهار بخوانی شراب به جا وریزی
 مائل د هجر زهر خنبلی دی به دی کوخه کی
 توتی توتی کچکول بی مه زاری دژوند ملگرو
 سائل د زره توتی شیند لسی دی به دی کوخه کی

ابوالقاسم لاهوتی

دخوانی گلونه

ز یاد مینی بنگلی بنگلی پسانسی
 چی د سپرلی بنگلا پری بیه بنگاریده
 به مرمونولپوچو خوب ته بی سرنه تیتاوه
 د بپشتی عظمت نینه بی
 پرته خته کی وه
 دغه غرور بی د پیری بیرونو
 مات نه شوکر ای
 کره صدقه بی له زلفانو
 دخوانی گلونه
 خودغه تورماران بی
 کله د غاری امیلونه نه شول
 چایی دیانور زیدل
 به شپه کی ونه لیدل
 به جوانی برگ مینی
 د جاخماري نازینی سترگی
 باندی نمجنی نه شوی
 خودخوانی گلونو
 د جاناز کوبینوته
 باسته فرشونه جور کرل

رحمت شاه سائل

پروانه ها

پروانه های پروانه ها
 پروانه های خوشنما
 پروازتان بس دلنشین
 بر آسمان و بر زمین
 کالای خوشترنگ شما
 رقم شما، جنگ شما
 روی گل و روی چمن
 روی علف های دمن
 مستانه بال و پرزید
 بر روی من بر پرزید
 گفتم بگیرم بالکت
 آن بالک خال خالکت
 از دست من گشتی رها
 رفتی سوي تخت هوا

رازن روپین

قتیل خور یانی
کابل ۲۰ مه ۱۳۶۲

شبه

شب التیام زخم تن تاب دار خویش
 در شام تار طرز صدایش نخواند است
 اما
 زلفان تار دختر شب
 روی ماه را
 در چنبر طلسم سیاه کشید است
 اری!
 شاید که زنده کسی
 يك انتظار دخت شب خوابدید ما ست

حمید مهرورز

برادر خدا

دست بر از نیاز من و بارگاه تو
 آه ای خدای من!
 چون شاخه های خشک درختان
 در آستان درگه * تو با کمال عجز
 از فرط یک نیاز
 سر بر کشیده از تو طلبگار حاجت است
 دستم تعی مدار
 آه ای خدای من!
 و این قلب من که جایگه ذات پاک توست
 و اینسان غمین مدار
 هرگز رواندار خدایا که قلب من
 در این زمان که اوج جوانی زنده گی است
 از غم بمیرد و شود خالی و تنه
 هرگز رواندار خدایا که چشم من
 در شمری فروغ جدایی شورسپاه
 مرضیه عدیل

شهباز

هر شب که آسمان خیالم درین دینار
 با چلچراغ روی تو چون روز می شود
 هر شب که دست باد از آن سوی کوهها
 بوی تراب کلبه ای من می بر آگسند
 من، لوح خاطرم:
 با قاف قامت تو،
 دل انگیزی کنم
 با یاد پادشاه تو،
 شهبازی کنم
 محسنتی "سروش"

لیون

د عشق زخوره شول لبه لیون سی
 تو رو تباروی شول د یوه لیونی
 میگی ی خود د نه هدا یوکی ناخسی
 بگی د یوه نه دی هغه لیونی
 د اچی بی د ریغه بری قدم زدی آشنا
 کلی گی نه شته دی بیوجه لیونی
 د عشق په توری به د ا روه بحر وی
 کله کوی جاته سجده لیونی
 زهیز به کوریه لبی پلی وی لا
 ترخوچی پاتی وی د ا (دوه) لیونی

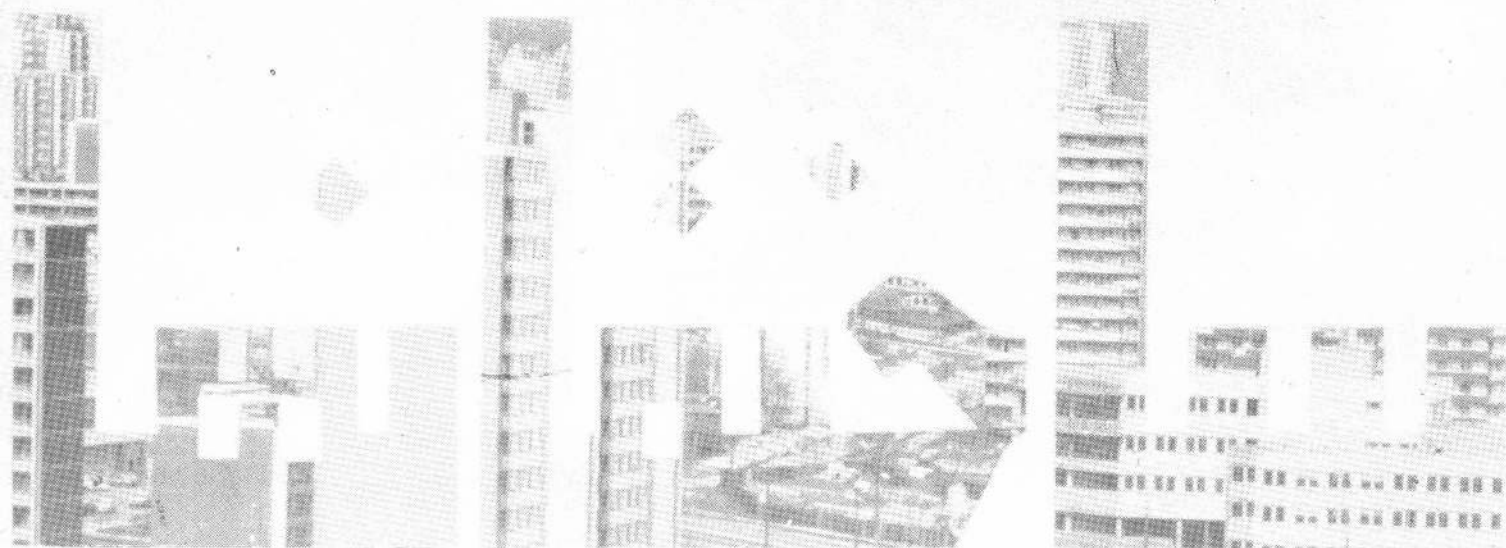
السمعیل

شبنم پاک سحر

واضپ باز میانند
 نشان شیخ اندامت
 به دیوار دل پادم
 که می آبی به سوری من
 به دیت اپری صفا
 و ناله ستان البرزانی
 خدایا، نه، چرا سر زان
 که شیخ است این که میزند
 نه دستان سید مریم تو
 تو در شمر سکوت و خلوت خواب سحر گاهم
 مثال شبنم پاک سحر گاهم
 در آغوش نرمانوسم
 که جوان د ستیهای کودک شیخ چمنزاران
 به رویت باز میگردد
 ارسالی: محمد اسماعیل برهان اندالی

بهار و بیا

یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 درختان شکوفه بار
 بازان ریزه ریزه وهم مست و بیقرار
 من با ادب بوسه بچشم زلف او
 او از رواج ناز شود سرخ و شرمسار
 وانگه بجام چشم اوستای من بنبار
 یک عصر تو بهار
 من باشم و نگار
 (لومان) تویی خنار
 ارسالی: محمد طیب (لومان)



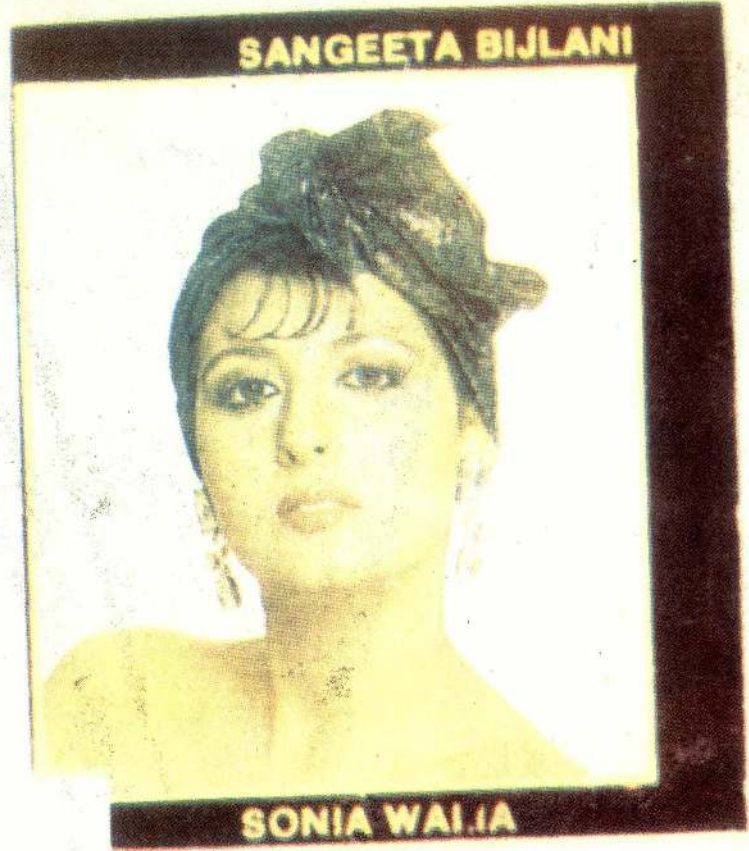
سربه آسمان میزنند

ساختمان ها و مزارع سر به
فلك كشيده در جهان آنقدر نهاد
نمست • مزارع آسمان خراش از -
همان آغاز مورد تعجب و حیرت مدتها
زیادی مردم میشد ، این نوع معماری
نشاندهنده اوج ترقی تختك
دین هیا آن مرحله تاریخ است •
در آغاز چنین مزارع يك چیز
كاملاً لوکس حساب میرفت و ملتی که
آنها بنا نهاد ، بود به آن افتخار میکرد
ولی امروز مزارع آسمان خراش نظر
به ضرورت اعمار میشود ، کمبود مساحت
، کوشش برای داشتن مراکز بزرگ -
خدماتی و ادارات دولتی از عوامل
اعمار چنین مزارع سر فلك كشيده
میشود •

تا امروز با برج ایفل پیاده شناسیم •
انسان امروزی از دیدن این هرم -
دست تحریر به دندان میبرد •
انکشاف واقعی ساختمانهای
بلند از زمان گوتهك آغاز میشود •
دین زمان در تمام جهان کلیساها
و اماکن مقدس که باید بگفته نشود
در عرض و طول ، بلکه در ارتفاع نیز
رقابت مینمودند ، اعمار شدند •
کفایت میکند که کلیسای پتر مقدس
را در شهر رم که ارتفاع مناره آن به
۱۳۳ متر میرسد مثال آورد ، هم
چنان باید از قصر گوتهك در شهر
کولن آلمان یاد دهانی کرد که
۵۷ متر ارتفاع دارد •
بها دگاره های تاریخی همگون در
زمانهای بعدی رومانتیزم و کلاسیسم
نیز در پیوستیم ، ولی همان آمدن برج
ها ، آنتن ها و آسمان خراش های -
صوری با استفاده از تکنالژی جدید
بستگی مستقیم دارد •
اولین برج فولادی با ارتفاع
۳۰۰ متر که مدت نهادی در جهان
بگانه برج از نوع خود بود ، برج مشهور
در شهر پاریس است که همه ما آنرا

نبر نام برج ایفل پاریس می شناسیم •
این برج طی مغل مجالی بمناسبت
تعیینگاه بین المللی در سال
۱۸۸۹ افتتاح شد بنام مهندس و
طراح آن گوتهك ایفل منسفی شد •
این برج به جز جدا ناپذیر پاریس -
تبدیل شد و در اکثر نقاط جهان -
مادل های این برج گایی و اعمار
شده است •
بکار در برج ایفل مدت نهادی -
شکستنده شده ، بالآخره در سال
۱۹۳۰ زمانیکه در شهر نیویارک آسما
خراش کولمبیا بلدیگ (CHURCH
BUILDING) که ۳۰۶
متر ارتفاع دارد ساخته شد ، بکار در
برج ایفل نیز شکست • بعد از مدت
نهادی مقام اول را در داشتن ساختن
های بلند منزل نیویارک کایی کرد •
مزارع امپایر سٹیته بلدیگ
(EMPIRE STATE
BUILDING) این مقام را برای -
نیویارک گزینگی کرد ، این ساختمان
بدون آنتن که بالای آن نصب است

۳۸۱ متر ارتفاع دارد •
آنقدر زمان دیر می گذرد که -
ارتفاع فوق راسختمان دوج مرکز
جهانی تجاری (WORLD TRADE
CENTER) که ۴۱۲ متر -
ارتفاع دارد ، نیز گرفت • ارتفاع -
۴۱۲ هنوز هم نتوانست به بلند -
تهن ساختمان جهان که در شهر
شیکاگو واقع است برسد • ساختمانی
که در شیکاگو واقع است دارای -
۱۱۰ طبقه (منزل) بوده و ۴۴۲
متر ارتفاع دارد • این ساختمان بنام
SEGRS TOWER یاد میشود •
در طولی ساختمانهای بلند
منزل ، آنتن های پخش امواج رادیو
و تلویزیون به ارتفاعات بلند تر اعمار
شدند •
در سال ۱۹۶۴ ارتفاع رکوردی
را برج تلویزیون شهر توکیو که ۳۳۲
متر داشت به دست آورد • این برج
بقیه در صفحه (۷۴)



SONIA WALIA



از دنیای مود

تجزیه و تحلیل



حرف‌هایی از دومودل معروف

تازمانی که فلم

((خون بھری مانگ)) به معرض

نمایش قرار گرفته بود اندیشه ((سونوالیا)) به شابه طلوع و غروب آفتاب آکنده از سایه ها و روشنی هابود ، گا هن تھین امیدوزمانی توام بادلھرہ جاس ۔ برای آتھ قہل ازاین فلم ، درنلم های ((تیرئ - شھرین)) و ((آگوشن)) نیزظاھر شدولی شمئ ازکار خود نگرفته بود ۔

وقتی اورادر ((پانسیون)) که زنده گی میکنسد ملاقات کردم در برابرپوشی گت :

((بدون تردید فلم ((خون بھری مانگ)) برای - ثبوت اھلیت هنری من ، وجہ تعیین کننده یسی داشت)) ۔

ایمعدانک وقتھ کوتاه ، به دنبالہ حرف هایش افزود :

((خوشحال استم ازاینکه ((راکش روشن)) درنلم خود برایم فرصت کار داد ویا این زمینہ سازی، شناختی بین ماپدید آمدوموقع یافتم تا مردم برای هنرواستعدادم تھمتی قایل شوند وازنمایش فلم به اینسوہ روزی رابہ یاد ندارم کہ زنگ تیلفون به صدا نھاید وازکارکرد - موقعیت آمیز من حرفهای نرتند برایم تھریک نگھند ۔

عدہ بی راعتھدہ براین است کہ ((راکش روشن))

کارگردان فلم ((خون بھری مانگ)) ازمن به شیوہ نا- جایزی استفادہ کردہ وکارحوش شنا با لباس های ((سکس)) مرابہ انظارجلوہ دادہ است ولی اقتصاد من این است کہ اگر درکارحوض شناہ لباس شنا رابہ تن داشته ام کہ به مقتضای صحنہ فلم است این چه گناہ کبیرہ است کہ ازان حرف نامی بافتند ؟

آیا توجھ یک بھتندہ این است کہ درکارحوض شناہ دخترئ با لباس سوراپا مستور جا-ر شود ؟ ایادرمحل- شناہ پوشیدن لباس شناہ امرکاملآ طبیعی نھست ؟ اگر کارگردان مراد درکارحوض شناہ با لباس های

کہ ((سونم)) درنلم ((وچی)) ظاھر شدہ است و ارد ہکرت بدون تردید این حرکت کارگردان از لحاظ هنری جغای بزرگی بود کہ برمن تحمیل مھشد ۔

درنلم ((آگوشن)) نقش ن یک هنرمند به نام رسیدہ بی رامتھدہ بودم ۔ نقش نہایت پرازنوامض وابداعات بود ولی کارگردان ، مرانشیوہ کار را آموخت و مرا خوب یاری رسانید ۔

درنلم ((تیرئ شھرین)) نقش کوچک داشتہ یک فلم هنری بود ودر تلویزیون ہم به نمایش گذاشتہ شد ۔

((سونوالیا)) درنلم های نهادی ، درنقش های مختلف ظاھر مھشود ، درنلم های ((جین داتا)) و ((مھاسنگرام)) یا ((ادیتہ پنجولی)) ودرنلم ((نمئری آدمی)) با ((متھن چکروتی)) درنلم ((مستروسنر ۴۲۰)) با ((راج بھر)) همبازی مھاشد ۔

منافع براین ، یک عدہ از فلسازان جنوب ہندوستان نیز رغایت او رابرای بازی درنلم های جنوب حاصل کردہ اند کہ وی صھمانہ ومعدہ همکاری به آنها دادہ است ۔

دراین بارہ اوصوف هایی دارد یہ این تحصیل : ((من عجلہ بی ندارم کہ دھل ان بہ اوج شھر برسیم ، برای تسخیر و تصاحب این مقام تامل وشکوبایی فراوان دارم ، برای تعدد قرارداد بازی درنلم های ہم دلچسپی فراوان ندارم ، ازاینکہ همبازی من

کھست ، بسیار نمی اندیشم ۔ برایم بسیار بی تفاوت است کہ درنقش مقابل من کی قرار دارد ، مثلیکہ قہلا گھتم درنلم ((تیرئ شھر - مین)) در برابر ((مارک نیئر)) ودرنلم ((آگوشن)) مقابل ((اکھرچان)) ودرنلم ((مھادیو)) با ((ونودکنندہ)) حاضر بہ بازی شدم ۔

من بہ دراست وجرا ت این موضوع راتیئید مھکم کہ بہ هنرمندان نام نهاد ولی نامدار درگز تکیہ نمی نمایم ۔

حالی کہ ((سونوالیا)) دروازہ کاروبار مود را بستہ ودرنمایش لباس های - نمیکورد ، خودش می- نھد : ((موقعیت کنونی حکم میکند کہ بعدازین سینما وھنرنامی مرکز تمام توجھاتم باشد نہرا نقش راکہ درنلم ((آگوشن)) ایذا نمودہ بودم رھ معرفتہ قناعت بخش نبود وچا کہ فلسازان معروف بہ من چشم امید دوختہ اند لایم است من ہم تلاش های فراوانی ازخود نشان دھم)) ۔

درخروج دنیای مود ونھشن ((سونوالیا)) عکس- العمل خودداینگونه تھازم مھدہد :

((اگر پھشنمادی درمورد نمایش لباس برایم برسد رذنی کم مشروط براینکہ طبع ونحوہ نمایش قابیل

تاجهان سینما

سونووالیا و سنگیتا بجلانی چه میگویند؟

توجه باشد تصمیم گرفتیم بهر نوع پیشنهاد سونووالیا
حم نیک ولو که از احساس بولی ، قابل توجه میباشد))
«سونووالیا» از آثاری که در عین اوج حرف های

نیایا من گویند ، در یو خون داشته میکند :
(نمیدانم چو آمده بی به عزتنامه و دیگرگون من
اعتزاز میکنند ، تردید ندارند که در لسان انگلیس
مهارت کم تغییر دارم ولی نباید انکار کرد که از انسان
صحنه اردو دهند هم بهره و غیر کالی دارم ، روی
این اصل توانم نیکم به انتقاد آثاری که عقیده -
ندارند ، اردو را به شیوه آمخته با انگلیسی اداسی
کم یاد میکنند بقاد آمیگ دارم .

اعتزاز میکنم که حضرت ارجهان مود به دنبال
سینما خالی از اشکال نیست ولی این ادما درست
نیست که میکنند مود را لباس هاتراندند و هنر
ندارند)) .

(سونووالیا)) که از کار روزنامه نگاری حاصل
قام ((دختره)) پیوسته به ترقیات قابل آمده
میکند : ((والدینم در هر قدم مشور کارهایم بودند
به استثنای شمول در کارهای هنر سینمایی ، تا آنکه
سوانحار آنها را تمنع دادم و رعایت شان را در این
مورد حاصل کردم)) .

برای اینکه ، دین فرصتیکه من راه خود را در
سینما شخیر میکنم ، آرزو ندارم در محدودده ، نقش های
منفی گیر شوم زیرا به صراحت میگویم که نقش های

منفی مورد علاقه من نیست

در این اواخر رزمه بی از عشق و داستان عشق او
با ((وتودکنه)) بجز هامرسید ، در حالیکه از این
رزمه ها کاشته شده است و او به راحتی نفس تازه
میکند ، در این باره تصریحی ندارند این شرح :
(من با ((وتودجی)) در ظلم ((معاذی)) در -
مسئله ((اوق)) صرف بازی بودم ، چون ((وتودجی))
مرد مسیح الصدر بوده و در بسیاری از موارد اندیشه بی
یک سان داشتم اینه خاطر اینکه با دیگر تازه کار
بودم ، به حیثیت هنرمند تجربه کار را سوخته ،
شماره خود را در اختیار من میگذاشت و برای بازی میرسانید
که از این سلوک انسانی او خبر نگاران بدون در نظر داشت
حقانیت موضوع ، دست به شایعه پراکنی زده سانه
را به شوه داستانهای تحلیلی انعکاس دادند .

این رهداد در حالیکه روی احساس ما ، تأثیر
ناگوار بی جا گذاشت ، هر دو تصمیم گرفتیم به اشکال
همکاری دوستانه بی شایه خود خاتمه بدهیم .
نوا مقاومت در برابر شایعات غلط و اتهامات بی اساس
که با شایخ بیگ های فراوان سمت دهن میشود حوصله
و شکیبایی خازر الماده می خواهد)) .

سونو والیا میگوید : (من به خود باور دارم که در سال
های آینده ، به عنوان یک ستاره شناخته شده و
موفق عرض وجود کنم با این تلقی ضمن بران دارم نقش
های را بازی نمایم که دارای نرم احساس باشند تا
هفت احساس نقش را به صورت متوازن انعکاس داد .
بخوانم .

من عقیده دارم که با تمویل هر نقش بیت هنرینه
میتواند پول قابل توجه ذخیره کند ولی برای هنر
خدمتی را انجام داده نمیتواند از اینترست که با هر
نوع نقش دلچسبی ندارد و اگر چنین میگردم امروز
در مقام یک مجری می بودم و در یک ((پانسیون)) زندگی
نمی کردم)) .

و اما در مورد ((سنگیتا بجلانی))

شهر هر مود را لباس در جهان سینما ، موفقیت

قیهه رصفحه (۷۸)



برفراز تياتر وياسينما

— سینما يك شاخه با اهمیت فر...
 هنگ بشمار میرود ، دست یازیدن
 بدان جرات میخواهد و ایشان
 جلایش چنین بیکره زیبا و انسانی
 منحصر به ذکورت نیست بکون طبق
 حکم زمان ، اناث جامعه ما
 میتواند در رشد و پیشرفت این
 بدیده والا از اهمیت باارزشی
 برخوردار باشند .
 — اگر همانند همه زنان که
 به سلام این بیکره رجوع کردند
 و بعد بلاد رنگ و اداع کردند چی ؟
 — شما میدانید که جامعه ما یک
 جامعه عقب مانده و روبرو انکشاف
 است و از جانی بدیده سینمای
 ما تا هنوز نتوانسته هویت ملی
 خود را کسب نماید و استند مدای
 که بنابر تخیلات واهی گرایانه و یا
 ممکن اشکالات ناشی از تعصب و
 ریاکاری خود را از عرصه فعالیت
 باز میدارند . ولی من بعد ان
 می اندیشم که نباید عقب گرا بود
 و سویی سایه رفت ، سایه بیکره
 سیرش به تاریکی و لغزندگی
 می انجامد . چرا ، خردمندانه
 به سوی خورشید گام ، بگام پیش
 نرفت و از خورشید بیکه اشعه
 پر فروزش همگانی است ، سود

به جست
 — خورشید جان عقیده شما در
 رابطه به داشتن یک سینمای
 خوب چیست ؟
 — بعد از لحظه بی درنگ افزود
 باید برای یافتن سینمای خوب
 اولتر از همه در جستجوی فرهنگ
 ملیتها بود . در یک فلم نیز باید
 اندیشه بران داشت —
 محتوی از یک تفکر اصیل و فر
 هنگ جامعه گذران زندگی می
 نمایم ، ما به داشته باشد .
 — ستم شما در رهتشدن سینمای
 افغانی از چه قرار است ؟
 — من بعنوان یک فرد درین عرصه
 نمیخواهم بصورت دیگری فکر کنم
 فقط تلاش ورزیده ام با نهاییت
 صمیمیت و بی الایشی به اجرا گری
 فتن کرکس سپرده شده ، رعایت
 نظم و دیسپلین — داشتن اخلاق
 خجسته و احترام متقابل ستم خود
 را تا همین اکنون با صداقت تمام ادا
 نمایم .
 — میخواهم بدانم کارکرد هایتی
 سینمای شما از کدام فلم و
 چگونه آغاز شد ؟
 — من با پیشینه کار رادیو
 ام با علاقه مندگی که در
 بقیه در صفحه (۱۱)

خورشید



این بارد در رابطه به ویژگی
 های هنر و شناخت بهتر هنر
 مندان سینمای افغانی ، با ی
 صحبت هنرمند مجرب و مستعدی
 که پیشینه کارکرد هایش از امواج
 راد یو آغاز و در زمره نخستین
 اکتریس های (هنرپیشه گان) تياتر
 سینما — تلویزیون با درخشش
 چشمگیر جا گرفت و در آثار راد یو
 تياتر ، سینمای و تلویزیونی موفق
 از آزمون بد ر آمد و تلاش بیکره
 و علاقه وافر از زمره موفق ترین
 چهره های سینمای افغانی در
 سطح کشور شناخته شد .
 نشینم .
 این چهره پرد رخشنده
 خورشید است که دعوت ما را با
 علاقه و محبت پذیرفت . اینک
 توجه عزیز خواننده گان گرانقدر
 را به گفت و شنود این هنرمند
 معطوف میداریم .
 — میخواهم نخستین سوالها
 چنین طرح کنم :
 — در نظر شما موجود
 دیپلماتیک در بیکره
 سینمای نو پیا خواسته
 ما ، از چه اهمیتی
 برخوردار خواهد بود ؟

همینکه اثری از خود به جا میگذارم برایم افتخار است
 استعدادها باید به موقع کشف گردند

اسرار خوردنی ها

بادرنگ از جمله سبزی های بسیار معمول بوده که نوع آن خیلی نهاد رایج است. بادرنگ تا به سر سردکننده و طراوت بخشی داشته و تقریباً حاوی تمام عناصر است که برای بقای سلامت و زیبایی ضرورت است.

بادرنگ به انواع گوناگون بنا تفاوت شکل، اندازه و رنگ وجود دارد. رنگ آن از سبز کم رنگ تا سبز تیره است. بهترین نوع آن بادرنگی است که تازه و سخت بوده و شکل منظم و رنگ سبزه تیره داشته باشد. پوست بادرنگ - نهالیت خفید می باشد. نهالیت تمام نکبات و مسمومیت ها را از بین می برد. بادرنگ را نباید پوست کرد.

در علم گیاه شناسی آنرا بنام کوکومیز می نامند. بادرنگ را صوری ها، یونانی ها و روسی های

قدیم می شناختند و در قرن ششم قبل الميلاد در چین پیدا شد. اکنون این سبزی خفید در سراسر جهان کاشته می شود و از آن استفاده می کنند.

ارزش های :

از نگاه تغذیه، بادرنگ حاوی نسبتاً خدار نهاد متوال هاست. تحمیل این سبزی مانند نشان میدهد که در صد گرام آن (۱۶۳) فیصد رطوبت، (۴) فیصد پروتئین، (۰.۴) فیصد کربوهیدرات موجود است. مقدار متوال ها و مینرال های آن حاوی (۱۰) ملی گرام فیصد، فسفر (۲۰) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۳) ملی گرام فیصد، تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد و تانین (۰.۲) ملی گرام فیصد می باشد. ارزش آن از نگاه

کالوری (۱۳) است. علاوه بادرنگ منبع با ارزش پتاسیم، سدیم، منگنز، سلنیوم، منگنیکان، کلرین و آهن است.

خواص طبی :

بادرنگ حاوی مقدار (۶۴.۰۵) فیصد متوال های القلی ساز و (۳۵.۹۵) فیصد متوال های اسید ساز می باشد. از اینجاست که خاصیت معالجه و درمانی این سبزی را در کربد بادرنگ در حفظ القلیت خون خفید است. علاوه بادرنگ از بهترین مواد ادراک آور طبیعی بوده که دفع و جبهان ادراک را بهبود می بخشد.

نکته :

بادرنگ دارای مستقل ضد قضا است. کسانی که به قضا مبتلا اند می توانند با خوردن روزی دو عدد بادرنگ از فوائد آن مستفید شوند.

اختلالات معده ای :

صافه بادرنگ در معالجه هلیکوباکتری و زخم های معده و

باد رنگ

مترجم انجنیر حلیم

سبزی مفید برای صحت و زیبایی

انتفاخ خفلی می باشد. در چمن مواردی هر دو صفت به هم دیده می شود. تا (۶) اونس آن تجویز می شود. بادرنگ حاوی (۱۶) فیصد آب بوده مقدار صافه آن بیشتر است. بادرنگ سبزی مفید و را خفلی زود بر طرف می کند.

بیماری های ریوی :

صافه بادرنگ همراه با صافه

هنگامیکه با شوره لکه مخلوط شود بوی شکستادن و بوی ساختن سنگ در مجاری ادراک و تقطیل اسید ادراک می باشد.

باید که با آب تازه تازگی مخلوط شده به مقدار یک پاد او و صافه هیک ساعت بعد در بوی خفلی خوب بوی رفع تشنگی در هنگام حله کولسرا مسویب می گردد. این صافه مخلوط توانی مایع الکترولیت را که در اسهال بیماری کولرا مثل گردیده، حفظ می کند.

جوش ها و دانه های روی جلد :

صافه بادرنگ در برطرف ساختن جوش ها و دانه های روی پوست مؤثر ثابت شده است. به منظور اخذ نتیجه بهتر صافه های زودک و گاه را با صافه صافه بادرنگ مخلوط کرده، اضافه کردن مقدار کم صافه شکر در بعضی موارد قدرت درمانی این ترکیب را بیشتر می سازد.

بادرنگ بخانه ماده حفظ زیبایی

ماسک بادرنگ رنده شده روی صورت، چشمها و گردن برای (۱۵) تا (۲۰) دقیقه قوی خوب برای پوست صورت است. بخاطر استفاده از صافه آن با صفت تازه ماسک بادی جلد با صفت دراز کشید. استفاده منظم بادرنگ از بهداشت جوش ها و چین و چروک و خشکی صورت جلوگیری می نماید. صورت را با صافه طراوت و شفاف می سازد.

بادرنگ را می توان با صافه سبزیجات، حبوبات، صوف جات و صلااد مصرف کرد. معمولاً از بادرنگ به عنوان صلااد به شکل ترکیب با زودک، لبلبو، باد نجان روی، ملی، کاهو و سبزی های دیگر استفاده می نمایند.

اضافه کردن شکر در این صلااد آنرا خوردنی لذیذ می سازد. غذای صلااد همواره باید آنرا خام مصرف کرد نهرا ارزش درمانی آن در اثر پخت از بین می رود.



پونم ...

بقیه از صفحه (۱۲) رسیده باشد در غیر آن شکلات نهدی مایه خواهد گردید. به هر صفت تاردواند ن طاسب نمیشود. صداقت و وفاداری جوهر انسان است با چندین مرد در یک زمان دوست بودن مقلان نیست. به نظر شما دوستی های افراطی ممکن است؟ ج - چرا نه، دوستی یک زن با یک مرد میتواند ابعاد گسترده تری از سکی داشته باشد. س - در فضا شعله زنده می ماند مردن گیر می آید، چه در فضا کرد؟ ج - واصل، دیوانه خواه شد مخصوصاً اگر از آن مرد خوشم نیاید در چنان حالت خود را به آب پرت می کند تا از آنجا فرار نماید و لو بداند شاره ها زنده بلغم می کنند. س - شما در نگاه انسان خیلی معصوم و پاک جلوه می کنید، آیا

دنوروزیه ...

د (۱۹) مخ پاتی نوبه می آید نوروز سندی و ایس داجی : خواننده بیاد بفرمایید که له وجه با گند لونگ بوی را خفید د بفرمایید به ریخوارش چو نور تری در ته کیزدی و نوروزی حیوانات هم به دغه و ریخ بنگلی او نوبی کالی اغوندی خیل توست را خلی تا کلیومیله خایونوتسه ای اتیونه کوی بنی ولی او سلانگی وهی چو دنومور ولوبو اتسل ته د کلی د سبب زیری له خوابه گوته شوی بگری د پالی به توگه ورکول کیزی به خینوسپورکی حیوانی بیغلی خیلونامزاد شوپو ملگروته هگی ایشوی، نقل، نیسی او توتسه هغوته ورکوی)) د هزاره سیه کی برعمومی دود و نور سبزی بول خانگی دودو ته هم ترسترگوزی به دی باب د هزاره ملیت یوتن و ایس جی

د حیوان اتل) در آنگه به انتظار به تال کی کینی د هغه در آنگه لاریخاری اوبه گزار کراریسان زنگوی خوله بد هغه جی به تال کی بی خوب روی او همداسی وید به پاتی کیزی داهم اسطوره ده جی د بفرمایید طلسم بی به جادوی خوب خوبولی کوی د - نوروز حیوان را می او تیزی به باغونو او راغونوکی او گلزارونو - د بفرمایید د گلنوبد ناوونیزی ته خان رسوی خو نوروزی بی بی خوارکی جی کله سترگی برانیزی گوری جی ددی له بی بروایسی خنجه بی یارد نوروز نیزی و کسی لویدلی دی دغه حال نه نس زغملای د لیونوتوب خیره بری را می او بخان له تال خنجه اجوی که چیری به اوبوکی لویدله نوهغه کال مسوزاد برکتونو کال ویا و که چیری بی به وجه کی رلوید هغه کال بیاد و جگالی او خواری کال ری د همدغی فولکلوریک کیسی برینستی هیله من بوجی سز کال به اوبوکی لویدلی وی خوش نس کال موز ته برکتونه اوسوگالیسی د پالی کری

خورشید بر فراز ...

بقیه از صفحه (۱۹) زمینه تمثیل داشتیم در سال ۲۰۰۰ راه موسسه آر یا نا فلم راد ریش گرفتیم و با آشنایی مترجم انجنیر لطیف محترم عباس شیان، محترم توریالی شفق در فلم های چون : سیاسی و جلالی، غلام عشق، دام سرگ مزوره سبز، مرد هار و قول اس، کلام های استوار، فرجام صبور، سر باز، فرار، گناه، برنده های مهاجر، مسافر و سفر نقش داشتند و داشته های تلویزیونی ام میارند از : فلم هنری کفر، نوای تشلیق زن عروس، د لمره لور، شمع زن، د هک، من و شما، پشنامه ها و تیاتر تلویزیونی : غم مانی، زهره وید الله، امضا و زیر زن، زمین، مرگ المازوف، آدم هسا، عروس، اشتباه عبرت انگیز چند دیگر ...

مند افزود : من از همکارانم صمیمانه متوقع می بین تا صرف نظر از بد در آیس ها و آوند بیخه بخود داشتن ها جی بهتر که در یک وحدت از کا - نیکه دست به دست هم داده، کام بگام در راه رشد و انکشاف هنر هفت (سینما) قدم نمایند. بخاطریکه میتوان به این نکته باور داشت و هم بدان تاکید کرد که در کشور ما در همه رده های هنری و درین شمار هنر سینما - استعداد های آفریننده بریافت - بلیت باوروی و شگوفایی فراوان اند، استعداد هاییکه اگر موقف به کشف آیند، بد رستی رهبری و مستند می گردند، در آوند که زمان شگوفه میدهند و هنرمند ما به آفرینش های قابل بقایه با آثار جهانی نایل می آید، به امید آنکه همه توانایی ها در خدمت رشد استعداد ها و ظرفیتهای هنری بکار افتد.

مرد ها را خواستند

40 مینرنگی

آیا فحاشیهای فیزیکی مخصوصاً زنده گی زنانه را اصله میزنانه

جهنیکولوژی خاخر نشان میسازد که هرگاه یک زن ورزشکار بیش از دو ماه قاعده نشود در زمینه باید اندیشید و بعضاً تعویق قاعده کی رابحث یک عادت پذیرفته اند ، ولی در تشخیص ساله ، پرابلمهایسی عرض وجود میکند ، زیرا خانم کریستیانسین بدون اینکه فهمیده شود ، سه ماهه حمل داشت . داکتر معالجه متردد بود که شاید عامل عمده در زمینه خسته کی باشد . متوقف شدن قاعده گی اولین علامه حمل است . ولسی کریستیانسین قبلاً نیز عادت دانت که بعضاً قاعده کی این بس تعویق بیافتد .

مینمانسیکیستهای گونه کوتی در مورد توقف قاعده کی زنان ورزشکار وجود دارد که یکی از آنها کسی شحم وجود است . شحم بدون - هورمون اندروجن را ، که از غده های ادرنال تراوش میکند ، در نتیجه تغییر کیماوی به نام اروماتایزیشن به ایستروجن ، که هورمون جنس مونث است ، تبدیل میکند . این ترکیب جدید ضمیمه استروجن میشود که توسط تخمدان به وجود می آید . (چاقی اضافی در جنس مذکر ، علامه زنانه مانند جمع شدن شحم در اطراف پستانها را باخود دارد .)

برای آنکه سطح استروجن را به گونه قناعت بخشی در زنان حفظ کرد ، شحم وجود آنها باید حداقل ۲۰ فیصد وزن بدن شان باشد به صورت نورمال در زنان خانم

بقیه در صفحه (۷۷)

اندروجن بر رشد عضلات تا شیر میگذارد و در نتیجه آن پالای وجود زنان موی بیشتر میرود و عضلاتشان قوی میشود . سابقه های زیبایی اندام ، در حالی که بیشتر سابقه کننده ها از نظر فیزیکی جذاب اند ، این تصور نادرست را از بین برده است . به هر حال بازی با وزنها نوعی از مقاومت رابه عضلات میباشد .

هرگاه این ساله که اجزای تمرینات با وزنها سنگین به بزرگ شدن عضلات می انجامد ، مورد قبول باشد ، استفاده از وزنها ی سبک و تعریف متواتر ، به انفر شدن جسم می انجامد و این میتود است که اگر زنان آن را ترجیح میدهند .

چقدر باید وزن سنگین (یاسبک) باشد ؟ در زمینه کدام قاعده قابل ملاحظه می موجود نیست . ولسی مطالعه ساختمان وجود مردان و زنان بر مبنای گزارشها کی از آن است که به صورت اوسط بزرگترین مقدار وزن در تمرین عضلات سینه برای مردان ۱۶۶ کیلوگرام و برای زنان ۵۰ کیلوگرام میباشد . این گفته چنین معنی میدهد که برداشتن وزن بیشتر از صد پوند آسیبی به زنانه کی زنان نخواهد رسانید .

داده اند . چنین وضع زنان دیگر را متیقن میسازد که بسیاری از آنها ها در مورد حامله گی و خطرات - تمرینهای فیزیکی رایی اساس بشمارند ، البته در این نوشته ما خواهیم - کوشید که حقایق را در بین زمینه روشن سازیم .

نیمه دوم قرن بیستم نسبت به سالهای قبل از آن با زنان بیشتر مهربان بوده است . البته این هم نتیجه مبارزه سر سخت زنها برای رسیدن به یک سطح بلند زندگی میباشد . امروز زنانی که دل مرد ها را میبایند و هم از نظر فیزیکی جوان اند ، رویه تزاید است . از ((راکل و لاش)) گرفته تا ((ریکا)) همه بر نرم سازی وجود تاکید میکنند . بعضیها معتقد اند که تمرینات با وزنها ، بعضاً خصوصیات زنانه کی زنان را از بین میرد این پندار مرد شدن را از دیاد سطح اندروجن (نوعی هورمون جنس مذکر) تشکیل میدهد . هورمون

کریستیانسین یک زن پرکار است . در سابقه هایی که انجام میدهد ، همیشه مقام دوم و سوم را حاصل میکند . او به نسبت ولادت سپورت ((دوش)) را مدتی متوقف ساخته بود ، ولی بعداً آنها از سر گرفت . اگر چه او میاند که مادر شدن او را از دست قهرمانان بیرون کرده است ، ولی چنین نشد . او در سابقه هایکی بعد دیگری به پیروزی رسید و تا اکنون هفت ریکارد های پنجهزار متر و ده هزار متر را حفظ کرده است . مثالهای دیگری نیز وجود دارد که بیانگر حالت زنانه است که بعد از حامله گی ولادت نیز لقب قهرمانی رابه خود اختصاص

نیمه آدم نیمه حیوان

اسرار جاودان ابوالهول



چهل و پنج قرن قبل زمانیکه فرعون ((خفرن)) دستور داد که اوزار رکاب گیزه به شکل ابوالهول (سفنکس) (نیمه آدم - نیمه حیوان) جاودان سازد، از همان زمان تا حال این ترکیب عجیب هنر فنانان را به خود مشغول ساخت و به متابعتی بدون جواب و سرگنج کند مای باقی ماند.

مرد جوانیکه بدون کدام انگیزه مهم کسی را به قتل میرساند به شهرتیوانزد یک میشود. پیش از آنکه به شهر برسد در گزوه صعب العبور و مرتفع نیکون بسا موجود عجیب و بیرو میشود. شیر بالدار با کله زن، که معای را از جوان میرسد، چیست آن در روی زمین یکی باد و دیگری با سه پا و یکی هم با چهار پا که بنده یک نام یاد میشوند. یگانه موجود است که بر روی زمین، در هوا و آب حرکت میکند. تغییر چهره میدهد. با تمام این یاها و وقتیکه حرکت میکند سرش کم است.

موجود عجیب از همه همشهریان تویا، این سوال را می پرسید و بسیاری از ساکنان باید قربانی میشدند. زیرا جواب گفته نمیتوانستند.

ولی مسافر بنام اودیپ معمارا حل کرد و در جواب گفت: ((انسانیکه توازن هن خود داری)) در ابتدای زنده می زمانیکه هنوز کودک است و راه رفته نمیتواند به چهار پا راه

میرود. بعد از یاد و باوا از طرف شب به اسباب قانون حکمت متصل به پای سیم میشود.

و موجود عجیب و وحشی که شهر نیوارا به خطر مواجه ساخته بود و جواب معایش را بدست آورد. به پایان میافتد.

اودیپ مورد نوازش قرار میگردد و یوه یاد شاه یوکاستارا نصیب میشود. بدون آنکه بداند که با مادرش ازدواج میکند و حکمران کند و رمیشود.

یونانیان قدیم هیچ وقت در بید این موجود اسرارآمیز: جنس سره، نیمه زن، نیمه مار ایخید، سگد و سزه اوتروس و غیره هم عقیده نبودند. همچنان در باره ترکیب زن و شیر عقیده دیگر نیز موجود است: که از طرف رب النوع خیر از حبشه برای محازات شهر تیا فرستاده شده.

موجود عجیب که بر بسیاری از گله های یونان باستان تصویر گردیده با برنده آن اودیپ بگمان اغلب در یونان از طرف بحیره مدیترانه آمد. زیرا ابوالهول تقریباً ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد یعنی ۵۰۰ سال قبل از ابوالهول کار تیا قدمت دارد.

دو حیوان انسان نام بسیار کم با هم شباهت دارند. موجودیکه در کوه نیکون جاداشت زن است با تنه از شیر، باقیافه زن و دارای با

لهای ابوالهول مصری بال ندارند و به اساس نظر ابوالهول شناس، هانیس و پیش نمایا گستر یاد شاه به شکل زمین روی با تقدس خدایی میباشد. در این چهره او جانشین رب النوع آفتاب میباشد که سمبول زمینی آن شیر است. فرعون خفرن ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد دستور میدهد که قله بی از یک بلاک بزرگ سنگی به شکلی ابوالهول تراش گردد. ابوالهول خطوط چهره فرعون را میگیرد و بنا نوار عنقوی شاهی پیوند مینماید. در حائیکه بدر خفرن، خیسویس دستور داده بود که سنگها را بر روی داخل اهرام که بنام خود شرمسی است، بقراند. حالا حیوان شاهی مرتبه بزرگ شده بر روی زمین دراز کشیده ۲۱۰ متر درازی و ۲۰ متر ارتفاع، در طول سده ها، رنگ های بیابانی یادگار خفرن را پوشانیده. بیوند در آخر قرن نژده بود یک قسمت آن از خاک برآید و از سال ۱۹۲۶ است که ایسن آدم - شیر را به شکل بیبنیم که در اول بود. ولی روی ابوالهول زیاد ضرر دیدیم زیرا در قرون وسطی توسط یک سلطان با توپ زده شد.

هیچ فرعون دیگر مانند خفرن با این عظمت جاودان ساخته نشده و این مجسمه نیمه آدم نیمه حیوان بر رسد. های مابعد خود زیاد مورد تقلید قرار گرفت. بعداً

نه شیر در مصر قیافه زن را گرفت. بسیاری از همین نوع مجسمه ها به شکل نگهبانان در پیش روی دروازه های اماکن مقدس گذاشته شدند، که اکثر آنها با کله های از قوچ، نهنگ و باز میباشد.

از این نوع موجودات، غمخوار حکمت مند همی در تشریفات نیز از آن استفاده بعمل آمد. در لوکسور راهروی از این نوع موجودات را ساختند که در طرف راه قرار دارند. همچنان در غرناطه از قرن هشتم راهرو از ابوالهول ها (سفنکس) بنا یافته که کله هایشان از قوچ بوده و تا حال پابرجاست.

برای توضیح ایده و شکل ابوالهول هانس ویشین اسناد زیادی را گردآوری نمود، او به هزاره ها انواع اشکال از این نوع مجسمه ها در کتاب خود بنام (ابوالهول) اشاره نموده و تعداد مصر زیاد تراز ۶۰۰ ابوالهول را تثبیت نموده که زیادتر آن ۲۶ قرن قدمت دارد. صد هاسال بعد در سوپوتا میسا بوجود می آیند و سر از آن در گریست و یونان.

ابوالهول سمبولی از حکمت و نیاید قدیم است که اول از ساکنین شهر تیا و بعد از او دیپ معمار برسد تا که در آئینه خود ش به یک معما تبدیل شد. چطور پیدا شد، چی معنی دارد، ترکیب عجیب کله انسان با تنه حیوان؟

ملک جهانی که بزرگ می‌شود

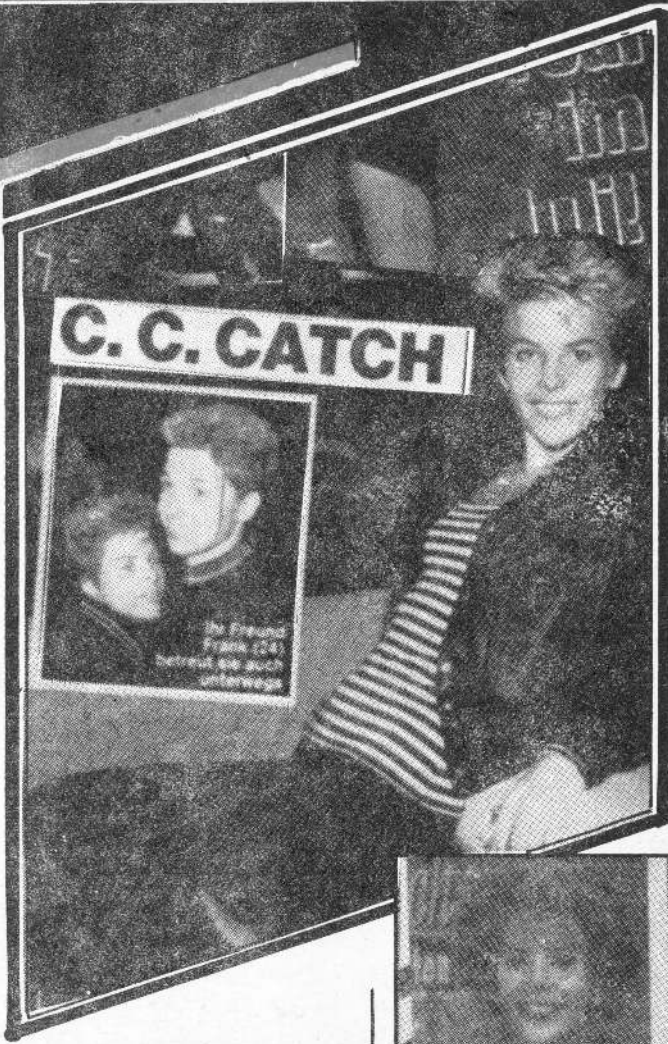
«من می‌دانم قلب خود را قدرتمانیم»
آهنگ تازه بی‌ازسی سی تی

می‌کند. کمپوزیتور مورد علاقه اش دیترو بولن از بروک یوسران معروف آلمان غرب می‌باشد، زیاد تر و - همیشه در سفرهای هنری اشتراک می‌نماید، ریکاد های فوق العاده جالب و زیاد عرصه می‌نماید که به مجرد رسیدن به بازار فروش می‌رسد.

قهه به شهرت رسیدن او هم جالب است، سی سی کیچ قبل از اینکه خود را بچیت یگانه خواننده تثبیت نماید، در گروه هنری زنان بنام ((اسی میل)) ترانه می‌خواند، در روز هاییکه خواندن هایش را در رادیو ثبت می‌نمود، در آنجا همیشه اتفاق می افتاد که از کارهای خلاق دیگر این هنرمند برود یوسر آلمان دیترو بولن تعجب می‌نماید. تودرن تلاکنگ یکی از برود یوسر آلمان و تیکه کنسرت آن گروه زنان را از رادیو شنید، سی سی کیچ راه استدیو دعوت نمود، اکنون در تمام جهان از کنسرت‌های او بخاطر علین آواز زیبا و نرمش که شنونده گانش راه هیجان می‌آورد ستایش و استقبال گسترده می‌آید. شعرو کمپوزیکه بنام ((بخاطر

اینکه توجوان هستی)) توسط دیترو بولن ترتیب گردید اولین گام موفقیت و سر آغاز شهرت سی سی کیچ بشمار می‌آید. با آنهمه تلاش و فعالیت‌های هنری او بلا نهای در آینده دارد، او همیشه در کلمات این هنرمند آمده است ((در زمان ماستاره های معروف و معروفه های تازه ظهور می‌نماید که تصور و بینش آن مشکل است))

در این اواخر موسیقی با سیر صعودی روبرو تکامل است که در این راستا خلاقیت و ابتکار سی سی کیچ در شو های تلویزیونی مقام عالی و برجسته را حایز میگردد. تاننا جیان کسرت‌های سی سی کیچ به ده ها هزار نفر میرسد، سی سی کیچ و گروه هنری اسرینام ((کوله فیوز)) نه تنها مورد استقبال علاتمندان قرار دارند بلکه در جهان نیز هواخواه و شهرت زیادی بدست آورده است.



می‌نمایم

در یک شب مقبول بچیت هنرمند د یسکو تبارز می‌کنند. خواندن زیبایش با هم می‌توانم قلب خود را قدرتمانیم)) مردم را هیجانی و آرام آرام به شور می‌آورد، خواندن های زیبایش از اعماق مردم تبارز نمود، بچیت د یسکو زوگرم در تمام اروپا شهرت یافتند ریک نمایش تلو - یزیونی که د یسکوی فوق العاده اجرانمود بنام ملکه د یسکوی ای خود شهرت بسزایا کسب نمود. این سی سی کیچ نه تنها در اروپا بلکه در جهان نیز شهرت دارد، نام اصلی وی کسور سولیراست که در سال ۱۹۶۴ در هالند تولد یافته است. در آلمان غرب زنده گی دارد، رنگ دوستد اشتیاش سیاه است و برای لباسهایش رنگهای آبی کمرنگ و زرد را انتخاب



دنیای بزرگ موسیقی همچون بحر خروشان نیست که از امواج پرتلاطم آن انسان این موجود آفرینشگر و مبتکر همه توانمند ی - اش سروده ها و پارچه های رابره می‌گیرند و آنتی‌نوس های بیکران آنها در نوردیده به سوی شادی های فرج بخش و نشاط آنرا ره می سپارد.

اینکه باد ست یازدیدن به جهان موسیقی - گل خوشه یی را ازین سرزمین هستی آفرین به شناسایی می‌گیرم و هنرمندی را به نام من: من کیچ باهمه محبوبیت هایش به شناسمرفسی

لرغونې نوروز او

نوروزي دودونه

د ليمه ليکه



کال له سختيسره خداي پاماني کوي او نيکمرغيو ته ورژد ي کيزي زمري په ميواو کي نوموړي - د دودونه تراوسه پوري په پوره برتم سره نماخل کيزي او تراوسه لا زمري خلکونه دي هيرکري له اولسي او اتلسي بيړي رايه دي خوادغه دودونه په لزاو پير تويرسره نماخل کيزي شمير - الدين ظريف صديقي په دي باب وايي ((له کابل کي دغه ميلي لومړي د جبه بياد سياستکي د بابر باغ، د سخ او دنيا لگير داينود لو او زگر د ورخي د ميلو په نامه جوړي شوي او تراوسه پي خيل او پير برتم عهداسي ساتلس دي په عرات کي هم دغه دود په تخت صفر بل مالان خواجه سپاران خواجه صفا ريگ روان په خانکر و ميلواو خو سيو سره نماخل کيزي په مزار شريف کي د گل سرخ ميله جي خلويست ورخي روانه وي په دغه ورخ ملتهد حضرت علي جنده پورته کيزي جي په گابل کي هم د سخ جنده او د مندي توغ په عهدغه ورخ پورته کيزي

د نوي کال د ميلو په باب غلام محي الدين ملگري جي د خلکود فرهنگ د خانگي مسلکي نمري دي وايي : ((د نوروز په شپو ورځو کي په گند هارکي د شالمار بابا ولي، جهل زيني په گرد يزي کي د (روحاني ما - حب)) په کونړ کي د پير بابا او په ننگر هارکي د ولکي بابا ميلو د يادوني ورځي په پښتني سيمو کي نجوني او پيغلي نوي او پيغلي کالي اتوندي تمبل وهي زيارت ياتي په (٦١)

دغه اوسني تاك ووايموه يي په خپل وار انگور شوه باجاله هغه وروسته د سپرغ د دغه لطف په ورځ هرکال دنيا لگيو کينه لسو دود پيل کي اودايي په گوته کړه جي هرکال بايدغه ورځ د خوښيو او خوشحاليو په جوړولو سره پيل شي .
 د ((سيزه بدر)) له نيو شگومونو څخه يوهم د باران اور پيل دي جي هغه به يي دنیکمرغه قال په توگه ياد او په دي يار - لسمه ورځ جي دنوروز ياي وهم ټول ټول مراسم ترسره کيدل نارينه زويه بهلواني کولي ميلونه به يي وهل زړه وينخوا ويند و په خپل وخت به ندرنو هلنگر نو په تودولو او د خيرات او خيانت په برابرولو باندې تياره بخوانسي نجوني او پيغلي به په دنوروز جو کي به شيلو کي کزيدي په شيلواو سمور کړوند وکي به يي خوښي کولي او د راتوکيد ليوشيلو پاني او څانگي به يي دنیکمرغه ښک په نيټ غوټه کولي له لگيدلو او بلوڅو او وروڼو څخه به يي په خاښو نارو او اداگانو توپرته جون کله به يي جي وايه سره غوټه کول د هغو غوټه به يي د خپلي مينی او پلاني ور عنوان په نامه اېوله دنوروز به د رښل ((سيزه بدر)) کي به دي باندې باور و جي ټوک يي دغه دود نماښ او نه يي ميروي هغه د تيارو زار -

لومړي شپي مراسم يي د سندان تيار يي به نيول کيده او په اوله ميوه به لند يده داوه شين د سترخوان به وغوړيده جي بيل به اووه سين باندي واوښت پير سيره برهڼو به يي پاكي او په هم راوړي ياد کال د اوښتون په شپه کي به جي اوه ونيور يي اوله هغو سره سم به د خوښيو جشن او موسيقي پيل شوه دنه روزبه ورځ به د بزگر ميه هم جوړه دغه ورځ د جمشيد ((يما)) پاچا په عصر پوري اړونده بولسي .
 په دغه باب لرغوني انسانه ده جي وايي : دغه پاچا د ليدني کتنی ورځ درلوده جي دروازه يي د عامواو خاص ورځ پرانيستی وه هوکي پرانستی وه ځکه جي تر شنه آسمان لاندي په ازاده فضا کي دي ليدني کتنی صورت نيو جي دعاسي ميلي بڼه يي نوره کړ يوه د ميلي په خوښيو او تودو کي د هما يا سپرغ مارغه له الوتنی راتپت شواو هغه څه جي يي په مښوکه کي وود باچا په قدمونو کي و اجول او وروڼه يي وغوړول کوم شي جي مارغه راوړي و پوهانو ترخپري لاندي ونيول او د نبات دان يي تشخي کړي باچا حکم وکړ جي دغه دان يي بايد سپين پيري او په بزگره ځمکه کي وکړي د کرلونه د پارلس ورخي وروسته هلته نيالگي راتوکيدلي وو جي -

ترکومه خايه جي زمري د خلکو او زمري د بلرونو ژوند په باب څرک لکيدلي ((نوروز)) او د هغه اړوند مراسم زمري په فرهنگ کي د باطرنی وړ لرغونتيا لري ځکه نو دغه مراسم له يوه پښت څخه بل ته اوله بل څخه بل ته ليز ول شوي او تر زمري پوري رارسيدلي دي د پخوانو اريايانو په زمانو کي به جي کال پاي ته رسیده د کال وروستی چارښه به يي په برتم سره نماخله دغه چارښه د سوري چارښي په نامه سره ياد يده او په هغی کي به يي ميلي کولي ځکه جي داد بسترلي د برتم په درشل کي دنوروز د ميلي پيل و په دغه ورځ به يي اورونه جي پات او پيغلي توک و بلول او هغه منگي او گري يي جي د مني ((مهرگان)) به جشن کي به يي لغلي نه ټکول به دغو ورځو کي به يي ماتول داله ژمي او ارامی سره د خداي پاماني ښه و په استور وکي راغلي دي جي له سوري چارښي څخه د پارلس ورخي وروسته واپه په فارسي ژبه د ((سيزه بدر)) په نامه ياد يزي زرد شتيانود د دود يار لسو زونو پيل د ((اښاد)) او پاي يي د ((پهشتوار)) په نامه ياد او په دغو ورځو کي به دنوروز ميلي وي له سوري چارښي څخه وروسته به بيا د کال د

شاید خنده گنید

روزنامه بایین بیاید ، دوم اینکه ممکن است میزان انتشار بایین نیاید ! و در صورت
ارسالی ژولیا (بهارا کبزراده) از بدخشان .

شخص پیراهن را زدید به پسر خود داد که بفروشد ، پسر پیراهن را به بازار برد و از او زدیدند . دست خالصی مراجعت نمود ، پدرش گفت پیراهن را چقدر فروختی ؟ گفت به همان قیمت که تو خریدی . بو - دی ارسالی محمد ابراهیم هجران

مدیر یکی از روزنامه های معروف ، نویسنده یکی از سر خواننده ترین ستونهای روزنامه خود را خواست و به او گفت : میدانم خسته شده اید ، برای رفع خستگی حاضریم شما را مرخصی به شما بدهیم . نویسنده سرش را خاراند و گفت : از لطف شما متشکرم ، ولی من این مرخصی را قبول نمی کنم به دو دلیل : اول اینکه ممکن است در نتیجه تعطیل شدن ستونی که من می نویسم میزان انتشار



اخبار سال

خبرنگار اختصاصی ما ، شافل میزاشا اخبار که همیشه مصروف جمع آوری اخبار خالص می باشد ، برای این شماره این اخبار را تهیه دیده است :

* در اثر زرد و خوردی که بین احمد خان و برادرش (فرید خان) در اتاق نشیمن شان صورت گرفت ، تمام نشیمن های اتاق شکسته و قسمت اعظم فرش و ظرفی که موجود بود از بین رفت . در این جریان ، احمد خان دست راستش را زد دست داد و فرید خان در ناحیه قلبش زخم شدیدی برداشت . بدرفامیل وقتی که حال روز

فرزندانش را دید ، عاجزانه ایشان را به نماخانه انتقال داد و در نخستین روز به تمام معاشین را که بعد از این ماه عرق ریزی به دست آورد ، بود مصرف نمود ، بلکه پند بین مزار افغانی فرستاد . خبر می افزاید که برادران زد و خورد میکنند ، بعد از آن که به حال آمدند ، اعتراض کردند که علت مشاعره شان را نمیدانند .

ای یاری وفا ، تو بویس کو مه دفاع



از تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ می شنویم

انا نسر تلویزیون : بیننده گان گرامی ، اخبار را شنیدید ، حالات توجیه تا نرا به تمبره به تعقیب آن به تعاشای را بر تاز معذرت داشته و در اخیر فلم هنری عنندی به نام (سو ستوری) پیشکش میگردد . * * *
جرنگ ، جرنگ ، جرنگ - بفرمایید ، تلویزیون است .
- اوه نوکیوال ، اول اعلان کردید که فلم (سلطان قلبها) را نمایش میدید ، حالا چرا فلم لوستوری را انانوردادید .
- امر مقامات بود .
- کدام مقامات .

تیلیفون نمبر ۵۴۰۰ که تازه در جوات - فجات (۲۲ گرام شریک) به فعالیت آغاز نموده ، اخیراً توسط اپریتران فعال خود گفتوگوهایی را با ای رایت نموده که اینک پیشکش میگردد :

جرنگ ، جرنگ ، جرنگ ۱۰۰ - بفرمایید ، اداره نشرات تلویزیون است .
- نشرات تلویزیون است ؟
- بلی ، بفرمایید .
- بیشتر اعلان شد که امشب فلم هنری ایرانی به نام ((سلطان قلبها)) نشر میشود .
- بلی درست است .
- اما از آنجایی که این فلم را دیشب از طریق وید یو کاست در خانه تماشا کردیم ، ام و برای فامیل ما تکراری می باشد ، امرو می کم می توان آن فلم هنری

(لو ستوری) را نسر کنید .
- ببخشید ، آخر آن فلم را بنا بر تقاضای مکرر بیننده گان تلویزیون و ضرورت نشرات پیش آماده ساخته ایم ، اما آن نداریم که آنرا نسر کنیم .
خاموش با سر مامورت مستخان نکن .
میدانی ، من یکی از مسؤولین بلندرتبه هستم ، من (. . .)
اوه ببخشید صاحب ، صاحب حتماً تغییرش میدهم ، صاحب ببخشید ، صاحب .





از خود شما

سوال
گفت: يك سوال ميكم، اگر جواب دادی مردی.
گفتم: بگو، تا مردانگی ام ثابت گردد.
گفت: آیا میتوانی برای همیشه خشویت را نزدت نگهداری؟
گفتم: نامردم و جواب نمیدهم.

مادر: انسان با کارهای خوب به بهشت و با کارهای زشت به جهنم میرود.
پسر: انسان چه کار کند تا به سینما برود.

ارسالی همایون از بونهعی
ژورنالیم ویان بروی زار به بلخی

((امتحان))

يك سوداگر معروف دریایی از همسرش خواست که تا عشق و علاقه خود را نسبت به او آزمایش عجیبی ثابت کند. مرد به زن گفت: - اگر راست میگویی و حقیقتاً مرا دوست داری برو چشم بسته بر لب بامی ایستاد شو سه مرتبه دور خودت بچرخ بعد به هر طرفی که من میگویم قدم بردار.
خانم نه تنها زیر بار این امتحان بزرگ نفرت بلکه آقا را به محکمه کشانید و از وی طلاق گرفت.

((در صنف))

معلم: پنج چیز را نام ببر که صد سال پیش اصلاً وجود خارجی نداشت؟ شاگرد با کمی مکث: سنجی دست، کارکرد، میناکشی، توپسرا، اندرسن و نواد رامز.

مادر زن یا روزنامه

شخصی به دوستش شکایت کرد که: خشمم مثل روزنامه است.
- چگونه زیاد حرف میزند؟
- نه هر روز به خانه ما می آید.

راه حل

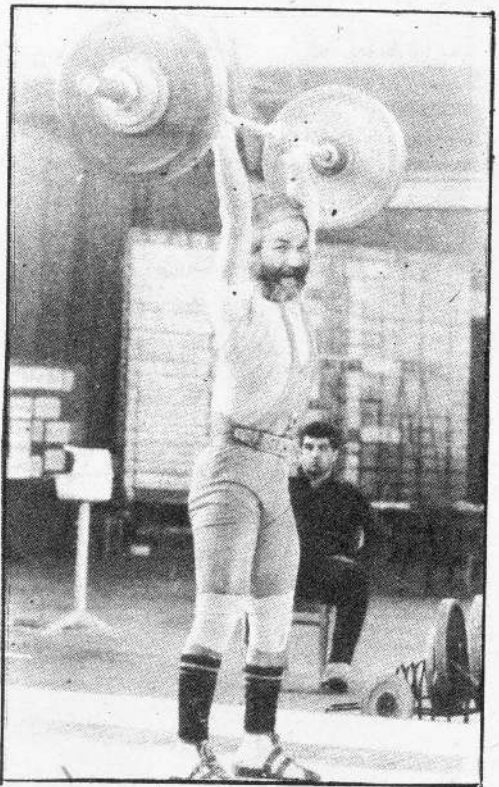
رئیس اداره حسابدار است شرکت تجارتي ربه معاون خود نمود و گفت:
- حالا چطور به رئیس عموس بگویم که تحویلدار پنج ملیون فرانک موجودی صندوق را برداشته و فرار کرده؟
معاون: میگویم چطور است این ماموریت را به آقای دوران که لکت زبان دارد بگذاریم تا آقا رئیس از جیبان مطلع نشود.

اندرزهای مطابق روز

X بگذار کودکان مکتب را ترک و در مسدود بمانند تا مسؤولین سیل صف منتظران نانوائی قرار گیرند.
X لقب نهرمانی را به دست آرند.
X بگذار تلویزیون شروع گردد و ما را X بگذار انتقادات را مسؤولین پشت خواب ببرند.
X گپ زن که يك جنس به صد نسخ نکنند.
X عرمه گردد تا پاره‌های از خواب بیدار X چپ باش تا مسؤولین بخواب روند و شهریان از گرسنه گي بنالند.
X خاموش باش، معازره مای کوبونی نوشته: جاله

د بیوزیک تن از دست پیل است کمترین تم به بداران که نانسند و گاند اران و یسر تا رئیسند با بی انعمسا همکاری نمایند خود را به خانه رسانند. خود پس نبود.
خبرس از یاد نه خبریان کابین از این خود کشی به جانیه موقع تغییر احب سوسوف لبرازخوس و قدر دانی نموده، از روند انامه این سلسله در ریاست بدنه می باشند.
خبرنگار: میرزا شاخسار

نورانی بوموقع



ملا صتم خوب است

همسایه بی

شخصی نزد دوستش شکوه میکرد که: میدانی چقدر همسایه بد دارم؟ دیشب تا ساعت ا شب با مشت به دیوار اتاق میگویم! دوستش پرسید: آنوقت تو خواب بودی. آن شخص گفت: نه، خوب بختانه نخواهید بودم زیرا با اکورد یونم تمرین میکردم.
ارسالی عطیه

مینیاتوره‌های طلایی

اگر اثریست مولف را بد زدی آنرا بد زدی گویند . اگر از چند مولف را بد زدی این دیگر تحقیق است .

به هر اندازه ای که فکت ها کم باشد بهمان اندازه اشکال زیبا می باشد .

چیزیکه امروز حقیقت است فرد انسانی تخریب پیش نیابد .

اگر واقعیت ناخوش آیند و یا غیر منتظره باشد بدان کسی باور ندارند .

بهترین منطق ، منطقی است که بعداً بوجود آید .

تاریخ برای ما می آموزد که از او چیزی نیاموزیم .

به هر اندازه که بالای اندیشه خود گارمیستی به همان اندازه متیقن میشوی که بیگانه است .

از تمدن گذشته ، نواری های آینده به وجود می آید .

زمانیکه همه چیز گفته شود و عملی گردد ، زیاد گفته شده .

از اندازه عملی شده .

مادرکلان : عسوی از نامیل که نس تواند از غنید ای بیرون آید .

خشو : مشاور با المقطع در پروم های خانگی .

بیکار : حیوانی که وقت را میخورد عروسی : (عقد) قماریکه مردان در آن آزادی خود را دو میکنند و زنان خوشبختی خود را .

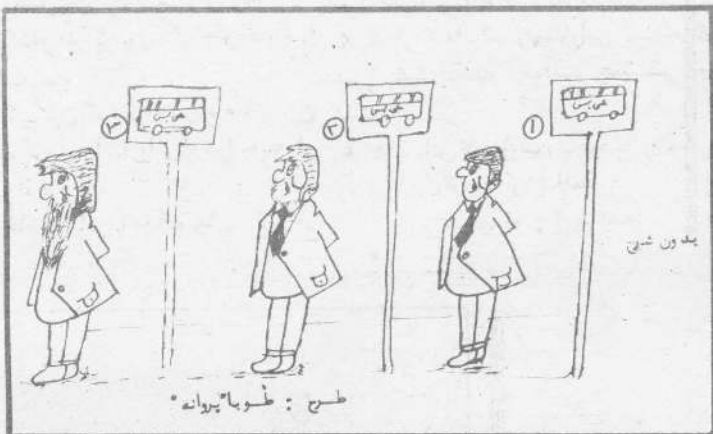
جنگ : دو بیلوماسی بین المللی که مدق خود را از دست میدهند .

دشمنان : مگوری از دستان که نمیتوانیم خود را از آنه انداخته کنیم .

کارتون



طعم است



نیم کاسه های زیر کاسه

مارک تواین روز جمعه را روزی شوخی میشمرد .

یکی از دوستانش روزی برای پیش گفت :

... دو دست عزیز در جمعه شخصیت های بسیار بد نیامده اند مانند جورج واشنگتن ، تایلین ، شین و کلاستون .

... مارک تواین موافقت کرد : ممکن است ولی فراموش نکن ... شخصیتها مرده اند .

.....

امیل زولانزد ، اکثری رفت ،

... داکتر رسید : چه شکایت دارین ؟

... خود را ضعیف احساس میکنم از چند روز است که یک لقمه راهم در دهان نگذاشتم .

... داکتر سر از معاینه برای پیش نسخه نوشت :

... ای تابلیت ها برای اشتهای تان کت میکند .

... امیل زولانرش را با ناراضی شورش داد و گفت :

... داکتر صاحب این تابلیت ها ایراد من کت نمیتواند ... من اشتهایم ... ولی چیزی ندانم که بخورم .

مدیریت باشد کسی دیگر را ندیدند .

محمد سرور خیرنکار که به خاطر تکیه صاحب ، نسبت به دیگران رجعت نیادتوری را مقبول شده بود به آشخرف گفت :

چند روز پیش مدیر صاحب ... برای مامکتور روان کرد که بیاید با ما صاحب کهد ، ولی حال خودشان شریف ندارند ، آيا شما صاحبانند کجا رفته اند ؟

معاون شعبه گلشن را مصاف کرده گفت :

وله راسته بگویم ، به هم نیامم که مدیر صاحب کجا رفته ، مگم دیروز در فرار آموا صاحب حلیا داد کدهه سینما قلم نهند شده ، شاید نمونه رفت باشن .

محمد سرور که گوی خشکی

بی غم باش لالا

سفر اراخان مدیر تیلیت و تروص فاجیکه ساختن طلی مکتوب ...

رسمی از خبرنگاران را دیو و تلویزیون دعوت به عمل آورد تا ساعت ۱۰ هتل از ظهر روز دوشنبه به شعبه اش آمده با او جوار امر مربوط مدیر پیش صاحبه نظیرند .

روز موجود فرارسید ، مسئولین تلویزیون با هزار جار و جنجال ، موتو ، کمره ، ایت و همکاران شنیکر و فنی را آماده ساخته آنجا رفتند .

همون که داخل شعبه شدند به جزارتشخص که پهلوی مدیر شسته و معلوم میشد که باید معاون

شده پوئوسید :

ایا پیر به شعبه خات آمد ؟

معاون جواب داد :

ایره خوب میخام که تن ، به خاطر که مدیر معادلت نداره وقت که بر آمدن پیر بیایسن .

تمام خبرنگاران و همکاران تختکی در حالی که سخت آورده شده بودند دهناره به ظرف اداره تلویزیون حرکت کردند .

در نیمه راه شهر حسن فلمبردار بیکاره همه را مخاطب قرار داده گفت :

اوسپه ها ، اینها حومه خوب سرگردان کردن ، مام کارز میکم که تازنده استر یادشان نره ، اوهم ای که برشان میکم که روزیکتیه آینده آماده باشن ماسی ایم ، باز

متولدین ماه اسد :

خوش شانس شما در اینست که در راه بنامت آوردن مواد بخته سیلو از خود مقاومت نشان نمیدید اما ممکن است حین بالابندن به سرسری بیس جراحی بردارید که بعد از رفتن نزد دایر این تشویر رفع خواهد شد .
متولدین ماه سنبله :

شما دم کم حوصله بی استید به مجرد تماس کردن بایک تینگ یا کراچی روی سرک باد ستغرو - شان برخاسته میگید ولی بایک محتاط باشید که انعام بر سر گری کم از شما نیستند احساس سر انتقاد بدیوی تان را تقویت کنید .
متولدین ماه میزان :

تشویشی که از ناحیه بلند رفتن تکت ملی بر در شما ایجاد گردیده است انقدر جدی نیست در میزان هم نگران ایکی د واقعا تان را صاحب میزند ندیده رستوران اکتر سرزید زیرا مقابل مگر حساسیت دارید .
متولدین ماه عقرب :

همیشه از روند استید تا در هر جا از جمله موتری بی هر موقف خوبی داشته باشید از همین رو با دید جالبی به لگن موتسری جمله ورمیشوید اما متوجه باشید که جیلک تان را حین رسیدن به هدف کم نکنید .
متولدین ماه قوس :

ادم با اراده استید وقتسی بخواید کاری را انجام دهید بدون توجه به سنگینی آن ، آن

را انجام میدید مثلا شما قادر استید به اسر وقت از نانوایی نزدین خانه تان ، نان بدست بیاورید اما متوجه باشید که نفع شما درسی واسطه گسی شماست .
متولدین ماه جدی :

ناراحتیهای که از ناحیه بلند رفتن مواد اولیه طسرف صورت دارد بی فایده است در اینده نه چندان دور شیز - خانه تان را قطنی روغنی رنگین خواهد ساخت هر اد بومک بشنوسد زیرا مقابل سایل تکراری حساسیت شده بد دارد .
متولدین ماه دلو :

فکر مرغ بلورا از خیال تان دور سازید . کتوبه بازار بروید بی نشی ملی بر شمارامتا شر میسازد ولی باید بدانید که ایسن موضوع د پتغادی شده است شما هم مانند مسولین د زمینه معافیت حاصل نمایید .
متولدین ماه حوت :

اگر شما امور دولت استید ، اطفال تان در نانوایی مصروف اند و شانس کامیابی در مکتب کم دارند ، وظیفه شماست که به معلم آنان واسطه پیدا نمایید که در جمله مشروطان ختم سال ، کامیاب گردند ، حتما بخت اطفال شان بیدار میشود ، تا راحت نباشید اطفال تان را تشویق نمایید که بوظیفه خود در نانوایی بگیرانده ادامه دهند از لیل سعادت



فالی که طنز نویس دیده است

متولدین ماه حوزا :

ارزوا یینه به خار به دست آوردن کوبن لیت به سر میروانید به جزازته و بالادین چندین هفته به تمر نمیرسد به مشکلات زنده تی تان انافه از این افزوده نمیشود به زودی بوجی اردی به غدومی اندازید .
متولدین ماه سرطان :

شما دم خون خرق استید بوی ونگده گیای کارسری در شما اثری نمیکند . بول صفای را در مواقع معین میگردانید بجز واسطه ها ، واسطه های قوی پیدا خواهند کرد .

متولدین ماه حمل :

امید و ارزو هم وقتیت کوشش از سر تان به اسمانه ای هفتم پرواز میکند . در هفته که پیشرو دارید روزی این خوشی را در تان تیل سیری مینمایید در باره تخم مرغ کمتر فکر کنید .
متولدین ماه ثور :

همیشه با ما مورین متازه بر - خورد صمیمانه دارید خوبست به خا ر رفتن نان وقت ترا - خواب برخیزید تا اطفال تان کمتر سرنا بنوازند کوشش کنید بی د بار در هفته به دفتر سرزید .

تعمیر باید به صورت نمونه در این شود و تولیدات فابریک هم به قسم نمونه به نمایر گذاشته شود تا از آن چند شات بنهیم ، و در روزی که ماهی آیم ، تمام کارگران و کارمندان مدیریت تا ترا جمع کنید تا با آنها دم صحبت نماییم و در ضمن برای تان جاشت (۱۲) نفر خبرنگار و پرسونل تحمکی مسدا تهیه کنید .
 برای سرفرازخان بکجید کارهای را که کفتم حتما باید انجام دهند ماه صورت حتمی آیم .
 معاور گفت : به چشم و حتما برشان هم .
 روز موعود فرارسید اما هیچکس برای صاحب به شعبه سرفراز خان نرفت .

روزی که رسید نصیم . همه در حالی که لهخندن بر لب داشتند قبول کردند .
 همین که به دفتر رسیدند بشیر حسن نظیر در گوش تلفون رایسر داشته به شعبه سرفرازخان تلفون کشیده گفت :
 معلوم صاحب محترم ، از کسه تمیه صاحبیه بیت شما با تمه مهم اثر ، بری مدیر صاحب سرفراز خان و امیر شعبات شان بکجهن (- لبتا یاد داشت کمین) که مارونیک شنبه آینده ، ساعت (۱۱) می آیم ، مارو بر سرفرازخان و آمرهلس باید رهبر موسسه هم دعوت شود ، چند جریده دیواری به تشریفسد ، تاریخچه مفصل فابریک نوشته شده جانر باشد ، بخشهایی مختلفه





دوهامدينه

د راديو-مجلي پسرل
پسې داستان

سرپرست رئيس

نطاق : دراد يوچريد ي برله
پسې داستان د پروگرام اوريد-
ونکو لوستونکو سلام)
تاسې به تيره گنه کې ولو -
ستل چې د بېتا تومپنولو دريا -
ست ريس د مقاماتو د لزم ديد -
ياد ناغې ي له کبله برطرف شو .
بي له دې چې بل ريس وټاکل
شي او ياد رياست د کم مرستيال
د سرپرستي مکتوب راشي . دريل
ست د چوکي د نيولوبه خاطر د
اداري اوفسي مرستيال ترمنځ
رقابت او کش وکړمنځ ته راغی . په
لومړي ورځ له سهاره ترغرمسي
پوري اداري مرستيال به چوکي
پوري نېستی و . خوکله چې د -
پنځو دقيقو له پاره له چوکي پورته
کيزي او د باندې وي . نونفسي
مرستيال د رياست په چوکي پښه
ياتي (١٠) مخ ته



نانوای

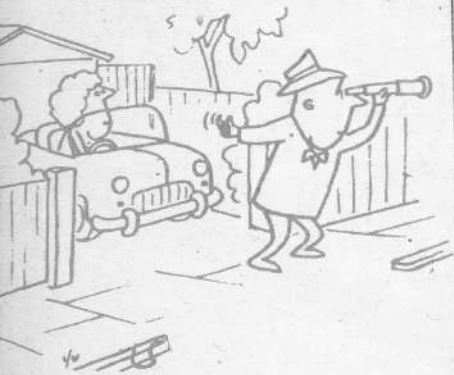
دغه مهم اوحياتي لغت په
معاصرو قاموسونو کې د اډول تو -
ضیح او تشریح شوي دي :
(نان) د ډوډي او -
(واي) د واخ مانا لري .
يانې کله چې خوک د پښار په
نانوایانو کې په پنځو ډوډيو پسې
(واخ) چيغې ووهي او هغه
هم په لاس ورته ورته شي .
.....
غور خوره . غوري وايه . خوبه
غور وښه تير وښه ا



علمي تخييلنه

هغه خوک چې دغه ليکه لولي غرموسې د نيوپنځي په دوران
کې د ناپيروجن دوراني حالت د بېولوژي په کتاب کې ترسترگو
شوي دي ، خود لته د ناپيروجن پرخاي د يوې بلې ډيرې مهمې
اوحياتې مادې د دوران په باب غږيزو . دغه مهمه اوحياتې
ماده د سر کونوله باسه هغه خاوري او ډوډي دي چې هره ورځ
په زمونږ ښاريان په دوراني ډول دخولي اوزي له لاري سزواو
کولمونه ننه باسي . اودالري ترهغې روانه ده چې خود پښار
په واټونو کې دخټواو ډوډو دغه حال وي .
له دې خبرې سره داخبره يې لا براتواره په ثبوت رسپيزي
چې حاده څه ډول له يو حالت څخه به بل حالت بدليزي او خپلي
بقا ته دوام ورکوي .
راغی چې په دې باب په خپله دغه دوراني حالت ته
ورنښوئو :

نردی لیدونتی هییره او د سنخی و ریوری



دیو اگانو غوبنتلیک

د راپیو، تلویزیون، و راجیاسو،
مجلو او جرید و محترم موسولینو!
خوږه ویناو او وینو، خوږه
تلویزیون او راک یوکی د ماشومانو
او حیواناتو له پاره ځانګړي څېړنوي
څېړنوي او هم په مجلوماتو کس
دغه ډول ګلښې ترسترګو کړي.
خود یو اګانو څېړنه تراوسه نشه
چالیدلی، نه یی اوریدلی او نه
یی هم لوستلی ده. ایا یو اګانو
غوز ونه نه لري، زه ونه نه لري،
اوستری نه لري یی خوږ یس
د دې ډول څېړنو هم نه خوږي.
د ایه موسور او بریدلی وي چی:
زاره به خواږه، مرګ یی د یی-
سار، خواږه د امانانه لري چی
سړی به مړه کیده، لیتی یا او کوره
و خوږی، بلکی روحی څوږ و نه چی
د خولی په ځای د سترګو او غوږونو
له لارې کولمونه ننوخی هم اړ تیا
ده. هیله کړی چی د دنیس
اړ تیا به پام کی نیولوسوه (د بو-
ډاګانو نړی) ایه نوم څېړنه به
څېړلو څېړونوکی وزیاته کړی.
ستاس اجزا توت غوز اوستری
په لاریو.

بریالی اوس

کاکا سفندرد یو اګانو د تولنی
سرپرست

وکل شو!

د یو اګانو دغه غوښتنه به ځای
ده اوله عمدی شیبی وروسته به
د بدجاره هنی هنیوال د یو اګانو
د نړی په نیم یوه توکری به هنی
کی وزیاته کړی.

ګندنه

زه مجنون د ګندنی م، ګندنه زما لیلاد ه
په لاسونه راغی ملګرو، کبرجنه بی وفاد ه
اوس بی مینه بازاری ده، له پتی تللی د ګان ته
په مفلس مین شرمیز ی، ښکته ما ځنی اجداده
د مهران مودی اوز د ی شوی، د وصال په طمعه طمعه
زه د یواښت په هیله، تیرم میاشتی ګندنه
داله ځمکی نه عوایه، پورته شوی په هوا ده
لاهم وړخ په وړخ جکیزی، یو ځیران رانیتنه شوه
د نړخونو په سیالی کی، ګله ګله له (پامپا) ده
په مړه کیده، عینکله، ماونه خوږه، په مینه
د اچی ورکه ده له مانه، نوله ما ورکه د تیا ده
که یی نړخ راکښته نه شی، د خوراک عیله یی به کړه
ای مفلسه حیبت ته کوره، ګله خوراک ګی اشتهیا
بخوانی مینی اوسنه شته، زه د ی عیله یاری کړه
اول نړخ کوره بازاری، ګندنه یی مینی ته سودا ده
غسی نه چی لیونی شی، په کونډه بازارونو
خه به لاس درله درنه شی، د ابله تما شاد ه
نورته افریاد ونه کړی، زه مړه مړه مړه ګندنه
ای مفلس ګندنه خوږه، د ازما درته وینا ده



میزز له میزسره خه خپلوی لری؟

میزخوتول بیژنی چی د دفتر
په کوچ کی به څلور پښو ارام
ولار وی اوبه رمی وخت کسی
میززایان ورباندی خپل سرز دی
اویده کیزی.
راعی وګورچی میززاده ته
واپی: میززاده دوه برخو
(میر-زا) خخه جوړ شوی دی
چی دوه لاسونه، دوه پښی،
دوه سترگی اودوه غوزونه لری.
اوس که (میز)، (میر) او
(زا) د وار په سره یوځای کړو
نوبه پتو سترګو ویلاي شو چی:
میززاهغه (میر) دی چی له
(میز) خخه زیږیدلی دی.
(خبرکی)

په لاسونو دانه باغچه کول

په کلاکت خه کارول

دیو اگانو نړی

یوه اګانو څېړنه په ګوره ده
په لوی ګاسی ته باغچه کول او
په لوی بی څېړنه
دوی د وار په خوله شخړند
راهه اوبه سترګوکی اوسکی نویلی
یوس چی ددی عیسی بیسی ته
هت پت پاتی وکله یو اڅخه و-
پوستل
- کاکا خانه (ولی زاری)
- بچیه بوښته نه کوه... نه پامه
خوله کی غاښونه نه شته اوسه
په لوی شخړندنه شم وهلاي...
خودغه ځوان چی غاښونه لری
توله په لوی بی راځنی رځوږه
ځوان چی خوله یی له لوی
په ګه وه... په پک ستونی پسرلی
اودانګل:



علی مشتری سفر پرماجرايي رابه دنبال عشق خوداز سرگذشتانده

مجموعه قصه‌های عشق

خواننده گان عزیزان در شماره های قلمی مجله باغ رشک نامی سفر علی مشتری را در دنباله عشق خود از سرگذشتانده اینک بخش دیگری از آن را میخوانید.

شب فصل بهار و ماهتاب است
نسيم باغ رشك شك تاب است
شگوفه دامن افشانده به گلشن
زخون لاله شاخ گل خضاب است
بدیده تان ((ماه دور بسا لا))
ز خجلت ماه تابان در حجاب است
نسيم آهسته تبر بگد زگوش
که ((ممتاز جهان)) من بخواب است
درین فصل بهاراي گلشن نساز
زهجرت مشتری اندر عذاب است
مجله کابل هم در یکی از شماره های خود
بیوگرافی مدهو بالا را بطور مکمل تحت عنوان هللی
مشتری ومد هو بالا بدست نشر سپرده که چندند
صفحه از آن مجله بصرف و وزیر را گرفته است.
جریده انیس هم زیر عنوان ((علی مشتری رایشنا -
سید)) یک صفحه از روزنامه را به بیوگرافی بنده
و عشق عصري قرن بیست وموضوع مدهو بالا تشریح
یحات مفصل داده وهم چنین موضوع روز را اطلاماً
جمعی افغانستان بود و اکثر روزنامه ها و جراید
درین باره مضامین و اشعاري بدست نشر
سی سپردند که چون مدت و زمان زیادی از آن

تاریخ نگذشته و اکثر آنها فراموش گردیده اند.
همچنین مجله ننداره که یک مجله هنسری
قلمی و ادبی بود، در وقت و زمان خود شهرت خوبی
داشته، صاحب و راپور تازی مفصل و نظریات خویش
را بدست نشر سپرده و عکس هائیکه مدهو بالا در آن
امضا کرده و بطور یادگار برایم اهدا نموده بسود
و هم چنین عکس هائی از من در مجله ننداره بسه
چاپ رسیده.

و این است راپور تازیکه در شماره دوم سال دوم
مجله ننداره که مد بروسول آن محترم شفیق رهگذر
بودند - نشر گردیده، یک قسمت آن بحضور
خواننده گان گرامی سپارویم، زیلا، تقدیم میشود.

((یک راپور تاز و دلچسپ خواندنی
گفتگوی با علی مشتری))

((عشق)) ، امید ((و آرزو))، سه کله خوش
آهنگه سه لفظ خیال انگیز و شاهراهنه و بالاخره
سه معمای مشکل و پیچیده هستند که بدور مرکز
من می چرخند و دل این مایه زندگی و این اوست
زندگی بهر رنگی که خواسته اوست این هر سه را

بسا خود می رقصد و آدمی را بدنبال آنچه نسلم
عشق و آرزو در وی بوجود آورده است، گاهی در
صحاری خشک و ریگه بیابان رگه با پای برهنه
روی خار مغیلان می میدان وطن میدان میدواند
و اهتقایی باین ندارد که کف پای آدمی را در روی
وشت پای او را گردی نصب نموده است.
آنچه راهبان اخبار و ناقلان آثار و خوش
چینان خرمن سخن از دوران کهن بدل نسبت
داده اند که اگر غلط نیست، عجیب ضرور است
زیرا گاهی دل را خون شده گان مظلم ناچسار
خوانده و هزاران نوع نوحه دیگر برای اوسر و دهاند

در حالیکه همین دل بیچاره عاجز و ناچار ایشان را با خاک و خون کشیده و بعد هم برایش نوحه گری که بوشق نفرین کرده آرزو را محال خوانده و امید را فریبند میداند به تعقعه خندیده است. همین دل مظلوم دوست باکتر لوگه ما علی مشتري را دو سال تمام از یاد دور داری و در جایی او را در محافل ادبی و هنری و محفل انس دوستان خالصی ماند، داستان اینکه وی در راه یار غربت چها کشیده، برای خود بی کتابی است.

ولی اینکه در سرزمین بیرونیان نمکین و سستی، جهادید و چهارگز برای خوانندگان مجله دوستداران مشتري، موضوع معتنا به و غنیمت سی است که با استفاده از یک صحبت دو ساعته با ارجحی اجالی بخوانندگان نامه خود از آن ترتیب و تقدیم میکنم تا با کمال تعجب بیکار دیگر در یابند که - مشتري هم در حالیکه مثل همه ما و شما باز چه دل بوده، باز هم برای دل خود بسیار میسوزد و هر لحظه آهی کشیده، میگوید ((بیچاره دلکم)) با خوش خلقی ((همیشگی مرا پذیرفت و بعد از تعارفات معمول، مانده نباشی اضافه کرد: گمان میکنم در اینجا هم مثل بعضی بیک مشت سوالات تو امثال تو بایسد جواب داد، روی خصوصیتی که داشتیم، خندیدیم و گفتم.

س: جزاین چاره نداری وقتی که حاضر شدی تمام جراید فلی بیگانه را از نظریات و اظهارات عاشقانه و هنری خود بزرگی ناگسری برای نماینده مجله فلی کشور خود هم حرف بزنی. عده زیادی خواننده گان ما تو را شناسند و دیدار سنتن ما جرای مسافرت عشقی و هنری تو عسلا - کنند اند.

ج: حاضرم به سوالات تو جواب بدهم مشروط بر اینکه زیاد وارد خصوصیات نشوی و من برای سکوت اجباری احساس نکم. س: به دیده این قسمت را رعایت میکنم اما تا آن حدی که حس کنجکاری یک خبرنگار بتواند اجازه دهد.

ج: بسیار خوب فرمایید، من حاضرم که به سوالات شما جواب گویم. س: اولتراز صحبت صحبت کن تا جاییکه من میدانم منظور از مسافرت توبه بعضی در مرحله نخست معالجه چشم بود، آیا بهتر شد؟ ج: خدا را سپاس گزارم یک مدت مختصر تحت تدابری بودم که به زودترین فرصت تکلیف رفع گردید.

دیدن روی عزیزان چشم روشن میکند. داریو بینایی یعقوب را یوسف کند. س: پس چرا توقفان در بعضی مدت دروسال طول کشید؟

ج: خودت میدانم که من به عوامل هنری علاقه زیاد دارم، از روزیکه پای من بروی ستیو بهار شده بیش از آنکه یک شاگرد اهل صالح بسرای طیب باشم، دو دسته دامن هنر و سوانح هنر مندانه را چسبیده ام، ازین جهت خیف دانستم از شهری مانند بعضی که مرکز هنر و هنرمندان کشور بزرگ هند و تقریباً هالیوود شرقی است، بدون فیض

بردن و انداختن معلومات هنری برگردم، طبعاً این کرد شها و کسب معلومات هنری مدت زمان طولانی را ایجاب میکرد و من هم بی مضایقه حاضر شدم، این مدت را فدای اندوخته هایی هنری کنم. س: خوب، البته این مطالعات منحصر به ملاقات با ستاره زیبای آسمان سینمای هند بود و هر لحظه بی که بایکی ازین آفات مقفل و هوش رفته بدیده بازماندی یک انسا یکلوییدی نوبی از تو بوجود آمد؟

ج: یقیناً این وجهه احساساتی و شاعرانه مطالعات من است، معذراً هر یکی ازین ستاره ها در هر لحظه زیبایی و دلربایی، عالم بخش هستند و دارای یک استعداد سرشار در پیشه خود هستند.

س: به نظر تو هنرمندترین ستاره های هند کدام عا بوده و آسامی شان چیست؟

ج: به نظرم را جگپور، بلراج سعانی، کمنور ساهو، دلپ کمار، اشوک کمار، بروتی راج و جانی و اگر از جنس خشن، نرگس، مدهو بالا، نس، وی - جنتی مالا، نلنی جیونت، گیتالی، کانی کوشل نو باری، از جنس لطیف، سربر آورده گمان جهان سینمای هند بشمار میروند، البته این یک قضاوت هنری و شخصی خود من است و من هیچ گونه وجهه قطعیت و احتیاط به آن قایل نیستم.

س: نگاه شما از نقطه نظر زیبایی روی کدام

ج: شاید تاجیزی درین نباشد مردم از آن چیز هائی سازند، محبت و علاقه من به مدهو بالا یک ساله چندین ساله دارد و تماشای فلم های محفل نازنین، ((خانم آتای ۵۰)) در تشدید و تحکیم این محبت سعم زیادی داشته و بعد هم همین عشق و علاقه به او محرک احساسات شاعرانه من شد و توانی در حدود ((ده هزار)) بیت در وصف مدهو بالا از طبع من بوجود آمد، گرچه علت اساسی مسافرت به هند طوریکه در بالا گفته آمد یک مسافرت هنری و ورزشی بود، معذراً آرزوی باز دید ازین محبوب و معشوق رویا ها و تخیلات نیز درین مرحله سعم زیادی داشت.

س: بعضی از جراید چاپ بعضی مثلاً اداکار آرزو و غیره ضمن راپورتاژ هائیکه از تو طبع کرده اند حرفهای نیز در مورد ملاقات تو با مدهو بالا و اهل خان بد را و بیچاپ سپرده اند، چاک از اینکس مدهو بالا به ازدواج با توبی میل نموده، ولی پدرش دو صد هزار کله در هندی جمعیت مصرف عروس برای بستن زبان مردم از تولید انبوهاتی اساس مطالبه کرده است، آیا این مطالب حقیقت دارد؟

ج: بی شک دیده ام مدهو بالا از نزدیک یک تضایی قلبی من بوده و بعد مدتی انتظار روکشش توانستم اوراد رفتارش که یکی از زیباترین مهارت حوالی بعضی است، ملاقات کم درین ملاقات از هر دری سخن راندم و طبعاً از دل بستگی و علاقه پی که بوی داشتم نیز سخن بمیان آمد، مدهو برخلاف

مدهو بالا وینوس شرق است

آنچه در زلم هاملاحظه میکنم یک د ختر خلق و محب است، بنابراین وقتی سخن بدینجا کشید، گونه هایش از شرم گل انداخت و در حالیکه نمیتوانست بمسوی من نگاه کند، گفت، برین موضوع بهتر است با یسد صحبت کنید، شاید راه حل درستی پیش پای تان بگذارد، ملاقات با اهل و اواله خان نیز در استان دورو درازی دارد ولی مختصراً همان است که جریده آرزو و بگر جراید هند نوشته اند.

س: و طبعاً تو این پول را نتوانستی تعمیم کنی زیرا سرمایه بی که با خود برده بودی یکی هنر و دیگری یک دل شوریده و پرورد بوده که ایسن دو نمیتوانست خان را اقناع کند و نه خان نمیتوانست بدان وسیله زبان دراز مردم را کوتاه کند.

ج: این قسمت را به اجازه تو مسکوت میکنم و امیدوارم طالب هیچ گونه توضیح بیشتر از آنچه میدانسی نباشی.

این قسمتی از صحابه بود که در مجله ننداره به طبع رسیده بود و کلکسیون مجله مذکور هم در کتابخانه عامه کابل موجود است، علاقه مندانه میتوانستند بقیه در صفحه (۱۱)

یک از ستاره های هنری مخصوصاً توقف میکند؟ البته ذوق و سلیقه خوانندگان را باید در نظر بگیرد.

ج: سوال ضد و نقیض و عجیبی میکنی، اول میگوئی نگاه خودت و بعد سفارش میکنی ذوق خوانندگان تو باید مد نظر من باشد، اگر این جنبه را رعایت کنم تا گریز سختی برخلاف آنچه دلم خواهد گفت، گفتم ام زیرا دل من و نگاه من فقط یک ستاره زیبا، طنازود لریا در آسمان سینمای هندی شناسد و من بیند که آنهم ((مدهو بالا)) وینوس شرق است، غیر از او هر کس هر کس را میخواهد برای خودش زیبا بگیرد ولی نه آنرا قبول میکنم و نه میتوانم تأیید نمایم.

س: پس چیز هائیکه مردم راجع به تو علاقه مفرط به مدهو بالا میکنند، زیادین اساس نیست؟

ج: مثلاً چه چیزها؟ س: مثلاً میگویند علت اصلی مسافرت توبه هند دیدار نزدیک ازین ستاره آشوبگر هندی بوده و در چشم و کسب معلومات هنری که هم اکنون از آن صحبت میکردی، حرف مفت و بهانه بی بیش نیست؟

لی غم باش لالا

مدیر صاحب ، سزای قسوت
 ((ا)) گرم
 هفته گذشته ماره سرگردان
 ساختن ، ما آمدیم شمانودین ،
 خیالی دیدیم که چلو تصد خوده
 گرفتیم که یک هفته شماره به خاطر
 صاحب صرف ساختیم ، آخر
 هم دیروز نامدم
 سرفرازان که این حرف ها را
 شنیده ، خنده ، تمسخر آمیزی
 کرده گت :
 بی غم باش لالا ، ما دیروز هم
 نبودیم .

بقیه از صفحه ۱۲۷
 شوهر من فلمدارک در من
 حال به حد بدبختی نگاران -
 تلخهون ایفای وظیفه میکرد ، یک
 روز بعد گویی را برداشته سزای
 سرفرازان که همان روز در شب
 بود تلخهون کرده گت :

بقیه از صفحه (۷)

مصیبت اعتیاد

ج : همین شخړ صاحب به
 وابستگی مواد مخدر و رانمیتوان به زور
 و فشار تد اوی کرد با وجود اینکه
 تمام تسهیلات آرمایی موجود د
 باشد ، رضا و رغبت صاحب به
 تد اوی شرط اول تد اوی است .
 برای تد اوی معتادین باید برنامه
 های وسیع تبلیغاتی نیز در رنر
 گرفته شود ، نمایش فلم ها و نمایشنامه
 های توانده موثر باشد . برعکس
 فلم های تشویق کننده یک
 جایا مواد مخدره از طریق تاجران
 مواد مخدره خود اعتیاد را بیشتر

می سازد ، در برنامه تد اوی باید
 خانواده ها و استادان مکاتب
 و همروسه زیرط سم بگیرند
 یعنی منظور این است که اولاً
 برنامه و قایون داشته باشم
 نه معالجوی . بسیاری از صاحبین
 می توانند داخل پسترس شوند
 اغلباً دیده شده که انهمالاز
 طریق همیره های سابقه به مواد
 مخدره کشانیده شده اند .
 ج : طوریکه قبلاً گفتم تد اوی
 اجباری این انفراد مفید نیست
 و معلوم کردن معتادین هم چندان

لیزاروی

بقیه از صفحه (۲۱)



نمایشنامه ((اودن نیست))
 و بعضی نمایشنامه های تلویزیون
 و رادیویی نشانه های داشته ام
 - لیزارجان کونکه به آذربایجان
 نایل آمده اید و هنر پیشه سینما
 شده اید ، فلم جدیدتان کدام
 است ؟
 - فلم جدید اینکه من در آن
 نقش برارنده ام ، ((سفر))
 نام دارد به کارگردانی سعید
 ورکزی وهم اولین بار است که
 رضایت کارگردان را جلب
 کرده ام چون نقش یا کرکتریکه من

آنرا اجرا میکنم نهایت خوش
 آمده بود و از سوزنی شرح و کسار
 دقیق کارگردان و اعضای یونت
 فلمبرداری ماسپ شد که من
 بهتر و خوشتر در قالب کرکتر سیرده
 شده قرار گیرم .
 - قرار اطلاع شما شاگرد ممتاز
 مکتب خود نیز هستید آیا به هنر -
 پیشه مگی تان ادامه خواهید
 داد یا چطور ؟

- یاد رایت و هوشیاری با سح
 داد :
 - از هنر ، هنر زنده مگی کردن
 را موخرم ، نه تنها به درسهایم
 میروم بلکه در منزل با مسادین
 نیز کمک مینمایم و زمانیکه تسهیلات
 خود را بی پایان رسانیدم ، آرزو
 دارم ، در آسمان سینمای افغانی
 ستاره باشم ، آگاه و پردرخش ش .
 - ما شما این بیروزی را قبلاً
 تیریک میگویم .

به شعر جان میبخشد

بقیه از صفحه

- پلی شما درست میگوید من در حدود ۲ هزار پارچه
 موسیقی را دایرکت کرده ام .
 - وجه تعداد اشعار را دیکله کرده اید ؟
 - شاید در حدود دوصد پارچه بوده باشد .
 - پس در بخش دایرکت باید تسهیلات همه جانبه داشته
 باشد میشود از تسهیلات ثان بیروم ؟
 - نسبت مشکلاتی که داشتیم نتوانستیم بیشتر از ۱۲ صنف
 تحصیل کنیم اما در بخش دایرکت از طریق تلویزیون دایران یک
 کورس ۱ ماهه را تمهیب کرده ام .
 - در بخش دایرکت نیز پیامد کدام یک مؤفق تراست ؟
 - به تشریح من مؤفق تراست .
 - چرا ؟
 - زیرا که زن میتواند بخصوص در حوضه رنگ لباس و آرایش
 دقیق تر باشد .
 - میخواستیم بیروم دایرکت آهنگهای استاد هوشیاری
 و سیما ترانه ، کار کدام دایرکتراست زیرا لباس و آرایش خواننده
 با فضای که خواننده در آن قرار دارد هم آهنگی تلم دارند ؟
 - کار من است .
 - پس به این صورت بیشترین ضرورت شما در تلویزیون است ؟
 - فعلاً در خانه .
 - چرا ؟
 - مشکلات دارم .
 - در نظراتی مؤفق تراستید و یا در دیکله اشعار ؟
 - فکر میکنم شعر را خوبتر میخوانم .
 - گاهی بخارج از کشور سفر داشته اید ؟
 - بله در فنیشیوال و در گاه ماسکو سفر کرده ام و یکبار هم سفر
 شخصی به کشور هند داشتیم که در ضمن پاکستان راهم دیدیم .
 - فعلاً کدام پروگرام را پیش می برید ؟
 - پروگرام زن و جامعه را .
 - و در اوایل که به تلویزیون آمدید کدام وظایف را پیش
 می بردید ؟
 - از سال ۱۳۶۰ برای ۱ سال مدیر عمومی موسیقی تلویزیون
 بودم .

آیات اقتصاد زمین با ستاره

بقیه از صفحه (۲۹)

امکان مشاهده اثر ستاره ایمن
 حادثه تیل از وقوع تبشید اجرات
 دفاعی در برابر آن اتخاذ میگردد ؟
 یکی از شاگردان پروفیسور (پول -
 ساندرف) از وی چنین سوال
 کرد : چگونه میتوان زمین را از
 تصادم و آرهانید در صورت تیریکه
 هشت ماه به تاین وقوع ایمن
 تصادم نمانده باشد ؟ آیا میشود
 راکت های دوگلوله ای را غرض
 انفجار ستاره به خارج فضایی
 مبراز سیمون بکار برد ؟
 بعداً ساندرف اظهار داشت :

دفع کردید که در نتیجه چهره عالم
 تغییر یافتم ، زمین لوزه ها ، انفجار
 در کوه های بزرگ و توفانهای وقوع
 بیوست ، طبقات غبار سنگ های
 ضخیم یوز هوا را احاطه کرده و آن
 مدتی چند در همانجا باقی ماند و -
 حبابی در برابر اشعه آنتاب -
 گردید . درین میان به اثر توقف
 ترکیب نور هزاران هزار موجود
 زنده با مرگ مواجه گشتند .

برخی از دانشمندان معتقد اند که
 خطر تصادم زمین با یکی از ستاره
 های یک امر کاملاً حقیقی به شمار
 می آید . ۱۰۰۰۰ لیکن میتوان آنرا کاملاً
 ضایل نیز کرد . طبق اقتصاد
 (شویسکی) ستاره ای که فوت -
 انفجار معادل هیرمز را دارا باشد
 امکان تصادمش در خلال صد هزار
 سال یکبار مت و راست . اما ستاره ای که
 متادل تو انفجارش فقط یک مگان
 باشد امکان دارد بعد از هری سال
 داخل یوز جوی زمین گردد .

انفجارات هولناک
 در سال ۱۹۰۸ برفراز جنگلات
 دور دست سالیها جسم طمعی با
 طاقت انفجار هایدروجنی دوازده
 مگاتن عبور کرد این حادثه سبب
 تولید امواج زلزله در منطقه
 تانکوسکا شوروی گردید ، اشجار -
 قطع و به سانه ، پنجاه میل دور
 انداخته شدند ، غباروتند بساد
 ها مناطق وسیع دنیا را فرا گرفت .
 از همان وقت تا امروز از طلا در ساره
 سبب این انفجاروشی . تا سده
 تانکوسکا سوال میشود آیا جسم
 مذکور رأس متلاش شده . مذکور
 (یکی از سیاره ها) یا ستاره ، سخنر
 ایست ؟ گویی از دانشمندان با
 این سوال مواجه اند آیا در صورت

به مناسبت بازهای المپان توکو
 امارشود . چنمین زلزله را از سر
 گذشتاند . در سال ۱۹۶۷ این
 یکبار به سکونت انتقال یافت . دهن
 شهر اتن تلخهون ایستاتکو -
 بالارفع ۵۴۰۷
 متر امارشود . این اتن تلخهون
 جمعه ۵۵ هزارتن وزن دارد .
 در ارتفاع ۳۲۵ متر این اتن
 رستوائت واقع است که چن مخود
 این رستوائت منظره بسیار زیبایی
 به شهر مسکو نصیب مارجم -
 بقیه از صفحه (۵۱)

ساختمان ها سریر آسمان

گفته شد کاری ساده نیست اداره ماصرف درحالاتی میتوانند آنان راحت تدای بگیرد که از جانب خانواده های شان یا بطور داوطلبانه از جانب خود شان مراجعه صورت گیرد .
س: آنانیکه بعد از تدای معتامی شوند آیا باز هم چانس صحت یابی را دارند ؟
ج : آنانکه دوباره بعد از تدای به مواد مخدره روسی آورند کسانی اند که باز نخست به زور تحت تدای قرار گرفته اند.

و طبعا مصاب شدن شان بسیار دیگر خطرناکتر است زیرا برای ترک اعتیاد تصمیم و اراده قوی و علاقمندی شخصی باید وجود داشته باشد .
س: معتامین چی نوع برابلم هاراد رجامعه به میان میاورند ؟
ج : برابلم های ناشسی از معتامین وسیع است .
از نظر جسمی خطرات جدی بیماری های کشنده را بوجود می آورد مثلا بیماری های ریویم و خطرناک جگر که از استعمال

مکرر مشروبات الکولی پیدا می شود .
خطر سرطان نزد کسانی که عادت به دود کردن دارند . بوی دهن چنین افراد سبب از پتدیگران می شود . زرق داخل و رور سدی مواد مخدره زمینه انتقال و انتقال مرض خطرناک اید سر برابلم می آورد .
حادثات ترافیکی ناشی از همین موارد می باشد .
از نظر روانی نیز مشکلات بوجود می آورد .
از نظر اقتصادی چنین انبساط کارایی کمتر داشته و باید شانرا راصرف مواد مخدره می نمایند

طبعا خانواده ایشان دچار تنگدستی می گردد آنها بیشتر اوقات خوشتر با دوستان همردیف خود گذراننده اطفال شان از مهر محبت شان محروم می گردد .
گاهی اطفال شان نیز مصاب به این موادمی گردد .
خانواده کی آنها نامطلوب گردیده سبب ایجاد جنسوجنجال ها بالاخره به طلاق و جدایی منجر می گردد .
انسانها ثروت جامعه اند طبعا انسانعامتاد ازین ثروت کاسته می شود .
رجای

زنده کی برای آنها محدود میگردد .
بعضا بخاطر بدهی است کورده ن پول غرض خرید اری مواد مخدره آنها مرگب جرم و جنایات مختلف می شوند .
حتی تا سرحد قتل و زندی های بزرگ میهنی اینک برابلم ناشی از اعتیاد طیف وسیع دارد که برای درمان آن مبارزه بزرگ بکاراست چی ضم مادران و اطفال مسکمه جوانان و سرانجام مصیبت یک جامعه ناشی از اعتیاد به مواد مخدره می باشد .

نقطه مرگ

بقیه ازصفحه (۲۶)
کوبایی چنانکه سوطون عمر را کوبند یاد میشود و شامل ۱۲ نیمی است که از نباتات و حیوانات بدست آمده و هیچ عنصر منحصوی کیمیاوی در آن وجود ندارد .
عبارتند از : عصاره جمجمه سنگ پشت خاور دور ، عصاره شاع کرگدن ، خسته های نباتات Armenacae Juulperus-Rioids
لیومی چینی ، خسته قیسی و شنبلیله های که در کوروسا نیز پیدا می شوند .
راز روزگاران بچلی سینای بلخی مورد اعتقاد قرار داشته اند .
از نامبرده برتنش بعمل آمده که : آیامکن است که عمر را طولانی ساخت ؟
اینگونه پاسخ میدهند : بل ، با قویه سیتم های قیلا ذکر شده ممکن است .
زیرا تضعیف فعالیت آنها باعث بیری میگردد .
طول عمر سورا میتوان تا ۱۲۰ سال و حتی از آن هم بالاتر برد .
بالای اشخاص بین سنین ۶۵-۷۰ که وظایف تمام سیستم های شان تضعیف شده بود ، تجاری انجام دادیم .
رستورات میشود .
اخین حرف تخنیک به شهر توتوتو کانادا اطلاق میشود .
۱۹۷۵ زسال دین شهر برج بزرگ تلوهون با ۵۰۴ متر ارتفاع خود انبزرگترین ساختمان جهان از نوع خود میباشد .
در ارتفاع ۳۴۷ متری این برج رستوراتی ک دارای ۴۷۶ چوکی میسر ای معامات بوده و واقع است .
معامات این رستورات توسط لفت ک درکار

با انکفالمیت جنسی آنها از ۵۰-۷۰ میقد کاهش یافته است .
توانستیم که آنها را با نرس تدای بحال نورمال برگردانیم .
برای اینگونه تدای عموما تطبیق دو یا سه کورس لازم است .
قسمی کورس از ۱۰ تا ۱۵ بار تطبیق میگردد و تطبیق بیچگاری .
ها چند روز را در بر میگیرد .
در حله اول بیچگاری ها در نقاط فعالی صورت میگردد که بیمار از آنها شکایت دارد .
چیز هم در تطبیق این سیتم است که نقطه مورد نظر بد نیصد پیدا می شود .
در حالیکه در سوزن زن عادی تقریبا ممکن نیست .
داری تر رقی شده خود بخود زیر جلد انتشار یافته و خود را به نقطه مورد هدف میرساند .
کورس اول تطبیق بیچگاری در ظرف ۳ تا ۶ ماه نتیجه میدهد و نتایج کورس های بعدی بهتر و بهتر خواهد شد .
سپس نظریه وضع بیچگاری تطبیق بیچگاری بعد از یک سال یاد و سوال و یا سه سال تطبیق گردد .
بعضی اشخاص در اولین تطبیق بیچگاری صحت یاب میگردد .
تلاش طبیعی کوریا به تزریق دروا نقاط لان طول عمر محدود نموده در صدد پیدا کردن نقطه مرگ نیز استند .
داکتر هونگ بیامون نقطه مرگ چنین عقیده دارد :
در یک حیوان بزرگ بحری بنام

اوختاپوس یک چشم سوی نیز وجود دارد که از آن هورمون مخصوص بنام هورمون مرگ ترشح می کند .
هرگاه این چشم سوی ازین برده شود آن حیوان برای همیشه زنده خواهد ماند .
فرض کنیم که پسر شدن انسان هم که معلول فرسایش اساج و جگره ها می باشد .
از هورمونی بنام هورمون مرگ سرچشمه گرفته باشد .
هرگاه بتوانیم ترشحات این هورمون را زایل کنیم و یا لاقط کاهش دهیم به جلوگیری یا کاهش بروسه بیری نایل خواهیم شد .
همانطوریکه هر عضو بدن یک نقطه فعال در روی جلد دارد به احتمال قوی هورمون مرگ هم باید نقطه فعالی در روی جلد داشته باشد .
به نظر او این نقطه بالایی خطی موقعیت دارد که بنام خط طول عمر یاد می شود و از گلو شروع شده پس از عبور از سینه و ناف به آلات تناسلی ختم میگردد .
بین ناف و استخوان جنسیخ نقطه طول عمر ، که از قدیم ها تصدیق گردیده ، موقعیت دارد .
مهمترین آنها نقطه چپانگ است .
داکتر هونگ نقطه جدیدی را هم کشف کرده که ۲ تا ۴ سانتی به طرف پایین ناف موقعیت دارد و بنام خود روی قسمی است در تحقیقات بعدی خود تصمیم دارد که نقطه مرگ را هم درین منطقه پیدا کند .

بقیه ازصفحه (۲۶)
چواند انسان را از نظر اشعه های اویانی حفظ کند .
درجهان حیوانات و نباتات چه اثری خواهد داشت ؟
هنوز حوات راتعا از ضلیم سوی حیوان صورت گرفته .
هرگاه انسان بتواند خود را تا اندازه ای از تشعشع محافظت کند .
کی آنف بر حیوانات و نباتات اثر گذار نخواهد بود .
طوطال ، سطح حاصل دمی حیوانات غیر نفاذ ۲۰ نمد حاصل خیزی بخش نباتات ۳۰ نمد کاهش خواهد یافت .
شد تشعشع مابرای بخش امکان دارد نفاذ را بگونه مناطق صنعتی و آلود سازد .
نگر این امر ممکن نیست .
پس از ۵۰ سال صورت گیرد و نام در صورتی ثابت ماندن انسان در برابر آن .
طوبیک معلوم است در سالهای نزدیک به خط نعداری این از خطر نخب اقدامی ضروری در نظر گرفته شده است .
آیا بخش بیخ خوش بنام شهاب صل دانگی شبه نیست که از بیخاوش مرض جدی او را بیهان نگهدارد ؟
گفته های من نه تعابیهانته های تجاری طی هبوط نام بلکه بر تلیج پژوههای جهانی آشوار است ،
تجارب و آزمایش های چندین ساله پروگرام انگلیسی مل متسد (UNDP) سازمان متروپولی جهانی میانگرجان تطبیق است .
از ده سال در هر پاییز بالین قطب جنوب شکاف آزیوی پیدا ر میگردد ،
طت چیست ؟
در برابر این پرسش هنوز پاسخ قناعت بخش وجود ندارد .
با انهم در زجهت این فرضیه ها تمام گردید است :
شکاف آزیوی شاید زا ده جهان کیمیاوی با همیان دنیا کیمی با هر دو ی ان باشد که بالان توصیف صورت میگردد .
بعضی هالین موضوع را با اهتزازات رزم حرارتی و همپتان با انفعال شدن خوبید پیوسته میدهند .
همچسک تا کین به تشعشع مناسب آن توفیق نیانته است .

بقیه ازصفحه (۲۶)
پژوهها و آزمایش های بیشتری در کار است .
تحقیقات بشرک شوی ، آلمان ، دموکراتیک ، بلغاریا ، منگولیا ، کوبا ، هند و ایالات متحده روسی است .
در سال حاضر چه پیمانه مواد تهیه کننده این درجهان تولید میگردد ؟
تعدادی روسی سالانه در حدود یک میلیون تن (۴۰ نمد آن در ایالات متحده ، ۳۵ نمد آن در ایالات ۱۰ نمد آن در جهان و شوی) تولید میشود .
تلقشته تعدادی در شوی ، ایالات متحده و بعضی کور های دیگر مواد الترفاتی آن تولید میگردد .
در کارفرانس موتهال چه مصاصی اتخاذ گردید ؟
مصام حق قبل از آن در سال ۱۹۸۵ در هائیم اتخاذ گردید .
چنانچه طبق آن تحقیقات سراسری جهانی رویدت گرفته شود در پروتکل آن ۵۰ کور اضافه کننده تمدد سپردند که تولید مواد تهیه کننده این واقع نماید .
تا چه وقت هکدام پیمانه از تولید مواد ضربه قطع خواهد شد ؟
در کارفرانس مصم گرفته شده که در سال ۱۹۹۳ از تولید نوی روسی ۲۰ نمد و در سال ۱۹۹۵ به اندازه ۵۰ نمد کاسته شود .
آیا کاهش های در نظر گرفته شده کافی است و چرا تا ختم شده جاری منتظر کاهش بیشتر اند ؟
هرگاه برنامه وضع شده تطبیق گردید و تولید مواد تهیه کننده این افزایش نیابد پیمانه تهیه شد کشور این مایه نگرانی نخواهد بود .
با کور هلیک پروتکل موتهال را تا هنوز اضافه کرده اند چه معاطه صورت میگردد ؟
نظریه موته موتهال تکلیفی وسیل تولید نوی روسی در اختیار آنها گذاشته نخواهد شد .
البته متخلین با مسازات جدی اقتصادی سرزنی خواهند شد .

ایالات متحده امیکاک ۸۸۰ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجی دشر و روسای پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلید بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسان هانزیک هانزید شد .
همین الان پیروز هانزید قرار است که در صورت آساران ارتفاع هزارم متری در نظر گرفته شده است .

برج واقع است و اطرافش را شمشیر اسطه کرده انتقال داده میشود .
معامات میتوانند از لفت به منظره نما که به شهر توتوتو خواهد شد لذت ببرند .
شاید برایتان غیر قابل قبول باشد اگر بگویم که درجهان تا حال دهبار از سرحد ۶۰۰ متری ارتفاع تجاوز شده .
این دو ساختمان - مرغع تجارت انبازه های تلوهون بوده که یکی در اراکت شدالی در

ایالات متحده امیکاک ۸۸۰ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجی دشر و روسای پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلید بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسان هانزیک هانزید شد .
همین الان پیروز هانزید قرار است که در صورت آساران ارتفاع هزارم متری در نظر گرفته شده است .

ایالات متحده امیکاک ۸۸۰ متر ارتفاع دارد و دومی پایه تشرامواج رابجی دشر و روسای پولندا است که ۶۴۰ متر ارتفاع دارد .
ارتفاع ۶۴۰ متری فعلا نقطه اخین را گذاشته و ولی منتظر بلید بود که ازین حد ارتفاع چه گاهی به اسان هانزیک هانزید شد .
همین الان پیروز هانزید قرار است که در صورت آساران ارتفاع هزارم متری در نظر گرفته شده است .



جواد عبر چهره جوان در بالسخ

اولین بند بربق

مرجوری جویت بل نخستین امریکایی بود که در سال ۱۹۱۱ - به کابل آمده و اجازه اقامت یافته بود (در ۱۸۸۰ پارکلی بدربار امیردوست محمد خان رسید - بود)

انجنیر بل توسط امیرحبيب - الله خان برای تاسیس دستگاه برق آبی در جبل السراج استخدام گردید . هر چند برای یکسال - آندة بود اما هشت سال زادنسر گرفت تا کارش تکمیل گردد .

کارها توسط فیل انجام میگرفت کارهایی از قبیل انتقال سنگهای بزرگ و اجسام سنگین فنن و غیره چیزها .

سامان لوازم همه به پشت اشتر حمل میگردد . البته این سامان آلات از مالک خارج چون هندوستان و غیره همه بواسطه اشتر و فیل حمل میشود . بل در سال ۱۹۲۵ از میان رفت . یادداشت های او زیر عنوان :

انجنیر امریکایی در افغانستان در سال ۱۹۴۸ از طرف یونیورسیتی منیسوتا منتشر گردید . این کتاب که شامل ۳۳۵ صفحه است مشتمل بر نکات دلچسپ در باره وضع مردم افغانستان در آن روزگار است .

مخاضل خوشی میخواهم و هیچوقت هم مانع دروسم در یوهنخی نیباشند . میخواهم در آینده هم در تعلیمی رشته بی که تعیب مینمایم به حیث آواز خوان باقی مانم و زیاد میکوشم نرفروش نباشم .

وی در مورد سوال دیگر گفت : در مورد انتخاب شعره کمبوز و تلفظ کلمات خودم سعی بنده گی ام راه خن میدهم و از اهمل ادب کک میگیرم همیشه دیوان غزلیات شمس تبریز را میخوانم و میالم به اینکه حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی به دیار ما تعلق دارد .

می پرسم آیا آهنگهایت از عشق رنگ می خورد ؟ میگوید : تا حال عاشق نشده ام ، اما زیاد میکوشم آهنگهای رنگی داشته باشم تا طرف قبول واقع گردد . به امید موفقیت های زیاد

ورقایت های سالم جواد عمر در ساحه درس و هنر وای خدا حافظی مینمایم . زلمی

از خود بکنم که خوشبختانه طرف تایید فرار گرفت . و از آن روز به بعد به تقلید از جوانان آوازخوان گاهی شرقی و گاهی هم به سبک غربی میخوانم ، اما زیاد میخواهم غزل خوان باشم زیرا دوستانم به این عقیده هستند که غزل را خوب تر میخوانم از همین سبب است که به صدای فرهاد دریا بعد از احمد ظاهر علاقه مندم .

جواد در مورد سوالی گفت : در شهر مازندران دیگر از هنر - مندان آوازخوان هنرنمایی دارند که به همه شان احترام دادم و میخواهم رقابت سالم باهم داشته باشم . خودم گروه هنری تشکیل دادم که در -

در شهر مازندران هنرمند بر آوازه بی محاضرات خوشی شهریان دیار مولا علی را رنگین ، سرمی سازد که صدای خوب ، گم و گبرایش شنونده - گانی دارد ، او جواد عمر نام دارد و محصل یوهنخی ادبیات یوهنتون بلخ میباشد .

خواستیم با وی صحبت کوتاهی داشته باشم ، میگوید از مدت پنج سال به اینطرف نظریه علاقه خاصی که داشتم به موسیقی رو آوردم ، آواز هنر - مندان خوب را شنیدم و روزی جرات نمودم عقب ارمونیه بشنیم و صدای بی



موکیش

از دنیای مود...

(بقیه از صفحه ۵۰)

شهرت را با خود همراه ندارد. هر (ثبت امان) (رگبی گانکر) آسمان سینما را می‌تواند ببورد.

در سینمای هند، مودل های فراوانی مرخص وجود کردولی به عدم توفیق خود واقف دیدند. اما در این مجبوره ((سنگیتا جلائی)) نام پر درخشش و استیلا کننده ایست که از دو سال بر سکون موقعت ششم مهر قلمرو سینمای هند حکمفرمای میکند.

او از مدت‌ها به این سوقاضای فلما سازان راستنورد میگرد برای اینکه علاقه بی چندان برای بازی در فیلم ها در خود احساس نمیکرد و از جانب دیگر نمیخواست از زینت اصلی اش که سخت به آن علاقه مند بودتجاشی کند. چه او از اتصال به این طرف یگانه مودلی بود در عرصه نمایش لباسهای که مودم او را ((چراغ)) - خطاب میکردند و در این دایره از شهرت فراوان بر - خورده بود. ولی سرانجام به نام سینماگران افتاد. در جهان فلمبرداری فلم ((قاتل)) که تمهین یک رقص رابا ((انیمه پنچولی)) منمود، در گرو صحت شد و در برابر یک سوال گفت:

((به پیشنهادات و تقاضاهای سینماگران ظهور در پرده سینما کوچکین علاقه مندی احساس - نمیکردم برای اینکه در قبال کارم به عنوان ((مودل)) شهرت، مصیبت و ثروت فراوان حاصل بود از اینسرو مودلی نبود که مرابه سینما متماثل بمادول حلالا دیگر شده که شده)).

((سنگیتا)) نهایت پاکیزه، نظیف، خوش لباس و خوش ترکیب است که در برابر هر سوال با کساد و - دهی و تواضع لب به سخن می کشایدولی هر گاه در مسایل شخصی او سوال دویزنده، آن وقت مثل کرم ابلهش که خودش را در تارهای باهک تنیده اش سخن میکند، او هم خودش را در لابلای حرف ها، کلمات می بیند.

هنگامیکه ((جی، پی، دت)) یکی از کارگردانان مشهور، پیشنهاد بازی را در فلم ((هتیار)) به عوض ((دمیل کادیا)) به وی نمود، او از تومن غرور و تکبر فرود آمد و این نقش را بیدین پذیرفت در حالیکه تا قبل از آن هر نوع پیشنهاد را قاطعانه رد میکرد. انگیزه این پذیرش را ((سنگیتا)) این طور توجیه میکند:

((نزد من)) (دت صاحب)) یک کارگردان توانا و آگاه است از اینرو پیشنهاد او را احترام گذاردم ولی تصور نمیکردم که بعد از این پذیرش، در موقعیتی قرار بگیرم که حساب تراراد های بازی در فلم ها برایش شکل شود و کار و بار فلم سازی در قلم هامش شکل تر از آن.

در حال حاضر ۲۴ ساعت در شفت های منتظیف صرف استم برای بازی در فلم هاییکه تراراد آنرا قیلا بدون سنجش اضافه کرده ام. شما باور کنید در این اواخر در عرصه فلسفی که قرار داد میشود، دهکی آن بازیگر اول من انتخاب میشود آنها با ((سنی دت)) و ((متن چکورتی)) هشت فلم در دست تهیه دارم.

بقیه در صفحه مقابل

بقیه از صفحه (۲۱)

سرانجام آهنگ در کوشش نخستین، بدون آنکه ضرورت به باز خوانی بیافتد، ثبت شد و در فضا میلودی ((راگ درباری)) (دل جلتاهی توجلی دی) پیچید. عمه موکیش را با سیگل عوض گرفتند و ((انیل بیسواس)) به موکیش توصیه کرد تا زمانی که قسا در به کسب هویت مستقلانه در آواز خوانی شود از سیگل بجزدی کند. این آهنگ موکیش را به اوج شعسرت رسانید.

تمرینات اساسی زیر نظر ((جگه نات)) به آواز موکیش نریش ضروری را برای سرودن میلودی های ریتما تیک داد. اکثر آهنگهای راکه در آن زمان خوانند بشهرت رسیدند، ولی آواز ((پ))، موکیش از عبق گلپوش اداه میگرد، بطوریکه قسمت های حزن آلود آهنگ مطول شده غم ازان میتراود. ادای آوازه های طولانی یک بدیده نسبی است، ولی در مقامیسه با سایر آواز خوانان، موکیش توانایی محدود در کشیدن چنین آوازها را داشت. در بسیاری حالات حین ادای آواز های طولانی صدا را بیشتر از طریق بینی اداه میگرد، لکن اینها را کمپوزر ها به اغراض مینگر بستند و راضی بودند که موکیش را نسبت به عکس دیگری دارند.

((شیروراجانی سلوا)) نقش اساسی را در شهرت رسانیدن موکیش بازی کرد. شهرت او بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۱) زمانیکه نزد یک به یکصدوسی آهنگ را در ظرف چهار سال سرود برقی آسایود. بعد از لحاظ تعداد آهنگهای موکیش به رکورد مواجه شدند، چنانچه در ظرف هفت سال مابعد یعنی تا (۱۹۵۸) وی پنجاه و پنج آهنگ سرود که خوانند نهایی فلمهای ((اه))، ((سری ۴۳)) و ((ده هوماتی)) از شهرت نوی العاده برخوردار شدند. فلم ((معضوفه)) شاید یکی از بدلا - یل این رکورد باشد، زیرا برود یوسر فلم با موکیش به توافق رسیده بود که تا پنجایش گذاشتن فلم ((معضوفه)) او نیایست آهنگ تازه برای فلم دیگری میسرود. فلم ((معضوفه)) که در (۱۹۵۳) به نمایش گذاشته شد، زمان طولانی را در بر گرفت تا تکمیل شود. با استفاده از همین فرصت رفیع - و طلعت سبقت جستند، در سه سال (۱۹۵۰ - ۱۹۵۴) رفیع دو صد و شصت آهنگ و طلعت بیشتر از یکصد و شصت آهنگ خواندند. دلیل دیگر در این رکورد شاید ترجیح کمپوزر های مورد علاقه - موکیش مانند ((روشن))، ((انیل بیسواس)) - ((شنکر - جکشن))، ((راتی)) و ((نوشاد))

به دیگر آواز خوانان بوده باشد. دلیل هر چه بوده موکیش از پس این اجماعات باشایستی بنا آهنگهای فلم ((یهودی)) در (۱۹۵۸) بد ر شد. بازیگر فلم ((یهودی)) دلپ کمار که همیشه در - فلمها آواز های طلعت و رفیع را با سنگ میکسرد اصرا روی وزید که قبل از اجرای آن از شنونده ها نظر خواسته شوند. شنونده ها عمه با اتفاق هم به موکیش ارج گذاشتند.

وقتی ((بعالت رام)) و ((رام چندرا)) موکیش وارد کردند وی خم به ابرو نیاورد. به موکیش هیش چیز بیشتر از یک آهنگ خوب که منظم مانسند نظم عقربه های ساعت سه سورا هشت می آمدند، ارزش نداشت.

با گذشت زمان کهنه کاران جهان موسیقی هند یکی پس دیگری یاد شدند. وقتی موکیش آهنگ ((الوداع الوداع)) را در (۱۹۶۰) سرود در واقع وداع اشک الودیا ((انیل بیسواس)) و ((موتی لال)) بود که برای آخرین بار کار مشترک شانرا انجام دادند.

با انکشاف وسایل تکنیکی در سینما، موسیقی در فلم هانیز مد رتیزه شد و آرکسترهای کلان با آلات جدید موسیقی بکار گرفته شد ولی موکیش مثل همیشه بدون تغییر همانطور ساده و بی تکلف باقی ماند. آهنگهای زیاد با موسیقی دایرکتوران چون ((لکشمی کانت - بیاری لال))، ((سلم چودری))، - ((کلیانجی - اندجی)) و دیگران خوانند که برخی از این آهنگها با لطف خوشی که دارند ماندگار شدند. زیاد ترین آهنگهای رابا ((کلیانجی - اندجی)) در فرستی خوانند که آنها در آریسه بهترین نمایشان فرار داشتند.

یک دهه پس از مرگ موکیش به این واقعیت متوجه می شوم که این تعداد آهنگهای موکیش نیست که اسطوره او را جاویدانه نگه داشته است بلکه این صمیمیت وی آلیشی آهنگهای او که آنگه باغم اند دلیل جاوید انگی آنهاست.

وقتی معجزه موکیش را به ازبایی میگیرم تا قبل اعمیت است بخاطر بیابرم که مانند آهنگهای سینگ وینک ملک یکصداد زیاد آهنگهای حزن آلود موکیش مستقلانه بدون ذکر نام کمپوزر ها و با قلم هاییکه این آهنگها برای شان سروده شده اند، در آن ها شنونده ها باقی مانده اند و آنها را محفوظ می سازد، و این به نوبه خود سیاس و - امتنان به خواننده بی است که آوازش قدرت تداومی خاطرات شاعرانه روز گاری را دارند که نمران سروده شده اند.

آشیان بزرگ ترمیت‌ها



بزرگترین آشیان ممکن
ترمیت‌های آسترلیاراد انشعبدی
بنام ستین بیوان در جنگل‌زاری
که در ۱۷۰ کیلومتری داریوسن
موقعیت دارد کشف نمود.
ارتفاع این ساختمان بزرگ
به ۶،۷۰ متر و قطر محیط آن به
۷۳۳ متر می‌رسد. این آشیان
آشیان عظیم (دانشمندان این
ساختمان‌ها را چنین مسمی
نموده‌اند) چهار میلیون ترمیت
زاد خود جاداده است. آنها
شبه مورچه‌گان در یک نظام خوب

ما زمان یافته، حیات بسرمیرند
حتی در مناطقی، شهرهای نیز
از این ترمیت‌ها وجود دارند.
دیوارهای ساختمان‌های بعضی
از این انواع به حدی محکم ساخته
شده که تخریب شان تنها بوسیله
ابزار خیلی قوی میسر است و پس
این حشرات همه چیز را می‌خورند
و با این کار سالیانه ملیونها خساره
وارد می‌نمایند.



از دنیای مود...

بقیه از منحه مقابل

در خصوص اینکه در بیست‌فلمی که ((امتا بهر))
فعلا روز آن کار می‌کند، در یکی از آنها، نام ((سنکیتا))
خوانده نشود، دو مطلب قابل توجه است:
نخست اینکه هنرپیشه‌ها از تازه‌کار به قدری
صروف‌اند که هر یک از آنها از بیست‌فلمی در قسمت
قرارداد دارند که مابه‌انصراف فلان‌سازان از آنها
شود.

دو دیگر اینکه ((سنکیتا)) انقدر جوان و شگفته است
که همبازی شدن او با ((امتا بهر))، هیچگونه
ظرافت هنری را ایجاد نمی‌تواند.

مگر در هر صورت نظر بر این دو، در پرده‌فلم
انقدر هابعد از امکان نیست. ((سنکیتا)) در این
مود می‌کشد:

((آرزو دارم به عنوان یک بازیگر خوب مقیم
برای خود کماش کم هر این طرز تلقی که، می‌کنند
(مودها)) هنرمندان خوش‌آزاد در نمی‌آیند و
خط بطلان بگم تا دیگر گفته شود که ((مودها))
مود اند و جسم‌های غیر متحرک را مانند
اگرچه در فلم ((هتھار)) ظاهر شدم ولی فلم
اولی من ((قاتل)) است که بی‌صبرانه منتظر مگر العمل
مردم در برابر هنرمندان ام می‌باشم.

داستان این فلم پر از فواض و صیدگی هلیست
که از لحاظ اصطلاح سینمایی می‌توان اثر آن گفته از
(سنس) خوانند.

به عقیده ((سنکیتا)) بین هنرپیشه‌گی و مودل
بودن چندان تفاوت قابل ملاحظه وجود ندارد.
او می‌گوید: ((بین این دو حرفه، یک تفاوت کوچک
موجود است و آن اینکه در نمایش لباس‌ها یک محصول
به معنی فیزیقی قرار می‌گیرد و در حالی که در سینما
تخیلات یک نه‌سند، خلقت کارگردان، مهارت
کامه بین به صورت یک مجموعه توسط هنرپیشه
موضه میشود.

اگرچه در فلم‌های هندی رهمرفته نقش حساس
برای یک هنرپیشه، به ندرت محسوس میشود ولی
تلاش خواهم کرد تا چنین نقش‌هایی را در بام))
(سنکیتا)) فعلا حدود پانزده فلم در اختیار
دارد که آنها را طی یکماه اول سال محسوس قد نموده
است.

اگرچه در این‌واخره داستان مشقی ((سنکیتا)) با
(آزایمان) روی نماند ولی او موضوع را اینگونه
جلوه میدهد:

((در زنده‌گی من فعلا هیچ مردی سابقه
ندارد. اگر کسی نایبانه به من شوق می‌ورزد
مرا دوست میدارد باید تا زمانی انتظار بماند که
به آرزوهای که در قبال بازی در سینما دارم موقانه
نایل آیم)).

ویا سالهای مینوز به ظهور می‌رسد.

ولی همچنان انحصار زنده‌گی
جنسی نیز اسباب بدیده کلیتومان
(عقد و گزنگی روانی) را فراهم
می‌آورد.))
منتها مرد هانیز می‌توانند
از نقطه نظر زندگی جنسی منجمد
باشند، پس چرا آنها دست
به سرفت نمی‌زنند؟

روانشناس هامبورگی بنام
زیله ویبر در پاسخ می‌گوید:
زنها بیشتر ناخوشی بوده و کمبود
عاطفی و جنسی رایج و عیاحت
درک احساس می‌نمایند، در
حالیکه مرد هاندت عاقل‌امو -
خته‌اند که چگونه عواطف خود
غله حاصل نموده و مانع بروز
ان گردند. مرد هایشتر بیماری
های جنسی مبتلا می‌گردند.))

نباید از ندراند اخت‌که
زیودن یعنی دزدی رعایت
خاطرمی بخشد. در جریان
دزدی انرژی تشنج روانی از او
شده کسیده‌گی و گزنگی انباشته
شده از میان برداشته می‌شود.
و بالاخره انگیزه رعب و وحشه
که از بازیگری ترس‌میان می‌آید
با احساسات لذت‌آور جنسی
می‌تواند ارتباط داشته باشد.

دو مین نفر معترف به سرقت چیز شده‌اند.

رعیت بیشتر در دزدی -
اجناس از قبیل، عطریات، لوازم
آرایشی، زیورات، ریکاردهای
موسیقی، فرآورده‌های چرمی
والیه سود روز که بی‌بزه مسود
بستند خان‌ها قرار دارند، دیده
می‌شود.

رواقعا خانها، با وجود
اینکه در مقایسه با مرد هاکتشر
مرکب جرم می‌شوند، به اصطلاح
در بالا رفتن دزدی مقام اول را
احراز می‌نمایند.

در اطری منتشره وزارت عدل
ریاست نورد این‌وست فالن المان
عرب چنین آمده است: ((در
دزدی مغازه‌ها زنان و مردان
نسبت ۱- را بخود اختیار نموده
که عدد بزرگتر مربوط زنان است))
علت آن چیست؟

روانکوی از دوسلدورف بنام
داکتر هانس یواخیم شوین،
هرمون‌های زنان را مقصر شناخته
و می‌نویسد: ((عقد و گزنگی
های روانی در رابطه‌علسی
با اختلالات غده‌ای قرار دارند
که در مراحل نوجوانی (۱۲ -
۱۶ سالگی)، قلعه‌گی، حمل

بازی با ترس

هر دو مین شخص بازی با ترس
را انجام داده است. از تحقیقی
که در شهر هامبورگ المان
فدرال صورت گرفته، روشن
میکرد که چرا تعداد کثیری از
زنها در مغازه‌ها به دزدی می
پردازند. ((نورا برمن چیزه‌گی
یافت و خطر را در جیب پنهان
کردم))، اهتراف ویژه و تهیه‌یک
زنی است که در فروشگاه‌ها به
دزدی می‌پردازد.

زیودن اجناس گسترش
نییابد و طوریکه تازه‌ترین آمار
نشان میدهد (۲۵۰۰۰۰) -
مرتبه در سال، باشندگان
المان فدرال دست به سرقت
اجناس مغازه‌ها می‌زنند و این
تعداد فقط انعامی را در برمی
گیرد که ابتدا بدستگیر شده‌اند.
طوریکه تجارت‌برچسبون
فروشی وانمود کرده، تعداد
واقعی انعامه‌الی بیست برابر
بیشتر از عدد فوق الذکر است.
از برسن همگان ای‌که در
شهر هامبورگ بعمل آمده، هر

بدنیست اگر بدانید

بیشترین ورزشکاران هنگری در تیم های خارجی عضویت دارند، همین اکنون ۱۸۰ ورزشکار هنگری در کلوب های مختلف ورزشی چهار قاره جهان ورزش می نمایند، که بیشترین آنان را فنبالیستها بعد از هند بالران، والیبالران، بیسکیت بالانک بازان، وواترپولس تشکیل می دهد، و ۷۰ فیصد از عایدات ورزشکاران به کلب های مربوطشان در هنگری انتقال داده میشود.

XXX

الینیت معروف ایتالسوی نخستین انسانیت که ۱۴ قله کوه یورست را فتح نموده است، او در نظر دارد قله ۸۵۰۱ متری یورست را تا قسمت جنوبی تسخیر نماید، تا حال هیچکس قادر به چنین کارنگردیده است. ورزشکار ۴۳ ساله به خبرنگاران اعلان نموده که در سال جاری در کوهنوردی بگرنیز او را همراهی خواهد نمود.

XXX

فدراسیون بین المللی باسکتبال بزرگترین مؤسسه ورزشی جهان است که ۱۷۲ کشور عضویت آن را دارد و در آینده قریب تیم های باسکتبال بعضی کشورهای دیگر چون تانکسو، موناکو، ایسلند و بعضی کشورهای دیگر نیز جدیداً عضویت خویش را در کمیونیکس فدرترکیزی اعلام نمیدارند.

فدراسیون وسیع و بزرگ است که در سال ۱۹۱۱ ابا راه انداختن مسابقات المپیاد از مدین سالگرد خویش تجلیل بعمل می آورد.

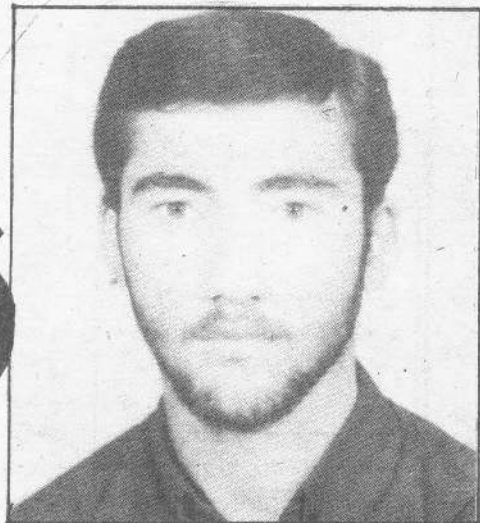
زمینه والیبالر

* زمینه ورزشکار مکتب نمبر ۱۴ مکرویان :

تمرینات ورزشی ما پیش از وقت درسی میباشد و باعث عقب ماننی دروس مانی شود، در فستیوال جوانان و تورنمنت های بهاری و خزانسی مکتب ولیسه های دختران جای اول را کسب نمود، ام مشکلات عمدتاً مانع بودن میدان و لوازم سپورتی میباشد، معلمان ما نسبت به سپورت اهمیت خوب ندارند با ما برخورد نادرست می کنند که شاگردان تغیل و بازیگوش هستیم، غرض بهبود وضع ورزش به مشکلات ما رسید، کمی صورت بگیرد، و در زمینه تهیه لباس و عصریسه ورزشکاران را کمک نمایند.



ورزشی



قوی ترین

مصاحبه از منیره

ناصر هوتکی ورزش

در ۱۱۳ آن سیک بومسه و در ۱۴ کشور سیک هیانگ رایج است. در تیم کواندو به عکس سایر ورزشهای رزمی مانند کاراته و کانگو ۸۰ فیصد حرکات روی باها استوار است و هر ضربه یا قدرت معادل پنج ضربه دست را تولید میکند.

در کشور ما شمار زیادی از جوانان به این بازی روی آورده و کلب های ورزشی آن را ایجاد نمودند. استاد تریگرکپ ((تی کواندو)) سه ((محتدم عبدالناصر هوتکی)) است.

خواستم تاباوی بیرامسون کارش صحبتی انجام دهم، موصوف چنان شخصیت گیرایی دارد که

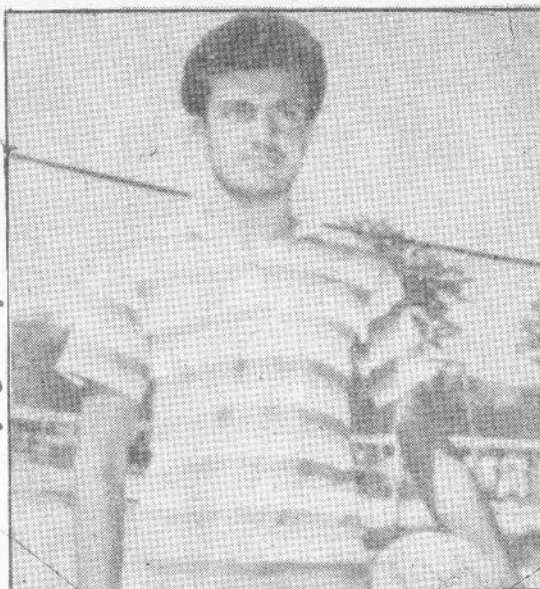
ورزش تیمی کواندو در جهان به عنوان کامل ترین و قوی ترین سبک دفاع از خود شناخته شده است. این بازی برای نخستین بار در کشور کوریا جنوبی بوجود آمد که کاملاً مجزا از کانگفوی چین و کاراته جاپان است و فعلاً به عنوان یک ورزش عصری و بین المللی در شراسرد نیابنداشته میشود. تیم کواندو از سه کلمه کوریا یعنی (تی) ضربه زدن و جهیدن (یا) (کوان) به معنی دفاع کردن ((دو)) به معنی روش مشکل است. این بازی دارای دو سبک شناخته شده است. تیم کواندو هیانگ و تیم کواندو یی بومسه میباشد و از جمله ۱۱۷ کشوری که این ورزش در آنها معمول است

از چشمانش مهر و حوصله میبارد، وی با قدرت و لوا پسی به حرکات پسران تمرین کننده مینگرد، او باورمند فردایی درخشان شماست. از جابجایی می خیزد تا حرکت نادرست یکی از پسران را اصلاح کند، یک بای خود را بلند مینماید و دست خود را به عقب برده به اندازه دو متر بلند

همایونج باسکتبالر

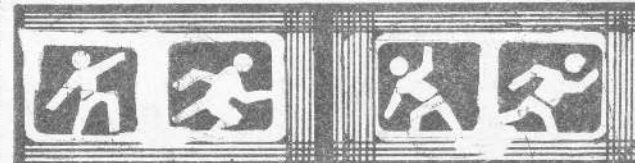
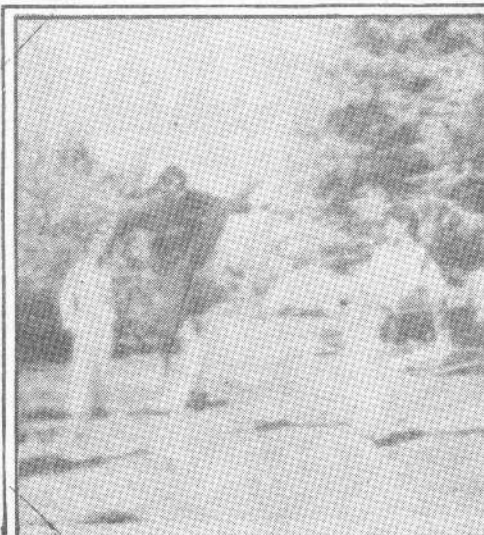
* در میان چهره های ورزشی جوان مکتب شهریکی هم همایون باسکتبالر لیسه انقلاب است ، وی سر تیم مکتب خود است اوصاف یک ورزشکار خوب را چنین بیان نموده است :
 ورزشکار باید جدیت ، تکلیف خوب و بازی ماهرانه داشته باشد .

وی در مورد موفقیت های خود گفت : اشتراک در همه مسابقات دارم و در سال ۱۳۶۲ ، تیم مکتب ما در ناحیه مقام اول را حایز شد . راجع به مشکلات شان در زمینه ورزش مورد علاقه اش - میگوید : لباس مناسب ورزش ، توپ کرکچ ، - عصریه ، اینها همه نیاز های است که شاگردان برای پیشبرد امور ورزشی بدان ضرورت دارند .



درخشانترین چهره های ورزشی آمریکای لاتین در سال ۱۹۸۸

به اساس نظر پرسی سالیانه آژانس خبری پرسنالاتینا ، هاوسر سوتوما کیویا ، برجسته ترین ورزشکار خیز بلند امریکای لاتین در سال ۱۹۸۸ بوده که جایزه این آژانس برای بهترین ورزشکار مرد امریکای لاتین را برده و - همچنان سیلویا پول کوستاریکایی در آب بازی جایزه مجله پرینسا را درین عرصه بدست آورد .
 در جمله ده ورزشکار خیلی ها معروف یکی هم دیگوارماند و ما - رادونا ، از کشور آرژانتین ، در فوتبال ، دیگري انانید پلینا کیروت ، از کوبا ، در دوش ۴۰۰ تا ۸۰۰ متر استند .
 و اما در سابقه پرند ه ها ، طوطی آرژانتین در نمایشی در نزدیکی شهر بنکاک بیشتر از هم قطاران خود نظر تماشاگران را جلب کرد ، این پرند ه بزرگ از جمله چند پرند ه تربیت یافته در تایلند بود که با مهارت های هیجان آورو حیرت انگیز خود تماشاگران را به شورش و شغف در آورد .



سبک فاع

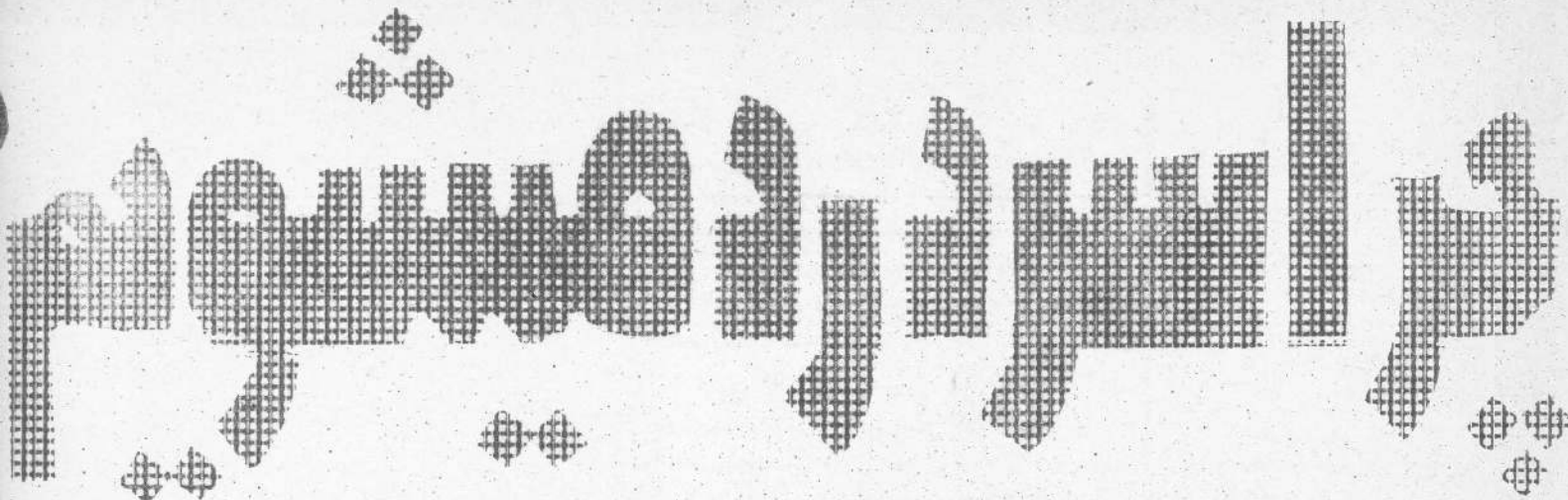
بازگشتم و کلب ((تی کواند و پوسه)) را ایجاد نمودم .
 از جمله شاگردانم هفت تن کمربند سبز ، بیست و سه تن زرد و بیست و سه تن سفید گرفته اند ، من میخواهم هر آنگاه که در مدت پنج سال تعیین موخته ام به آنها منتقل سازم برای شاگردانم بر علاوه تی کواند و طریق استفاده از سلاح های سرد مانند نان جیکو ، زنجیر ، چوب د راز ، شمشیر ، سامورایی ، پرتاب چاقو و پرتاب میخ را نیز می آموزانم ، فعلا به جز کار در کلب که ام مصروفیت دیگری ندارم ، چون امتحان کانکور بوئینتون را گذرانیده ام ، امید وارم سال آینده به بوئنخی طب قابل تحصیل کنم ، در اخیر به امید موفقیت های هر چه بیشترش با وی خدا حافظی میکنم .

معلومات دهد ، اود زمینیه اینگونه آگاهی میدهد :
 ((برای اولین بار در صنف نهم مکتب به ورزش بوکس روی آوردم و مدت دو سال تحت نظردرم این ورزش را موختم و سپس نظر فعلا - قه بی که به ورزش های زینیه داشتم به تی کواند روی آوردم و در سال ۱۳۶۲ نظریه عواملی به کنسورایران رفتم و در آنجا تحت نظر ((فدراسیون ورزشی ایران)) موافق به اخذ کمربند سیاه شدم و در ضمن مربیگری کلاس رانی نیز تعقیب کردم ، در آنجا با رهسا در مسابقات اشتراک ورزیدم چهار بار به کسب مقام اول نایل آمدم که غمه اسناد آن نزد من موجود است ، در سال ۱۳۶۶ به وطن

چهره جوان تکواندو

میود ، پسرانی که همه مجذوب حرکت او شده اند ، به دورش جمع میشوند و وی به تشریح حرکت خود میپردازد .
 بعد از اینکه تمرین آنها ختم میشود به وی که جوان بلند قامت و موهوبی است نزدیک میشوند و صحبتی بعمل می آوریم و میخواهم تا پیرامون آغاز کاروسا پر مصروفیت های شریه من





دیدن بعضی تصاویر، استفاده

از عینک‌ها و کلاه‌ها

بعضی تصاویر سردی

ترجمه ستانک

مجموعه وایلی
یکی از معمولترین علل سردی دردی صرف الکل است، شرب الکل کلی نشان مخاطی دهن را میسوزاند و در جریان عبور از مری آنرا نیز سوزانیده و به داخل معده میبرد و از آنجا به جریان خون داخل شده و در سراسر عضویت انتشار مییابد.

باید تمام اعضا و مجاری به سم خوش بعضی کمتر و برخی بیشتر از آن را میگیرند. حساسترین آنها در مقابل الکل حجرات صبی و مجاری مغزی است و گنگه میشود که معوم شده اند. این حجرات و مجاری خیلی زیاد دچار اختلال شده و جریان خون مغزی به هم خوشرا از دست میدهد و برخی از این مجاری تا اندازه بی منقبض گردیده و بعضی دیگر اتساع پیدا میکنند.

هنگامی که تاثير الکل از من رفت زمانیکه عضویت بسختی اثرات آنرا خنثی میسازد، مجاری برای

یک مدت طولانی در حالت غیرمادی باقی میماند ولی در وقت باید توجه کرد که بازم همین مجراهاست که دوران مایع فقراتی مخ و فشار روی زوهای مغزی و همچنان بالای خود راتا همین میکند. در چنین یک حالتی چه چیزی را میتوان انتظار داشت؟ بهترین چیزی را که باید انتظار داشت سردردی یا احساس سنگینی در سراسر است.

چه چیزی موجب حمله میگردد؟ سردی یا گرمی زیاد، کار بیش از حد یا خواب ناکافی. میگردد میتواند بعد از ماندن زیاد در بوسه اطاق دلتنگ کننده یا مبلوازد و در وجود آید. نقش صده رادر زمینه حالت روسی بیمار بازی میکند. شکل اصلی حمله چگونه است؟ خون از هر دو سمت از طریق شریان های قوی سیات (شاهرگ ها)، چه داخلی و چه خارجی به سر میرسد، حتی جریان ثابت خون در شاهرگ میسر میشود. دفعات از طریق سیستم شریان های داخلی و خارجی باز-توجه شود. در مرحله نخست افزایش سیخ شریان خون در شاهرگ داخلی به وقوع می پیوندد که با این کار آنه عمل رساندن خون به بخش های دیگر دماغ بهبود حاصل میکند. این کار بعد چشم و شنوایی را خیلی نیز ترمیم میسازد و فعالیت عمومی بدن را پیرایه سه متر میسازد. همزمان به آن، جریان خون در مجاری متسع شده شریان سیات خارجی (شاه)

رگ خارجی) متاسفانه بطور آتی گذر می شود. صورت بیمار به سرخی میگراید این نشانه یک حمله محسوب میگردد و در واقعیت امر نخستین مرحله میگردد است. مرحله دوم بیماری باعث پائی توفیع سیخ دیگر جریان خون میگردد و در این حالت صورت بیمار رنگ باخه بنظر میرسد. زیرا انجاری سیستم شاهرگ خارجی تنگتر میشود. در این حال، مجاری مربوط شاهرگ داخلی بطور آتی منقبض شده که در وقت موجب سردردی میگردد. حادثه این تغییر در مجاری زوده های دماغی به مشاهده میرسد و بالای گیرنده های درد حساس میگردد. سردردی غیر قابل تحمل میگردد. این تغییرات در مجراها

همچنان فشار داخل جمجمه بی را بالا میبرد. در وقت برای بیمار بعضی پالانویه استهراق دست میدهد که به تمهید آن حمله صلا به پایان میرسد و این حالت است که مایع اضافی دیگر از بدن خارج شده است. کاهش دوشار سلول اتفاق می افتد و استقامت لسی تا حدودی در زوده های دماغی از من میروند. اینست آنچه بدن بخوش کک میکند ولی بدبختانه صوف وقتی این کک میسر میگردد که تهبانی حله رنج نهادی را متحمل شده

در مرحله دوم دواهایی که موجب تنگ شدن مجراها میگردد - اسامه میتواند حمله را بر طرف سازد ولی بهتر است از وقوع حمله جلوگیری بعمل آورد بهترین راه برای این کار غسل پاها با آب گرم است - هم چنان بهتر است دستان را در آب خیلی گرم غوطه وریخت - پلاسترو مرهم خردل میتواند تا شهر شاهی داشته باشد - تجهیز مقدار کم ادویه های انبساط دهنده مجاری - (صنایع پ پ ، پایا وین و غیره) برای یک مدت طولانی میتواند در راه مقابله با نخستین حمله تنگ کردن یا تنگتر ساختن مجراها مفید و سودمند تمام شود .

ولی طبعاً جلوگیری از مسکون همچنان شامل رژیم درست منظم - خواب ، استراحت و تغذیه و تفسیر اجزای تمرینات جسمی و حتی - پرورش و تربیت مجراها میگردد .

تصاویر، مثال ها ، منک ها و کلاه های شب پوش

از سالهای خیلی قبل یعنی زمانیکه هنوز مصل بودم داستانی را که از طرف یکی از استادان مادر - باره داکتران معروف شوروی و - قدرت قابل ملاحظه شخصشان قصه کرده بود بخاطر دارم - این قصه در باره داکتر معالج و معروف پروفیسور ماتوی مودوروف است - یک روز زمستانی در اوایل قرن نوزدهم از جمله تاجرانیک در کپلین مسکو کار بهار مغازه داری را پیشه کرده بودند ، مغازه داری نزد مودوروف مراجعه و از سردردی های شدید شکایت میکند ، بعد از معاینه پروفیسور از بیمار میپرسد ، ((از کدام مدخل به مغازه ات میروی ؟)) بیمار میگردد ، ((از مدخل سیاسکیا)) . داکتر به بیمار توصیه میکند ، ((از - امروز به بعد باید از طبقه مدخل بوروئیسکیا داخل کپلین شوی)) با این کار سردردی بیمار برطرف میشود ، بعدها از پروفیسور ملت را می پرسند زیرا سردردی ها با اظهار نظر یا سلمه با شهرت داکتر که - تدایون نمیشد ، توضیح داکتر -

مودوروف خیلی ساده بود ، در آن روزها بهر آنی مدخل سیاسکیا - مثال حضرت مهیم را اوخت - بودند ، این تاجر با مودوروف مدخل بمجودیکه پیشش به مثال می - افتاد ، کلاهش را بر می داشت و بدین ترتیب سوش خنک میخورد ، بهر آنی مدخل بوروئیسکیا چنین مثال می - وجود نداشت .

چنین بنظر میرسد که عمدتاً سردردی های تاجرانیک از بیماری ضلالت کوچک و نازک واقع در حلقه های موجود است ، هرگاه تمام اینها آنا منقبض شوند ، طبیعتاً میگویند ، می ایستند یا بلند میشوند در وقایع بیماری های التهابی و - خنک خورده گی ها این ضلالت دچار درد شدید میگردد و چنان تصور میشود که تمام سردرد میکند . باری این یک بیماری خیلی معمولی بود ، بخصوص در موسم های سرما در اخیر شب بخاری ها و همراه با آن اطاق ها خیلی سرد میگرددند - کلاه شبانه محض جنبه نشن رادر بر نداشت بلکه آنرا همچنان بعلم کاملاً دقیق طبی توصیه میکردند - این روش معالجوی آزمایش شده - زمان میتواند حتی امروزه با نورمال نگهداشتن دوران خون در فسیح سردردی ها سودمند و موثر واقع شود . این کلاه شبانه بایست سبک و بقدر کافی بزرگ باشد ، در ضرورت عطیه نفس در پوست سر - متوقف خواهد شد و موجب گرمای - بیش از حد خواهد گردید ، در - صورت امکان ، این کلاه را از نشم نرم یا فانیل باید ساخت . این یک چاره ساده ولی نهایتاً موثر - وضع سردردی است .

ولی گاهیگاهی اینگونه پیشه شدن - ها واقعا پر ایلم های زیادی را بیمار می آورد ، بخصوص اگر تنگ باشد و سر را در ضیق نگهدارد و آنرا چون جالی تنگ احاطه کند یا در موسم مناسب آن پیشه نشود . محکم بمتن کالهای تنگ که حرکات کردن را - محدود ساخته و بهر مجراها فشار را در

می گذختی اگر این فشار کمتر هم باشد میتواند موجب سردردی گردد ، نتیجه آن درد ، احساس سنگینی در سر ، گداز در تنگ و کاهش واکنش - هاست . در تها تریا کفرانس ها انواع مایلند کالرها یا تنگ های شانسرا بست نمایند ، با این کار فوراً احکام آراش و بهبود میکنند .

اتفاقات ، سردردی هائیک از استعمال منک ها نیز میباشد ، یعنی تجهیز نادرست منک یا نرم ها که میتواند با لای بینی یا شقیقه ها فشار وارد کند . در اثر آن با لای - شریان های صدغی (شقیقه) فشار وارد میشود .

نمک و تتیاکو

بازی رشد موسم کرما بسیار زی را که در حدود ۲۵ سال عمر داشت به شفاخانه آوردند . معایناتی که انجام شد نشان داد که آب بدنش سرد و یا صایع شده است . داکتران معالج فوراً به تدایون - لازمه پرداختند و همچنان سعی - ورزیدند تا او را به نوشیدن میسور سازند ، برای حفظ فعالیت منظم قلب او سعی فراوان بخرج داده شد . ظرف یک ساعت وضع دمائی اش بهبود یافت و سردردی اش برطرف شد . ولی بیمار ضعیف و ناتوان باقی ماند . چه اتفاق افتاد ؟ بهر صورت ، بیمار تنگ شده بود .

جرم اینهنه ناراحتی بدوش - ماهی خشک کرده بود ، در هوای خیلی گرم ، مرد جوان دلش بسزای خوردن چیزی نمکی تنید ، بدون - اینکه واقعا فکر کند ، بصورت تدریجی در حدود یک کیلوگرام ماهی خشک کرده را خورده بود ، سرد احساس سنگینی میکرد ولی فوراً - توانایی اش را از دست داد ، فشاری را روی شقیقه هایش احساس کرد و در وقت بد رفتنش پیداشد و سوزش را نیز بشدت درد گرفت ، بقیه اش را نمیتوانست بخاطر بیارود .

صرف مقدار نهاد نمک در هوای

گرم زمانیکه اطراح مرق خیلی نهاد است موجب کمبود سوخ آب در بدن تراکم خون ، کاهش در مایع فتراتی مع و در نتیجه باعث پلیمین آنتادگی در فشار داخل قحفی میگردد .

ضعف نتیجه مشابه از کاهش آنسی صرف آب نیز بوجود می آید . - انسان بایست مقدار مایعاتی را که میگیرد صرف در حدود معین قابل قبول کاهش بدهد .

اعتیاد به سکرته یکی از صده تنه فوالمیست که موجب سردردی میگردد ، با گذشت زمان بقایای - تتیاکو به نه های صید و نسای آکسیجن در واقعیت امر کاهش می - یابد ، این عمل با لای مجاری سر تا شهر ناگاری دارد طبیعتاً دهک جالین مجراها در حالت تنج و در جای دیگر در حالت اتساع قرار می - داشته باشد ، بدین ترتیب در نتیجه سردردی های دوامدار دامن گیر شخص میگردد .

عامل دیگر

عوامل صبی در ایجاد سردردی هائیک خاصی را بعهده دارد ، هر - گونه جارو جنجال خانواده گی وضع فوق العاده وحاد در جهان کارو - فعالیت روزمره حتی يك مناتشه اغتای میتواند اضطراب روسی و بارها - سنگین روانی را که موجب ایجاد قلیح مختلف ضعف اعصاب میگردد و بنام اختلال صبی وایلی معروف است ، بهر آورد ، افرادی دارای کرکتر های قوی میتوانند احساسات شانرا فروشانند و آنرا نزد خود نگهدارند ولی نمیتوانند اختلال عصبی وایلی را که یکی از علل صده سردردی های معمول بدون ((دلیل)) است بر طرف سازند .

درسهای موسیقی برای همه

در تعریف موسیقی

قبلاً مجله سبازون سلسله درسهای موسیقی را آغاز نمود. به اداره محترم مجله نامه فرستند تا در آینده در نظر گرفته شود.

موسیقی کلمه غربی است از لفظ یونانی سوزیک Musique به معنی تعلیمات روحی گرفته شده و اینطور تعریف کرده اند: موسیقی صنعت ترکیب اصوات و کیفیت ترکیب الحان است. موسیقی هم علم است و هم هنر. علمت برای اینکه مبنای موسیقی صوت است و صوت بخشی از تریک است و اصوات با یکدیگر دارای نسبت های عددی است. وی از جانب دیگر هنر است زیرا با نطق و احساس سروکار دارد. در باره ارتباط شعر و موسیقی امیر خسرو بلخی دهلوی چنین گفته است: ((موسیقی عروس و شعر زور آن است))

اماد ریاره موسیقی افغانی یک محقق فرانسوی به نام پرونیسور موسیو جی د پلور چنین ابراز نظر نموده است ((موسیقی افغانی موسیقی د جهان راست)) بدین معنی که موسیقی افغانی شباهتی دارد با موسیقی های اسکندونی و فرانسیسی و هم مراکتی از جانب دیگر موسیقی افغانی نزد یک با موسیقی هندی است و وی علاوه میکند دهلوی موسیقی افغانی گنجینه نهفته است آرام با

شکوه دلیر نیرومند که نه باید هیچگاه فراموش شود و موسیقی های بیگانه جای آنرا بگیرد.

ولی فراگیری نوشتن به سبب غریب یا تقسیم و دسته بندی راگها و نال های سیستم هندی نباید با موسیقی ما بیگانه تعبیر شود بلکه سواد موسیقی است برای هر هنرمند فراگیری آن لازم و ضرور است.

همانطوریکه برای فراگیری هر زبان دانستن الفبای آن در قدم اول ضروریست به همین ترتیب در موسیقی هم دانستن الفبای آن گامی است در فراگیری آن.

قدیمی ترین الفبای موسیقی در چین و برای اولین بار الفبای موسیقی به زبان سانگرت در هند به وجود آمد. این الفبا در چوکات هفت سر یا هفت لغت یا هفت صدا این که از تکامل سرود های مذهبی به وجود آمد بود نامگذاری یا ریخت گردید.

الفبای مذکور که به الفبای طبیعت انتخاب و به موسیقی داد شد هر یک معانی بخصوصی دارد:

- ۱- شاجده به معنی صدای طبل و صد رفته است.
- ۲- رشاید: سرود یکی برنده بنام چنگا.
- ۳- گنداره: مانند صدای بز.
- ۴- مدایاه: مانند صدای مرغ ماهی خور.
- ۵- پنجامه: آواز ناخسته.
- ۶- دیوات: ترنم بقه در موسم بارانی.
- ۷- نشاده: ترنم آواز نیل.

همچنان یک نوع نامگذاری دیگری که منشا آن سرود های

مذهبی است قرار می یابد:

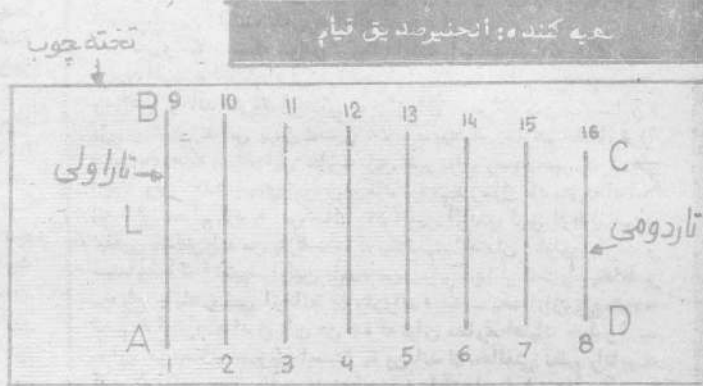
- ۱- براتاما: تون اولی
- ۲- دیوتیا: در دومی
- ۳- ترتیا: در سومی
- ۴- چتوریا: در چهارم
- ۵- پنجاما: در پنجم
- ۶- سیتا: در ششم
- ۷- سیتاما: در هفتم

ولی در غرب برای اولین بار فیتاغورث ریاضی دان یونان به استفاده از هفت صدای فوق که در شرق مروج بود و به انگلیسی ریاضی و صوت اله موسیقی را به وجود آورد که هفت صدای هفت سر فوق به آن تطبیق میگردد و یا گفته میتوانیم که مذکور اولیسن بیانی ساده ابتدایی بود صرف دارای برده های سفید بقایه بیانیهای امروزی ناگفته نماند که بیانیوت اله موسیقی تازه آراست و بعداً آرایه زبان یونانی نام گذاری کرد.

موصوف تجربه خود را آغاز کرد با استفاده از اینکه اهتزاز یا فریکوئسی از روی دفعات فی ثانی اندازه گیری می شود. مثلاً هر قدر که دفعات اهتزاز آواز در فی ثانی زیاد باشد به همان اندازه سطح سوه آواز (زیر) می باشد و همچنین به استفاده از قانون دیل:

۱- تاریخچه ریاضی از یک جنس مشخص با یکدیگر باشد.

۲- در کتب زیاد قرار گرفته باشد تا میرد برای اجرای عطیه خود نخته جوی و انتخاب کرد و سبب ثابتی را به آن کوفت که نقطه مذکور را (A) نام گذاری می کنیم



و بعداً در نقطه (B) میخ متحرک را محکم نمود و آنجا B های تاری را به دو میخ B بسته و توسط میخ متحرک کش نمود طبعاً با تماس صدای به وجود آمد مرتبه دوم عین تجربه نوق را در نقطه C و D نمود یعنی نقطه D میخ ثابت نقطه C میخ متحرک بود ولی موضوع مهم اینکه این بار فاصله DC طول تار AB بود بعد از کش نمودن تار توسط میخ متحرک C مشاهده نمود که صدای تار CD و AB با هم مساوی ولی تفاوت صدای تار CD و چند صدای تار AB بود که این موضوع را شمد رها مونیته های دوسره خود دیده میتوانیم وقتی یکی از برده های هارمونی را فشار میدیم بطرف راست و گاهی به طرف چپ برده هشت نیز با این میشود که عین تیوری فوق است.

حال طول تار سرهای دیگر بسیار مساوی پیدا میشود قسمتی نامبرده فاصله AD و BC را به هفت یا رجه مساوی تقسیم نمود بالای نقاط ۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸ میخ های ثابت را کوفت و مقابل آن بالای خط BC در نقاط ۱۰-

بقیه از صفحه ۲۷

سیلا نوروز

میخوانم و نه آهنگ کنی پیری را
من فقط از سبک بزاد بر پیروی می کنم
با همه آواز خوانانی که خواسته
باشند من امتحان میدهم استند
آواز خوانانی که صبح شوق آواز
خوانی به سرشان میزند و شب بیدار
روی برده تلویزیون می برانند باور
کنید از طرف فامیل ها و خویش تویم
شان باران یو تلفون می آید که
آواز او را بشنوند و یاد برود گرام
کاروان خله با او مصاحبه نمود
پس شما هر ساعت و هر لحظه
در آتش حسادت سوخته آید
بند من نسبت به کسی حسادت
ندارم ولی بر روی واقعیت نباید
پرد کشید

موسیقی شرقی و فلک لوریا موقعاست
گاهی آواز خوانان ما از طریق
راد یو بخصوص تلویزیون آهنگهای
هندی هم میخوانند نظر تان چیست؟
در جواب شما به غیر از آنکه بخندم
دیگر چه میتوانم؟
حالا آخره تصمیم آخری تان چیست؟
بالاخر اگر اجازه ثبت آهنگ در
راد یو تلویزیون برام داده نشود
تبله جازیند دهل و هارمونی
شما قبلاً به این مطلب اشاره
نمودید که امتحان آواز خوانی
دادید و موفق شدید یکی ها از شما
امتحان گرفتند؟
استاد هاشم موسی قاسمی غلام
در امتحان ما استاد محمدمهر
استاد هاشم موسی قاسمی غلام
نمی خلاصه که ۴ تن از استادان
دان و زید حضور داشتند

عکاسی جهان نما

عکاسی عکاسی جهان نما
رنگه و سبک و سفید می بدید
در شهر مزار شریف منحص
شفاخانه ملکی شمار روزه تریب
تلفون ۰۲۲۱۴

سندوی عکاسی جهان نما

عکاسی عکاسی جهان نما
رنگه و سبک و سفید می بدید
در شهر مزار شریف منحص
شفاخانه ملکی شمار روزه تریب
تلفون ۰۲۲۱۴

زند و اولاد از بدو چه میسر می آید

و در یکی از این شبهای منحوس - چرکین و لعنتی بود که مالک آب - تلخی را برایم داد تا سیرکتش - قیلا - میدیدم که شیشه ها از شر آب به خلقم رفته - این معامله گران انسان تهنی میشدند اما آنشب در - برکه غرق شده و زنده نمی آید - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا زان و بیخود خندیده گریستم - کی میتوانست مراد رک کند ؟ دست و پا میتوانست گشود - ام ربه من باز هد ؟ کی میتوانست آنچه را که ازین رود شده بود ، باز د هد ؟ کی میتوانست برایم روزهای کودکی ام - مادرم - عفت د اتم را بیاورساند ؟ هیچکس - هیچ چیز هیچگاه - روزها و شبها میگذاشت و من دانسته بودم که وسیله مساعد در آمدن پولی صاحب است - کم کسی از مهربانی هایشان بهره میگرفت - یک روز مرا نزد خیاطی بردند و فرمایند لباس برایم دادند - لباسیکه - شایسته یک روسی باشد - شایسته بی یک زن هرجایی - لباسی که زیاد تر مورد توجه مردان و لگن و میا ش باشد ، و خیاط د اندست که من کن باید باشم قبل از اینکه لباس را بدوزد با مالک معامله خریدن را سربراه کردم مرابه خانه اش کشاند خانه میکند دست کسی از خانه قبلی ام ندانست و علاوه برین عده دیگری زنان روسی و بی خانسه نیز را اینجا مصروف خدمت و پرداخت جنسی مردان (مشتتری) در این مارکتی انسان فروشی بودند

فکرتی اتفاقا هنوز آفته باد و دست مگرت و مخدرات و الکل بود ، اینها محافل نمنا دستاره جمعی بودند ، همه محرم بودند ، در این خانه من به مثابه زن نوجوان به تمرین رقص انتخاب شدم و دست کسی گذاشت و شریک شریک یا هام در سالون ها - اتاقها و حیوینی هاییکه جمعی از مردان عیاش - قمار باز و وحشی جمع بودند طنین انداخت روزها و شبهای دیگری نیز چنین گذشت با این تفاوت که همواره بارقص ها گاهی میخواستند برهنه برقصم و وسیله ایمن حراب را در من با شراب و جرس تقویه میکردند و بدی نگذشت که یکروز از این روزهای منجمع همه ما همراه با (خانه والای) مانعم به نجایم و فحشاء پشت میله های زندان رفتم - زندان این باشگاه آزادی ام - زنان محبوس را اینجا طوری به من نگاه میکردند که میشویدم - شاید با خود میگفتند این دخترک احمق بد بخت تر از ما است ، چنانیکه یک زن جوان وحشی با چشمهای همیشه از حدقه بدآمده اش میگفت : (سرماره از پشت خار) ، تعاروتها یک زن در زندان به همه داستان گذشتند ام علاقه گرفت و زنی که به اتهام معامله گری روسی ها محکوم به حبس شده بود و دستش را که در توقیف بودم یاد نظر داشت بی کسی ام به من زیاد کنکها کرد بجه بعد از زندانی شدنم دیگر حتی از معامله گران خبری نبود که احوال را بگیرند بگر محبوبین (با یواز) ها داشتند و اما من جز هر لحظه مسردن دوباره (با یواز) نداشتم ، زنی که از اقمیت زنده می آید ام آگاه شده بود بیکروز آزاد نشد ولی همواره خبر را میگرفت و بعد از یکماه منم بیکروز مقامات زندان برایم اطلاع دادند (توصیهای منی و مطابق قانون) نباید توقیف بمانی و در همین روزها آزاد خواهی شد و من که در اینجا یکسال و شش ماه (کیوها) سپری کرده بودم ، خبر آزادی ام رابه همان خانم - مهربان من مسلکم که در زندان آشنا شده بودم بازگفتم و او آدرس منزلش را داده بگفت بعد از آزادی با او زنده می خواهم کرد - به مجرد ورودم در منزلش که جایگاه نمنا بود ، در ریاضت که تقدیم چنین بوده که من نباید دروزن جایج باشم ، آخر غیر از چنین جاهایی کجا میتوانست بناگاهم باشد ؟ کی میتوانست مرابه خانه اش فریاد چنین اشخاص معامله گر حد هد ؟ هیچ جا و هیچکس - چرا نتوانستم خود - کشی کنم ؟ زیرا نتوانشرا نداشتم - زیرا میدانستم که از فعالیت معامله گران برای روسی ساختن دختر دیگری جام را باید بر میگردد معلومگویی میکنم

اما اینبار بعد از بد تیکه در این خانه زنده می میکنم ، صاحب خانه (ما همان زن) به خاطر جلوگیری از بندی شدن من و خودش سرا به عقد نکاح بصرن که مردی بود از قماش مردان ذلیل و ست فقرت - در آورد و در پیش این نکاح من یکی از اعضای فعال گروه عیاشی این خانه شدم ، و این وقتیکه که این خانم برایم محوطه نویسیه خاطر عرضه حسن جوانم به مردان وحشی صفت که در برابر پشت پولی شیبی وساعتی را کنار سرمیکردند و من به تنهایی ناگزیر بودم ، پرداخت آنها را طوری بکم که در لندن میخواست - وقتیکه باید بداند آن اشخاص مرضی های جنسی در وجودم از این فعالیت (با) میوزم محکوم به اخراج همه امیر خانه میشوم - خانه بیکه همیشه مهمانان بیگانه و مشتربان وحشی با آن سروگردا شتند ، شوهر که اصلا در اندراب زاده شده بود و بعد بی از اعضای فامیلش آنجا زنده می میکردند مرابه اینجا انتقال میدهد و دوباره ازین فحاشی میخواهد و اما حال دیگر مسرفی

بدش جنسی دانگم شده بود که باید ابا میوزیدم و کارهاییکه باید در آنجا انجام میدادم ، بالاتر از توان بود - باید زیاد تر زنج بی کسی در میان ناگهان دین صفت ترا خودم را میکشیدم - روزها از درد و سوز سوز بالاتر از زنجی نباید میداشتم - ناگزیر و بیکار بودم ست به دروغ میزدم ، یعنی فرار میکردم - با تقبل دهه های شربی و بی عشق راه کابنیل را بپوش میگفتم ، در کابل هر شبی را باید نزد مهمانان از روی گاه در منزلی - گاه در سرای - و گاه در در کانی سر میبرایم ، برضی ام شدت پیدا میکند من مرده بودم و از روی بد فون شدنم رانین راهمه احساس مسر رسیده میباشتم و چندی بعد دوباره راه خانه ماد روشوم را بپوشی میکنم ، اما بعد از اینکه تضرع برای معاف ساختنم از روسی گری میکنم و برضی ام رادلیل من آورم از توجه و مهربانی های بهترین بی بهر - این اختراع بود که وادانم به فحشا کرده بود - اجتنامیکه تنها از کتافتهای آن بهره داشتم ، هرگز کسی ازین دعوت به پافتن بستن نکرد ، هرکسی به دست نظیر سلام دانگم بخاطر فروش جانم و بد بگری به خاطر برداختهای جنسی اش - و من در رانینوی از نیازهای منستن - این بزرگترین اشتباه اطلاع بدیده ام

د بوی نگذشت که شوهر دوباره از اندر آمد همراه چنگ بود - لیس دادند به اتهام اصلی ام (فحشا) بلکه به اتهام سزقت پول و جواهرها زخانه اش و اینها را محکوم به جارسال حبس کرد بدم و دوباره زخم محدود زندانی برین تحصیل شد - محیطیکه هنوزم انتظارها را دارم ، محیطیکه در آنجا بی تفاوت ترین خبر برایم رسید ، خبر مرگ شوهر امورد و من بعد از سوری نمودن میخانه توقیف در منزل مادرش به ادا شده زنده می میکنم گرد بدم و کمال بعد از این آزادی کسی از طریق تلیفون عشقش را به من بازگفت - کسیکه نمیشناختمش - اولین بار در سینما و ده گذاشتم - اولین بار یک مرد برایم از عشق گفت و او بخاطر از دواج با یک روسی از خانه پدرش رانده شد - بعد از ازدواج متوجه شدم که او توان دادن نان من چه که توان مصارف احتیاج خود را - ندارد او معتاد هیروین است ، بدون اندک مخالفتی نظرم را تایید کرد که برقصم پول بیاورم ، بد تیرا در اینجا و آنجا در این محفل وان - محفل رقصیدم و اما نمیدانستم که باید برای رقصیدن نیز اجازه نامه داشته باشم - به کشته گتورفتم بعد از شرایط لانم برایم کارت دادند - که تا حال به اعتبار همان کارت در حلقه مردان مست و سی خود چرخ میخورم - پول میکنم و بر این ظلم را که هنوز کرد که بکمال است ، بنان میدهم و نه تکه هامیچم ، چرخ میخورم پول میکنم و شوهر معتادم را مرفوع میسازم

من حالا (کل بی بی) نیستم - او در دوازده سالگی مرد ، من ((سهیلا)) شده ام ، ((سهیلا)) بیکه شرم سرخروی ((سهیلا)) هاست سهیلا بیکه شرم هر دخترترین است -

شبهات برقصم روزها میخوام - بد رکود کم از هر اس جلیب نظامی و عسکری در خانه رامین رانگاه میکرد تابندی شد ، او بیخود تر از من است من بر یاد رفته ام و از فرقی در بر یاد ی اعتقاد است

بگذر حالا دیگر که در غریبترین یک زن - بی حجاب زنده می اش را چنین قصه کند که ، دیگر زاده از این برای رسوایی چیزی باقی نمانده من در پیشری بزرگ شدم و پیشروی عادت شده ، پس از چه باید شویم ؟ چرا باید هراسید ؟ تعمان نگاه نکرده ام ، احتیاج و انسانهای سنگدل و معامله گرش برین ظلم کرده نگاه کرده اند ، اما حال دیگر شاید بدم زنده باشد و از قصه ام آنقدر رنج ببرد تا ببرد ، گاش چنین با فرور میبود - مردانیکه در دستم خوابیده اند ، از قصه ام سوخی خواهران نویالغ همسران شان کنند گاش چنین نیرو پیدا شتند - معامله گران از قصه ام دست به کیسه هایشان میزنند و دیگر از معامله انسان آنرا برکنند گاش چنین تقوی میداشتند

و من از قصه خنده کم - آنقدر خنده کم تا بهیچ ود دوباره زنده شوم و تقدیم بیکه اشن باشد گاش چنین خوشبخت میبودم

من سواد ندانم اما زبان سواد زنده می آید - زنده می آید این بزرگترین اشتباهیست که مجازاتش را با خود دارد و از گردن شربان من در دهانم با دست د بگری در بر گهای گافت ترسم میشود

من نه گم نه اسلام - نه زنده و نه مرده - تعمان بی انسانیت که سبب است برین است و منم در بزرگ شرافت و خوشبختی است از من کوچیده ، شاید خدا چنین خواسته که این بد و (خوشبختی و شرافت) رابه انانی از زانی بدارد که توان م فون شدن در زین و جها و آشوب بی عشق راند از بند و بازو سیی ها که این توان رادارم - بر ما تا اوقت این آشوب روایند داشته شده که چون فریاد از ستاری زمین تا بیکران نایوبد شوم ، زنده می طومار آماز شدن است و بیگ طومار زنده می و من آغاز شده ، انجام شدم ، مانند آن قناری که زبانش (زنده می اش) را - گرفته اند و اینش را بیخود م با فریاد و گور خود را میقتدر حرم میکند



آیاتاسی و خیل میرمن یاستی

دغه
ازمایش ساعت تیری
ده، مگره بحان بوری
بی هم بایسد وتری
حتما تاسی ته خیل
د کجکاوی حسن اجازه نه
درکوی، ترخوموخیل بحان
نه وئی آزمایش کړی چی
ترکوم اندازی بسوری د
کورنی له بحیرکو میرمنوخچه
شمیرل کیزی .
۱- فرض کوچه تاسی به کورکی
خو ضروری شیان نه لری، او د
بازارخچه یوازی یوشی رانیولا
شی، کم یوشی به تاسی اول-
واخلی .

ساخته ویرایم امکان داده اند که
مناسبات گسترده با رادیوهای -
خارجی بخاطر گشتوش پسته هایم
داشته باشم .

زمری علاوه بر کلکسیون پسته ،
دو صد و بیست نوع سکه های تازه
از افسانه از سی کشور جهانرا که متجاوز
از چهارصد سکه میشود تهیه دست
آورده ، در سکه های این کلکسیون
نوجوان سیمای تانخ سرزمین هاو
طل درازنه ، تانخ چه در سیه که
خط وجود داشته وچه قبل از آن
برجسته است .

زمری سهارضیر از این سکه ها
از بیست و پنج کشور جهان یکصد و بیست
نوع بانک نوت را تهیه کرد البومها تکمیل
میکند .
او آرزو دارد تا با کلیه کلکسیونران کور
تماس ، تبادل و تعمیم تجارت
داشته باشد چه تازه از دو سال به
اینسوراه برادرش ابراهیم سهار
زاد بخش کلکسیونسازی ادامه
داده و بارهنمایی و تشویق مستقیمش
به حفظ و تنظیم این کلکسیونها دست
یافته .

کلکسیونر مابین سال آموزش را -
پهوسه اول نمره ، مومو وصفی بوده
از ذوق و سلیقه ، عالی برخوردار
است .
کلکسیونهایش هر کدام تصویر
و قسه بیست از تانخی و دورانی وطنی .

کلکسیونهایم را دوست دارم

منعنه * کلکسیون سازی
در کشور ما پدیده بیست نو، معدود
از کلکسیونران کست، گوگرد، عطریات
شبیخ ، سگرت، پسته ، سکه و
بانک نوت و ... را سرانجام دارم .
زمری سهار نوجوانی که متعلم
صدف پنج لسه ، انقلاب است یکی
از این کلکسیونرها میباشد ، وی پسر -
بست هوشمند و دقیق ، او اکنون با -
کمال علاقه مندی سه هزار پسته
مهر خورده ، اضافه از ۴۰۰ کور -
جهان را با سلیقه ، لازم حفظ مینماید
بسته عایر که با نظم خاص در البوم
ها تنظیم شده اند ، سببهای -
اند از عرصه ها و حیوانات گوناگونی
جوامع مختلف بشری .
زمری سهار که از شوق و
حمایه ، فایده ، بخصوص برادرش -
ابراهیم سهار برخوردار است ، در
حفظ و نگهداشت کلکسیونهایش
سخت دقت دارد و میگوید :
(کلکسیونهایم را مانند کتابهای
درسی ام دوست دارم ، این پسته
ها مرا با همه سرزمین ها و ممالک آشنا

سه هزار
تکت پستی
در یک
کلکسیون

- الف - یخچال ۳۰ نمری
- ب - تلویزیون ۵ د
- ت - د کالیود مینعلوما شین ۲۰ نمری
- ث - بالابوش ۱۰ نمری
- ۲- آیاتاسی همیشه خیلند کالیو الماری تنظیموی .
- هو ۲۰ نمری
- نه ۱۰ د
- ۳- آیا هر هفته خیل کور همیشه به هغه معینه ورخ جاروکوی .
- هو ۲۰ نمری
- نه ۵ د
- ۴- آیا ماکلی له دی چی میلانه موکورت راشی ، کولای شی تمول خوراکی مواد به اشترخان کس تیار کړی .
- هو ۸ نمری
- نه ۲۰ د
- ۵- آیا کیم وخت داسی تصادف واقع کیزی چی خیلو میلمنو ته سوی بوپوی ، مخ ته کیزی دی .
- هو ۱۰ نمری
- نه ۱۵ د
- باتو به ۹۳ د

اختراع پاپیروس

و دلتای نیل در آن هنگام فراوان یافت می‌شد، مصریان مخز این گیاه را بصورت نوار می ساختند و نوارها را دولا و سه لای بصورت چلیپایی روی یکدیگر می‌گذاشتند و پس از سر کردن آنها را پاشا ر بی‌یکدیگر چسباندند و سپس آنرا صیقل میدادند و آنرا به صورت کاغذ نوشتن استقا د میکردند.

ناگفته نباید گذاشت که کاغذ های راکه امروز استعمال میکنند، بسیار بعد تر از پاپیروس اختراع شده اند.

درجه اهمیت قرارداد داشتند اما آثار طولانی ادبی نیازمند نوعی کاغذ بود.

مصریان باستان مساله نیاز به کاغذ را با اختراع پاپیروس حل کردند، پاپیروس ماده نوشتن مناسبی بود که از مغز علفی بنام بردی Bardy بدست می آید و دریا تلاق ها

حظنویسی انگاهی ارزش اجتماعی خود را بتمامی اشکار ساخت که انسان توانست ماده بی را اختراع کند که به فراوانی و ارزانی در دسترس باشد. واضح است که تا زمانی که خط نویسی منحصر در آن بود که خطوط را روی سنگ حک کنند، استعمال آن محدود و به اموری می‌شد که در نهایت



میزند و باعث آسیب دایمی یا شروع تشکیل سرطان میشود. یکعده از سلول های که از این طریق مورد حمله قرار میگیرند شجریه بیماری کشنده لوکم می شود که سالها بعد ظاهر میگردد، همانگونه که سالها پس از انفجار اتمی در هیروشیما، موارد آن پیدا شد.

که علت آن احتمالا از اثر اختلال عمومی میتابولیس سلولی است. سبب تعداد بیش از حد ریشه چه ها یا رادیکال های است که در کارواکنش های انرژی وقفه ایجاد میکند، مقدار کمترین اشعه که البته بازم خطرناک است (میکانیزم سنتیز اسید نوکلیک) پروتین لطمه

نشر بیش از حد اشعه اتمی که فی المثل بر اثر تصادف در حمل و نقل (پیل) هسته ای تراوش میکند، یا بر اثر تماس مستقیم با بمب ها و یا از سقوط آنها ناشی میگردد، و اکنش های شدید در همه سلول های آسیب دیده ایجاد مینماید

تأثیر اشعه اتمی بر موجودات زنده

کنید

س از شهر مزار شریف:

س: خانم نام که بسیار کم خلی، بد برخورد و بدگذاره است زندگی راتلج نموده معما گویند چکار کنیم که زندگی را به خوبی و آرامی بگذرانم!

ج: برادر عزیز! خانم نام بگیرد تا خانم اون نام سرعفس بیاید.

چرت عروسی خود میباید که به چرت بوره هم نمیشود.

راسیه احمدی از کلوله بشته متعلم سن ۱۰:

س: گفته بعضی دوستانم سواد چندانی هم ندانم قساره ام بدگو نیست، آواز را چه عرض کنم، میخواهم نطق شم چکنم؟

ج: همی، واسعه پیدا.

حالا که پرسیدید... حومه خواندن دروس خود را - هم ندانم!

ج: کلان ۱۹۸۱ را بید کنید.

خانجان از صوفی مویل:

س: محشر ستار نواز خوب ما مجرد است اگر نیست پس چرا خوب می نوازد؟

ج: محشر نامزد است و در بقیه از صفحه (۴۵) است و حالا کامران مدت بسیار و چار دختر دارد، خودش میگوید تعداد بچه ها و دخترها باید مساوی باشد ورنه برایم شوم است مرسیه از بو هنتون لایل:

س: چه کنم که علاقه به مطالعه پیدا کنم، حالانکه حتی

است. اینها انواع منسوجاتی را از لباس شبانه گرفته تا خیمه مخملی هندی که با برگه های طلایی تزیین یافته در بر میگیرد. فرانسیسکا گالووی آمردیار - نمت اظهار میدارد: ((در پنج سال گذشته بازار منسوجات رونق گرفته است. تازه ترین منسوجات در لجنی لباس قرن بیستم است، که در حال حاضر موزم ها خیلی زیاد مایل به خریداری آن اند.))

موزم استرالیایی بخاطر پیراهن ساده، دراز و چین دار ابریشمی و جاکت بخلی که کار طراح ونیس آقایی ماریانو فورتونی بود مبلغ (۷۰۰۰) یوند پرداخت.

انتونی سپینک بانگامی اخترا آمیزه گذشته ها اظهار میدارد: ((برای بیش از سیصد سال جنسیت و کیفیت اساس فعالیت ما را تشکیل داده است، آنچه که موجب خوشی من میگردد اینست که مسترد و معیار مانست به گذشته بالا رفته است.))

مرگاه بهترین

بقیه از صفحه (۲۹)

در منزل فوقانی اند ریولیترا ند باید الهایی سروکار دارد که از فتوحات معروفی از قبیل ترافالگر و واترلو و مبارزاتی که سالها قبل به باد فراموشی سپرده شده است از قبیل جنگ جین (۱۸۴۲) - اوی سینا (۱۸۶۷) جمووکشمیر (۱۸۹۵) سودان عهد خدیف (۱۸۹۶) نماینده گس میکند بروی اکترمد الهایی برتانی نام گیرنده مدال، رتبه و رشته خدمت او موجود است، برای علاقمندان جمع آوری کننده مدال تاریخچه برنده مدال وکا - روایی های او بخاطر کسب مدال دلچسپ است.

یکی از دلچسپی های تازه سپینک تک باب -

قوایسه فروشی

علی گلرین

مصرف کلینیک مرکز

ادیان عمده هند

۲- ریشه و اصل تلم ریج ها در تناف آرزو نهفته است
 ۳- هشت راه برای زدودن ریج و درد وجود دارد به این شرح ایمان درست، اراده درست، گفتار درست، کردار درست معیشت درست، آگاهی درست، اندیشه درست، خلصه و حال درست.

این آیین در سیلون و بنما به شکل ساده تر بنام ((هینیا نه)) باقی ماند، در کوریا و جاپان به نام ((مهایانه)) و در تبت به بنام ((لاما)) وجود دارد.
 در هند و چین مذهب جدیدی به نام آیین کائود ایابود یسم جدید رواج دارد که مقدسات سایر ادیان را نیز مقدس می شمارند.
 ۳- جین

یکی از ادیانی است که در قرن ششم قبل از میلاد، همزمان با ظهور دین بودیسم رواج یافت. اصول اخلاقی این آیین مبنی برین استوار است که به هیچگونه جاندار، هیچگونه بدی و آزاری نباید روا داشت.
 آیین جینیسم از پیروان خود، زهد و خود فراموشی طلب میکند و برای روز ارزش فوق العاده قایل است، بر اساس این آیین هرکس برای رستگاری باید سه گوهر معرفت، ایمان و تقوا را رعایت خود فرار دهد.

شبه جزیره بزرگ هند سرزمین فرهنگ، عبادت و مذاهب مختلف است به قولی دین سرزمین در حدود سه صد کیش و آیین وجود دارد. اما عمده ترین ادیان سرزمین هند عبارتند از:
 ۱- برهمنی

دین اکثریت هندی هاست، این دین منحصر به ریشه هندی دارد، شاید آغاز این دین هشتصد سال قبل از میلاد باشد، بزرگان و کاهنان برهمنی - برعین نامیده میشوند، کیش تلیت از برهمنی شروع شده (ویشنو - برهما - شیوا) است، به همین دلیل خدای خود را به صورت انسان دارای سه سر انتخاب کرده اند، رسالت این دین با برهما (رشن) است، که از زنده گی آن اندکی آگاهی وجود دارد.
 ۲- بودایی

آیینی است که پیروان آن تابع بودا هستند، این دین ابتدا شبیه به برهمنی بود ولی ظاهر پر دازی کمتری داشت. اصل اساس این دین عبارت از اینست که حیات ریج است و هوس زاید و ترک نفس تنها وسیله رهایی ازین ریج میباشد، کمال مطلوب دین بودایی عبارتست از وصول به ((نیروانا)) و یاخنا.
 اصول عمده بودیسم عبارتند از:
 ۱- جهان سراسر ریج و عذاب است.

بقیه از صفحه (۸۵)

درسهای موسیقی

ولی در هند قبل از قرن نهم الفبای موسیقی ذیل مروج بود: کهرج، رکعب، گندار، مد هم، پنجم، دهیوت، نکاد یا نشاد که با وجود آمدن موسیقی غربی - بندانی، نوع موسیقی کلاسیک تا امروز الفبای اختصاری بوجود آمد که آواز خوانان کلاسیک معمولاً در آثاری خوانند نوع اختصاری آنرا سرگم میکنند مانند: ساسری، گه، مه، به، ده، منی، سا، نوت؛ وقتی خواننده در آثاری آواز خوانی نام از الفبای فوق میگیرد آنرا ((سرگم)) میگویند همچنان یک نوع الفبای موسیقی در ایران هم موجود است مانند: برده، اورده، میانین، زینمایا، نمایان، رونمایان، محسوس، هنگام.
 این بود خلاصه از ظهور الفبای های موسیقی که زیاد تر امروز در دنیا مروج است و جمعا این هفت سر را به نام سرهای طبیعی یا Natural tone و در سانسگرت به نام بلاول یاد می شود

کارته نو تعمیر سینمای اقبال

قواسیه فروشی ارزان

دیوارهای (۵۰۰) ساله

و مقبول سما نمودند.

بقیه از صفحه (۲۷)

دیوارهای کرملین بیشتر از دو کیلومتر طول داشته که با در نظر داشت شکل اراضی منطقه به روی خط منکسر طوری که از هر برج میتوان تمام نقاط دیگر را مشاهده کرد، اعمار گردید.
 تمام برج های بیست گانه کرملین سیمای هستند اصلی خود و نام خود را دارد. دیوارهای برج های کرملین از خشت های خوب تکلیف شده سنگ ساخته شده که هر کدام آن تقریبا هشت کیلومتر وزن دارد. معموره چلیپا مانند از مصالح ریج و آهک دیوار ها را عملا محفوظ نگاه داشت گرچه آنها نیز بخش های مشکل سار بوی تمام قلعه را: حملات، حریق ها، فیرهار توپخانه، انفجارات، و تبق ها را متحمل گردیده اما با حملات رهاری هیچگاه متصرف نگردیده بودند.
 این دیوار نیمه ای از هزار ساله ایستاده و بعد از صدمت های مختلف هر مرتبه محتاطانه پوشش ها و خشت های آن تجدید ساختن گردیدند.
 واقعا که ارمن ها، کورچی ها، بلغاری ها، - پولیتدی ها، سنگ کاران بهمارخوب بودند اما با آنهم برای بار اول جهت اعمار این دیوار استادان روم قدیم دعوت گردیدند.
 دیوارهای کرملین به محافظه گاه معمولی - گنجینه معنوی جهانی، مبدل گردید. در کرملین سکواتار هنر و باستانی استادان بزرگ هنر حفظ گردیده است. کرملین سکوا - همین انسامیل روس - در شکل معنی و مفهوم معمول وحدت بدون اعمال به زور و تشدد شدن بیشتر مردم روسیه و دیگر مردمان روز زمین گردید.
 دیدن کرملین توجه جمعیت کثیر مساحیان، نقاشان، شعرا، و اشخاص دارای حرفه های مختلف را بخود جلب نموده و برای ایشان لذت بخش میباشد. حتی در قرن شانزدهم خارجی های که از سکوا دیدن نموده بودند کرملین را یک قصر بزرگ

سپردرد

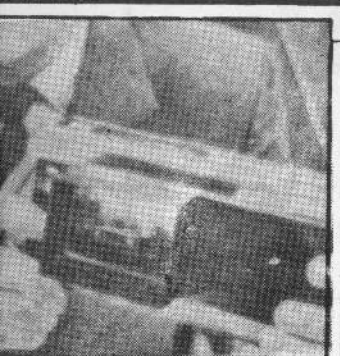
بقیه از صفحه (۸۲)

در همه موارد، اینه های سکن که پالن میروند، اینه های دانه را حساس در دستخیز می دهند و طبیعت آسانی آنطوری که هست باقی میماند و حتی نمیتواند که کزکرت و احساسات خود را تغییر دهد. وضعی که موجب بیماری میگردد در استخوان مواردی است که چگونه در شرایط خاصی با آن برخورد صورت می گیرد همیشه تغییر یافته نمیتواند برخی اشخاص حتی میباید خیلی با- چیز را هم میمانند و اینرا خیلی جدی تلقی میکنند. بعد از گذشت لفظ این اینها خواهد گفت، (بساله را - کاملاً درک کرد و ولی نتوانستم چو

احساسات را بگریز) ولی در واقعیت امر چنین کاری را نمیتوانستیم - ساختار خوش وضع زوسی او چنین است. سردردی ها با بسیاری بیماری ها از قبیل بیماری های معده، جگر، کلیه ها و ... همراه است. - اغلباً سردردی ها سستی در تریلیج - ناراحتی های سستی قنرات بخصوص قنرات ناحیه رقیق، رما - تیزم - بیماری های کولاجن تلیس نیز میزند میکند. در واقعیت امر، تمام - بیماری ها سردردی را با خود دارند و از همین جهت است که دانستن طل آن لیتقیر مهم تلقی میگردد و نه با یاد رک طت آن راه درست تدای وی را درسی میباید. در اغلب حالات، ظهور سردردی برای بیمار آشناست. به عنوان یک قاعده، بیمار رژی - های خیلی خوش را برای مبارزه با سردردی دارد. این رژی های تدای صوف شکل طوی نداشتند. بلکه اشکال خوب فلکوری. همسز وجود دارد. بیمار شکست برای لخته کتاه قسمت خارجه، جوف

اف (بالای بینی) را با انگشتانی محکم بگیرد (برای یک دقیقه در فضای آزاد) بیمار با این کار احساس بهبودی خواهد کرد. این عمل را میتوان تکرار کرد. یا اینکه سر را می توان بایک تکه نازک مکس بست. این تکه را تا ابرویان و - کوشاکتی گیرد و پوست پیشانی - لث بشاید. این کار با بسیاری بیماری های سردردی های ناشی از اینهمه آمدن فشار خون دارند که نهاد میکند. در سردردی های سردردی با مثل با ها در آب گرم بپوشد کرد. هر چند از آب خیلی گرم نباید استفاده کرد. در صورت آن تهیه معکوس آنچه که مطلوب است بدست خواهد آمد. از پلاسترهای خردل میتوان در پشت گردن و بین تخته های شانه یا روی قفساق ها استفاده کرد ولی این پلاسترها را نباید بکاره روی تمام این قسمت ها گذاشت. ساز خودی قسمت های - مختلف سردردی میتواند ضد ثابت

شود، چین فشار متوسط بر روی نقاط دردناک سر می تواند بوده است استفاده از مرهم ها مانند مرهم پلنگ تشان روی پیشانی و شقیقه ها میتواند خیلی مؤثر باشد. گاه گاهی با بپوشیدن بعضی سطحات و ماساژ ها با بخار آب و یا با سردردی بر طرف میشود. هرگاه در حالیکه روی جاده راه میرید چه سردردی دچار شده که شکست ناشی از نوشیدن روی پیشانی باشد. شال یا کلاه تا نرا تا ابرویان تا پایین میباید. گرچه این کار جذاب معلوم نخواهد شد ولی خیلی بهتر از آنست که به سردردی ناشی از خشک خوردن گی مبتلا شده که میتواند شکست دوامداری را برای آن بار آورد. باد چارشدن به سردردی ها معمولاً میدانم که چگونه با آن برخورد کنیم. ولی اگر سردردی برای بار نخست باشد باد و آب باید آنگه وضع بدتر شود، پس در آن صورت باید فوراً با - داکتر مشورت کرد.



پرده شفاف تلویزیون

الکترونیک شوروی آخذ و تلویزیونی کوچک را با پرده - تصویری که از کریستل مایع ساخته شده و فقط دارای ابعاد ۲۰ × ۱۰ × ۶ سانتی مقرر

مجله تلویزیونی

بقیه از صفحه (۷۷)

نوه مورد سوال قرار دم - هر چند که طریح های در زینه بهبود آن همین اکنون هم در سردام. - ایها صمیمی تراد اید که مجله تلویزیونی به یک مجله ترفی و خانوادگی بدل شود تا همه مجله هوشمندتر؟ ج - هرگز! هر تلویزیون بر نامه های فراوانی برای خواننده ها دارد: بر نامه زن و جامعه کودک و اطفال، جوانان، نمایش های تلویزیونی، بر نامه های ترفی و تفریحی، فلم، سیاه و ... ج - چه بچها با اشکالی در راه ساخت بر نامه، ثان وجود دارد و اما طریح و تهیه بر نامه چقدر به اراخ روان و آراستش زندگی ثان صدمه میزند. ج - تهیه بر نامه بی چنین مجله تلویزیونی هر چند که در گام نخست سهل و ساده به نظر میرسد، اما حقیقت اینست که دشواری های فراوانی دارد. این دشواری ها اگر از یک رهگذر امور تهیه بر نامه را در بر میگردد که مربوط به تهیه کنندگان بر نامه میشود، از سوی هم، محدودیت ها و امکانات اندکی هست که روال بهبود بر نامه را صدمه میزند از کم بودن وقت محدودیت های بودنی امکانات و عدم منابع - تصویر ضربه که بگذریم، گاهی زینر دست و پاگیر پالیسی و توجه ها سیاسی، اقتصادیه، کار و ابرای ماسدود میسازد که بهتر است از

کار و تهیه که در کل ما هرگز دست با زنی توانم شعری را در برگ های بر نامه بگنجانیم، نه راه - کله. آن از سوی مسئولین آرنهای و نشر توجه و در نتیجه سانسور - میشود. چه این شعر مربوط به مولانا بزرگ باشد یا حافظ لسان الغیب یا از شاعران معاصر. - من گاهی برای تهیه یک مطلب روزها سرگردانم و بارها با خاطر یک صعب و مورد نیاز چندین روز اینم در به ان در گفتم و نتیجه - همانست که تهیه بر نامه، تمامی لفظات را به خود اختصاص میدهد و از نگاه فکری و روانی، در حد فیر قابل تصویری خسته ام میسازد. تازه صوم بخش های بر نامه راه شایسته در حال دهر میکنی میهم. - من یک دایرکتور تلویزیون و مصورم دایرکتور بر نامه های ادبی چه اگاهی های را ضرورت دارد و چگونه باید در باره بر نامه اش تصمیم بگیرد یعنی روی کدام اصل اساسی اتکا کند؟ ج - دایرکتور بر نامه های ادبی در کار اینکه یک ژورنالیست است، با بیست تا حدود نهادن به ادبیات هنر و سایر لازمه های تهیه لث - دسترسی و آگاهی داشته باشد. او در واقع یک ژورنالیست هنرمند است. ج - فکر میکنم چه چیزی بر نامه تا نرا بر بیشتر میدهد؟ ج - صد سال میشود سخن از زلف پارگت. در میدان مبلش که مضمون نمائند است. ج - ایها تا کون مقامات تلویزیون شما را بخارج از کشور اعزام کرده اند. ج - من هنوز برای مقامات عالیه - تلویزیون اقتدر میزنم نشده ام که لیاقت چنین چیزی را بر ابرام قایل شیند

سدید

بقیه از صفحه (۳۱)

مرحوم سدید (۳۱) طی دوره کارش بیست و هفت سال برای هنرمندان و دست اندرکاران سینمای کشور لکچر های نیز تهیه می نمود. - مرحوم سدید قبل از مرگ اش شش سناریو آماده کرده که دو سناریو یعنی را عباس (شبان) کارگردان ورزیده سینمای مائیکمیل و بنام های (ستاره گان نمسی میزند) و (بهرت) فلمی تحت ساختار است و یک سناریوی دیگر ان تحت نام (تلاش) بوسیله موسسه هنری قیس فلم در جریان فلمبرداری قرار دارد. داکتر غلام محمد سدید در شان سه شنبه مورخ ۲۹ حمل ۱۳۷۲ ساعت ۲-۷ دقیقه در حالیکه

دو ساعت بعدی ان ماشا همد نشانای صحبت وی بهرامون صدمین سالروز تولد ی نایفه سینما - چارلی چاپلین از و رای نشرات تلویزیون جمع - شوروی افغانستان بودیم به عمر ۴۳ سالگی وفات یافت. آخرین کارهای او به سان اشکهای که در رخساره شمار می بندد و خشک ویه گونه - لبخندی ناتمام به تمام شدن زندگی او ناتمام ماند. ترجمه نسا پشینا تیا تری او بنام (بدن شکست را خورد کنند) برنده جایزه اتحادیه هنرمندان گردید، این آخرین یاد اش بود که هنر برای او اهدا کرد. وحی غم انگیز است این برای کسیکه با هنر زیست و در راه هنر و جلاش آن تلاش ورزیده و سر انجام حباب اکسا بر ستر

حسری از نفس انتاد. اعظم جوهر هنرمند شناخته شده را که تلویزیون و سینما ما در رابطه به شخصیت فرهنگی مرحوم سدید گفت: (مرحوم داکتر غلام محمد سدید که شش سالگی خواهر زاده من بود دوست بسیار صمیمی من نیز بود. مرگ نا بهنگام او برای من نیز سخت رنج آورده شد. داکتر سدید انسان خوش برخورد، خوش قلب، متمدن، با دانش متواضع و صمیمی بود صحبت ها و معلومات های علمی وی در سخن های مختلف برای علاقمندان هنر و فرهنگ ناب است. استفاده بود - من شخصاً در سخن سناریو نویسی از مشوره های سودمند وی بهره میگیرم، مرحومی دارای دو فرزند، یک دختر و یک پسر بود دل بستگی

نظم معده

بقیه در صفحه (۹۱)

یک نوع بکتریا را در معده اتویسی شده و بعداً در ۱۹۴۰ Fred Berg این بکتریا را در انسان معده مرض گسترگستگویی شده، دریافت نمود، در ۱۹۲۹ در استرالیا G. R. Warren در شفاخانه Rogalpearl این میکروب را در شیعی معده تشریح نمود و کلچر نمود و بالاخره تدقیق بیشتر یک ترکیب Blomulk + Cimil + line Tinidazole + Amoxicillin تولید کرد که بکتریا را محو میکند. با درن این واقعیت دیگر تداری گستریت عا و زخم معده، نه فقط به اساس تنزیل اسید معده که ممکن در اکثرها مرضیان قیلا کم باشد، میشود بلکه با محور و نابودی عاجل این ارگانیسم از معده و تعقیب مرضیان، تداور گردند و ناگاهت نمائند

مرضیانیکه با محور و نابودی مکل این میکروب و تدای مکل جواب نمیدهند، ممکن علت مرضی شان چیزی دیگر غیر از زخم معده باشد، ممکن فقط حجای حاجز و ابز و فسزیت و سندرم ایتزیال باول و غیره باشد و ناگاهت نمائند که بعضاً مرضیان ناقل میکروب بیلورن معاد سیمی نفخ و گاز هلو توسر و بدی بوی دهن، توسع پطن بعد از غذا - عارق زدن متد ام بوده که با تدای میکروب تمام امراض از بین میروند. در اخیر باید اضافه شود که اگرچه اسید معده در تولید ترحات رول دارد ولی تنزیل تخریب مقاومت میکروبا بعد در ارتعاش توسط بکتریا بیلوری برای تاثیر فکوریته و علت اساسی ترحات گستریت امی مزمن میباشند. (دکتور روح اللعویان)

تصویر بردار...

بقیه از صفحه (۳۱)

کرده و دست نشتر سبدم، از آن به بخلصورت تدریج تصویر برداری را آموختم و پس از آن برای تهیه زاینترها به ولایات کسور عزیز و همچنان در مورد به کسور های اتحاد شوروی هندوستان ویتنام، کمپوچیا، چکوسلوواکیا و نیویارک سفرهای داشته از هر یک کتاب را برایتان تنظیم و آماده کرده ام.

تصویربرداری استفاده کرده - اینست:

- از مینود تصویر برداری - تلویزیون و امکانات لنز و کمپوزر تلویزیون و هم از تبادل نظیر و تجارب دیگران استفاده اعلی حاصل آورده ام.
- با امکانات محدود کمرب تلویزیون، آیا تلم های نیز فلز - داری کرده اید ؟
- بلی کارهای در تصویر دارم و توفیق امروزم اولین محترم آموز هنر و فرهنگ تهیه آموزش بهتر بود - شترنگد اشتن و سایلند جهر سنز تکنیکی برای کار بر نمود به لویان توجه روی پرابل ها و خانه بد و نشی فرهنگیان شان مساعدت نموده تا با نیوی هر چه تمامتر در اجرای امور این بیشتر و بهتر بردارم.

که نوشته ام در پند ح زبانی، هنر آکت و تمثيل و هو - بالادوم چنین اشعار شعری میباشد. امید دارم قناعتتان را حاصل نموده باشم.

من - برای من جالب من میباشد ابراد رکبتی و سار و در زنده گی شما در افغانستان همین انگیزه برای شعر گویی چون نه اشک که در وصف آن شعر گویید که همه اشعار تاثیر در وصف شخصیت های هوایا سروده اید.

«اولاً اینکه عشق به اشعار خودیادم نیست و این نگارنده است و کارهای دول هم از قدیمت را در مغلز انبیا خارج است چنانچه حرکات غیر زلزلی و در دوران خون قلب خارج از اراده و انداره انسان است و ترقیه سلطان عشق بر زمین دل به خیمه زه منطبق و استدلالات کنی میکند و حضرت سلطان کبریا عشق امیران مطلق العنان و کلید و دل و روح انسان میگرداند و مانند خورشید در فضا نماند چیزی های دیگر را از زمین برده تا یکی های گوشه های بدل را در زمین ساخته و تقویت کینه و جدا و بیخ و بن و سر تا با از زمین قلب تخیله میکند.

«ثانیاً اینکه بزای صورتی اشعار خود بیک منبع الهام ضرورت داشته همیشه فکر میکردم چیزی را که کرده ام و کمبودی بی در خود احساس میکردم مانند یک آتش فشان منجمد مانده در حالت قبض از لحظه انفجار خود را احساس میکردم و این منبع الهام باید حتماً زنده انباشته و چون از یک طرف هنوز زخم جملات در لغت انبیا صورت نگرفته بود و مشکل میشد منبع الهام بر خود اید حتی نامکین نبود و از جانب دیگر چون به مبراهله زیاد داشتم و هم مانند جوانهای دیگر بعضاً علم های هندوی و اروپایی را می دیدم - که در تزیین معروضه بالا براد زلم حاصل دیدم منبع الهام خود را پیدا کردم و بقصد استان را بخودشان میدادند.

نماند درین شعر در گزین ریاضی کد خود به ملک دیگر میفرستیم یک چشم ندیدم که از آن چشم کور است این شعر چه شعریست که میخوانند از بقیه از صفحه (۷۵)

مجنون قرن

بقیه از صفحه (۷۳)

بقیه این ترانه را در مجله مطالعه نمایند و نگاهته نمانند تمام جزایر و روزنامه هائیکه گفته آمد بازگردند خود موجود است و یاد رکاب به خانه نامه کابل در صورت لزوم آزادیده میتوانند.

یک عمر میتوان سخن از زلف یار گفت در زیند آن میاغر که مضمون نمانده است و اما راجع به نشرات مطبوعات هند طوری که قبلاً هم بعضی رسانیده شد، آنرا ترجمه کرده و در یکی از شماره های آینده میابون منتشر خواهد شد البته در صورت موافقه اداره سب و روز و خوانندگان گرامی اس:

مجنون علی مشرتی ایابرسیده می توانم که شمار برای بد در هندی تان اشعاری سروده اید یا خیر، انشا الله خو خفه نس شود ؟

ع - بلی صاحبه اصلاح شطربرای در دار هندی ام شعر سروده ام یک و دو صد و در وصفی بلکه هزارها یعنی ده هزار شعر سروده ام که در جوان شعر بند کور بنام ریوس شرقی یا قد هوایا میباشد و اشعار مشرق زیاد هم درین باره نوشته ام که در مجلات انجمنی و زیاد تر آن در جزایر و مجلات اردوی هندوستان به نشر رسیده که خدمتتان تقدیم است و بیسوان اشعار مذکور را به مدعو بالا تقدیم نموده ام اگر نمونه ازین اشعار را بجهورتان تقدیم نماید، بقصد آنرا نشر نخواهید کرد بزود رصاحه گذشته صورت شعر را شما خواستید و من گفتم نوشتیم، متأسفانه آنرا نشر نکرده ایم که دلیل آنرا میدانم شاید به ترم و تراکم مضمون و شعر در چار میانشد البته تمام اشعاری که در سیابون به نشر میرسد بسیار عالی و استادانه هست که شعر ناقصی محتوا و ناچیز و اولان ندانستید که در جمله وین تان نشر شود و اکنون که ازین سؤال کردید در چه مورد شعر سروده اید که لازم بود یک نمونه آنرا برای تان عرض نمایم اما بدلیل غرق از اظهار آن صرف نظر نمودم البته اشعاری

میباشد جدیداً اختراع نموده اند - قطر این سرده تلویزیونی ده سانتی متر است - این وسیله بر اساس عینی سر - کسین استوار است باشد که سلاید رنگه است - منتفا درین جانر عوض سه قشر مواد عکاسی رنگه سبز - آبی و سبزی که انعا در ترکیب شعین جهر رنگ را میسازند - سه قشر کربنیل مایع را که سه شفافیت خود را در اثر تفاوت پوتنسیال برقی تغییر میدهند - نگار برده اند -

بوده - جدید تلویزیونی درین امر پایه ده های معمولی تلویزیونی متعابز متعابز دکه برده جدید با مغز فوق العاده که برق کار کرده و همچنین تصویر تلویزیونی رنگه گونه سلاید در مقابل رویشی بیسوان مشاهده نکردم - در این جا از روشنی عادی روز نیز اعتداده شده من تواند - اینچنین اخذ ه های تلویزیون هنوز در هینچ عالی تولید نمی شود -

ولانصدی زیاد از حد غافلیتن بد اینست ولی سخن در شصت هائیکه باور و اشتیاق چیز را در میان تمام که همیشه در زمان طوفانی در تلام بود و این هموار میگردید تا بر سطح انبساط خاص سازد - اینکه چه رفتن و چه در زیند داشتند از اهرار که به کسی نگفت - در دست زدن را با بهمد سنی و احسن نظری کار کردن - روزی در سینما تلم کرده بود خوشحال به نظیر میروید - ولی با تاتر که میگردید به سرافراز اند در اثر شکسته قلبی چشم از جهان بست و بار در صوبه خود نشانده - بجای دکتور غلام محمد طه بد - برای همیشه در قلب ما و در جمیع ما خالی است و یاد ها و خاطره هایش در ذهن ما ماندگار - روحش شاد - نویسی را در پیش

پیرایه جوینده

بیشتر و در نتیجه چنگی بیشتر به خشد با وجود اینکه باید اعتراف کرد که او یکی از جرمهای بود رخش سینهای هند و یکی از بار هفتک ترین، مود ب ترین، خوش برخورد ترین افراد فرهنگی است - در جهان نمایش امروزی او به همان بیمانه ای که در روی برده سینما ((بد)) جنبه مینماید به همان بیمانه در خارج از حد بوده سینما ((خوب)) شناخته میشود - با وجود پیشبرد نقش های کثیف در باره دست داشتن او در کثافات کاری های رسوایی بخش خرفی زده نشده است - فلمازان جرات آنرا ندارند که با این ابراه ابدان و بیسالیسی یکشند که مردم در باره آن حرف صد نفی بزنند بعین نسبت در روز و بیرون صنعت فلم سازی از محبوبیت تراوان سر - خور اراست -

گرمی یابد که به عرض حلت توجه نشانگر به بریم جوینده نیز نفس سبارد - چنانچه علم های ((باری)) و ((سنیاب)) بر همین منوال بنایافته است تا جان برود بیسوان نتوانسته اند کسی را بد انباشند که جایگزین بریم جوینده بنامزسد آنها یکدیگر میکنند - درین روزگار بریم جوینده بیشتر تحریفی خورد و ادعای نمایند که استعدادهای نمایشی او بر پایه جلال است - بد اند که اگر شور و شوق او نمانند گذشته رویه انرا بیست ولسی رویه کاهش هم نیست - بعین سبب با وجود شلوغ بودن بازار - فلمازان از غیر بیخه گان، از نیایان یا ویک زره هم کاهش نیافته است - برود بیوسرها - بر عکس تلاس میوزند که در روزهای خود او را نیز نشان نمایند و بر این اعجاب اند که فرین فراوان پس از هر فلم بالاتر رفته میروند - حتی یک سینما روحانی ندیده میتوانند که او - مانند امیتا - بد چن با تاقیه هر فلم جدیدی

مرد خشن

بقیه از صفحه (۳۱)

(جان واین) سه بار از ده واج نموده و نمره آن هفت نژند و (۱۷) نواحه میباشد و در سن (۵۰) سالگی به موزن سرعان دچار شده مدتی تب ابری گردیده و کسار امروزمی را در هنر فلسفی ازین اژده ستند اولی بتاریخ ۱۱ جون ۱۹۷۱ در شفاخانه بیوروستی لانجلس - اعمه مرض سرطان گردید و چشم از جهان بست -

بیمار من فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم جوینده را چنین ستود (در وقتنگه اقلیم در ای فلم که بریم جوینده در آن حدیث اکتور در وقت نفس داشته باشد - خیرت برانگیز است - زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که اکتور دیگر ترا و امید آرد تا سوبه غیر نمای - در جها اجرای نقش خود را با ایامه (۱۰) خوش کار بریم جوینده در آنست که نمیخواهد عقربن تقلیدی ویک نواخت حلوه کند - او در هر فلمی چیز دیگری احساسی در قالب کرکتر سرده شده چنان حیا میگرد که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن صحنه را آمیزه سی اروا نمیتابد آن در این مونسوح حقیقت دارد - اگر برود بیوسر یک جفت ستاره (عثر بیسگان) تازه - استخراج میکند خود را -

پیرایه جوینده

بیمار من فلم کالا بقا را یک تیم اشکارا بریم جوینده را چنین ستود (در وقتنگه اقلیم در ای فلم که بریم جوینده در آن حدیث اکتور در وقت نفس داشته باشد - خیرت برانگیز است - زیرا حضور او در فلم چنان اثر انگنده است که اکتور دیگر ترا و امید آرد تا سوبه غیر نمای - در جها اجرای نقش خود را با ایامه (۱۰) خوش کار بریم جوینده در آنست که نمیخواهد عقربن تقلیدی ویک نواخت حلوه کند - او در هر فلمی چیز دیگری احساسی در قالب کرکتر سرده شده چنان حیا میگرد که او را زنده میسازد و نشانگر او امید آرد که آن صحنه را آمیزه سی اروا نمیتابد آن در این مونسوح حقیقت دارد - اگر برود بیوسر یک جفت ستاره (عثر بیسگان) تازه - استخراج میکند خود را -

سازمانت کودکان

چه مالک خوبی!

بود و نبود دخترکی بود ،
فرخنده نام ، فرخنده خروسی
داشت و خروسی هر صبح زود از
خواب بیدار شد و دیدگون
بانگ می کشید :

کیکرکی ! صبح بخیر صاحب !
پس از آن سویی فرخنده دیده ،
از کف دستش هاله هاله بار بار
خوشی می چید و آرام بروی دراز
چوکی که جلو خانه شان قرار
داشت ، کارش می نشست .

خروس برهائی رنگارنگی داشت
و طوری جلایش میکرد که گویا همه
بارون جرب شده باشند ، روزی
از روزها فرخنده نزد زن همسایه
ماکیانی را دید و از ماکیان و
بسیار خوشش آمد ، به زن همسایه
گفت :

ماکیان تابه من بده و من
در بدل خروس را بشما میدهم ؟
باشنیدن این حرفها خروس
تاجش را به پایین او بختنه
و سرش را به زیر انگشده چه
این خود مالکش بود که میخواست
ویرابه کس دیگری بدهد ، زن
همسایه با فرخنده این تعویض
را قبول و ماکیان را در بدل خروس
به فرخنده داد ، فرخنده
به زودی با ماکیان دوست شد ،
ماکیان با پرهای سپید خود
احساس گریس و آرامش می نمود ،
همه روزه یک بیضه تخم میگذشت
گنگ ، گنگ مالک عزیز ، از زومندم
تخم ، را با اشتها و مزه زیاد صرف
کنید .

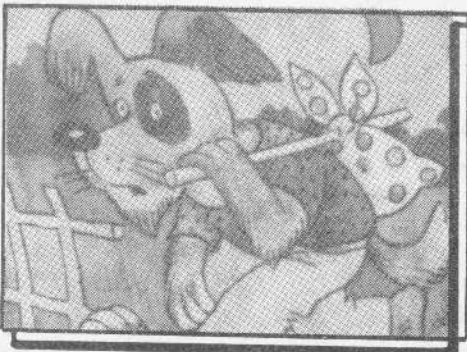
فرخنده تخم را نوش جان میکرد ،
همواره ماکیان را در آغوش گرفته
و بروی برهائی زیبایش بصهریانی
دست می کشید .

یکی از روزها زن همسایه
رو بروی شان همراه پایک مرغابی
به دیدن فرخنده آمد ، فرخنده
وقتی چشمش به مرغابی افتید ، از
مرغابی خوشش آمد و از زن -
همسایه خواهرش کرد :

مرغابی تان را به من بدهید
و من در بدل ماکیان خود را به
شما خواهم داد !

ماکیان از شنیدن این حرفها
نمکین شده و از تاه ترشد پند
بالعایش جانب زمین او بختنه
گردید ، با تأسف ، چاره بی جز

ترجمه : م ، رهتاب



تسلم شدن به سرنوشت ندا -
شت ، چه این مالکش بود که
من خواست وی را به کس دیگری
بدهد .

دیری نگذشته بود که فرخنده
با مرغابی دوست همیشی شد ،
یا هم یکجا به دریای رفتند و در
آنجا مرغابی در کنار فرخنده شنا
میکرد .

گنگ ، گنگ ، گنگ ، مالک عزیزم
آنقدر رها دور شناسم ، زیاد را
در آنجا زرف است (با این صدا
دخترک دوباره به ساحل دریا
بر میگشت و مرغابی از بی او می آمد
یکی از روزها همسایه بی باک
کوچک و دوست داشتنی خود به
خانه فرخنده ، شان به معناسی
آمد ، فرخنده هنوز سگ را به
قد رکابی از چشم نگذاشته بود
که گفت :

سگ تان را به من بدهید و در
بدل من مرغابی خود را به شما
خواهم داد !

وقتی مرغابی گفتا فرخنده را -
شنید ، بالعای خود را از روی قهر
به هم زده و از منقارش آواز -
اند و هگینی لرزان ، لرزان بلند
می کشد ، همه بی فایده بود و
چاره نبود ، همسایه مرغابی را زیر
بغل گرفته و با خود برد .

فرخنده بروی سگ مقبول دست
کشید و گفت :

خروس داشتم که با ماکیانیش
تبدیل کردم ، ماکیانی داشتم و آن
را در مقابل مرغابی به کس دادم
و حالا مرغابی را داده و سگ
قشنگی بدست آوردم ، همینکه
این سخنها به گوش سگ رسید ،
دم خود را جمع نموده و به زیر
دراز چوکی خانه فرخنده خود را
پنهان کرد ، در تاریکی شب
هنگامی که فرخنده در خواب
شیرین بود ، دروازه را آهسته
باز نمود ، و پایک خیز به بیرون
خانه جست و پابه فرار نهاد ، در
راه این سگ دوست داشتنی
زیر زبان زوزه میگرد :

با همچو مالکی نمی خواهم
یک جا زنده گنم ، وقتی
دخترک بیدار شد خود را تک و
تنها یافت .

آیاتناسی د . . .

- ۶- آیامیلانه دې خوښيزي هو ۱۵ نمرې نه ۶ د
- ۷- آیامخکي لدې چی د کور څخه د خوراکي موادو د رانیولو په غرضوړي د نوموړو موادو - لست نیسی هو ۲۰ نمرې نه ۳ د
- ۸- آیاهمیشه خپل کورنی ته وړي په ټاکلی وخت بخوي هو ۱۵ نمرې نه ۸ د
- ۹- آیاد خوراک پخولونوي آشوزي د ستورونه استعمالوي هو ۱۲ نمرې نه ۵ د
- ۱۰- آیاهمیشه تاسی د آشیخانو سامان آلات منظم په الماری کس کیزدي هو ۲۵ نمرې نه ۵ د
- ۱۱- آیاد کوربه کارونوکي ستاد گوزوند ملگري کمک کوي هو ۱۲ نمرې نه ۶ د
- ۱۲- آیاتاسی پخجال د کور د پیر د ضروري شیانوڅخه شمیري هو ۴ نمرې نه ۱۶ د

په لاسو راوړل شوي نمرې جمع کسري د آزمايش نتیجه: تر ۱۵۵ نمرې پوري: که غواړي چې د کورنی د خیرکو د میرمنوله جملی څخه وشمیرل شي باید پخپلو کارونو کی نورهم دیر تجدید نظرکوي، ترټولو د مخا باید د دې چی د وخت په موند - اقتصادي وړوسی، اوبه ښه صورت سرخیل کارته سازمان ورکوي. د ۱۵۶-۱۹۵ نمرې پوري: تاسی کارکه یاستی، هرشی - ستاسوپه کورکی خپل مشخص تعای لري، که چیري تاسی کوم وخت څه شی باید ولټوي د لدې کیله چی تاسی تراوسه پوري د کورنوزورور - یات په ښه توگه ندی زد کوي. د ۱۹۵ نمره څخه پورته: ستاسوپه کورکی د استقیما خیالی دې، همیشه یوڅه شی مینعی، یا کوي اویاچاروکوي، اما اعتبارولري چی د آکارونه لانوره هم په لیز قدرت اوبه کم وخت کی تراوسه ترسره کولای شی، لدې کیله لیا نورسوي ترخوچه وخت لري، اما باید هرڅه کوي چه بدون د کورنی مشکلاتو څخه نور مصرو - فیتونه لکه تیاتر، سینما، کتابونه اولگري هم شته دي.



خانواده سوگواراست

فایده . . .

بقیه از صفحه ۳۵
بعد از نسخ نامردی همیشه فامیل ما از طرف آنها تعهد مید میشد، دوسین که صاحب منصب اند همیشه آنها در وظیفه میبودند فامیل ما مورد تعهدی قرار میگرفت هولی من هرگز به سرانم چیزی نمیگفتم موضع را بنهان میکردم تا مباد امنیان آنها بر خورد صورت گیرد، بالاخره بتاریخ ۱۱ حوت سال ۶۶ روز سه شنبه ساعت ۲ آن حادثه المناک رخ داد، آندشب جاوید بسرسر یخانه آمده بود، صبح چندین بار صدایش کردم گفتم مگر رگد از خوابم، نمیدانم چرا خوابم بوره میشود، وقتی در زده شد ما رینا د ختم رفت تا ببینند کیست همراه با باز شدن دروازه صدای دو غیر مری و فریاد د ختم شنیده شد، بجای آمد وارخطا از خواب برخاست بطرف بھرون دوید. د ختم سرم انیتا که بیشتر از برادر خود شی ربه قاتل زسانیده بود، مورد اصابت مری قرار گرفت و لوسی برادر خونش را سپهر خواهر ساخت که یک مری درجان خواهره ۸ مری درجان برادر جای گرفت، وقتی من به نزدیکی بسرسر رسیدم خواهر و برادر هر دو د رافوش هم بودند برادر با وجود آنکه سوراخ سوراخ شده بود میگوئید خواهر را از افتادن مانع شوه، ولی بعد هر دو بزین

افتادند، من بانی لی و سولج عقب قاتل میدویدم او بطرف سرك میدوید وقتی به سرك عمومی رسیدیم، زیر سینما اقبال همراه یانه و شارسندوی اورا احاطه کردیم، چون در دستش سلاح بود کسی جرئت نمیکرد نزدیکش شوه، گفتم اورا بگیرید تفنگچه مریسی ندارد و بایند شده در غیران من تا اینجا زنده نمرسیدم درین اثنا دو مظنین حوزو رسیدند و اورا گرفتند، او را دوباره به محل حادثه آوردند به جن خود اقرار کرد همه جاها را نشان داد، گفتم بازمی آیم همه را میکشیم و دختر را میبرم، همه را به شفاخانه بردیم ولی او مرده بود، طب عدلی ۸ مری را در وجود او نشان داد. ولی من همان لحظه بخون فرزندم سوگفت یاد کردم او که بسر راطالمانه گشت من اورا توسط قانون میکشم. دو د ختم زخمی شدند یکی در گرده و دیگری در رطن. درین یکسال چقدر دویدم روزها بالب و دهن خشک بایین ویلا تا دویدم یکسال مدت کسی نیست. در طول این مدت بارها از طرف فامیل نعمت الله هغه ما تعهدید هدم. بارها گفتند شما که خون ربا خون می شویید ما همه تا ترا نابود میکنم. ولی هرگز از تعهدید آنها نترسیده ام زیرا در صورتی که نعمت الله اهدام شوه چانس سپم خود را برای نابودی فامیل من از دست میدهد، اینک نمر مکتوب را بدست دانه که نعمت الله د ولد نورهم بتاریخ ۱۱ ار ۱۲ ار ۱۳ به اهدام محکم شد. با اهدام اولم اندکی آرام خواهد گرفت دیگر جسم سوراخ - سوراخ شده جاوید که فقط ۱۸ سال داشت مقابل چشمانم هزارها بار جان نخواهد داد.

نقش جدید من . . .

بقیه از صفحه ۳۱
من در فلم سفر نقش مصطفی را بازی میکنم که با گروپ از جوانان که برای سواد آموزی به قریه دور افتاده میروند فلم نیز از همین جا آغاز مییابد. و حوادث فلم یکی بی دیگری اتفاق میافتد و - گروپ از جوانان به شمول مصطفی با این حوادث درگیر میشوند و - قهرمان متن باد یگر جوانان با شجاعت و پای - مردی با ان دست و پنجه نرم میکند و در مجموع فلم نمایانگر آنست تا آدم ترسو و زبون نبوده و بدون ترس با شجاعت بهتسو میتواند به هدف دلخواه خود برسد. من از نقش راضی میباشم زیرا اولین بار است که نقش یک جوان تحصیل کرده و روشنفکر را بازی میکنم. و نقش های من عمدتاً با نقش توردی در فلم مسافر و فضلود فلم مرد هاره قول است فرق دارد. در این فلم با من سعید اورکزی واسع صدی، اسد الله آرام - خورشید، فریده همرا، انجانا شمسی، موسی رادمنش، فتح الله بزند، شاه محمود شارق، زلمسی عبادی همبازی میباشند. فلمبرد در فلم محترم قادر طاهری بوده و اهنگ از محترم شاد کام میباشند.

دور رسيد

بنيه ازمنحه (۲۲)

سنت يك تلاشگر ابريده ال بود
 با اي هر چيز نيك همانديشيد اگر -
 خنده دار بود از دل ملى -
 خنديد، سهم نگاه ميگردوهي
 ميخنديد و انيس خنده بخود
 ملزنيد . اين كوشى مراجعات داده
 به تويح تهم پردازم .
 سنتى بنى مقدمه خطاب به
 ديگران گفتم: ببينيد اين آدم هر
 كاره است ، ولگرد ، انا ، شامر ،
 اميد وار ، تنها چاشق پيشه و -
 ماجراجو . او ميتواند شما را متقاعد
 سازد كه عالم ، مونسيم ، اشرافى
 و بانگر پولواست و در زين حال از
 برداشتن تهم سوخته سكرت و -
 شيرينى برخاك افتاده ننگ ندارد .
 - خوب من او ريسه خود را
 به پايان ميرسانم ميدانم كه وقت
 و شرايط بر ايم بهمار مناسب بود .
 محبوب مردم سراسر جهان شدم .
 هم دوستم داشتند و هم از من
 نفرت ميگردند .
 بلى زنده گى از ديمه هاشم
 خويشمن و بهتمن رابم ارزاني كرد .

البته يك كى از ناملمات راهم .
 تلاشچيان چارلى بهتر چه
 ها و كارگران بودند ، و برخلاف تصور
 همگانى فلمايش تا سال ۱۹۲۰ -
 هنوز مورد عاقله امان و اشرفان
 ترارنگرفته بود ، نيز آنها هنوز
 خام و عوام پسند بودند . شايد -
 تقاضاى زمان بود كه اناوش رنگ -
 ماهانه داشته باشد . طبقه با
 سواد و تصميل كرده كنى در برتبه
 چارلى عاقله مند شدند و متايران
 نتوانستند او را منحرف سازند . از
 ((ولگرد)) ۱۹۱۵ گرفته تا ((كويچا
 درام)) ۱۹۱۷ اودوش ننگ ۱۹۱۸ -
 و ((پسوك)) ۱۹۲۱ او ((زايبر)) ۱۹۲۳
 و ((جستويى خلا)) ۱۹۲۵ ، او -
 ((روشنائى شهر)) ۱۹۳۱ او «صفر
 جديد» ۱۹۳۶ آنچه به نظر ميرسد
 نه دگرگونى بلكه ژرفايي و كامل -
 شدن شخصيت ((ولگرد)) است . حتى
 لباسش كه اتفاقاً بر او بعد از ظهر
 باراني تدارك شده بود كم كم معنى
 خاصى ميبافت . در اين لباس زنده -
 پوشى از نگاه نجبا ، لوكس
 از نظر فقرا ، نقش مىسرد
 فقير وي هم چيزى رهازي ميگردد
 باشجاعت تمام واقفيت تلخ فقيرتويى -

دستی خود را نادیده میگرفت چارلی
 نمونه مردم بی همه چیز و فقیر شد .
 برای تجسم روحیه ((مرد کوچک)) از
 حيله های بصری و تبدیل ناگهانی
 اشيا كه در قلمهاى نخستين به
 كاربرفت استفاده ميگرد . مثلاً در
 ((پسوك)) وقتی چارلى دستكشيس
 انگشتر را برون ميگريد تا هم سوخته -
 يى را از قوطى سكرت (قوطى سارهن
 است) برون آورد اين حرکت عادى
 را ظورى انجام مدهد كه مانند
 تفنن بسيار ضريف و گرانجا به
 نظر ميرسد . در ((روشنائى شهر))
 چارلى در مهمانى مجللى اشيائى را
 مى بلعد و از درون شكش صدائى
 فصل شنوده ميشود و نيز در كارباره
 وقتيكه توشه هاى كافذ با مكرولش
 مخلوط ميگرد . اين دو واقعه هر
 يك عموه براينكه به جاي خود بسيار
 خنده دار است در ضمن تعاليشگر
 است كه چگونگى چارلى از در و جان
 ميگردد تا هرگز جماعت نشود . تا
 هيليوئوان ، دختران ، بانوان خويش
 لباس او را در جمع خود ميپذيرند و بلى
 چارلى بخوبى ميدانست كه كوچك
 مردى هرگز نمیتواند هرگز اين -
 جماعت شود . سرنوشتش چنين است
 كه هميشه در تاريخى به اهد و انتظا

بسرزد و هميشه با همين دورى نسا -
 اهدى را از خود دور براند .
 شايد در اينكه چارلين دوروز -
 گارائى كه مردم به سنن و رسوم
 جامعه كردن نهاده بودند -
 شخصيت ولگرد خود را جلهدهد
 معنائى خاص نهفته باشد . شايد
 چارلين ديگر (صردك كوچك) به
 نورو وايستادگى اش در برابر اجتماع
 ايمان نداشت و شايد احساس ميگرد
 كه رساندن پياش به جهانمان
 بمان صبح تر و مستقيم ترى را ايجاب
 ميكد . وان اناكه به نفس و ملامت
 نروائى چارلى ولگرد ديگر برائى -
 اين منظور كافي نبود . حتى ارسال
 ۱۹۴۰ به بعد بافلم ((ديكتاتور
 بزرگ)) چارلى شخصيت خود را كاتر
 گذاشت ، تا ازته دل پياش اهد -
 واپس دهد و دلگرم كننده اش به
 كوشهاى مردمان خود شنوده در
 نيرسا و ظلم و استبداد برساند .
 در فلم بعديش ((سويوردي)) -
 ۱۹۴۷ چارلى ولگرد بلكى ناپديد
 شده ، در اين فلم ، كه شايد -
 هميان اميز تهن فلم باشد ، قاطعى
 در دفاع از خود ميگردد . جنليت او
 انا نگاه نيست بلكه عقايسه
 آن وحشتناك است . ((قتل يك
 تن انسان را چنينكار همراز ولى
 قتل چندين مملون تن باعث افتخار
 است))

از وي . تاسى و لوستل جسى
 ادارى مرستيال د دغى نيمى
 و رضى صلاحيت به زور . تولسو
 د فترتونه د خيل خان د سر -
 پرست والى رسمى اطلاع بررسوله
 اود همائى و رضى له فرمى و روسته
 چى فنى مرستيال ترجمى خان
 و رساوه . نوتولود فترتونه پس د
 خيل كالت متحد المال مكنوبونه
 و ليزل . به دوهمه و رى سعار
 ادارى مرستيال بنغه جسى
 موسسى ته راضى . حال دا جسى
 فنى مرستيال له پيئى ناخبره
 به اووه جسى تكمى موتركى له
 نورو ما مورينود مخه خان موسسى
 ته راروسى . خوكله چى خوكيدار
 ورته و اى چى ادارى مرستيال
 ترده د مخه راغلى دي . نونسى
 مرستيال د موسسى به عوموسى
 د روزه كى لكه و رگى به خاي
 و ر كلك بائى كيزى . اوسر به
 و گوروى دغه لويه د جابه كته
 راخرخسى .
 (يونيم او ملام موزيك دي به
 خيله لوستونكى و غمز و ي)
 راوي : كه فنى مرستيال
 موسسى د روازي به خوله كسى -
 لرگى غرضى ته تكيه نه و اى كرى .
 نونى له شكه به به خمكه راغور -
 بخيدلى و اى . دومره و رسرره
 بخت يارى و كره چى د ما مورينوسو
 موتره و رارسيدلى . كه نوبسه
 دغسى وضعيت د فنى مرستيال

ليدل كومه و رى . خبره نه و هغه
 د ادارى مرستيال به دغه موقسى
 برلاسى نااميد نه شو . او نيغ
 خيل دفتر ته لار . فنى مرستيال
 د دي له باره چى ادارى مرستيال
 يى به راتللو بوه نه شى . خيل
 بو تونه يى د د هليزه د روزه كى
 و ايستل اولكه د چرگانو د غله
 غوندي د گوتوبه خوكو خيل دفتر
 ته لار .
 (د فنى مرستيال د و و و و -
 قد مونوبه مگرونوكى دي محترم
 لوستونكى د قمرگلى دغه مند ره
 چى : ((و و و و كيد ه قد مونسه
 اشنا)) له خانه سره زمزمه كرى)
 به دغه و رى ادارى مرستيال
 د و مره د روند درياست به چوكى
 باندي ناست و چى به ارمونو
 به هم جانه و اى و رخنه ارمونى .
 د غومى و و و يى هم د خيل كار
 ميزله باسه و خور . او به دا لويه
 و رى كى يى ترمازد يگره بوري به
 جاي روزه هم ماته نه كره .
 د فنى مرستيال خانه سامان
 حضرت مير چى و و و ر د مخه يى
 د كيم غرورى كارله باره له فنسى
 مرستيال خخه اجازه اخستى وه .
 به دغه و رى كار ته نه و راغلى .
 كه چى ادارى مرستيال له دي
 پيئى خبر شو . د اجيرا نوحا -
 ضري يى دفتر ته و ر و نوبسته او سه
 خيل قلم يى ((نيم روزه)) نمير -
 حاضر كرى . فنى مرستيال به دغه

و رى د چوكى به نه نيولود و سره
 خپه نه و لكه د خيل خانه سامان
 غير حاشيد لوچى به قهر كرى .
 دوه د رى حله يى تيلفون ته
 لاس و رتير كرى . خود تيلفون له
 لاري ادارى مرستيال به بى ابه
 كرى . خومرخل به يى به
 شيطان لعنت كى او دغه كمات
 يى بل وخت ته برسيود . هغه
 بو هيد و چى ادارى مرستيال د
 رياست به چوكى بوري ميغ
 شو يى نه دي . او غرور به يووخت
 و رى نوبته شى . هغه وخت
 چى فنى مرستيال يى فال به
 زه كى نيولى ز درسى وخت
 باي ته رسيدل و و . كه جسى
 رسمى وخت باي ته و رسيد . نو
 فنى مرستيال د ادارى مرستيال
 د غالفكير كولو له باره د نورو ما مو -
 رينو به خير له دفتر ته راويوت او
 به لوي لاس درياست د دفتر
 د كرى كى تر خت تير شو او به داسى
 حال كى چى ادارى مرستيال
 درياست د چوكى له سر نه ورته
 د ستر كولا ندي كتل له موسسى
 ووت .
 ادارى مرستيال درسى وخت له
 باي ته رسيد و و روسته بوره يسو
 ساعت لا همافسى تينك به چوكى
 بوري نبتى و . كه چى د خيل
 رقيب به تللو پاوه شو . نو
 د روزه يى به خيل لاس و ر كولا ب
 كره او كونجى يى به حيب كى له

خانه سره و اجوله . خو خيزنه و
 چى فنى مرستيال به كونجى
 لا برون ترلاسه كرى وه او هم يى
 د ديوال له لاري موسسى ته د -
 بيرته رانوتلونيت كرى و .
 (دلته دي يوازي درياب يوه
 لنده و نغمه د خوتانيله باره -
 و نزل شى) .
 فنى مرستيال د ما بنام و و و ي
 به كوركى و خور . اود سهار له
 باره يى يوه وجه و و و و او خبو
 ايشيدلى هكى له خانه سره
 به بى كرى و اجولى . د ما بنام
 به خره كى د موسسى به ديوال
 و روايت او به بيخه زه يى د
 رياست د روزه و ر خلاصه كرى . ايه
 خرخى چوكى شيز اووه خرخه
 هاخواد يخواتا و راتاو شو . كه خره
 هم د شينى د خوب او بلاستى
 له باره به دفتر كى يونغ او -
 مناسب كوج هم بوته و . خوله
 دي ويري چى سهار دي ويسد .
 و او چوكى يى ادارى مرستيال
 و نه نيسى . نوبته يى به همافه
 چوكى سباركه . (دلته دي لوستو -
 نكى داسى فكرو كرى چى گوندي
 چرگان بانگونه كوي اوله دغسو
 بانگونه سوره بيخاي دي د صحنى
 بيلولو يوموزيك هم و ر سر و و و و ي
 سهار ادارى مرستيال بيا
 د خيل رقيب له ويري به همافه
 برونى وخت موسسى ته راغلى
 بائى به (۷۷) مخ

دور رسيد



مجنون قرن...

قیمه از نسخه (۹۱)

راجع به ملاقات های رسمی و شخصی
تان با ناد هویلا میخوامم بدانم

ملاقات ها که زیاد دست داده اما یک بارتی
و یا ملاقاتی که در منزل مد هویلا تقریباً صورت
رسمی در حضور اکثر هنرمندان فنی و ژورنالیست
های هندی ترتیب شده بود که کمی از آن رحمت
منابع - ترتیب بارتی در خانه مد هویلا در -
(بندره) بعضی صورت گرفت که از جمله
هنرمندان در آنجایی، نیویاری، دلیپ گماز
نوروزان بلراج سها نی و چند نفر دیگر هنرمندان
معروف و علاقه مندان مد هویلا تشریف داشتند
راستی در نظر د خرافاتمان که دو خواهر بود رسید
و حدیث در رحمان فنی شروع بکار نموده بودند
البته از طرف من درین دورات اشتراک داشتند که
اسمهای شان، شاه گل و ملکل بود - بر علاوه روز -
نامه نگاران تایمز اندیا، سکری، اداکار، آنزو
و چندین ژورنالیست های ران یو هند و کهنکشان
فلم ستار، شمع دهلی، فلم نیوویو، حضور هم
رسانیده بودند - دعوت ساعت چارم شروع شد
همگی حاضر شدند - دو هم شیره مد هویلا، کیتیز
و جنجل هم دروازه از مهمانان پذیرایی میکردند -
موجهر شوهر همشیره مد هویلا هم تشریف داشت
که او هم یک هنرمند جهان شناخته شده فلم بود
عکاس موزیک گرفته بودند این دعوت رسمی را مد هویلا
بافتخار من ترتیب داده بود - بعد از صرف عصره
سیار عالی و مجلل سخن از هر دو آغاز شد
از کابل و آب و هوای آن و سوره جات تازه و خوشک
افغانستان که مخصوصاً بسته وادام، کشمیر
و انگور و خر بوزه افغانستان در هند شهرت
فوق العاده دارد - آهسته آهسته سخن بجاهای
جسارت و بیاریک کشیده شد - ژورنالیست ها را شما
می شناسید - از خدا می خواهند مومنی برای شان
بیا آید که آدم را سوال بپس کنند سوالا مختلف
یکی میگفت چند رمدت بود که ماد هویلا دوست
میداری بد یگری می برسد - سبب و عوامل این عشق
چینت گری می میگفت چرا مد هویلا برای محبت
انتخاب کرده بی و بد یگری می رسید معنی عشق چیست
و من باید همه این سوالها جواب میگفتم، بعد و ن
آماده گی پیش بینی شده یکی به انگلیسی سوال

میکرد یگری به هندی و من به اردو و چارمی
هم به زبان دری - من در بین خیران و سرگردان
مانده بودم که اولتر یکدم شان جواب بد هم
همچنان مد هویلا را سوال بپس کرده بودند که
آیاتو هم علی مشیری را دوست میداری یا اینکه
عشق او کلهه است یا یگری میگفت چطور است
با او ازدواج کنی ؟
و من درین گمرو دار درست آنرا پیدا کردم که
کتاب (وینوس شوق) را که برای مد هویلا نوشته
بودم و شام ده هزار بیست میباشد - با تشریفات
مخصوص بحضور تقدیم کنم که این صحنه از طرف
حاضرین با یک زده تهای زیاد، استقبال کرد -
چون این کتاب را بقلم من نوشته بودم و هر صفحه
آن میناتور و دیزاین جداگانه داشت و چندین قطعه
تصویر مد هویلا را رسم کرده بودم که از جمله یک
رسم مذکور مد هویلا را در لباس انسانی که مخصوص
افغانستان است نشان میداد - بنابراین کتاب
دست بد شدت گرفته بود - دوباره بدست مد هویلا رسید
که او کتاب را بوشیده بالای میز مقابل خود گذاشته
گفت (این یک کتاب مقدس است برای من که باید
تقدیس شود - بر علاوه امتیازات معنوی آن - این
کتاب و نویسنده آن شهرت فوق العاده من بخشید
که شعرها برای یک ستاره فنی ازین نوع العاده
دارد) - مد هویلا ضمن بیان خوش اخلاص
نمود : (تو من لقب وینوس شوق را دادی که این
لقب نه تنها در مطبوعات هند بلکه در جمله فلسف
دای - جست آمریکا هم من بیوگرافی من منتشر
گردیده و اینک مجله مذکور را برای من هم فرستاده
است)
من از تو بسیار گدادم که قدر و منزلت مرا
انقدر بلند بردی که به ستارگان آسمان رسانیدی
و این برای من راستن مایه افتخار و مباهات است
خیال کنی که من قدر و قیمت تو را شعاع ترا
نمیدانم و یا خلق ناشناس و ناسیاس هستم)
مد هویلا افزود : (در یکی از جراید فنی بعضی
خوانندم که ترا مجنون من بیست خطاب کرده -
بودند و من این را نمانید نمیکم - اگر به معنی جنون
آن باشد و اگر به معنی وفاداری، فداکاری و عشق
باید آری باشد - جزای ؟
زیرا تو شاعر هستی - نویسنده بود اکثر هستی
پس توانی مجنون عاقل نامید و موسول و رهنمای
عشاق هستی - تو نمونه عن و زاده آهنین و تعمیر
عالی هستی - تو توانستی با تمام مشکلات بدست
و نجه تم گش و ناممکنات را ممکن سازی، هستند
در بعضی هزاران نفر که میخواهند با ستارگان فنی
از نزدیک ملاقات نمایند و این برای شان امکان
پذیر نیست و تو بر علاوه اینکه از افغانستان
تالیا (بدی) آمدی بعد از کدام حادثه
بود که مرا وادار کردی تراه نزد خود بپذیرم - هر
صورت از این همه زحماتی که در راه من کشیده
ای باز همه اشعاری که برای من نوشته ای بیکار دیگر
ساز و دیگران خویش را در حضور همه این هنرمندان
دایرگروه، ژورنالیست ها و مدبران جراید بپس
تقدیم میدادم - امید رام بد پرته گردان) در اخیر
گفتار و بیان مد هویلا در وقت از قسمت آخرین
کتاب را برای من چنین خواندم - یعنی بعد از ده هزار
بیست که سروده بودم - گفتم :

هو کن گریمن جسارت کرده ام
ازم در یک اشعارت کسره ام
نیت نگاهشتری مفتون تو
گشته عالم غرق در آسوس تو
مد هویلا فوراً گفت : من غرق در آسوس تو
در اینجامد بر موسول مجله کهنکشان گفتم :
(زمانیکه فردوسی کتاب مشهور شاهنامه را برای
سلطان محمود غزنوی بفرمایش سلطان نوشت
سلطان غزنوی در بدل حریت یکدانه اشعاری برای
بخشید - یعنی در عوض صحت هزار بیت که سروده بود
صحت هزار طلیب اشعاری برای فردوسی داد - و او
درین اثنا طرف مد هویلا نظر انداخته - خاموش
ماند - مد هویلا گفت : (من قدرت برداخت
ده هزار طلا را با هم و این مبلغ را برای داکتر هلی
بپرداختم) - من گفتم : (قبول نمیکم - زیرا فقط یک
شکر تو برای من از ده هزار طلا بیشتر ارزش دارد)
گفت : (من میدانم و تو شکر موازیات ترا زده -
هزار طلا میدانی) - مد هویلا همیشه مرا با هم
خدا میگرد و من هم او را مد هوی - و گاهی متاخر مد
میکردم - محفل تا ساعت یازده شب دوام کرد - مجلس
اشی بود - همه نوع موزم در آن اشتراک داشتند
در وقت بد شدن حسین و رقیب - بعد از صحبت
موسیقی شروع و چند پارچه رقم محلی هندی
و سپس طعام شب - و بعد از آن هم محفل پایان رسید
همه معناتان خدا حافظی کردند و رفتند درین
وقت من منتظر بودم که چنگ که بلراج سها نی سرا
از تر بد بیرون کرده بگفت : (بیا همراه من برویم
زیرا هتل محل رهائین تو از اجازت یاد دور است)
درین وقت مد هویلا مداخله کرده بگفت : (بهتر
است علی شب همین جا ماندگاریم) - و من این را
از خدا میخواستم - و از هم بردا بعد از صرف ناشت
در کتابچه با دست خود نوشتم :
خداوندنا چه منزل بود شب جاییک من بودم
هر سورقم بسمل بود شب جاییک من بودم
بوی پیگر نگار سوز قدی لاله رخساری
سرا یا آنت د بود - شب جاییک من بودم
رقیما گوش بر آواز او درناز من حیمران
سخن گفتن چه مشک بود شب جاییک من بودم
- به هر حال اکنون که ماد هویلا عزیز شما
جهان فانی را وداع گفته کون عاشق کی استید ؟
من قیلا هم گفته ام که عذف شما از مطرح
نمودن این گونه سوالا بیرونا بودن جنجال
و مشکلات برای من است که میخواهید خصما - سرا
توسط کسی بی آب سازی - هر صورت جوابتان
را میدهم زیرا باشما وعده کرده ام که بسوالا
تان جواب گو باشم
پس گفتم :
ما من خداداندولی در شانه من بینم
که از سودای کیسوی کسی دیوانه خواهم شد
در پایان صحابه اگر سوالی دیگری داشته
باشید از شمارایی رحمتتان که با من این صحابه
را انجام دادید اظهار سپاس منبام - با تقدیم
یک راضی علامه اقبال :

بیاي خود من زنجیر تقدیر
تو این گنبد گردان رهی است
اگر باور خیزد در سبب
که چون پرواکی جولانگی است

مطالب ارسالی شما

نقش ناخنها در تشخیص کرکتر

دانشمندان اخلاق انسانها را ازبانه چشم وموي سرودست بالاخره ازندان واندام ورخی دیگرکردارعمل تشخیص واززیبی نموده اند ویکش از دانشمندان اخلاق اشخاص را از روی ناخن تشخیص نموده .

۱- اشخاصیکه روی ناخن دست های شان نقطه هایی سفید است به جنس لطیف (زن) علاقه مند اند ولی این علاقه مندی زودگذر بوده ازیک زن دلسرد شده وبه زن دیگری علاقه گرفته دل می بندند .

۲- اشخاصی که دارای ناخن کوتاه میباشند ، انسان هایی بزرگ باره ، متحن ورهیزگرگالی میباشند ودر مقابل مذاقات ومضاکلا حوصله فراوان دارند .

۳- کسانی که ناخن طویل ونوک تیزطبیعی دارند ، دارای خطوط زیاد ومساوی باشند برای تعلیم وترتیب ومعلمی مسلطند ومعلمی برکاروشایسته معرفی گردیده اند .

۴- کسانی که ناخن بیضوی ((گرد)) وصاف وشفاف دارند مردمان برحوصله ، آرام وصلح دوست وصلح هستند .

۵- ناخن دست راست انده که کم رشد وکم باشد معمولا اشخاص شکم پرست وبرسرف هستند وبالاخره همه اروزند ار خود را به شکم صرف کرده وبدریسا ط چیزی نمی گذارند .

۶- کسانی که دارای ناخن فرمزی رنگ وروشن هستند مردمان مهربان ، خوب قلب خوش مشرب ، شیرین کلام ودوست داشتنی هستند .

۷- بالاخره انهایی که درموضع ناخن گرفتن ناخن های خون را به یک اندازه معین ((مساوی)) به دقت می چینند انسانهای باعزم سریع وثابت قدم به شمار میروند .

روشنه ((زین)) ازگوزن کابل سنتر

زبان پوستر

چطور از طرز چسباندن - پوستر بر روی پاکت از دورن - فرستنده آگاه شویم ؟

۱- پوستری که راست چسبانیده شده باشد ، مفهومش این است ((فکر سواردم بیرون است))

۲- چنانچه پوستر قدردی متقابل به سمت راست باشد مقصدش این است ((بمن اطمینان داشته باش))

۳- چنانچه پوستر را افقی ودر بجانب چپ چسبانیده ، مفهومش این است ((دیوانه وار ترامیرستم))

۴- اگر سر پوستر قدردی متقابل به سمت چپ باشد مفهومش این است ((ترادوست میدارم))

۵- اگر پوستر بطور معکوس ومتقابل بر است چسبانیده ، مفهومش این است ((دیگر ترا دوست ندانم))

ارسانی : حلیه

نگته ها

۱- کم دانستن ویراگفتن مانند پول نداشتن وزیاد خرج کردن است .

۲- مانند مرد عمل ، عمل کن ومانند مرد فکر کننده ، فکر کن

۳- جدیت وشتکار آدمی را بفضله نزدیک میکند .

۴- از سبکی چارمغز توان دانست که بی مغز است .

۵- خوشبخت ترین مرد کسی است که برای تضایق دیگران ارزش قائل شود واز شادایی دیگران انقدر شاد میشود که گویی ایسن شادی مربوط به خود اوست !

۶- در جمع آوری دوستان وهمچنان در دوری از انسان حمله کن !

فرستنده : شریف نورین

مستوره محبت نامری (استعداد تاز، راد ریخشهای دیگر هنر تجربه کید تنها نامری بیشه نیست) بلقیس احمدی از بوهنی علم طبیعی (بیتی از گردید) تان :

رنگی ز صفا نیست درین خانه خدایا
برخیزم از خانه به میخانه گرم
سایره شکیب از ولایت جوزجان (پارچه کردن حملات و مصراع وار نوشتن شعر نیست) از شعرا ی متقدم زیاد تر شعر خوانید .) شکلا ازلیسه "آمنه" فدوی (خوب است اگر بجای شعر داستان نویسی رایبته کنید .) احمد شاه کامکار از ولایت جوزجان یکی از دو بیتی های تان با کمی تصرف :
الله یار جان بگیرم اصل نامست
کبوتری میگردم به با مست
اگر یکبار بگویی یار شیرین
شوم ندقه همونک زبانت
(نام) و (بام) با (زبان) قافیه نمیشود . حالات فعل بی جهت از حال پاینده تغییر میکند - مصراع سوم نیز زیاد است .) خالده خرم اقل "مهم" :

استعداد خوب شعری دارید ، مگر در استعمال کلمات دقت نموده قوامد سنتی شعرا را بیشتر آشنا شهد "بندی از سروده" تان را با کمی دستکاری چاپ کردیم :
خواهراتم بگذرید از مد تو
مد تو ارقش ندارد یک دو جو
تو مکن تقلید از هر بیگانه
ابروی خود همیزان رایگمان
کی توامد خوب و نهیام کند
بسل تو این کار رسوا مکنم

هنزه نوین انزولسوالی بلخمری :
دوستی های که به نام ((تک بیت)) فرستاده بودید رسید در نقل آثار هنری دقت کنید . سفوکودی به شهر دور دستی دل نازکتر از جام شکستی بیهاترک و فاکن ((بیوا)) چنان به هر آیین و هر طبع که هستی ترک وفا نادرست است باید ترک چفا باشد .

لیدا نارام ازب . اقتصاد :
((نارام)) راه منظر که مانوشتم بنهسید ، منتظر آفیده های خوب تان هستم .

عبدالرزاق حسن یا مازت ختمک ساختمانی :
برادر عزیزه اوقات بیگاری را کارکند و نه شعری را که به مجله می فرستید بنهسید از کمیت ؟ از شما ها کس دیگر ؟

مللی محبتی : نامه ات رسید ، مگر شعر ازکی بود ؟
فریده احمد فاعل : رابعه بلخی : شعر ((در خیال)) شما کاستی های فراوان دارد .
جستن معشوق از طرف شام و در شعری ، ((سنتی)) نه نخواهد ، همینطور رسم است . در قسمت شعری می توانید از کاتبین ادبی نهسندگان جوان رهنمای شهد فرهاد حاجب ازل : خبیبه :
به املا و اثباتوجه کید بیتی از شعر تان :
دیشب که به خواب تو خیالات پتان بود .
در کلبه "فکره" گناه و فغان بود .

ماریا رحیمی ازلیسه دوستی (خواهر عزیزه دیوان حافظ را که مادم دارم) . نوریه عطا (تجربه تان را در شعرهای بیوزن توسعه بخشید ، استعداد خوب دارید) . سمیرا نجیب سادات و خاطره همایون بیژاد ازلیسه "مهم" (دوستی تان قابل نشمر نیست) . عادل اختاری از وزارت امور عودت کندگان (شعر انتخابی تان اگر قسم یک بیت تان :
بی عشق ای طبیعتی نیست در جهان
تا بیره درد کمر نشناسی دوام مکن)
سخن مراد مسکین امسرق غ ولایت مزارشرف (شعر تان کاستی های دارد با انهم دوست آنرا نشمر کردیم استعداد تان را با مطالعه بیشتر پرورش دهید :

کنون از حال زار من مبرسید
که فرم دوستان در عالم خود
خراب یزار و حیران نمودی
بت شیرین ادا می از غم خود
شکیلا نور از بوهنی علم طبیعی یک بیت از شعر انتخابی تان :
ای قاسد آرزو نامه زد لانداری
از هر تسلی زبانش سخنی ساز
لینا نارام ازلیسه آریانا (خواهر عزیزه) ماد راد بیات دربی ژانری به نام طرح ندارم به املا دقت کنید .
اینهمه قبل بنام ازلیسه "مهم" (دوست عزیزه) شعر ارسالی تان زنده باشید :
ای صبا یا شهنه سالک از فلسفگی
از فراق نان سیلو جان ما بر لب رسید
برود یوار شورا این سخن باید نوشت
تا یکی این زهر تلخ جنگ تحمیلی شید
میروسی نژاد ازلیسه انصاری (دستور زبان) و زن قافیه و دیگر معاییر شعری را با موزید "رباعی تان لغزشهای فراوان داشت) ، فرید احمد امید ازما - رشریف (استعداد خوب دارید بیشتر زحمت بکشید آینه روشن شمارا استقبال میکند ، دوست از نزل تان :
باز فصل باغ بوستان میرسد
لبیل دل در گلستان می رسد
سبز میگردد چمنزار امید
نوعوس باغ خندان می رسد
شکیلا پوهس از مزارشرف (طبع روان تان را روان تر میخوانیم سه بیت نزل تان با یاد داشت کوچک ما باز فصل نوهاران آمده
فصل شوق مند لیان آمده
باز گلگهای فریبا و قشنگ
سوی بوستان و گلستان آمده
من شکیلا خوانم هر دم این سرود
لبیل غیلم نزل خوان آمده
واژه بوستان در مصراع جام ثقیل است اگر ((بوستان)) بسازم این تقییم رفع میگردد و مصراع پنجم را به خاطر ثقل واژه هر دم این طور بسازید خوب است :
((هر زمان خواند شکیلا این سرود)) . آری از طب کابل (شعری در رسا وجود دارد) فقط بیشتر زحمت بکشید و شعر مطالعه کنید .) پارچه "ک" ازلیسه رابعه" بلخی (صرفهای که به آری جان کفتم در مورد شما نیز صدق میکند) . تورن عبد - الصادق ((هارون)) از کینناری بگرامی (دوستی های تان را به برنامه های فولکلوری راد یو فرستید) . شکیلا نجیب ازلیسه آریانا (نامه تان با چها ر چشم رسید یک بیت از گردید های تان :
چشم اگر این است ابرو این و ناز و شوه این
الوداع ای صبر و تقوی الوداع ای عقل و دین

براسمه فال گرفته ایم

متولدین ماه حمل

موفقیت های شایانی پیش رو دارید ، اما دقت کنید که متکبر و خودخواه نشوید . از صحت تان مواظبت کنید . بادوستان مهربانتر باشید . دیدار تازه در تنمیر سرنوشت شما نقش خواهد داشت .

متولدین ماه میزان

ملاحت ساختن دیگران برای برائت خود کارشایسته نیست . باید شهادت آنرا داشته باشید که خطاها و اشتباهات خود را ببینید و با پیشانی باز آنرا جبران کنید . کودکان عزیز می همسان خانواده تان میشوند . مجردها به ایجاد زنده گی مشترک تاجند روز دیگر آغاز می کنند .

متولدین ماه ثور

عهر شدن و خصمانیت بی مورد عمر شمارانیم می سازد . از مصروفیت و کار بیشتر همیشه لذت می برید و این نکته بی است که متوجه آن نشده اید . قضاوت هرگونه میباید شما همانطور زنده گی نمایید که استید ، ضرورتیست مطابق میل هر یک باشید .

متولدین ماه عقرب

ضعف بزرگ شما ، ضعف اراده تان است که نمیتوانید تصمیم عاقلانه بگیرید . دوری شما از خانواده و وطن کار نادرستی است . اعتماد شما نسبت به خانواده تان به جاست اما آنها بدون شما احساس کمبود مینمایند . مجردها دیدارهای خوبی در پیش دارند . دقت کنید انسان را با تمام ابعادش باید بشناسید .

متولدین ماه جوزا

امیدهایی که برای خوشی و خوشبختی در خانواده بزرگ شما ایجاد شده به واقعیت می پیوندد . یکی از مسافران شما به زودی نزد شما می آید و دیدار تازه شما با یک عزیزم کرده برای تان بسیار پر لذت خواهد بود . فضای خانواده تان را همواره شما نگه دارید سعی نکنید آنرا وقت و ناوقت از دست کنید .

متولدین ماه قوس

بسیاری از عزیزان انتظار دارند تا شما با آنها مهربانتر باشید . کودکان بزرگ تان بیشتر به محبت نیاز دارد . کسانی که متاهل نیستند به فکر ایجاد خانواده میشوند ولی بهتر از مصارف اضافی صرف نظر نمایند . درس بزرگ زنده گی برای متولدین این ماه تحمل و شکیبایی است .

متولدین ماه سرطان

تصمیم شما برای تحمل دشواریها و مشکلات عاقلانه است . زنده گی باغم های پیش زینماست . دیدار تازه ای که دارید برای شما امیدهای جدیدی میدهد . بدبینی و کدورت را از خود دور کنید و با امیدهای بزرگ خانواده تان رانیز جرات بخشید . آرزوهای تان برآورده میشود و انهم در همین روزها .

متولدین ماه جدی

خیالات بزرگی در سر دارید که با کار و پیگیری جدی میتوانید آنرا به واقعیت تبدیل سازید . هیچگاه با شاگردان تان رویه نادرست نکنید آنها به محبت و آموزش نیاز دارند اگر آنرا درست تربیت نکنید عذاب وجدانی بزرگی شمارا ازیت مینماید .

متولدین ماه اسد

انتخاب دوست و یاور زنده گی تان کار معقول است . تشوشت روانی خود را دور سازید . خوبست که دل بسته گی های تان به کار زنده گی افزایش می یابد . بیشتر به فکر آموزش باشید . آنچه را که در رویاها تصویری کنید واقعیت خواهد یافت .

متولدین ماه دلو

یا حق و ناامیدی را از خود دور سازید . تصمیم برای دوست داشتن یک کسی عاقلانه است . یک دوست خوب میتواند یک ثروت هنگفت و عظیم باشد . قدر دوستی را دانستن ، قدر زنده گی را دانستن است .

متولدین ماه سنبله

سفری در پیش دارید که برای تان بر خاطره و جالب است . نامه های دوستان تان را بی پاسخ نماند . همسر تان را از خود دور سازید چون آریگانه پناه خود را در وجود شما می یابند .

متولدین ماه حوت

به صحت تان توجه داشته باشید . ورزش مصروفیت بسیار خوب برای تان خواهد بود . نگذارید کسی از شما بی جهت آزرده شود . دیدار عاشقانه بی در پیش دارید ، امیدوار باشید که بخت با شماست .

سپید بازی

سفید بازی را شروع می کند
و در سه (۳) حرکت مهره سیاه را
مات می کند .

سفید بازی را شروع می کند
و در دو (۲) حرکت سیاه رامات
می کند .

جدول ضرب المثلها

عمودی :

- ۱- نقره - لباس خر
- ۲- معکوس ان قوت است - جور پراکنده - بوی نیست
- ۳- غم نداری انرا بخسر - قوغی کمر - دزدی بی پای - معکوس ان اواز خر
- ۴- ان بود برکتش نی - ی خ س
- ۵- ... حول بالله - نوشید نیست - بدون ان غذا لذتی ندارد
- ۶- مزین به در کس به انگشت که نزنده ... معکوس ان شکایت

- ۷- پروا (اصطلاحی)
- ۸- تکه ناکاره (اصطلاحی) نفس اصطلاحی - کاری کن که نی ان بسوزد نی کباب
- ۹- یکی اواز صاف و رسا دارد و دیگری ... دارد - زیر بوریا
- ۱۰- جنگ ... سر ... عدد شروع جدول
- ۱۱- بایش رابسته کن همسایه ات را زد نگیر - استم - همان خوک و همان ...

پرسش ها

انقی :

- مادرومی گویند :
- ۷- مار از ان بدش بدم غارش سبزی می کند . زورش به ان نمی رسد پیالانش می زند
 - ۸- زمستان زفت روسیاهی به ان مانده
 - ۹- شق (اصطلاحی) - هرجا انست دریای لنگ است - خشک بی سر
 - ۱۰- معکوس ان روشنی (پینتو) - شراب - نخستین عدد
 - ۱۱- قطی ارمعروف است - وقتی ازت اند تروان با هم می سوزد

- ۱- نام همین جدول ان را خدا کریم است
- ۲- می گویند ... بد برادر ندارد - ... مردان دیر پخته می شود
- ۳- تاک - برای ادم تبیل می گویند که ... تخی است - شل بی پای
- ۴- بوج های بلند - پدر پدر کلان
- ۵- دنیا را آب بگیرد اورا تانید بایش است - بالق لق سگ مردار نمی شود
- ۶- کوزه شراب - عربها

چقدر پول دارند

سه دختر قرار گذاشتند که سینما بروند هر کس باید می گفت که چند انگانی با خود دارد . شکیبا گفت : من انقدر بیسه دارم که اگر با پول ماریا، $\frac{1}{3}$ پول شعلانیز جمع شود . ماریا گفت : من انقدر پول دارم که اگر با پول شعلا، $\frac{1}{3}$ پول شکیبا نیز جمع شود . شعلانیز گفت : من ده انگانی دارم ولی با این ده انگانی $\frac{1}{3}$ پول ماریا را نیز جمع کنید . حال شما گویید هر کدام انها چه اندازه پول با خود دارند

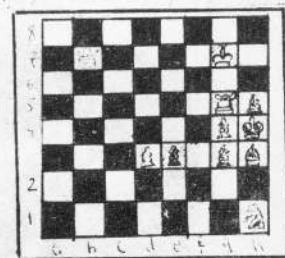
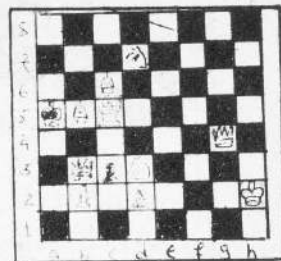
مخاسبه کنید

می گویند که عمر اسپ رابه اساس دند انها پیش تعیین میکنند ولی بیایید ما و تمام رینجا قابلیت ریاضی خود را یکار بینه ازیم . ان اسپ چند سان عمر دارد در حالیکه $\frac{1}{2}$ (یک بر دو) است

جدول ضرب المثلها

	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											
۱۱											

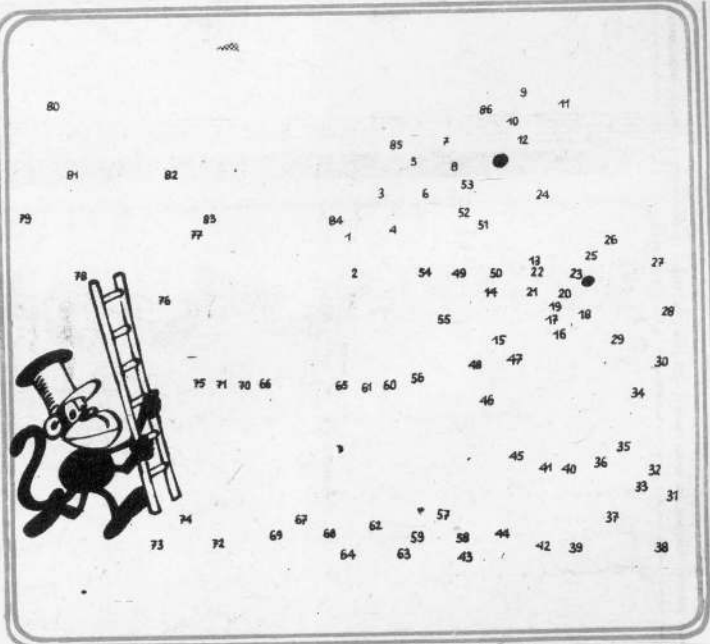
سرگرمی‌ها



پیش ادبی

حل کنید جایز بگید

برای اطفال



اگر میخواهید بدانید که برای زینه چه صورت است عدد را به ترتیب با هم وصل نمایید

درین شماره مجله ما پرسش های ادبی را مطرح می سازیم؛ دستد اران مجله بخصوص علاقمندان عرصه ادبیات فرصت دارند تا یکی دو ماه درین مورد مطالعه نموده و سپس پاسخ های ما را ارسال بدارند. البته ما جایزه های عالی برای آنها در نظر داریم. میتوانی پاسخ ها را به زبان های دری و پشتو ارسال نمایند.

۱- مولانا جلال الدین بلخی کی بود و چند اثر ادبی از او جامانده است.

۲- سنایی چگونه شاعری بود و چند دیوان شعر دارد.

۳- کتاب فیه مافیه یک ارزیابی و نتیجه گیری کلی در یکی دو صفحه تهیه نمایند.

۴- فهرست نویسندگان معاصر افغانی را با نام آثار چاپ شده آنها آماده بسازید.

۵- شمد رباره آثار یکتا از نویسندگان معاصر افغانی یک تحلیل و نقد صرف به حیث خواننده تهیه نمود و بمانفرستید.

۶- آیا شمد رباره نویسندگان قبایل آزاد معلومات دارید؟ لطفاً درین باره بمانویسید.

۷- آثار رحمن بابا و خوشحال خان خټک کدام هاست؟

۸- دوره های ادبیات را در افغانستان چگونه مطالعه نمود و ایده درن خود را ازین دوره ها بنویسید.

۹- چه وقت وضع ادبی در کشور ما درخشندگی بیشتری داشت.

صحنه گان

دینی الله عمرخیلی، فریده امید بلقیس احمدی، مریم دانستن، امیلا لطیف وردک، جاوید احمد زکی، محمد وکیل نایب، مسعوده توخی، احمد نوید وردک نورجان ضیایی عادله انورعزتی، شمیم حسن حمید، انیس نایل انزهرا تفتح محمد فتاح، سلم دانستن لیلما کاروز، خواجه ابراهیم نادره سیما، فرزوان جویان سیدعزت الله مجید، سوما فران فاطمه شریف، نادیه، معروفه درویش، سیدعزت الله مجید، گل علی فقیه فدایی، محمد فریدون خن، گل علی فهیم، سید احمد شاه حسینی، نصرت الله صحت، سید امرالله ناچه شکره انور، محمد عمرعزیز عبدالوهاب راسخ، وحید الله ابراهیمی، وحید الله حبیبی، رانیه رحمانی، محمد مصطفی شرمیلا شریفی، فاطمه یادگار سونیا اسمعیار، مرغیبه محمودزاده احمد شکیب کوهستانی، صادق احمدی.

به اساس فرقه محمد وکیل نایب و فریده امید، مستحق جایزه شناخته شدند.

قابل توجه هوپطان!

فرقه کسی جوایز بوی های فروشگاه بزرگ افغان به تاریخ ۱۸ سرطان صورت می پذیرد.

ادرس اعلان شرکت ترانزیتی صفحه عقب را چنین تصحیح نماید:

ادرس: شعرنو مقابل پارک سرك نمبر (۷) مارکیت جاده عقب زینب ننداری
نمبر تیلوفن (۳۰۲۶۲)

شرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی هرات



**باشرکت ترانزیتی و بارچالانی کاشفی
هرات در تماس شوید و مشکلات
تان را به سهولت حل سازید**

آدرس: شهر نو مقابله پارک نمبر ہفتہ مارکیٹ

هوس تیس HOSTESS

یک نام آشنا برای خانواده ها •
صابون، شامپو، جلائی موی و مواد ظرفشویی هوس
برای هر وقت برای هر کس، برای هر جا •
این اجناس را طور عمده از جاوید لند، کوچی مارکیٹ
نماینده گی ان در کوچی مارکیٹ دکان موہن لعل و ہمد کانہائی
شہر ولایات بدست آورید • همچنان این شرکت صابون ضد بخار
(DM4) را تازه وارد نموده است.

نیازمندان عجلہ نمایند :
تلفونہما (۲۰۰۰۱ - ۲۲۶۲۹)

وحید اللہ پلاسٹیک

وحید اللہ پلاسٹیک ہر نوع اسناد و کارت های شمارا توسط
ماشین بوش می کند • همچنان قرطاسیہ مورد ضرورت د و ایسر
و طلاب معارف را بہ قیمت نازل تقدیم میدارد •

آدرس: میر پور میڈیشن مقابلہ تانکہ تیس

فروشگاه ارزان

آدرس: شهر نو مقابل زینب نداری



ارزینام تازه ترین
اجناس مورد
نیازتان استقاده
نمایید ارزان و به
مفادیتما

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی مجلات و سایر جراید کشور را به سترس شما قرار میدهد همچنان هر نوع قرطاسیه مورد ضرورت دوايروطلاب معارف را به قیمت نازل تقدیم میدارد.
قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی توسط ماشین بصری اسناد و کارت دست داشته شمارا بونس میکند.

قرطاسیه فروشی ناصر سیرتی چوک میرو سیر میدان و نماینده کسب در چوک جاده میوه متصدت جسر افغان

صنایع ملی را تقویه نمایید

فروشگاه

بزرگ افغانان

بزرگترین مارکیت فروش بوتها ساخت وطن

۱۰ هزار افغانی جایزه

فقط با خرید یک جوره بوت

و بار هم

۵۰ هزار ۲۰ هزار ۱۰ هزار

افغانی جایزه نقدی

صرف با خرید یک جوره بوت

بوتهای ساخت وطن با بوتهای خارجی رقابت میکنند
بخرید و امتحان کنید

مشتریان محترم بله های خرید را نگهداری کنید و
در روز قرعه کشی که بعداً اعلان میگردد آنرا با خود داشته باشید



بزرگترین فروشگاه همیشه در خدمت شهروندان است
قدای خوب قیمت مناسب

کتابخانه دیجیتال

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**